

طبقات سلاطین اسلام

همراه با جداول تاریخی و نسب های ایشان



تألیف: استانیلی لین پول

ترجمه: عباس اقبال

طبقات سلاطین اسلام

با

جداول تاریخی و نسب‌های ایشان

بضمیمه

مقدمات تاریخی راجع به رساله

تألیف

استانلی لین پول

ترجمه

عباس اقبال



دنیا کی کتاب

نام کتاب : تاریخ طبقات سلاطین اسلام
تالیف : استانلی لین پول
ترجمه : عباس اقبال
ناشر : دنیای کتاب
تیراژ : ۲۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ : دوم
تاریخ نشر : ۱۳۶۳
صحافی : پیک
ایران - تهران - خیابان جمهوری

مقدمه مترجم

کتاب حاضر که «طبقات سلاطین اسلام» نام دارد از مشهورترین تألیفات اروپائیان در باب تاریخ ممالک اسلامیست و مؤلف آن استانیلی لین پول^۱ از مشاهیر مستشرقین فاضل انگلیسی است که بیش از پنجاه جلد کتاب و رساله در باب تاریخ و مسکوکات سلاطین اسلام تألیف کرده. این کتاب حاضر با وجود صغر حجم و اختصار در عالم علم و ادب شهرتی بسزا یافته است چنانکه آنرا مستشرق استاد بارثولد^۲ بروسی و مورخ مشهور ترک خلیل ادهم^۳ بترکی هر کدام با اصلاحات و اضافاتی ترجمه کرده اند و اخیراً نیز زنباور^۴ مستشرق آنرا اساس کار خویش قرار داده و با مراجعه به منابع دیگر کتاب کبیر خود یعنی نسب نامه را جمع بتاریخ اسلام^۵ را از روی آن تألیف نموده است.

برای کسانی که دائماً با تاریخ اسلام سروکار دارند و هر آن بدانستن تاریخ جلوس و وفات سلاطین مسلمان احتیاج پیدا می کنند در دست داشتن کتابی از این نوع از لوازم اولیه است و وجود آن طالب را علاوه بر صرفه جوئی در وقت از مراجعه به چندین صد جلد کتاب تاریخ راجع بسلاطین اسلام که غالب آنها نیز فهرست الفبائی صحیح ندارند و بعلت تفصیل استخراج مطلب از آنها مستلزم اتلاف وقت بیشمار است بی نیاز می کند مخصوصاً چون مؤلف در ضبط سنوات به چندین کتاب مختلف رجوع کرده و با اطلاع بسیطی که از مسکوکات اسلامی داشته از آنها نیز که در این مورد اصح منابع بشمار می آیند استفاده نموده سنواتی را که بدست داده بالنسبه دقیق و از غالب منابع دیگر بیشتر قابل اعتماد

است. باین احوال باز کتاب حاضر از نواقص و اشتباهات خالی نمانده و علاوه بر آنکه تمام سلسله های سلاطین و امرای اسلام را شامل نیست و بعضی سلسله های آن نیز ناقص ذکر شده يك عده از سنوات آن قابل بحث و انتقاد است.

نظر مترجم ابتدا این بود که با مراجعه بترجمه های روسی و ترکی و تحقیقاتی که از بعد از تألیف اصل کتاب (۱۳۱۱ هجری قمری) شده تا حد امکان در اصلاح و تکمیل آن بکوشد مخصوصاً قسمت راجع بطبقات سلاطین ایران را که از ذکر بعضی سلسله ها مثل اسپهبدان طبرستان و اتابکان یزد و ملوک شبانکاره و سادات مرعشی و ملوک هرموز و امرای سیستان و غیره خالی و بعضی از سنوات آن نیز اشتباهی است کامل نماید ولی عجله ای که بمناسباتی در کار طبع این ترجمه میشد و فراهم نبودن وقت طویل فارغ برای انجام این مقصود بر آن باعث آمد که کتاب را عیناً بدون کم و زیاد ترجمه کرده در دسترس عامه بگذارد تا بعد ها اگر فرصتی دست دهد در موقع طبعهای دیگر کتاب در اجرای این منظور نیز سعی شود فقط در دوسه مورد مخصوصاً در باب بعضی سلسله هایی که از بعد از تاریخ تألیف اصل کتاب باز بر ممالک اسلامی سلطنت داشته اند ذیل اسامی و سنوات راجع بسلاطین را تا موقع انقراض ایشان یا زمان حاضر آورده ایم تا دنباله مطلب قطع نشده باشد و در یکی دو مورد هم بمناسباتی بذکر بعضی توضیحات که ایراد آنها را لازم می دانسته ایم بساقید اضافه شدن آنها از طرف مترجم پرداخته ایم از این گذشته کتاب حاضر عین تألیف استانی لین پول است که از روی طبع جدید آن (سال ۱۹۲۴ م) بفارسی ترجمه شده و بسرمایه و مساعی مؤسس محترم مطبعه و مدیر کتابخانه مهر بزیور طبع آراسته گردیده است.

مقدمه مؤلف

در طبع اول کتاب

طبقات سلاطین اسلام که اینک حاضر شده نتیجه بیست سال تحقیقات من در باب مسکوکات اسلامی موزه بریتانیاست. در موقع تألیف جلد های سیزدهم «فهرست مسکوکات شرقی و هندی» من دائماً بفهرست های تاریخی احتیاج پیدا می کردم. فهرست های مفید پرینسپ^۱ که آنها را ادوارد توماس^۲ طبع نموده تنها منبعی بود در انگلیسی که می شد بآنها اعتماد کرد و غالباً هم طرف مراجعه بود ولی در حین مراجعه برخوردی که غلط آنها کم نیست بهمین جهت برای یافتن املاء صحیح اعلام و سنوات درست مجبور رجوع بکتاب مؤلفین و مورخین اسلامی شدم و فهرستهائی که از سلسله های اسلامی در مقدمه شرح مسکوکات ایشان در فهرست خود بدست داده ام همه نتیجه تحقیقات من در منابع شرقیست. غالباً فکر می کردم که اگر این فهرستها جداگانه طبع و در دسترس طالبین گذاشته شود خالی از فایده نخواهد بود. حالیه که کار فهرست مسکوکات بانجام رسیده و تمامی طبع و نشر شده این فهرستها و نسب نامه ها را جمع و بصورت تألیف علیحده منتشر مینمایم.

با وجود این باید دانست که کتاب حاضر عین آن فهرست ها و نسب ها نیست و مطالب اضافی بسیار دارد چه علاوه بر آنکه برای تحقیق سنوات بار دیگر بمنابع اسلامی مراجعه کرده و یک عده از سلسله هائی را که در فهرست مسکوکات عنوانی نداشته اند در اینجا آورده ام برای

آنکه فهرستها بفهم نزدیکتر شود بر هر کدام نیز مقدمه تاریخی مختصری اضافه نموده ام.

این مقدمات تاریخ داخلی سلسله ها را شامل نیست بلکه فقط مربوط بوقایع است که بین آن سلسله ها و سلسله های دیگر اتفاق افتاده و اصل و نسب و بسط دولت و انحطاط هر کدام را نیز متضمن است و حدود ممالك و مراحل ترقی و تنزل هر سلسله را میسرساند.

نظر بمحدود بودن مجال کتاب این امور خواهی نخواهی باختصار مذکور شده. باوجود این چون تا کنون در باب شرح روابط عموم طبقات سلاطین اسلام بایکدیگر، که هر یک در گوشه ای از عالم اسلامی فرمانروائی داشته، و مقام هر یک و ترتیب کار و جانشینی ایشان از هم کتابی در دست نداشته ایم امیدواری هست که این کتاب طالبین تاریخ را مفید افتد و من که عمر خود را صرف جمع آوری مسکوکات و آثار عتیقه اسلامی کرده ام بتجربه شخصی و جوب وجود آنرا دریافته ام. طرحیکه من در ذکر طبقات سلاطین اختیار کرده ام مطابق نظم جزو افیائی است یعنی از اسپانیا که پیش از هر یک از ممالك اسلامی از تحت تبعیت خلفای بغداد خارج شده شروع کرده و از مغرب الاقصی گرفته بسمت مشرق پیش آمده ام و با ذکر هندوستان و افغانستان کتاب را خاتمه داده، باین حال باز در بعضی موارد چنانکه در صفحه ۹۸ یاد آور شده ام اضطراراً این نظم را رعایت نکرده ام.

هر سلسله دارای مقدمه ایست تاریخی با فهرستی از سلاطین و در صورت لزوم شجره ای از نسب ایشان و در ذکر سنوات سالهای هجری (۱)

۱ - تاریخ هجری که در کتب اسلامی ذکر شده است البته صحیح تر است و تاریخ میلادی که بدست داده ایم سالی است که تاریخ هجری معادل آن در آن سال شروع *

و میلادی هر دو بدست داده شده و موقعیکه در مقدمه سال هجری مذکور است برای عدم التباس آنرا بخط خفی تر طبع کرده (۱) و در آخر هر فهرست در داخل علامت انفصال سلسله‌ای را که جای سلسله مذکور را گرفته اند یاد آور شده ایم .

در ابتدای کتاب دو جدول جامع طبقات سلاطین اسلام یکی در ایام خلافت دیگری بعد از آن ایام آورده ایم تا از ملاحظه آنها وضع هر طبقه نسبت بطبقات دیگر و میزان وسعت ممالك هر کدام مشخص گردد . کسی که در فن سکه شناسی کاهمی کند از دیدن این جداول میتواند بزمانی که هر سلسله در آن دوره ضرب سکه کرده اند پی ببرد و به حصول تاریخ شرق از روی این جداول وسعت اراضی سلسله های مختلف و موقع جغرافیائی هر کدام از آنها را در عالم اسلام می نماید و روابط خاندا نهای چند را با هم و جانشینی آنها را از یکدیگر در ممالك و ایالات مختلفه شرق درمی یابد .

شرح تجزیه ممالك وسیعه خلفا از دو منتهای الیه آن یکی از افریقا دیگری از نقطه مقابل یعنی از ولایات کنار حیحون خالی از لطف نیست زیرا چنانکه دیدیم خلفای اموی قرطبه اولین خاندانی بودند که در ریاست مذهبی خلفای شرق خال وارد ساختند و بعد از ایشان اداره و بنی الاغاب و بنی طولون و آل اخشید و فاطمیون همین راه را رفتند و بقدرت خلفای عباسی

پیشده ولی چون مابین ابتدای آنها همیشه چند ماه اختلاف وجود دارد همه وقت بایکدیگر مطابقه نمی کنند . این مطابقه تقریبی برای موارد معمولی کافیهست و جداول معادله ای که ضمیمه کتاب فهرست مسکوکات هندی من است دقیق تر است . در مواردیکه سال هجری در آخر سال میلادی شروع شده سال میلادی بعد را بعنوان معادل ذکر کرده ایم .
۱- در ترجمه این تفاوت رعایت نشده چه ماه همه وقت سال هجری را مقدم و سال میلادی را در داخل علامت انفصال باضافه حرف . م بدست داده ایم .

در ممالك غربی خلافت ضربت زدند و در همین ایام بود که سلسله های ایرانی یعنی طاهریان و صفاریان و سامانیان و دیالمه آل زیار و بویه از حیچون جاو آمده بتدریج خود را ببغداد نزدیک کردند تا آنکه آل بویه در تاریخ ۱۲ جمادی الاولی سال ۳۳۴ (۱۹ دسامبر ۹۴۵) بآن شهر داخل گردیدند و قدرت خایفه بتدریج منحصر باداره قصر خلافت گردید و غالب اوقات از اداره آن نیز عاجز می آمد.

مقارن این احوال عنصر تازه نفسی وارد میدان شد و آن طوایف ترك بودند که شروع بمداخله در ممالك اسلامی کردند. غزنویان در افغانستان مستقر شدند و سلاجقه دامنه فتوحات خود را توسعه بخشیده از هرات تادریای مدتی را نه و از بخارا تامصرا تحت استیلای خویش گرفتند هنگامی که دولت ساجوقی تجزیه یافت و آن تجزیه منجر بشعف قدرت ایشان گردید از میان اتابکان یاروسای لشکری ساجوقی سلسله های چند بیرون آمد. از یک طرف ولایات غربی تریغنی شام و دیاربکر و عراق بدست اتابکان افتاد و از طرفی دیگر خوارزمشاهیان در سمت مشرق ممالك ساجوقی دولت وسیعی تشکیل دادند که سرعت وسعت یافت و این دولت در یک موقع بیشتر ولایات را که بدست سلاجقه فتح شده شامل بود و بعلاوه افغانستان را که ابتدا غزنویان و بعد غوریان بر آن دست یافته بودند در بر داشت.

بعد از این دوره واقعه مهمی در مشرق حادث شد که از جهت عظمت سر آمده همه حوادث بود و آن که پیش آمد سیل هجوم مغول باشد از صحاری شمالی بطرف ممالك اسلامی مشرق سرازیر شده سراسر این نواحی را طعمه آتش و شمشیر کرد. غلامان ترك یعنی مماليك سلطان صلاح الدین ایوبی در مصر موفق بتأسیس سلسله های معتبر گردیدند و خاندانهای بربر نژاد

بنی مرین و بنی زیان و بنی حفص در طول ساحل شمالی افریقا جهت خود دولتهائی تربیت دادند و عیسویان بسرعت اندلس را از دست مسلمین که باعث آبادی و رونق آن بودند بیرون آوردند. باین وقایع جدول اول را ختم کرد و از حماء مغول تا امروز را در ضمن جدول دوم گنجانیده ایم. در این جداول در هر يك از قسمتهای قائم آن یکی از تقسیمات عمده ممالك اسلامی گنجانده شده ولی در این کار وسعت جغرافیائی خاص ممالك هر سلسله را رعایت نکردیم بلکه حتی المقدور بنسبت جای خاصی که وقف هر کدام نموده ایم نظر داشته ایم ولی بعات اشکال ترتیب و لزوم صرفه درجا اضطراراً باستثنا قائل شده از طوایف ترك و مغول که دخالت فکری مهمی در تاریخ اسلام نداشته اند صرف نظر کرده و محلی در این جداول برای ایشان تعیین نموده ایم.

این جداول را با اینکه در آنها خطهای سرتاسری نکشیده ایم در جهت افقی بقرن قرن تقسیم کرده ایم بشکلی که در این تقسیمات هر اینچ انگلیسی نماینده صدسال فاصله است و سال ۴۱ هجری را که سال تأسیس خلافت اموی است ابتدای آن گرفته ایم زیرا که در عهد این خلافت که اسلام تحت اداره آمده و قبل از آن نمودن دامنه پیشرفت فتوحات اسلامی و جزر و مدهای آن بطرزی رضا بخش خالی از اشکال نیست.

در مواردی که مقتضی دیده ایم اسم بعضی از فرمانروایان مشهور و خلفای معتبر را نیز در محل متعلق بسلسله های ایشان یادداشت کرده ایم و این بیشتر در مورد اشخاصی است که نام ایشان معروف محققین اروپائی است.*

* از اینجا ببعد مؤلف در سه صفحه شرحی راجع باملائی اسلامی و طرز برگرداندن آنها بحروف لاتینی و تلفظ آنها نوشته که چون بکار مانمیخورد از ترجمه آن صرف نظر کردیم.

خواننده اروپائی موقعیکه برشته درازاسامی والقباب فرمانروایان شرق برمی خورد در یافتن آن قسمت ازاسم او که يك نفر شرقی ایشان را درمواقع اختصار بآن می خواند دوچار حیرت میشود .

دراویل عهداسلام مردان نامی يك اسم یا بحد اکثر دو عنوان بیشتر نداشتند و آن اسم شخصی (۱) او بوده مثل محمد و احمد و عمر که گاهی نیز با کنیه ای مانند ابوالحسن یا نام پدر او مثل احمد بن طولون همراه بوده است . کنیه را ممکن است در بردن اسم اشخاص حذف کرد مگر در مورد ابوبکر خلیفه و نام پدر نیز همین حال را دارد ولی در سلسله ها برای مشخص کردن اشخاص متحدالاسم آوردن کنیه و نام پدر لازم است مگر وقتی که یکی بیشتر نباشد چنانکه احمد طولونی همان احمد بن طولون و موسای اول زیانی همان ابوحمواست و بذکر قیدی دیگرهحتاج نیست . مدتی بعد القاب افتخاری یادینی براسامی اضافه گردید مثل لقب نورالدین و ناصرالدین قبل از اسم و صفات المنصور والسعید والرشد مایحق بکلمه خلیفه یا ملک . معروف بین اروپائیان را مسامین هارون الرشید و Caladin را الملك الناصر صلاح الدین یوسف بن ایوب می گویند .

اشخاصی که این قبیل اسامی مفصل دارند غالباً یا لقب معروف خود مثل الناصر والمنصور والرشد معروفند و یا باقبی که مضاف بکلمه الدین یا الدواه است مثلاً برادر صلاح الدین ایوبی هم به العادل (الملك) معروفست و هم به سیف الدین .

دراسامی اتابکان موصل هم اسامی شخصی مذکور میشود و هم القاب در صورتیکه همان لقب ها کافی است مثل عماد الدین زنگی و عزالدین مسعود . بطور کلی در فهرست های این کتاب از ذکر کنیه

ها صرف نظر شده جزء اول اسامی را باید اسم فرمانروا شمرد و بقیه اجزاء آن نظری نداشت. در مواردی که چند نفر مکرر يك لقب داشته اند بهتر این است که نام شخصی اشخاص نیز برده شود مثلاً در سلاطین معالیک هشت تن دارای لقب المنصور بوده اند که باید آنها را از یکدیگر تشخیص داد مثل المنصور قلاوون والمنصور لاجین و غیره.

در صورتیکه میخواستیم منابعی را که در تهیه فهرست سلسله های مذکور در این کتاب و یاد داشته های تاریخی آن محل مطالعه واقع شده بدست دهم بایستی فهرست يك کتابخانه لازم جهت يك نفر مستشرق را در اینجا ذکر کنم چه من بکتاب عموم مورخین معتبر اسلامی و تواریخ خصوصی مراجعه کرده و از مقالاتی که در مجله های راجع با سیا و مسکوکات طبع شده استفاده نموده ام. ولی گاهی که بخصوصه در موردی از يك کتاب خاص اطلاعی گرفته ام در پاورقی بآن اشاره کرده ام.

اساس این کتاب مبتنی بر مسکوکات است و چون میزان صحت و سقم معلومات مورخین را باید بوسیله آنها مشخص نمود در این راه بیش از همه اتکای من بر مسکوکات بوده. در چنین کتابی که بر از اسامی و اشکال است خالی ماندن آن از خطا و سهو چایی از غرائب است بهمین جهت از فضائلی که مرا بر خطایای آن بیا گاهانند ممنون خواهم شد تا کسانی که این جداول را بکار میبرند از خطر لغزش مصون مانند.

استانلی لین پول

اول اکتبر ۱۸۹۳

مقدمه طبع جدید سال ۱۹۲۵ میلادی

نسخه اصلی کتاب این که در سال ۱۸۹۳ توسط کمپانی کنستابل (۱) در لندن بطبع رسیده مدت ها بود که تمام شده و چون معامین و محصلین تاریخ شرق و طالبین سکه شناسی در اروپا و بیش از همه در ممالک متحده امریکا در تحصیل آن سعی داشتند این نسخه عکسی از روی همای چاپ اول تهیه شد .

چون در چاپ عکسی اصلاح نسخه یا تکمیل آن امکان ندارد ممکن نشد که طبع جدید را با این نظر تهیه کنم و از تحقیقات جدید ز اخائو (۲) و سردنيسن رس (۳) و سرولسلی هایك (۴) و دیگران راجع ببعضی سلسله های کم اهمیت آسیای صغیر و ایران شمالی و دکن استفاده نمایم . با وجود این نواقص باز امیدوارم که این نسخه مثل سابق مفید فایده باشد .

استانلی لین پول

. اول اگوست ۱۹۲۵

فهرست مندرجات

۱ - ج	مقدمه مترجم
ح - یا	مقدمه مؤلف
مقابل صفحه ط	جدول سلسله های اسلامی در دوره خلافت
مقابل صفحه یا	جدول سلسله های اسلامی بعد از خلافت
۱۲-۲	قسمت اول خلفا
۸-۷	۱ - خلفای راشدین
۱۱-۸	۲ - خلفای اموی
۹	شجره نسب خلفا
۱۰	شجره نسب خلفای اموی
۱۲-۱۱	۳ - خلفای عباسی
۱۲۰ قابل صفحه ۱۲	شجره نسب خلفای عباسی
۲۶-۱۲	قسمت دوم - اسپانیا
۱۷-۱۵	۴ - خلفای اموی اندلس
۱۷	شجره خلفای اموی اندلس
۲۰-۱۸	۵ - امرای بنی حمود (درمالقه)
۱۹	شجره امرای حمودی
۲۰	۶ - امرای حمودی (درالجزیره الخضراء)
۲۰	۷ - امرای عبادی
۲۱-۲۰	۸ - بنی زیری
۲۱	۹ - بنی جهور
۲۱	۱۰ - بنی ذی النون
۲۲	۱۱ - بنی عامر
۲۳	۱۲ - امرای نجیبی و هوودی
۲۳	۱۳ - امرای دانیه
۲۵-۲۴	۱۴ - امرای بنی نصر
۲۶	شجره نسب امرای بنی نصر

۲۷—۵۵

۲۹

۳۳-۳۰

۳۲

۳۳

۳۴

۳۷-۳۴

۳۸

۴۱-۳۹

۴۲

۴۴-۴۳

۴۸-۴۵

۴۶

۵۰-۴۹

۵۱

۵۵-۵۱

۵۲-۵۱

۵۳-۵۲

۵۴

۵۵

۷۷—۵۶

۵۸

۵۹-۵۸

۶۱-۵۹

۶۲

۶۳

۷۰-۶۴

۶۷

۶۷

قسمت سوم افریقای شمالی

۱۵ - اداره

۱۶ - بنی الاغلب

شجره نسب بنی الاغلب

۱۷ - بنی زیری (در تونس)

۱۸ - بنی حماد

۱۹ - المرابطین

شجره نسب المرابطین

۲۰ - الموحدین

شجره نسب الموحدین

۲۱ - بنی حفص

۲۲ - بنی زیان

شجره نسب بنی زیان

۲۳ - امرای بنی مرین

امرای بنی وتعس

۲۴ - شرفای مراکش

الف - شرفای حسنی

ب - شرفای فلالی

شجره نسب شرفای حسنی

شجره نسب شرفای فلالی

قسمت چهارم مصر و شام

۲۵ - بنی طولون

۲۶ - آل اخشید

۲۷ - خلفای فاطمی

شجره نسب ائمه

شجره نسب فاطمیون

۲۸ - ایوبیان

الف - ایوبیان مصر

ب - ایوبیان دمشق

٦٨	ج - ایویان حلب
٦٨	د - ایویان الجزیره
٦٧	هـ - ایویان حماة
٦٩	حکام ایوی بی مطیع ممالیک
٦٩	و - ایویان حمص
٦٩	ز - ایویان عربستان
٧٥-٧٠	٢٩ - ممالیک
٧٢-٧١	الف ممالیک بحری
٧٣	شجره نسب ممالیک بحری
٧٥-٧٤	ب - ممالیک برجی
٧٧-٧٥	٣٠ - خدیوان مصر
٧٧	شجره نسب خدیوان مصر
٧٨-٩٥	قسمت پنجم یمن
٨٠	٣٣ - بنی زیاد
٨١	وزرا
٨١	٣٥ - بنی یعفور
٨٢	٣٥ - بنی نجاح
٨٣	٣٦ - بنی صلیح
٨٤	٣٧ - بنی حمدان
٨٥	٣٨ - بنوالمهدی
٨٥	٣٩ - بنی زریع
٨٦	شجره نسب بنی زریع
٨٧	٣٩ - ایویان یمن
٨٩-٨٨	٤٠ - رسولیان یمن
٩٠	شجره نسب رسولیان
٩١	٤١ - بنی طاهر
٩٣-٩٢	٤٢ - ائمه رسی
مقابل صفحه ٩٢	جدول نسب ائمه رسی
٩٥-٩٤	٤٣ - ائمه صنعا

۱۰۹-۹۶

قسمت ششم شام و الجزیره

۱۰۱-۹۹

۴۴- بنی حمدان

۱۰۱

۱- حمدانیان موصل

۱۰۱

۲- حمدانیان حلب

۱۰۲

شجره نسب آل حمدان

۱۰۴-۱۰۳

۴۵- آل مرداس

۱۰۶-۱۰۴

۴۶- بنو عقیل

۱۰۷-۱۰۶

۴۷- بنی مروان

۱۰۸-۱۰۷

۴۸- بنی مزید

۱۰۹

شجره نسب بنی مزید

۱۳۰-۱۱۰

قسمت هفتم ایران و ماوراءالنهر

۱۱۲

۴۹- بنی دلف

۱۱۴-۱۱۳

۵۰- بنی ساج

۱۱۵-۱۱۴

۵۱- علویان طبرستان

۱۱۶-۱۱۵

۵۲- آل طاهر

۱۱۷-۱۱۶

۵۳- صفاریان

۱۱۹-۱۱۸

۵۴- سامانیان

۱۲۰

شجره نسب سامانیان

۱۲۳-۱۲۱

۵۵- ایلک خانیّه ترکستان

۱۲۴-۱۲۳

۵۶- آل زیار

۱۲۵-۱۲۴

۵۷- بنی حسنویه

۱۲۸-۱۲۵

۵۸- آل بویه

۱۲۷-۱۲۶

الف- دیالمة فارس

۱۲۷

ب- دیالمة عراق واهواز و کرمان

۱۲۸

ج- دیالمة ری و همدان و اصفهان

۱۲۹

شجره نسب آل بویه

۱۳۰

۵۹- دیالمة کاکویه

۱۳۸-۱۱۳

۱۳۵-۱۳۲

۱۳۵

۱۳۶-۱۳۵

۱۳۶

۱۳۷-۱۳۶

۱۳۸-۱۳۷

۱۳۹-۱۳۸

مقابل صفحه ۱۲۷

۱۶۴-۱۴۰

۱۴۳-۱۴۲

۱۴۷-۱۴۳

۱۴۵-۱۴۴

۱۴۵

۱۴۵

۱۴۵

۱۴۶

۱۴۸-۱۴۷

۱۵۱-۱۴۸

مقابل صفحه ۱۴۹

۱۵۰-۱۴۹

۱۵۱-۱۵۰

۱۵۳-۱۵۲

۱۵۴-۱۵۳

۱۵۶-۱۵۵

۱۵۹-۱۵۷

۱۶۱-۱۵۹

۱۶۲

۱۶۳

۱۶۴

قسمت هشتم سلاجقه

۶۰ - سلاجقه

الف - سلاجقه بزرگ

ب - سلاجقه کرمان

ج - سلاجقه شام

د - سلاجقه عراق و کردستان

ه - سلاجقه روم

۶۰ - امرای دانشمندیه

شجره نسب سلاجقه

قسمت نهم اتابکان

۶۱ - اتابکان بوری

۶۲ - امرای زنگی

الف - اتابکان موصل

ب - اتابکان شام

ج - اتابکان سنجار

د - اتابکان الجزیره

شجره نسب اتابکان زنگی

۶۳ - امرای بکتگینی

۶۴ - ارتقیه

شجره نسب ارتقیه

الف - ارتقیه کیفا

ب - ارتقیه ماردین

۶۵ - شاهان ارمنیه

۶۵ - اتابکان آذربایجان

۶۷ - سلغریان

۶۸ - امرای هزاراسپی

۶۹ - خوارزمشاهیان

شجره نسب خوارزمشاهیان

۷۰ - قتلغ خانیه

شجره نسب قتلغ خانیه

قسمت دهم جانشینان سلاجقه در مغرب ۱۶۵-۱۷۷

۱۶۸-۱۶۶

مقابل صفحه ۱۶۸

۱۷۷-۱۶۹

مقابل صفحه ۱۷۶

» » »

۲۱۶-۱۷۸

مقابل صفحه ۱۸۲

۱۹۲-۱۸۴

مقابل صفحه ۱۸۴

۱۹۶-۱۹۳

۱۹۷

۲۰۱-۱۹۸

۲۰۱-۱۹۹

۲۰۴-۲۰۱

مقابل صفحه ۲۰۶

۲۱۲-۲۰۷

۲۱۴-۲۱۲

مقابل صفحه ۲۱۴

۲۱۶-۲۱۴

مقابل صفحه ۲۱۶

۲۳۴-۲۱۷

۲۲۱-۲۱۹

۲۲۳-۲۲۱

۲۲۴-۲۲۳

۲۲۵-۲۲۴

۲۲۶

۲۲۷

۲۳۲-۲۲۸

۷۹-۷۱ امرای آسیای صغیر

جدول امرای آسیای صغیر

۸۰ - سلاطین عثمانی

جدول ترقی و تنزل دولت عثمانی

شجره نسب سلاطین آل عثمان

قسمت یازدهم مغول

شجره سلسله‌های مغول

۸۱ - قاآنان کل مغول

شجره نسب خانان کل مغول

۸۲ - ایلخانان ایران

شجره نسب ایلخانان

۸۳ - خانان سیراردو

الف خانان باتو

ب - خانان اردا

ج - خاندانهای متخاصم

۸۴ - خانان قرم

ج - خاندان شیبان

شجره نسب خاندان جوجی

۸۰ - اولوس جهتای

شجره نسب اولوس جهتای

قسمت دوازدهم ایران

۸۶ - آل جلایر

۸۷ - آل مظفر

۸۸ - سربداران

۸۹ - امرای کرت

۹۰ - امرای قره‌قویون‌لو

۹۱ - امرای آق‌قویون‌لو

۹۲ - پادشاهان ایران

۲۳۱	۹۲ - صفویه
۲۳۱	۹۳ - افاغنه
۲۳۱	۹۴ - افشاریه
۲۳۲	۹۵ - زندیه
۲۳۲	۹۶ - قاجاریه
۲۴۳	شجره نسب صفویه
۲۴۴	شجره نسب افشاریه و زندیه و قاجاریه
۲۳۴ - ۲۵۲	قسمت سیزدهم ماوراءالنهر
۲۳۸ - ۲۲۶	۹۸ - تیموریان
مقابل صفحه ۲۸	شجره نسب تیموریان
۲۴۹	جدول خویشاوندی خانان ماوراءالنهر
۲۴۲ - ۲۴۱	۹۸ - امرای شیبانی
۲۴۳	شجره نسب امرای شیبانی
۲۴۵	امرای جانی
۲۴۷	شجره نسب امرای جانی و منگیت
۲۴۸	۱۰۰ - امرای منگیت
۲۵۱ - ۲۴۹	۱۰۱ - خانان خیوه
۲۵۲ - ۲۵۱	۱۰۲ - خانان خوقند
۲۵۳ - ۳۰۴	قسمت چهاردهم هندوستان و افغانستان
۲۶۰ - ۲۵۵	۱۰۳ - غزنویان
۲۶۱	شجره نسب غزنویان
۲۵۶ - ۲۶۲	۱۰۴ - غوریان
مقابل صفحه ۲۶۴	جدول نسب غوریان
۲۶۸ - ۲۶۵	۱۰۵ - سلاطین دهلی
۲۶۸	الف - سلاطین مملوک
۲۶۸	ب - سلاطین خلجی
۲۶۸	ج - تغلقیه
۲۶۹	د - سادات
۲۶۹	ه - لودیان
۲۶۹	و - افاغنه

۲۷۰	جدول سلاطین مملوک
۲۷۱	جدول سلاطین خلجی و تغلقیه
۲۷۲	جدول سادات و افغانه
۲۷۳	سلسله های ولایتی هند
۲۷۴	۱۰۶ - حکام و سلاطین بنگاله
۲۷۶-۲۷۵	الف - حکام بنگاله
۲۷۹-۲۷۶	ب - سلاطین بنگاله
۲۷۹-۲۷۸	۱۰۷ - سلاطین شرقی جونپور
۲۸۲-۲۷۹	۱۰۸ - پادشاهان مالوه
۲۸۲-۲۸۰	۱۰۹ - سلاطین گجرات
۲۸۳	جدول سلاطین گجرات
۲۸۵-۲۸۴	۱۱۰ - سلاطین خاندیش
۲۸۸-۲۸۶	۱۲۱ - سلاطین بهمنی
۲۸۹	جدول سلاطین بهمنی
۲۹۰	۱۱۲ - عماد شاهیان
۱۹۲	۱۱۳ - نظامشاهیان
۲۹۱	۱۱۴ - برید شاهیان
۳۹۱	۱۱۵ - عادلشاهیان
۲۹۲	۱۱۶ - قطبشاهیان
۲۹۸-۲۹۲	۱۱۷ - امپراطوران مغول هند
مقابل صفحه ۲۹۶	جدول نسب امپراطوران مغول هند
۳۰۳-۲۹۹	۱۲۸ - امرای افغانستان
۳۰۳	سلسله نسب امرای درانی
۳۰۴	سلسله نسب امرای تارکزانی

غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۰	۱۴	عبادین	عباد
»	آخر	زادی	زاوی
۲۲	۷	ابی عامر]	ابی عامر[المنصور
۲۵	۲	القانع	الغنی
۲۶	۱	قرناطه	غرناطه
۳۹	۱	الموحدین	المرا بطین
۵۰	بعد از سطر ۶	سطر ذیل افتاده است:	
	۷۶۳)	عبدال حلیم	(۱۳۶۱
۵۲	۲۰	اسماعیل بن	اسماعیل
۵۳	۸	۲۲۹۰	۱۲۹۰
۶۱	۲	عبد الله	عبید الله
»	۹	مستضر	مستنصر
»	۱۱	ابو علی	ابو علی عامر
»	۱۴	علیهی	عیسی
۷۶	۳	۲۲۴۷	۱۲۴۷
۱۱۴، ۹۴، ۹۲، ۷۸	۱۴، ۱۰، ۴، ۲، ۱۵	سعدہ	صعدہ
۹۳	۶، ۱	الموکل	المتوکل
۹۵، ۹۴	۳، ۱۸	»	»

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۰۱	۱	حمدانیان	حمدانیان موصل
»	۳	الحسین	الحسن
۱۲۲	۲	ابوالمحسن	ابوالحسن
»	۴	شرف الدوله	شرف الدین
»	۸	بغراخان	بغراخان
»	۱۹	رکن الدوله	رکن الدین
»	سطر آخر	طفرل	طغورل
۱۲۶	۲۲	ابوالفوارش	ابوالفوارس
۱۳۶	۲۲	داور	داود
۱۴۳	۴	مخبرالدین	مجیرالدین
۱۶۳	۱۷	قتلغ خان	قتلغ خاتون
۱۶۷	۶	این جمله افتاده است:	
		(امرای تکه ولایات لیسیا و پامفیلیا)	
۲۰۱	۶	اردوا	اردا
۲۰۹	۱۷	محمدسلا	محمد
۲۱۱	۱۶	حکیم گرای	حاکم گرای
۲۱۹	۸	بصفحات	بصفحات ۱۹۴، ۱۹۶
۲۶۳	۱۳	احمیر	اجمیر
۲۷۵	۱۵	شیرجان	شیرخان
۲۸۲	۶	کریم	قریم

قسمت اول

خلفا

از قرن اول هجری تا قرن هفتم
(مطابق قرن هفتم میلادی تا قرن سیزدهم)

۱ — خلفای راشدین

۲ — امویان

۳ — عباسیان

قسمت اول

خلفا

از قرن اول تا قرن هفتم هجری
(مطابق قرن هفتم تا سیزدهم میلادی)

بعد از وفات پیغمبر اسلام در سال ۶۳۲ میلادی یعنی سال یازدهم پس از هجرت آن حضرت از مکه بمدینه (ابتدای آن در سال ۶۲۲ میلادی) پدر زن حضرت رسول ابوبکر بعنوان **خلیفه** بریاست مسلمین برقرار گردید و پس از او عمر و عثمان و علی بن ابیطالب بترتیب یکی بعد از دیگری بهمین مقام رسیدند ولی هیچکدام از ایشان مؤسس سلسله‌ای نشدند . این خلفای اربعه را **الخلفاء الراشدون** میخوانند .

پس از شهادت علی بن ابی طالب در سال ۴۰ (۶۶۱ م) معاویه از فرزندان امیه که از قبیله قریش یعنی از قبیله پیغمبر اسلام بود بخلافت رسید و سلسله **خلفای اموی** را تشکیل داد ، عده این خلفاء ۱۴ نفر است و پایتخت ایشان در شهر دمشق قرار داشته . در سال ۱۳۲ (۷۵۰ م) این سلسله از ممالک اسلامی مشرق بر افتاد ولی شعبه ای از آن در اسپانیا (اندلس) باقی ماند و سلسله ای که در مشرق جای ایشان را گرفت سلسله **خلفای عباسی** است . این سلسله اخیر سی و هفت تن بودند و ایشان از فرزندان عباس عم حضرت رسولند و شهر بغداد که در سال ۱۴۵ (۷۶۲ م) بنا شده پایتخت ایشان بوده است سلسله خلفای عباسی را در سال ۶۵۶ (۱۲۵۸ م) هولاگو ایباخان مغول برانداخت ولی يك شاخه از این خلفا که بنام **خلفای عباسی مصر** معروفند قلیل زمانی در قاهره شبه قدرتی روحانی داشتند . عاقبت سلطان سلیم خان اول

سلطان عثمانی پس از تسخیر مصر در سال ۹۲۲ (۱۵۱۷ م.) آخرین خلیفه این شاخه از خاندان عباسی را هم از قاهره بقسطنطنیه انتقال داد و عنوان خلیفه ضمیمه القاب سلطان سایم گردید.

در موقع برقراری ابوبکر بخلافت قلمرو اسلام فقط شامل شبه جزیره عربستان بود ولی در مدت خلافت کوتاه آن خلیفه یعنی در عرض دو سال دامنه فتوحات مسلمین بسرعت توسعه یافت.

در سال ۱۲ (۶۳۳ م.) در نتیجه جنگ سلسل و فتوحات دیگر اراضی کلمده قدیم که عراق عرب خوانده شد با شهر حیره مسخره مسلمین گردید و در سال بعد پس از وقعه یرموک ابواب شام بر روی عساکر اسلامی مفتوح گشت.

دمشق در سال ۱۴ (۶۳۵ م.) و حمص و انطاکیه و بیت المقدس در سال بعد بچنگ ایشان افتاد و با گشودن قیساریه در سال ۱۷ (۶۳۸ م.) سراسر شام تحت لوای اسلام قرار یافت.

در همین اثنا بر اثر فتح قادیسیه در سال ۱۴ (۶۳۵ م.) شهر مداین که شامل ساوکیا و طیسفون پایتخت های قدیمه کلمده بود مفتوح ایشان شد و عراق عرب تا خلیج فارس ضمیمه ممالک اسلامی گشته شهر های کوفه و بصره ساخته شد و کمی بعد یعنی در فاصله سنوات ۱۷ و ۱۹ (۶۳۸ م. - ۶۴۰ م.) خوزستان و شوشتر نیز از **دولت ایران** بیرون رفته در تصرف مسلمین قرار یافت.

جنگ قطعی **نهایند** در سال ۲۱ (۶۴۲ م.) سلسله ساسانی را منقرض کرد و سراسر ایران را در اختیار مسلمین گذاشت و ایشان بلا مانع در این ممالک تاخته در سال ۴۱ (۶۶۱ م.) هرات را گرفتند و کمی بعد بدخاؤه افغانستان هجوم آورده تا کنار شط سند پیش رفتند و این ناحیه اخیر را از جانب خود بحکمرانی سپردند.

در سال ۵۴ (۶۷۴ م.) مسالمین بخارا را گرفتند و در سال بعد بر سمرقند استیلا یافتند ولی این تاخت و تازهای اولی مسالمین در ماوراء - النهر دنباله ای پیدا نکرد و تا سال ۹۳ (۷۱۱ م.) سرزمین مزبور چنانکه باید مسخر ایشان نشد . خلاصه مسالمین در مدت چهل سال که از تاریخ لشکر کشی ایشان بخارج عربستان میگذشت در سمت مشرق آن شبه جزیره باین همه فتوحات نائل آمدند و حدود ممالک خود را تا آنجا که اسم بردیم رساندند .

اما در سمت مغرب پیشرفت ایشان باین سرعت صورت نگرفت . در سال ۲۰ (۶۴۱ م.) مصر مسخر شد و در سال ۲۶ (۶۴۷ م.) ساحل بربر - نشین افریقا تا دروازه های شهر قرطاجنه ^۱ بچنگ لشکریان اسلام افتاد ولی بربرهای بدوی مقاومت کردند و مطیع ساختن ایشان برای مسالمین از منقاد کردن رعایای شهر نشین عیش پرست شاهان ساسانی یا یونانیان شام و مصر بمراتب سخت تر تمام شد . شهر قیروان در سال ۵۰ (۶۷۰ م.) بنا گردید و مسالمین آن را پایتخت متصرفات خود در افریقیه قرار دادند و از آنجا بشهر قرطاجنه حمله برده در سال ۷۴ (۶۹۳ م.) شهر مزبور را گرفتند و دامنه پیشرفت خود را تا ساحل محیط اطلس گشاندند .

در سال ۹۱ (۷۱۰ م.) مسالمین از طریق بندر طنجه با سپانیا حمله بردند و متصرفات سلاطین قوطی ^۲ را در آن سرزمین پس از تسخیر شهر طلیطله ^۳ مالک گردیدند .

جنوب فرانسه نیز از تعرض مسالمین مصون نماند چه مقارن سال ۱۰۷ (۷۲۵ م.) تا قاپ آن مملکت جاو آمده بودند ولی شارل مارتل ^۴ در سال ۱۱۴ (۷۳۲ م.) در نزدیکی شهر تور ^۵ بر مسالمین ظفر یافت ، با

این حال باز شهر نربونه^۱ در دست ایشان باقی ماند و دو ولایت بورگنی^۲ و دافینه^۳ بباد غارت مجاهدین اسلامی رفت. باین ترتیب در سمت مغرب مسلمین پس از يك قرن از تاریخ شروع بفتوحات باین حدود رسیدند ولی در طرف شمال یونانیان آناتولی را در مقابل هجومهای مسلمین حفظ کردند و هیچوقت این ناحیه بدست خلفایفتاد معبداً باز لشکریان اسلام ارمینیه را غارت کردند و مقارن سال ۷۰۰ میلادی تاحدود ارزنة الروم رسیدند. جزیره قبرس در سال ۲۸ (۶۴۹ م.) ضمیمه ممالك اسلامی شد ولی قسطنطنیه که از تاریخ ۵۰ (۶۷۰ م.) چندین بار طرف تعرض ایشان قرار گرفت مقاومت کرد و مسخر خلفا نشد.

بنا بر شرحیکه گذشت ممالك خاقای اسلام در موقع منتهی بسط خود از او قیانوس اطلس تا شط سند و از دریای مازندران تا سلاسله های نیل امتداد داشت.

بدیهی است که چنین ممالک وسیعی نمیتواند مدت مدیدی در تحت يك اداره بماند چنانکه بزودی تجزیه یافت و در این مرحله قدم اول از طرف یکی از افراد خاندان اموی بنام عبدالرحمن در اسپانیا برداشته شد و او در سال ۱۳۸ (۷۵۵ م.) دولتی مستقل در آنجا تشکیل داد و دست خاقای عباسی بکلی از آن خطه کوتاه گردید.

سه سال بعد ادریس نامی که خود را بخلیفه چهارم منسوب میدانست و در بنی امیه و بنی عباس یکسان مینگریست در مراکش سلسله ای عاوی درست کرد و شهر قُدغه را در ۱۷۲ (۷۸۸ م.) پایتختی اختیار نمود. بقیه افریقیه راهم بعد از آنکه حکمران اغابی آن در سال ۱۸۴ (۸۰۰ م.) بر قیروان استیلا یافت آل اغاب از تصرف خلفا بدر بردند.

در قرن بعد یعنی در تاریخ ۲۴۶ (م. ۸۷۷) ابن طولون مصر و شام را مستقل ساخت و اگرچه تاسی سال بعد از استیلای بنی طولون بر این نواحی باز خلفای عباسی حکامی بمصر و شام میفرستادند ولی در سال ۳۳۳ (م. ۹۳۴) که اخشید سلسله خود را تأسیس نمود دیگر هیچیک از ممالک مغرب شط فرات تحت نفوذ سیاسی خلیفه بغداد نماند فقط نفوذ روحانی او باقی بود و باستانای اندلس و مراکش همه جا خطبه و سکه بنام او جاری میگردید.

در طرف مشرق نیز تجزیه دولت عباسی بهمین سرعت صورت گرفت چه طاهر ذوالیمینین سردار مأمون همینکه در سال ۲۰۴ (م. ۸۴۹) بحکومت خراسان منصوب گردید رایت استقلال برافراشت و فرزندان او و سلسله هائی که بعد از ایشان روی کار آمدند یعنی صفاریان و سامانیان و غزنویان با اینکه نفوذ روحانی خلیفه را منکر نشدند اداره و ثروت ولایات شرقی ایران و ماوراءالنهر را بتمامی در دست خود گرفتند.

از نیمه قرن چهارم هجری بعد (نیمه قرن نهم میلادی) خلافت عباسی بتدریج تحت سیطره و نفوذ قراولان ترک و حاجب سالاران و امیرالامراها قرار یافت و با اینکه در همین ایام بقیه متصرفات ایشان را هم آل بویه مسخر خود کردند و حتی دارالخلافه را هم این امرا در سال ۳۳۴ (م. ۹۴۵) گرفتند باز در طرز رفتار و استبداد امیرالامراها نسبت بخلفا تغییری حاصل نشد.

از این تاریخ تا انقراض خلافت عباسی بدست مغول در سال ۶۵۶ (م. ۱۲۵۸) خلفا فقط درباری داشتند و بر هیچ سرزمینی حکومت نمی کردند. با وجود این تصادفاً در عهد خلافت ناصر دامنۀ اقتدار خلیفه از چهار دیوار قصر او جاوتر رفت و عراق عرب یعنی کماذۀ قدیم تحت حکومت او درآمد.

در تعداد طبقات سلاطینی که ممالک عباسی را زیر فرمان خود آورده اند رعایت ترتیب جغرافیائی هم طبیعی است و هم بصلاح این کار نزدیکتر، بهمین نظر ما بمناسبت اولین تجزیه‌ای که تاریخاً در دولت عباسی پیش آمده طبقه بندی خود را از اسپانیا شروع می‌کنیم و سلسله‌های اندلس و افریقای شمالی را ترتیباً اول قرار می‌دهیم سپس بمصر و شام می‌پردازیم، آنگاه سلسله‌های ایران و ماوراءالنهر را ذکر می‌کنیم و سلسله‌های هندوستان را که ممالکشان هیچوقت مطیع خلفا نبوده آخر از همه شرح می‌دهیم.

در باب ایران و شام اضطراراً ترتیب جغرافیائی رعایت نشده است زیرا که ظهور سلاجقه و مغول تقسیمات قدیم را تا مدتی بهم زده و از وجود ایشان سلسله‌های تاریخی دیگری بیرون آمده است. مقایسه زمان و قلمرو سلطنتی سلسله‌های مختلف را با یکدیگر در جداولی نموده ایم که ضمیمه آخر کتاب است.

۱ - خلفای راشدین

از ۱۱ تا ۴۰ هـ.

(۶۳۲ - ۶۶۱ م)

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۱۱	ابوبکر	۶۳۲
۱۳	عمر	۶۳۴
۲۳	عثمان	۶۴۴
۳۵ - ۴۰	علی	۶۵۶ - ۶۶۱

۲ - خلفای اموی

از ۴۱ تا ۱۳۲ هـ

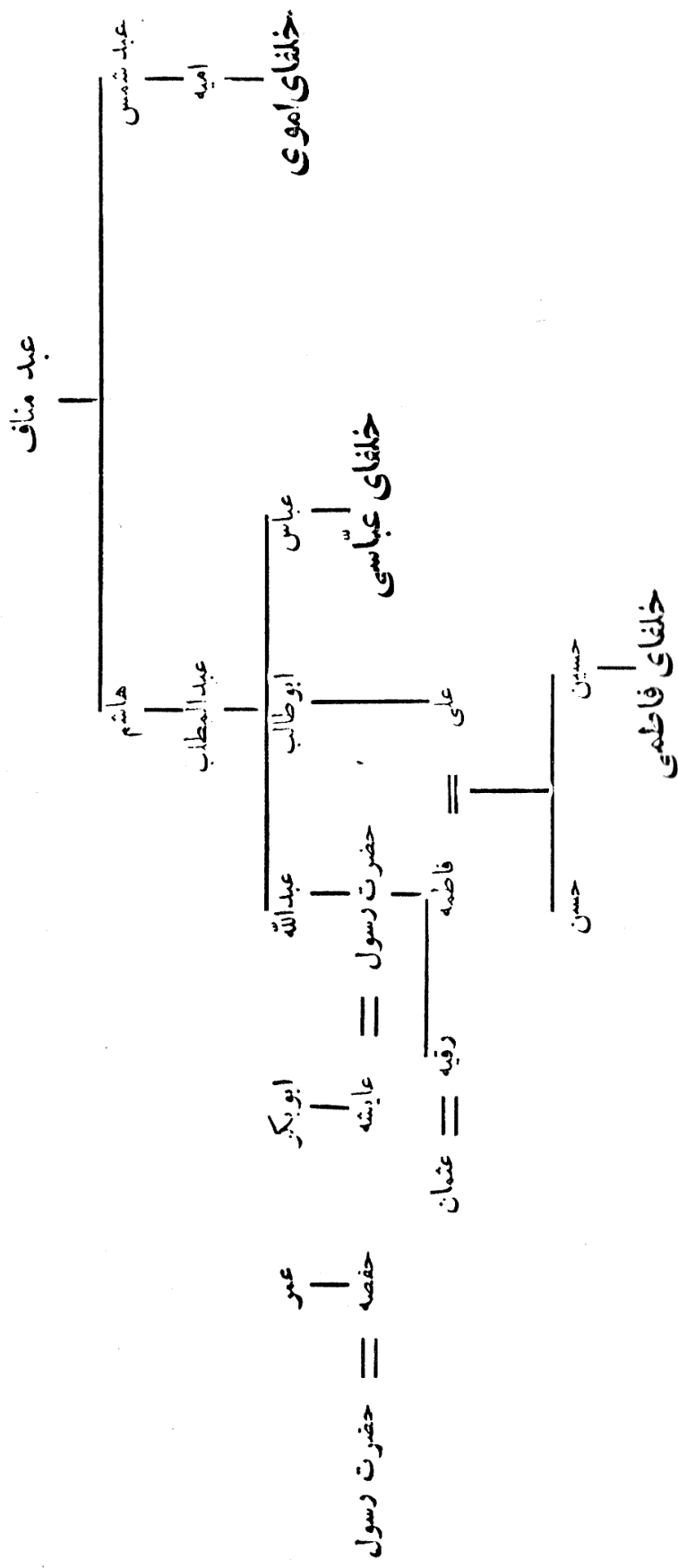
(۶۶۱ - ۷۵۰ م)

سال میلادی	اسامی	سال هجری
۶۶۱	معاویة اول	۴۱
۶۸۰	یزید اول	۶۰
۶۸۳	معاویة ثانی	۶۴
۶۸۳	مروان اول	۶۴
۶۸۵	عبد الملك	۶۵
۷۰۵	ولید اول	۸۶
۷۱۵	سایمان	۹۶
۷۱۷	عمر	۹۹
۷۲۰	یزید ثانی	۱۰۱
۷۲۴	هشام	۱۰۵
۷۴۳	ولید ثانی	۱۲۵
۷۴۴	یزید ثالث	۱۲۶
۷۴۴	ابراهیم	۱۲۶
۷۴۴-۷۵۰	مروان ثانی	۱۲۷-۱۳۲

(ممالك ایشان نصب خلفای عباسی و امویان انداس گردید)

۵۵

شرف



خلفای اموی

امیه 3

ابوالعاص

حکم

۴- مروان اول

محمد

۱۴- مروان ثانی

۶- ولید اول

۷- سلیمان

۹- یزید ثانی

۱۱- ولید ثانی

۱۲- یزید ثالث

۱۳- ابراهیم

۵- عبدالملک

عبدالعزیز

۱۰- هشام

معاویه

عبدالرحمن

خلفای اموی از دلس

حرب

ابوسفیان

۱- معاویه اول

۲- یزید اول

۳- معاویه ثانی

۳- خلفای عباسی

از ۱۳۲ تا ۶۵۶ هـ.

(۷۵۰-۱۲۵۸ م)

سال میلادی	نام خلیفا	سال هجری
۷۵۰	سفاح	۱۳۲
۷۵۴	منصور	۱۳۶
۷۷۵	مهدی	۱۵۸
۷۸۵	هادی	۱۶۹
۷۸۶	رشید	۱۷۰
۸۰۹	امین	۱۹۳
۸۱۳	مأمون	۱۹۸
۸۳۳	معتمد	۲۱۸
۸۴۲	واثق	۲۲۷
۸۴۷	متوکل	۲۳۲
۸۶۱	منتصر	۲۴۷
۸۶۲	مستعین	۲۴۸
۸۶۶	معتر	۲۵۱
۸۶۹	مهدی	۲۵۵
۸۷۰	معتمد	۲۵۶
۸۹۲	معتمد	۲۷۹
۹۰۲	مکنفی	۲۸۹
۹۰۸	مقتدر	۲۹۵
۹۳۲	قاهر	۳۲۰
۹۳۴	راضی	۳۲۲

خلفای عباسی

عباس

عبدالله

عابی

سایمان

موسی

عبدالله

محمد

عیسی

ابراهیم

سفاّح

۲- منصور

۳- مهدي

۴- هادی

۵- رشید

ابراهیم
(مدعی خلافت در ۲۰۲ ۲۰۲)

منصور

۶- امین

۷- مأمون

۸- معتصم

۱۰- متوکل

۹- واثق

محمد

۱۲- المستعین

۱۴- مهدي

موفق

۱۵- معتمد

۱۳- معتز

۱۱- منتصر

۱۶- معتضد

۱۷- مقتدی

۱۸- مقتدر

۱۹- قاهر

۲۰- راضی

۲۱- متقی

۲۲- مطیع

۲۲- مستعفی

۲۵- قادر

۲۴- طائع

۲۶- قائم

۲۷- مقتدی

۲۸- مستظهر

۲۹- مسترشد

۳۰- راشد

۳۱- مقتفی

۳۲- مستجد

۳۳- مستضیی

۳۴- ناصر

۳۵- ظاهر

مستنصر

۳۶- مستنصر

خلفای عباسی مصر

۳۷- مستعصم

(مقابل صفحه ۱۲)

۹۴۰	مثنوی	۳۲۹
۹۴۴	مستکفی	۳۳۳
۹۴۶	طبع	۳۳۴
۹۷۴	طایع	۳۶۳
۹۹۱	قادر	۳۸۱
۱۰۳۱	قائم	۴۲۲
۱۰۷۵	مقتدی	۴۶۷
۱۰۹۴	مستظهر	۴۸۷
۱۱۱۸	مسترشد	۵۱۲
۱۱۳۵	راشد	۵۲۹
۱۱۳۶	مقتفی	۵۳۰
۱۱۶۰	مستجد	۵۵۵
۱۱۷۰	مستغنی	۵۶۶
۱۱۸۰	ناصر	۵۷۵
۱۲۲۵	ظاهر	۶۲۲
۱۲۲۶	مستنصر	۶۲۳
۱۲۵۸-۱۲۴۲	مستعصم	۶۴۰-۶۵۶

(ممالک عباسی نصیب اداره و بنی اغاب و بنی طولون
و طاهریان و صفاریان و آل بویه و بنی حمدان و
غزنویان گردید .)

قسمت دوم

اسپانیا

از قرن دوم تا قرن نهم هجری
مطابق قرن هشتم تا پانزدهم میلادی

- ۴ - امویان قرطبه
سلسله های کوچک کم اهمیت
- ۵ - بنی حمّود (مالقه)
- ۶ - بنی حهّود (الجزیره الخضراء)
- ۷ - بنی عبّاد (اشبیلیه)
- ۸ - بنی زیری (غرناطه)
- ۹ - بنی جهّور (قرطبه)
- ۱۰ - بنی ذی النّون (طلیطله)
- ۱۱ - بنی عامر (بلنسیه)
- ۱۲ - امرای تجیبی و بنی هود (سرقسطه)
- ۱۳ - امرای دانیه
المرابّین « رجوع کنید بشمال افریقا »
الموحّدین « » » »
- ۱۴ - بنی نصر (غرناطه)

قسمت دوم

اسپانیا

از قرن دوم تا نهم هجری

﴿ مطابق قرن هشتم تا پانزدهم میلادی ﴾

اسپانیا را مسالمین در فاصله بین سالهای ۹۱ و ۹۳ (۷۱۰-۷۱۲ م.) تسخیر کردند و آنرا تا سال ۱۳۸ (۷۵۶ م.) مثل سایر ممالک اسلامی بتوسط حکامی که بدانجا میفرستادند اداره مینمودند.

در میان چند تن از خاندان اموی که از قتل عام بنی عباس نجات یافتند شخصی بود از نوادگان هشام خایفه دهم اموی بنام عبدالرحمن. این شخص بعد از چند سال سرگردانی از بی نظمی اسپانیا استفاده کرده بمناسبت دشمنی بین برانره و قبایل عرب با یکدیگر متحکم شد که در آن سرزمین عالی رغام بنی عباس دستگاه خلافتی جهت خود ترتیب دهد و چون مسالمین اسپانیا را در اجابت مسؤل خویش موافق یافت در آخر سال ۱۳۷ (۷۵۵ م.) داخل آن شبه جزیره شد و سال بعد یعنی در ۱۳۸ غالب مسالمین اسپانیا در تبعیت او درآمدند و عبدالرحمن موفق گردید که حاوی تعرضات عساکر عباسی را نیز بگیرد.

جانشینان او در قرطبه بحفظ مقام خود باقی ماندند و توانستند که با تحصیل بعضی پیشرفتها در مدت دو قرن از یکطرف حاوی دست اندازیهای عیسویان را در سمت شمال بگیرند و از طرفی دیگر عصیانهای را که از جانب رعایای ایشان بروز میکرد بخوابانند.

این سلاطین تاهمتی بهمان عنوان امیری یا ساطانی قناعت داشتند

ولی عبدالرحمن الثالث در سال ۳۱۷ (م. ۹۲۹) عنوان خلیفه اختیار کرد و این خلیفه بزرگترین امویان اندلس است و او نه تنها در میان رعایای خود بقدرت حکومت میکرده و سلاطین عیسوی لیون^۱ و قسطنطون^۲ و نواره^۳ را مغلوب ساخته بلکه مهاجمینی را که از افریقا با سپانیا هجوم آورده بودند بیرون رانده و بوسیله سفاین توانا بر دریای مدیترانه نیز استیلا یافته است.

پس از مرگ او هیچیک از اخلافش نتوانستند دنباله عملیات او را بگیرند ولی المنصور^۴ وزیر و سردار مشهور موفق ب حفظ وحدت ممالک اموی شد.

در ابتدای قرن پنجم (ابتدای قرن یازدهم میلادی) انقلابات و حوادثی در اسپانیا بظهور رسید و بر اثر این وقایع يك عده سلسله‌های کوچکی که در تاریخ اندلس ملوک الطوائف^۵ خوانده میشوند بوجود آمدند و غالب ایشان را خاندان معارف پرور بنی عباد که در اشبیلیه مقیم بودند از میان برداشتند و این خاندان تا مدتی بتهائی اندلس را در مقابل دست اندازیهای عیسویان حفظ میکردند و چون عاجز آمدند المرابطین را از افریقا بیاری خود طلبیدند ولی المرابطین بزودی باستبداد پرداخته بر بنی عباد سیادت یافتند و خود فرمانفرمای اندلس اسلامی گردیدند.

۴ - خلفای اموی اندلس

(در قرطبه)

از ۱۳۸ تا ۴۲۲

(مطابق ۷۵۶ - ۱۰۳۱ میلادی)

سال میلادی

اسامی

سال هجری

۷۵۶

عبدالرحمن اول

۱۳۸

۷۸۸	هشام اول	۱۷۲
۷۹۶	حکیم اول	۱۸۰
۸۲۲	عبدالرحمن ثانی	۲۰۶
۸۵۲	محمد اول	۲۳۸
۸۸۶	منذر	۲۷۳
۸۸۸	عبدالله	۲۷۵
۹۱۲	عبدالرحمن ثالث ، الخليفة الناصر	۳۰۰
۹۶۱	حکیم ثانی ، المستنصر	۳۵۰
۹۷۶	هشام ثانی ، المؤید	۳۶۶
۱۰۰۹	محمد ثانی ، المهدی	۳۹۹
۱۰۰۹	سایمان ، المستعین	۴۰۰
۱۰۱۰	محمد ثانی (مجدداً)	۴۰۰
۱۰۱۰	هشام ثانی (مجدداً)	۴۰۰
۱۰۱۳	سایمان (مجدداً)	۴۰۳
۱۰۱۶	علی بن حمود *	۴۰۷
۱۰۱۸	عبدالرحمن رابع ، المرتضی	۴۰۸
۱۰۱۸	قاسم بن حمود *	۴۰۸
۱۰۲۱	یحیی بن علی *	۴۱۲
۱۰۲۲	قاسم بن حمود (مجدداً)	۴۱۳
۱۰۲۳	عبدالرحمن خامس ، المستظهر	۴۱۴
۱۰۲۴	محمد ثالث ، المستکفی	۴۱۴
۱۰۲۵	یحیی بن علی (مجدداً)	۴۱۶
۱۰۳۱-۱۰۲۷	هشام ثالث ، المعتد	۴۱۸-۴۲۲

(جانشینی این سلسله نصیب سلسله های کوچک گردید)

* از سلسله بنی حمود که در جدول پنجم بیاید .

امویان اندلس

هشام (خليفة دهم اموى)

معاوية

(١) عبدالرحمن

(٢) هشام اول

(٣) حَكَم اول

(٤) عبدالرحمن ثانى

(٥) محمد اول

(٦) منذر

(٧) عبدالله

محمد

(٨) عبدالرحمن ثالث

(٩) حَكَم ثانى

عبد الجبار

سليمان

عبد المالك

عبيد الله

(١٠) هشام ثانى

هشام

حَكَم

محمد

عبدالرحمن

(١٤) عبدالرحمن خامس

(١٣) عبدالرحمن رابع

(١١) محمد ثانى

(١٢) سليمان

(١٥) محمد ثالث

(١٦) هشام ثالث

ملوك الطوائف

از ۴۰۷ تا ۴۴۹

(مطابق ۱۰۱۶-۱۰۵۷ م.)

۵- امرای بنی حمود

(در مالقه^۱)

سال هجری	آسامی	سال میلادی
۴۰۷	ابوالحسن [علی بن حمود دعاوی الناصر] یا الممتوکل	۱۰۱۶
۴۰۸	قاسم بن حمود، المأمون	۱۰۱۸
۴۱۲	یحیی (بن علی)، المعتلی	۱۰۲۱
۴۱۳	قاسم بن حمود (مجدداً)	۱۰۲۲
۴۱۶	یحیی المعتلی (مجدداً)	۱۰۲۵
۴۲۷	ادریس اول، المتأید	۱۰۳۵
۴۳۱	حسن، المستنصر	۱۰۳۹
۴۳۴	ادریس ثانی، العالی	۱۰۴۲
۴۳۸	محمد اول، المهدی	۱۰۴۶
۴۴۴	ادریس ثالث، الموفق	۱۰۵۲
۴۴۵	ادریس ثانی (مجدداً)	۱۰۵۳
۴۴۹-۴۴۶	محمد ثانی، المستعجلی *	۱۰۵۴-۱۰۵۷

(انقراض این سلسله بدست المرابطین صورت گرفت)

۱ - Malaga

* برای جداول و شجره نسب امرای جزء اندلس رجوع شود بتالیف کدرا
Codera بنام Tratado de Numismatica Arabigo- Espanola که در سال ۱۸۷۹
میلادی انتشار یافته و شامل فهرست حکام جزئی است که در اینجا نام آنها نیست.
امرای بنی حمود برای خود لقب خلیفه و امیر المؤمنین اختیار کرده بودند.

امرای حمودی

حمود [بن ابی العیش عاوی]

(امرای مالقه)

(۱) علی

(۲) قاسم

محمد

(امیر الجزیره)

قاسم

(امیر الجزیره)

(۴) ادريس

(۳) یحیی

(۵) حسن

(۶) ادريس ثاني

(۸) ادريس ثالث

(۷) محمد اول

(۹) محمد ثاني

۶ - امرای حمودی

(الجزیره الخضراء^۱)

از ۴۳۱ تا ۴۵۰

مطابق ۱۰۳۹-۱۰۵۸ م.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۴۳۱	محمد ، المهدی	۱۰۳۹
۴۴۰-۴۵۰	قاسم ، الوراق	۱۰۴۸-۱۰۵۸

(این سلسله بدست بنی عباد اقراض یافتند)

۷ - امرای عبّادی

(در اشبیلیه)

از ۴۱۴ تا ۴۸۴

(مطابق ۱۰۲۳-۱۰۹۱ میلادی)

۴۱۴	ابوالقاسم محمد اول بن اسماعیل	۱۰۲۳
۴۳۴	ابوعمر و عباد بن معتضد بن محمد اول	۱۰۴۲
۴۶۱-۴۸۴	ابوالقاسم محمد ثانی بن معتضد بن عباد	۱۰۶۸-۱۰۹۱

(این امرا بدست المرابطین از میان رفتند)

۸ - بنی زیری

(در غرناطه^۲)

از ۴۰۳ تا ۴۸۳

مطابق ۱۰۱۲-۱۰۹۰ میلادی

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۴۰۳	زادی بن زیری	۱۰۱۲

۴۱۰	حبوس [بن ما کسن صنهاجی]	۱۰۱۹
۴۳۰	بادیس بن حبوس ، المظفر ، الناصر	۱۰۳۸
۴۶۶	عبدالله بن سيف الدوله بلکین بن بادیس	۱۰۷۳
۴۸۳	تمیم بن بلکین	۱۰۹۰

(اقراض این سلسله بدست المرابطین وقوع یافت)

۹ — بنی جهور

(در قرطبه ^۱)

از ۴۲۲ تا ۴۶۱

(مطابق ۱۰۳۱ — ۱۰۶۸ میلادی)

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۴۲۲	ابوالحزم جهور (بن محمد بن جهور)	۱۰۳۱
۴۳۵	ابوالواید محمد بن جهور	۱۰۴۳
۴۵۰ — ۴۶۱	عبدالمک بن محمد	۱۰۵۸ — ۱۰۶۸

(این سلسله را امرای عبادی اشبیلیه برانداختند)

۱۰ — بنی ذی النون

(در طایطله ^۲)

از ۴۲۷ تا ۴۷۸

(مطابق ۱۰۳۵ — ۱۰۸۵ میلادی)

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۴۲۷	اسماعیل ابن عبدالرحمن بن ذی النون ، الظافر	۱۰۳۵
۴۲۹	یحیی بن اسماعیل ، المأمون	۱۰۳۷

۴۶۷-۴۷۸ یحیی بن اسماعیل بن المأمون ، القادر ۱۰۷۴-۱۰۸۵
(این سلسله را ادفونس ششم پادشاه لیون برانداخت)

۱۱ - بنی عامر

(در بلنسیه ^۱)

از ۴۱۲ تا ۴۷۸

(مطابق ۱۰۲۱ - ۱۰۸۵ میلادی)

۴۱۲	عبدالعزیز بن [ابی الحسن عبدالرحمن بن ابی عامر]	۱۰۲۱
۴۵۳	عبدالمک ، المظفر	۱۰۶۱
۴۵۷	المأمون امیر طلیطله	۱۰۶۵
۴۶۷	القادر » »	۱۰۷۴
۴۶۸	ابوبکر بن عبدالمک	۱۰۷۵
۴۷۸	القاضی عثمان بن ابی بکر	۱۰۸۵
»	القادر امیر طلیطله	»

(این سلسله را امرای عیسوی Cid و المرابطین برانداختند)

۱۲ - امرای تجیبی و هودی

(در سر قسطه ^۱)

(از ۴۱۰ تا ۵۳۶)

(مطابق ۱۰۱۹-۱۱۴۱ میلادی)

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۴۱۰	منذر بن یحیی تجیبی ، المنصور	۱۰۱۹
۴۱۴	یحیی بن منذر ، المظفر	۱۰۲۳
۴۲۰	منذر بن یحیی	۱۰۲۹

۴۳۱	سلیمان بن هود ^۱ المستعین	۱۰۳۹
۴۳۸	احمد بن سایمان ، سیف الدوله المقتدر	۱۰۴۶
۴۷۴	یوسف بن احمد ، المؤتمن	۱۰۸۱
۴۷۸	احمد بن یوسف المستعین	۱۰۸۵
۵۰۳	عبد الملك بن احمد ، عماد الدوله	۱۱۰۹
۵۱۳-۵۳۶	احمد بن عبد الملك ، سیف الدوله	۱۱۱۹-۱۱۴۱

(این سلسله را عیسویان از میان برداشتند)

۱۳- امرای دانیه^۲

از ۴۰۸ تا ۴۶۸

(مطابق ۱۰۱۷-۱۰۷۵ میلادی)

سال هجری	اسامی	
۴۰۸	مجاهد بن یوسف	۱۰۱۷
۴۳۱-۴۶۸	علی بن مجاهد ، اقبال الدوله	۱۰۴۴-۱۰۷۵

(انقراض این سلسله بدست امرای هودی صورت گرفت)

در سال ۴۷۹ (م. ۱۰۸۶) المرابطین بیاری بنی عباد در مقابل ادفونش^۳ پادشاه ولایت لیون باسپانیا آمدند و بار دیگر یعنی در سال ۴۸۳ (م. ۱۰۹۰) نیز بهمین عنوان یاسپانیا داخل گردیدند ولی در این دفعه ثانی بتصرف ممالك اسلامی اسپانیا پرداخته آنها را مسخر و ضمیمه ممالك افریقائی خود کردند (رجوع کنید بجدول ۱۹).

جانشینان المرابطین در افریقا یعنی الموحدین نیز اسپانیارا بهمین طریق در فاصله سنوات ۵۴۰ و ۵۴۵ (۱۱۴۵-۱۱۵۰ م.) متصرف شدند

۱ - سلیمان بن احمد بن محمد بن هود جذامی ، المستعین بالله

۲ - Alfenso

۳ - Denia

(رجوع کنید بجدول ۲۰). در دوره‌ای که بین استیلای الموحدین و انقراض المرابطین فاصله شده در اسپانیا بعضی سلسله‌های کوچک در بلاد بلنسیه و مرسیه وجود پیدا کرده اند که اهم ایشان سلاله بنی نصرند و این سلسله که بر غرناطه حکومت میکرده اند مردمانی مروج تمدن بودند و درباری باشکوه داشتند و قصر الحمراء نماینده دوره عظمت ایشانست و ایشان چند صباحی دوره جلال مسلمین اسپانیا را تجدید و عصر خلیفه عبدالرحمن ثالث را احیا نموده اند.

این سلسله مدتی طویل با عیسویان در زد و خورد بودند و در مقابل پیشرفت ایشان مقاومت میکردند ولی بالاخره در سال ۸۹۷ (۱۴۹۲ م.) پای تخت آن سلسله یعنی غرناطه بدست فردینان و ایزابلا سقوط یافت و با فرار ابو عبدالله^۱ آخرین امیر خاندان بنی نصر بافریقا اسپانیا بکلی از چنگ مسلمین بدررفت.

۱۴- بنی نصر

(در غرناطه)

از ۶۲۹ تا ۸۹۷

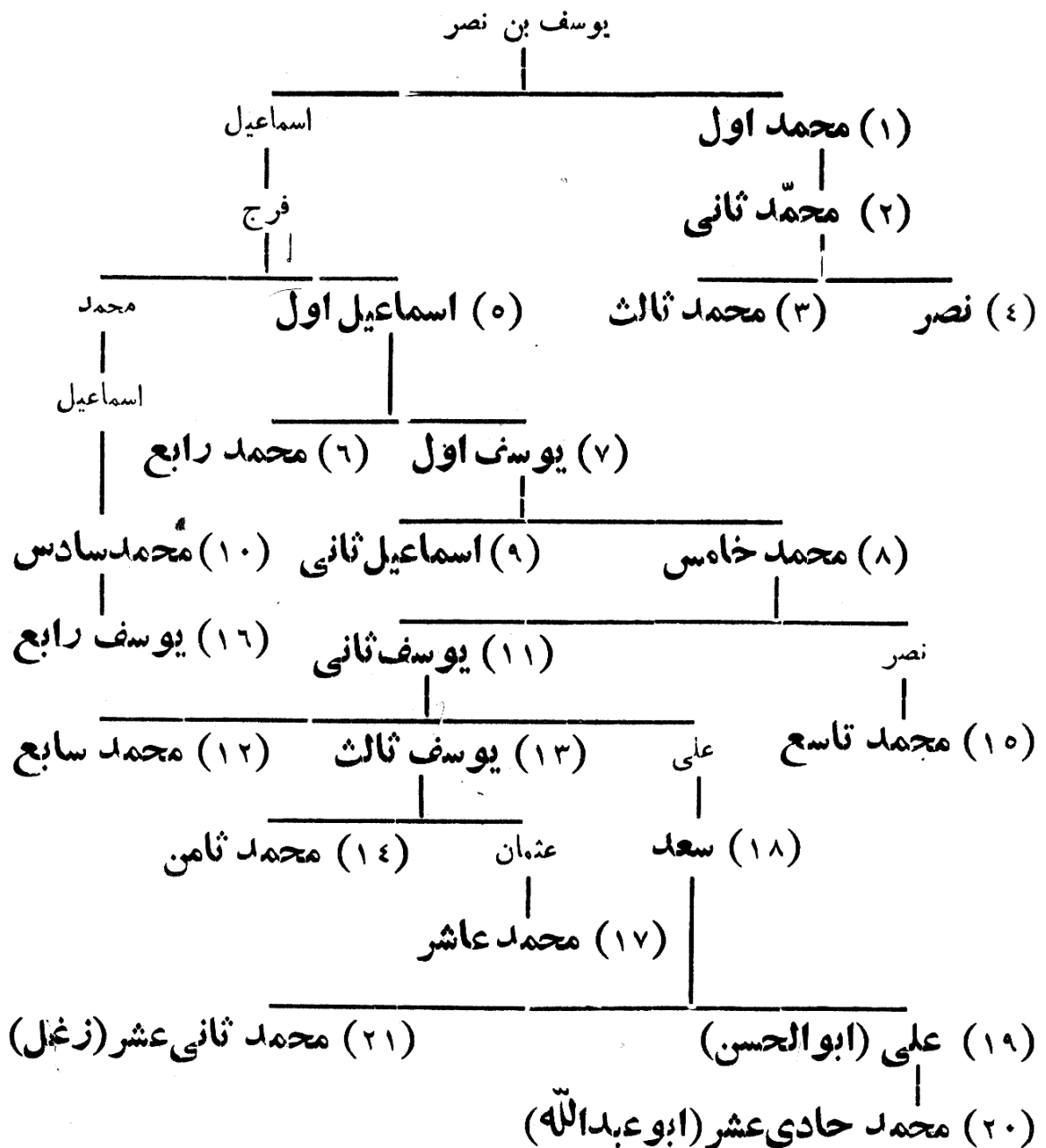
(طابق ۱۲۳۲-۱۴۹۲ م.)

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۶۲۹	محمد اول ، الغالب	۱۲۳۲
۶۷۱	محمد ثانی ، الفقیه	۱۲۷۳
۷۰۱	محمد ثالث	۱۳۰۲
۷۰۸	نصر. ابو الجیوش	۱۳۰۹
۷۱۳	اسماعیل اول ، ابو الولید	۱۳۱۴
۷۲۵	محمد رابع	۱۳۲۵

۷۳۳	یوسف ، ابو الحجاج	۱۳۳۳
۷۵۵	محمد خامس ، القانع	۱۳۵۴
۷۶۰	اسماعیل ثانی	۱۳۵۹
۷۶۱	محمد سادس ، ابوسعید	۱۳۶۰
۷۶۳	محمد خامس (مجدداً)	۱۳۶۲
۷۹۳	یوسف ثانی	۱۳۹۱
۷۹۴	محمد سابع	۱۳۹۲
۸۱۰	یوسف ثالث ، ابو الحجاج الناصر	۱۴۰۷
۸۲۰	محمد ثامن ، المتمسک	۱۴۱۷
۸۳۱	محمد تاسع ، الصغیر	۱۴۲۷
۸۳۳	محمد ثامن (مجدداً)	۱۴۲۹
۸۳۵	یوسف رابع	۱۴۳۲
۸۳۵	محمد ثامن (دفعه سوم)	۱۴۳۲
۸۴۸	محمد عاشر	۱۴۴۴
۸۴۹	سعد ، المستعین	۱۴۴۵
۸۵۰	محمد عاشر (مجدداً)	۱۴۴۶
۸۵۷	سعد (مجدداً)	۱۴۵۳
۸۶۶	علی ، ابو الحسن	۱۴۶۱
۸۸۷	محمد حادی عشر (ابو عبدالله)	۱۴۸۲
۸۸۸	علی ، ابو الحسن (مجدداً)	۱۴۸۳
۸۹۰	محمد ثانی عشر ، زغل	۱۴۸۵
۸۹۲-۸۹۷	محمد حادی عشر (مجدداً)	۱۴۸۶-۱۴۹۲

(این سلسله را فردینان وایز ابلا منقرض ساختند)

امرای بنی نصر قریطه



قسمت سوم

افریقای شمالی

از قرن دوم هجری تا قرن سیزدهم
(مطابق قرن هشتم تا قرن نوزدهم میلادی)

- ۱۵ - اداره (مراکش)
- ۱۶ - بنی الاغلب (تونس و غیره)
فاطمیون (بمصر مراجعه شود)
- ۱۷ - بنی زیری (تونس)
- ۱۸ - بنی حماد (الجزایر)
- ۱۹ - المرابطین (مراکش و الجزیره و اسپانیا)
- ۲۰ - الموحدین (افریقای شمالی و اسپانیا)
- ۲۱ - بنی زیان (الجزایر)
- ۲۲ - بنی حفص (تونس)
- ۲۳ - شرفا (مراکش)

قسمت سوم

از قرن دوم تا سیزدهم هجری

مطابق قرن هشتم تا نوزدهم میلادی

باریکه زمین مسکونی که بین صحرای کبیر افریقا و دریای مدیترانه واقعست همه وقت محل ظهور فرق مذهبی بوده و سکنه آن یعنی برابره که مردمی زود باور و دستخوش توهماتند همیشه در قبول عموم آراء اهل بدعت و فرق مذهبی اسلامی استعدادی خاص داشته اند و هر کس که بدعوی نبوت برخاسته و از اهل وطن خود اقبالی ندیده همینکه بمیان برابره آمده بخوشی پذیرفته شده و بزودی اتباع بسیار پیدا کرده است. دوری این قسمت از مرکز خلافت و طبیعت جنگجوی مردم نیز خلفای عباسی را نسبت باین ناحیه از ممالک اسلامی که چندان در نظر ایشان مهم نبود نیمه کرده و حفظ آن نیز مستلزم زحمت بسیار بوده بی توجه کرده و همین امر سبب بسط قدرت بعضی از فرق عجیب اسلامی مثل المرابطین و الموحدین در این قسمت و تأسیس سلسله های علوی مانند ادارسه و فاطمیین شده و حتی در زمان ماشیح سنوسی در این ناحیه بدعوت نبوت قیام نموده است.

افریقای شمالی را مسلمین بزحمت بسیار مابین سنوات ۲۶ و ۸۱ (۶۴۷-۷۰۰ م.) فتح کردند و سرداران خایفه با اقتداری کم و بیش آنجا را اداره می نمودند. تا مدتی که یزید بن حاتم حاکم عباسی قیروان حیات داشت طغیان برابره و خیال افتراق ایشان از سایر مسلمین پیشرفت نکرد ولی پس از فوت یزید در سال ۱۷۰ (۷۸۷ م.) افریقای شمالی معروض هرج و مرج شد و سلسله های محلی چندی تأسیس یافت که بتدریج استقلال بهم رساندند و از تاریخ ۱۸۴ (۸۰۰ م.) بعد دیگر نفوذ خلفای عباسی از ممالک واقع در مغرب مصر بکلی زائل گردید.

۱۵ - آدارسه

(درمراکش)

از ۱۷۲ تا ۳۷۵

(مطابق ۷۸۸ تا ۹۸۵ م)

در سال ۱۶۸ (۷۸۵ م) جماعتی از طرفداران آل علی در مدینه قیام کردند و در میان ایشان کسی بود بنام ادریس بن عبد الله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب . چون عمال خلفا شورش را خوابانند ادریس بمصر فرار کرده از آنجا بمراکش آمده و در ناحیه سبتة^۱ ساساه ای علوی تأسیس کرد . مسکوکاتی که از او باقیست در بلاد تَدَغِه و وِلِیْه ضرب شده و قاهر و حکومتی آدارسه مقارن سال ۲۴۶ (۸۶۰ م) بمنتهی بسط خود رسیده است و اقراض آن در سال ۳۷۵ (۹۸۵ م) صورت گرفته . ابن خلدون که تاریخ این ساساه را نوشته بعضی از سنوات را بدست نداده است .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۱۷۲	ادریس اول	۷۸۸
۱۷۷	ادریس ثانی بن ادریس اول	۷۹۳
۲۱۳	محمد بن ادریس ثانی	۸۲۸
۲۲۱	علی اول بن محمد	۸۳۶
۲۳۴	یحیی بن محمد	۸۴۹
	یحیی ثانی بن یحیی اول	
	علی ثانی بن عمر بن ادریس ثانی	
	یحیی ثالث بن قاسم بن ادریس ثانی	
۲۹۲	یحیی رابع بن ادریس بن عمر	۹۰۴
۳۱۰	حسن	۹۲۲

۱۶- بنی الاغلب

(در تونس و غیره)

از ۱۸۴ تا ۲۹۶ هجری

(مطابق ۸۰۰ - ۹۰۹ میلادی)

ابراهیم بن الاغلب در ایام هرج و مرج که متعاقب فوت یزید حکمران کل افریقیه (تونس) در سال ۱۷۰ (۷۸۷ م) پیش آمد از جانب خلیفه عباسی حکمران زاب بود . هارون الرشید در سال ۱۸۴ (۸۰۰ م) او را بحکومت افریقیه فرستاد و قرار شد که او در سمت مغرب مزاحم امرای ادریسی نشود .

ابراهیم بن الاغلب بزودی عملاً مستقل شد و لسی فرزندان او برای رعایت احترام مقام روحانی خلیفه نام او را در سکه های خود حفظ میکردند . امرای اغلبی علاوه بر آنکه در اراضی ساحلی افریقا باقتدار و عدالت حکومت میکردند جهازاتی نیز جهت خود در دریای مدیترانه فراهم ساختند و بدستیاری آنها متعرض سواحل ایتالیا و فرانسه و جزایر قُصْرَه و سَرْدَانِیَه^۲ گردیدند و جزیره صقلیه^۳ را در فاصله بین سنوات ۲۱۲ و ۲۶۲ (۸۲۷-۸۷۸ م) مسخر خود ساختند و این جزیره تا زمان فتح آن بدست نورمان ها در تصرف مسالمین باقی بود .

در ایام منتهی اقتدار امرای اغلبی در افریقا مسالمین در دریای مدیترانه استیلای کلی داشتند و راهزنان بحری ایشان سراسر آبهای آنرا میدان دستبرد خود قرار داده بودند و علاوه بر جزیره صقلیه جزایر مالطه (مالت) و سَرْدَانِیَه (ساردنی) را نیز گرفتند و حتی بحوالی شهر رم نیز دست اندازی میکردند .

در آخر کار بعلت بی کفایتی امرای آخری این سلسله و نفوذ

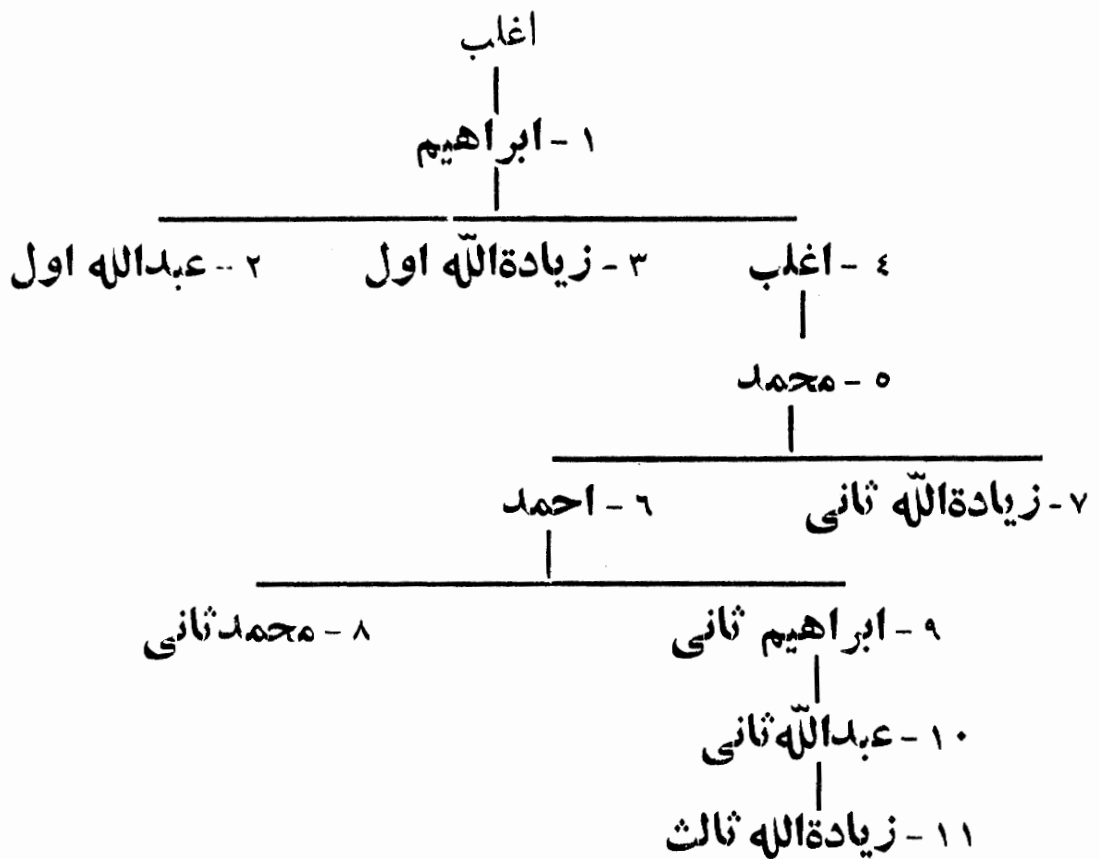
افکار تفرقه‌انگیز شیعیان ادیسی در میان رعایای ایشان راه برای پیشرفت کار فاطمیون صاف شد و بالاخره هم خلفای فاطمی این سلسله را در سال ۲۹۶ (م. ۹۰۹) برانداختند.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۱۸۴	ابراهیم اول	۸۰۰
۱۹۶	عبدالله اول	۸۱۱
۲۰۱	زیاده الله اول	۸۱۶
۲۲۳	ابو عقال الاغاب	۸۳۷
۲۲۶	محمد اول	۸۴۰
۲۴۲	احمد	۸۵۶
۲۴۹	زیاده الله ثانی	۸۶۳
۲۵۰	محمد ثانی	۸۶۴
۲۶۱	ابراهیم ثانی	۸۷۴
۲۸۹	عبدالله ثانی	۹۰۲
۲۹۰-۲۹۶	زیاده الله ثالث	۹۰۳-۹۰۹

(انقراض این سلسله بدست فاطمیون انجام گرفت)

مقام امرای اغلبی را در افریقیه خلفای فاطمیون گرفتند و این خلفا چنانکه در جدول ۲۷ بیاید اختصاصاً از امرای مصر محسوبند. دولت فاطمی در یک دوره جمیع سواحل شمالی افریقا را از مصر تا محیط اطلس شامل میشد و دوجزیره صقلیه و سردانیه نیز ضمیمه این ممالک بوده لیکن این دوات وسیع بزودی بسلسله‌های چند تجزیه یافت و یکی از عال عمده این پیش آمد انتقال پایتخت ایشان بود از افریقیه بقاهره در سال ۳۶۲ (م. ۹۷۲) و همین مسئله ولایات غربی را از تخت نظارت ایشان بیرون برد.

بنی الاغلب



حکمران فاطمی افریقیه یعنی یوسف بُلکّین رئیس برابرۀ صنهاجه خود را مستقل اعلان کرد و سلسلۀ بنی زیری را تشکیل داد .
همان اوقات سلسلۀ بنی حمّاد در شهر بجایه^۱ از بلاد الجزایر نیز تأسیس گردید و امرای این سلسلۀ اخیر حوزۀ اقتدار بنی زیری را بهمان تونس محدود کردند و نگذاشتند که ایشان از آن حد تجاوز کنند .
در مغرب الاقصی یعنی مراکش قبایل دیگری از - برابرۀ و مِکاسه و مغروه در جای ادارسه عام استقلال بر افراشتند ولی بتأسیس سلسله های مهمی توفیق نیافتند و مرابطین ایشان را از میان بردند حتی بر قسمتی از متصرفات بنی حمّاد در الجزایر نیز دست یافتند لیکن تصرف مراکز سلطنتی بنی حمّاد و بنی زیری و اقراض آن سلسله ها بدست الموحدین صورت گرفت .

۱۷ - بنی زیری

(در تونس)

از ۳۶۲ تا ۵۴۳ هجری

(مطابق ۹۷۲ تا ۱۱۴۸ میلادی)

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۳۶۲	یوسف باکین بن زیری	۹۷۲
۳۷۳	منصور بن یوسف	۹۸۳
۳۸۶	بادیس بن منصور	۹۹۶
۴۰۶	المعز بن بادیس	۱۰۱۵
۴۵۳	تمیم بن المعز	۱۰۶۱
۵۰۱	یحیی بن تمیم	۱۱۰۷

۵۰۹	علی بن یحیی	۱۱۱۵
۵۱۵-۵۴۳	الحسن بن علی	۱۱۲۱-۱۱۴۸

(این سلسله بدست رجار پادشاه صقلیه و امرای موحدی برافتادند)

۱۸- بنی حماد

(درالجزایر)

از ۴۳۸ تا ۵۴۷ هـ

(مطابق ۱۰۰۷ - ۱۱۵۲ میلادی)

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۳۹۸	حماد	۱۰۰۷
۴۱۹	القائد بن حماد	۱۰۲۸
۴۴۶	محسن بن القائد	۱۰۵۴
۴۴۷	بلکین بن محمد بن حماد	۱۰۵۵
۴۵۴ (۲)	الناصر بن علناس بن محمد	۱۰۶۲ (۲)
۴۸۱	المنصور بن الناصر	۱۰۸۸
۴۹۸	بادیس	۱۱۰۴
۵۰۰	الوزیر	۱۱۰۶
۵۴۷-۲	یحیی بن العزیز	۱۱۵۲-۲

(اقراض این سلسله بدست الموحدین صورت گرفت)

۱۹- المرابطین

(قسمتی از مراکش و الجزایر و اسپانیا)

از ۴۴۸ تا ۵۴۱ هجری

(مطابق ۱۰۵۶ - ۱۱۴۷ م)

در اواسط قرن پنجم هجری (یازدهم میلادی) قدرت مسلمین در

دریای مدیترانه بواسطه پیشرفتهای عیسویان در اسپانیا و فعالیت مردم بنادر ژنو و پیز در پس گرفتن جزایر قرصره و سردانیه و شوکت نورمان ها در ایتالای جنوبی رو بضعف گذاشت فقط خائفای فاطمی در مصر موفق بحفظ اعتبارات سابقه مسلمین گردیدند در صورتیکه امرای بنی زیری در تونس همه وقت از قاع و قمع عاصیانی که در قاهر و محدود ایشان سر بسر کشی برمیداشتند عاجز بودند و رقابت بین این امرا و بنی حماد و فاطمیون مانع از آن بود که مسلمین باتفاق یکدیگر جلوی عیسویان را بگیرند .

این کیفیات زمینه را برای نهضتی در میان مسلمین حاضر کرده بود مخصوصاً قبائل بربر که استعداد خاص جهت قیامهای مذهبی دارند و پیوسته مثل اینست که در انتظار ظهور پیشوایی دینی هستند مترصد پیش آمد چنین فرصتی بودند .

بالاخره این قائد در میان قبله **لَمْتُونَه** ظهور کرد و او که **عبدالله بن تاشفین** نام داشت برای تجدید اعتلای اسلام مردم را بجهاد خواند و برابره بزودی دعوت او را اجابت کردند. پیروان عبدالله بن تاشفین را **المرابطون** میگویند و معنی لغوی این کلمه قراولانی است که اسبان خود را در ثغور بلاد خصم حاضر نگاه دارند و اصطلاحاً بمعنی مروجین ایمان است . عیسویان اسپانیا این کلمه را به **Almarovides** تحریف کرده اند و لغت **Marabout** که در زبان فرانسه بمعنی عابد و ناسک است تحریف دیگری است از لغت **مُرابط** .

برابره **لَمْتُونَه** تحت قیادت عبدالله بن تاشفین خود را مطیع خلیفه عباسی بغداد اعلام کرده باقیبائه بزرگ **مَسْمُودَه** متفق شدند و در ایام

قیادت ابوبکر و برادر عبدالله یعنی یوسف بن تاشفین ابتداء سحلماسه و بعد در سال ۴۶۰ (۱۰۶۸ م) شهر اَعْلَمَات را گرفتند و شهر مراکش را ساختند و در ظرف پنجاه سال بعد بلاد فاس و مکناسه و سبته و طنجه و سالی و مغرب مراکش را تحت فرمان خود درآوردند.

در سال ۴۷۹ (۱۰۸۶ م) یوسف بن تاشفین که بر اثر حسن اداره و مهارت در لشکر کشی جماعت مرا بطین را فدوی خود ساخته بود بدعوت امرای بنی عباد بسرزمین اسپانیا قدم گذاشت تا ایشان را در مقابل تعرضات آدِفونِس ششم و دسانشوا امیر آراگن و پهاوان نامی عیسوی سید کامیه آدر رود ریگودیاز دوبیوار^۲ کمک نماید.

یوسف در جنگ زَلَفَه (۲۳ اکتبر ۱۰۸۶ = رمضان ۴۷۹) نزدیک بداجز^۳ (اسپانیائی آن Sacralias) لشکریان امیر قسطاله^۴ را مغلوب کرد ولی دنباله فتوحات خود را نگرفت و ۳,۰۰۰ نفر از سپاهیان خویش را بکمک مسامین اندلس گذاشته بافریقا برگشت.

در سال ۴۸۴ (۱۰۹۰ م) پادشاه مسلمان اشبیلیه بار دیگر از یوسف بن تاشفین مدد خواست. یوسف این بار باز عیسویان را مغلوب ساخته جمیع بلاد مسلمان نشین اسپانیا را از چنگ امرای عیسوی بیرون آورد مگر طلیطله که همچنان بتصرف ایشان باقی ماند و سراقسطه که امرای بنی هود آنجا را بزحمت در دست خود نگاه داشتند.

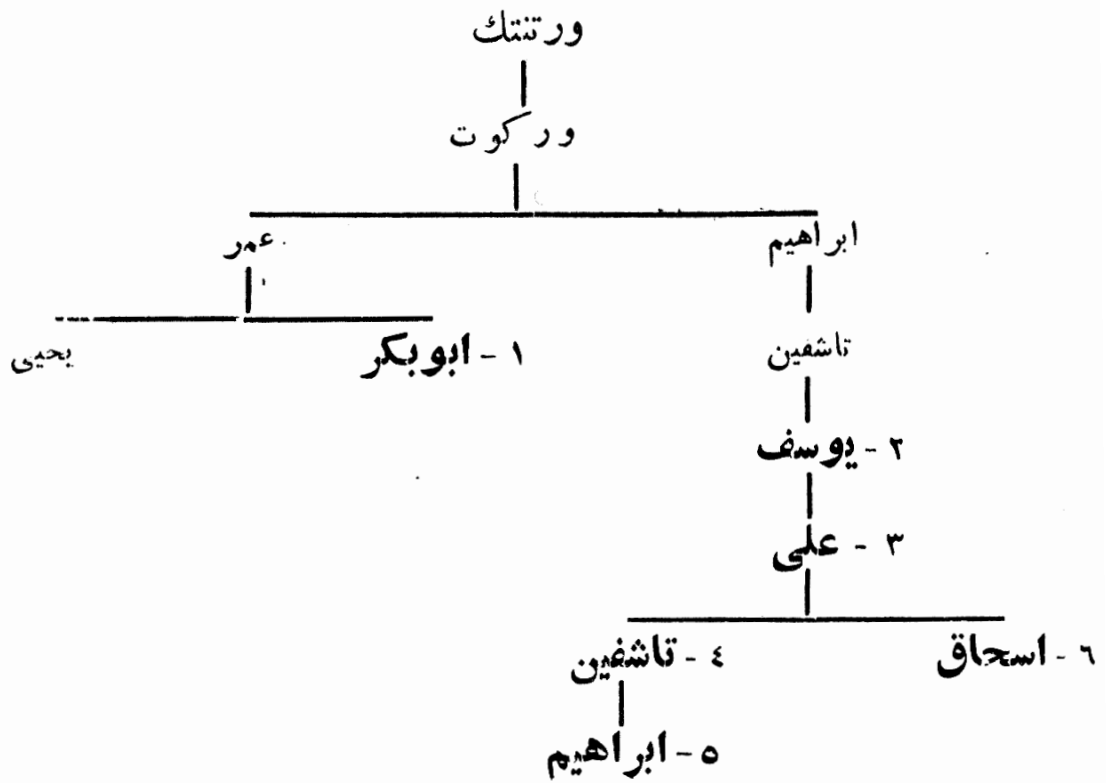
شوکت المرابطین دولت مستعجل بود و چندان مدتی دوام نکرد چه جنگیان صلب افریقائی بر اثر استقرار در اندلس بزودی صفات بدوی خود را از دست دادند و لیاقت مقاومت در مقابل عیسویان از ایشان سلب شد

در مدیترانه نیز در صدد بسط قدرت بر نیامدند و غالب بلاد الجزایر و تونس و طرابلس را هم همچنان بتصرف بنی حماد و بنی زیری باقی گذاشتند.

سلسله امرای مرابطی قریب يك قرن دوام کرد و جای ایشان نصیب مجاهدین متعصب موحدی گردید. که بزودی تمام شمال افریقا و جنوب اسپانیا را تحت استیلای خود گرفتند و عموم امرای رقیب خویش را از میان برداشتند.

سال میلادی	اسامی	سال هجری
۱۰۵۶	ابوبکر	۴۴۸
۱۰۸۷	یوسف	۴۸۰
۱۱۰۶	عالی	۵۰۰
۱۱۴۳	تاشفین	۵۳۷
۱۱۴۶	ابراهیم	۵۴۱
۱۱۴۷	اسحق	۵۴۱

الموحدین



۲۰ - الموحدین

(در کلیه شمال افریقا)

از ۵۲۴ تا ۶۶۷

﴿ مطابق ۱۱۳۰ - ۱۲۶۹ م ۰ ﴾

الموحدین که مردم اسپانیا ایشان را Almohades می‌گفتند فرقه‌ای هستند از مسلمین که بعنوان اعتراض بر عقاید مسلمین مشبهی و مجسمی قیام کرده و برخلاف ایشان بنفی تشبیه و تجسیم در باب ذات باری تعالی عقیده داشتند. قائد این فرقه ابو عبدالله محمد بن تومرت بود از برابره قبیله مسموده که مردم را بتوحید میخواند و پیروانش او را مهدی منتظر میدانستند. ابو عبدالله در سال ۵۲۲ (م. ۱۱۲۸) فوت کرد و ریاست فرقه موحدین بجانشین و برادر او یعنی عبدالؤمن رسید. عبدالؤمن در سال ۵۲۴ (م. ۱۱۳۰) رسماً بریاست موحدین قبیله مسموده برقرار گردید و از سال ۵۳۴ (م. ۱۱۴۰) دست بکار تسخیر ممالک زده از آنجمله در سال ۵۳۸ (م. ۱۱۴۴) قشون المرابطین را مغلوب ساخت و بلاد وهران و قلمسان و فاس و سبته و سالی را در ظرف دو سال گرفت و پس از محاصره مراکش در سال ۵۴۱ (م. ۱۱۴۶) و تسخیر آنجا سلسله امرای مرابطی را بر انداخت و در همین اثناء یعنی در سال ۵۴۰ (م. ۱۱۴۵) سپاهیان باسپانیا فرستاد و در مدت پنج سال تمام بلاد مسام نشین آن شبه جزیره را تحت امر خویش آورد پس از آنکه مالک مراکش و اسپانیا شد عنان توجه خود را بسمت مشرق معطوف ساخته در سال ۵۴۷ (م. ۱۱۵۲) سلسله بنی حماد را در الجزایر منقرض کرد و در سال ۵۵۳ (م. ۱۱۵۸) نورمان هائی را که بجای امرای

بنی زیری بر تونس استیلا یافته بودند از آنجا راند و طرابلس را ضمیمه ممالك خود نمود و باین ترتیب مالك جميع سواحل شمالی افریقا از مصر تا محیط اطلس گردید و فرمان خود را در این سواحل و در بلاد اسلامی اسپانیا جاری ساخت .

جانشینان عبدالمؤمن غالب اوقات را در جهاد با عیسویان اسپانیا سر می کردند ولی با شکست ناگواری که در محل Las Navas در سال ۶۳۲ (۱۲۳۵ م) یافتند زمان نکبت ایشان در این شبه جزیره در رسید و کمی بعد بترك آنجا مجبور شدند و . اسپانیا از این تاریخ ببعده بدست مجاهدین پرشور عیسوی و سلسله های کوچک امرای مسلمان افتاد و از این سلسله ها از همه مشهور تر امرای بنی نصرند (جدول ۱۴) که بیش از همه در مقابل دشمن مقاومت بخرج داده و در آنجا تا سال ۸۹۷ (۱۴۹۲ م) پایداری کرده اند تا آنکه در این تاریخ فردینان و ملکه ایزابلا جميع اسپانیارا بتصرف عیسویان در آورده یکسره مسلمین را از آن شبه جزیره خارج ساختند .

متعاقب از دست رفتن اسپانیا قدرت الموحدین از افریقا نیز زایل شد چه طرابلس را مدتها پیش یعنی در سال ۵۶۸ (۱۱۷۲ م) صلاح الدین ایوبی منتزع کرده بود و نواب الموحدین در تونس یعنی امرای بنی - حفص در آنجا در سال ۶۲۵ (۱۲۲۸ م) جهت خود سلسله مستقلی تشکیل دادند و بنی زیان در شهر تلمسان همین سیره را در سال ۶۳۳ (۱۲۳۵ م) پیش گرفتند و در مراکش هرج و مرج رو کرد و مدعیان چند بظهور رسیدند تا آنکه قبیله کوهستانی بنی مرین مداخله نموده سلسله امرای موحدی را در سال ۶۶۷ (۱۲۶۹ م) منقرض کردند و بر شهر مراکش پایتخت ایشان استیلا یافتند .

سال هجري	اسم	سال ميلادی
٥٢٤	عبد المؤمن	١١٣٠
٥٥٨	ابو يعقوب يوسف الاول	١١٦٣
٥٨٠	ابو يوسف يعقوب بن المنصور	١١٨٤
٥٩٥	محمد الناصر	١١٩٩
٦١١	ابو يعقوب يوسف الثاني بن المستنصر	١٢١٤
٦٢٠	عبد الواحد المخاوع	١٢٢٣
٦٢١	ابو محمد عبد الله العادل	١٢٢٤
٦٢٤	يحيى المعتصم	١٢٢٧
٦٢٦	ابو العلا ادریس المأمون	١٢٢٩
٦٣٠	عبد الواحد الرشید	١٢٣٢
٦٤٠	ابو الحسن السعيد	١٢٤٢
٦٤٦	ابو حفص عمر المرتضى	١٢٤٨
٦٦٥-٦٦٧	ابو العلا الواثق	١٢٦٦-١٢٦٩

(انقراض این سلسله بدست امرای مرینی و حفصی صورت گرفت)

الموحدين³

علي

١- عبد المؤمن

أبو حفص عمر

٢- أبو يعقوب يوسف الأول

محمد

٣- أبو يوسف يعقوب المنصور

٦- عبد الواحد المخلوع

امحاق

١٣- أبو العلا الواثق

٤- محمد الناصر

٧- عبد الله العادل

٩- أدريس المأمون

١٢- عمر المرتضى

٥- أبو يعقوب يوسف الثاني

٨- يحيى المعتمد

٨- يحيى المعتمد

١٠- عبد الواحد الرشيد

١١- أبو الحسن علي السعيد

(المنتصر)

۲۱- بنی حفص

(در تونس)

از ۶۲۵ تا ۹۴۱

(مطابق ۱۲۲۸ - ۱۵۳۴)

امرای بنی حفص ابتداء در تونس از امرای موحدی نیابت میکردند و حکومت آنجا را بارث در دست داشتند همینکه دوره ضعف الموحدین شروع شد ایشان موقع را غنیمت شمرده خود را مستقل کردند و سلسله‌ای تشکیل دادند که مدت سه قرن دوام داشت. این امر را در این فاصله بعدالت و کفایت در تونس حکومت میکردند و با جمهوریه‌ای ایتالیا روابط تجارتی دوستانه داشتند.

خیرالدین بربروسه تونس را بنام سلطان عثمانی در سال ۹۴۱ (۱۵۳۴ م.) مسخر نمود ولی امپراطور شارل پنجم در سال بعد امرای سلسله بنی حفص را با سلطنت برگرداند و یکدسته از قزاقان اسپانیائی را در تونس در محل غلاته گذاشت این ناحیه از این تاریخ بدست راهزنان بحری انتاد و ایشان شهر تونس را در سال ۹۷۶ (۱۵۶۸ م.) و غلاته را در ۹۸۲ (۱۵۷۴ م.) * گرفتند و با این حال باز تونس تا سال ۱۲۹۸ (۱۸۸۱ م.) از ولایات عثمانی محسوب میشد تا در این تاریخ فرانسه آنرا بتصرف خود در آورد و طرابلس هم که آنرا در سال ۹۱۶ (۱۵۱۰ م.) لشکریان اسپانیا از امرای تونس گرفته بودند در سال ۹۸۵ (۱۵۵۱ م.) بتوسط راهزنان بحری مسخر و بممالک عثمانی ضمیمه گردید.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۶۲۵	ابوز کریا یحیی الاول	۱۲۲۸
۶۴۷	ابوعبدالله محمد الاول المستنصر	۱۲۴۹

۱۲۷۷	ابوزکریا یحیی الثانی	۶۷۵
۱۲۷۹	ابواسحق ابراهیم الاول	۶۷۸
۱۲۸۴	ابوحفص عمر الاول	۶۸۳
۱۲۹۵	ابوعبدالله محمد الثانی المستنصر	۶۹۴
۱۳۰۹	ابوبکر الاول الشدید	۷۰۹
۱۳۰۹	ابوالبقا خالد الاول	۷۰۹
۱۳۱۱	ابو یحیی زکریا	۷۱۱
۱۳۱۷	ابو ذریه محمد الثالث المستنصر	۷۱۷
۱۳۱۸	ابو یحیی ابوبکر الثانی المتوکل	۷۱۸
۱۳۴۶	ابوحفص عمر الثالث	۷۴۷
[۱۳۴۶]	(دوره استیلاى امرای بنی مرین)	۷۴۷
۱۳۴۹	ابوالعباس احمد الاول الفضل	۷۵۰
۱۳۵۰	ابواسحاق ابراهیم الثانی المستنصر	۷۵۱
۱۳۶۸	ابوالبقاء خالد الثانی	۷۷۰
۱۳۷۰	ابوالعباس احمد الثانی المستنصر	۷۷۲
۱۳۹۴	ابوالفارس عبد العزیز	۷۹۶
۱۴۳۳	محمد رابع المنتصر	۸۳۷
۱۴۳۵	ابوعمر و عثمان	۸۳۹
۱۴۸۸	ابوزکریا یحیی الثالث	۸۹۳
۱۴۹۳	ابوعبدالله محمد الخامس	۸۹۹
۱۵۳۴-۱۵۲۵	الحسن	۹۴۱-۹۳۲

(رؤسای راهزنان بحری و بیكها این سلسله را بنام سلاطین عثمانی منقرض کردند)

٢٢ - بنی زیان

(درالجزایر)

از ٦٣٣ تا ٧٩٦ هجری

(مطابق ١٢٣٥ تا ١٢٧٢ میلادی)

بنی زیان درالجزایر بنیابت از جانب الموحدین حکومت داشتند و مثل مجاورین خود بنی حفص از کاسته شدن قدرت مخدومین خویش استفاده نموده خود را مستقل کردند . پای تخت ایشان در شهر قلمسان قرار داشت و دولتشان در سال ٧٩٦ (١٣٩٣ م) بدست امرای مرینی مراکش انقراض یافت .

سنه هجری	اسامی	سنه میلادی
٦٣٣	یغمرسن بن زیان	١٢٣٥
٦٨١	عثمان الاول	١٢٨٢
٧٠٣	ابوزیان الاول	١٣٠٣
٧٠٧	ابوحمو موسی	١٣٠٧
٧١٨	ابو تاشفین عبدالرحمن الاول	١٣١٨
٧٤٩	ابو سعید عثمان الثانی	١٣٤٨
	ابو ثابت الزایم	
٧٥٣	ابوحمو موسی الثانی	١٣٥٢
٧٨٨	ابو تاشفین عیدالرحمن الثانی	١٣٨٦
٧٩٦	ابوزیان الثانی	١٣٩٣

(انقراض این سلسله بدست امرای مرینی مراکش صورت گرفت)

از قرن شانزدهم میلادی تا قرن حاضر ولایات الجزایر و تونس و طرابلس کم و بیش اسماً تحت تبعیت سلاطین عثمانی بوده و ضمیمه شدن آنها بممالک عثمانی توسط دزدان بحری بربر صورت گرفته است

بنی زیان

زیان

۱- یغمر سن

۲- عثمان الاول

۳- ابو زیان الاول

۴- موسی الاول

۵- عبدالرحمن الاول

ابوز کر یحیی

عبد الرحمن

۶- ابو ثابت ۶ الف-عثمان الثاني

یوسف

۷- موسی الثاني

۹- ابو زیان الثاني

۸- عبدالرحمن الثاني

قبل از آمدن بربروسه لشکریان اسپانیائی بسرداری دُون پدرو ناوارو^۱ در ساحل افریقا بنادر الجزایر و بجایه (بوژی) و وهران (اران) و طرابلس را بتصرف خویش آورده بودند. در سال ۹۱۵ هـ. (۱۵۰۹ م.) اُروج بربروسه از مردم حادثه جوی لیبی^۲ جزیره جربا را که در مقابل ساحل طرابلس قرار دارد متصرف شد و برضد اسپانیائی ها بعملیات جنگی مشغول گردید. جیجل را در سال ۹۲۰ (۱۵۱۴ م.) و الجزایر را در سال ۹۲۲ (۱۵۱۶ م.) و تونس و تلمسان را در سال ۹۲۳ (۱۵۱۷ م.) از کف امرای مرینی بیرون آورد و در سال ۹۲۵ (۱۵۱۹ م.) برادرش خیرالدین بربروسه از طرف سلطان عثمانی بمقام بیگار بیکی یعنی حکومت کل الجزایر انتخاب گردید و از شمال افریقا فقط قاعه پنی^۳ در الجزایر تا سال ۹۲۷ هـ. (۱۵۳۰ م.) و شهر وهران تا سال ۱۱۲۱ هـ. (۱۷۰۶ هـ.) در دست اسپانیائیها باقی ماند.

در سال ۹۴۱ (۱۵۳۴ م.) خیرالدین تونس را از تصرف امرای بنی حفص خارج ساخت ولی امپراطور شارل پنجم سال بعد آنجا را مجدداً مسخر کرد و این شهر را تا سال ۹۷۱ (۱۵۶۸ م.) راهزنان الجزایر نتوانستند بتصرف خود بیاورند، شهر فوق را يك بار هم در سال ۹۸۱ (۱۵۷۳ م.) دن ژوان؛ اطیشی گرفت ولی عاقبت در تاریخ ۹۸۲ (۱۵۷۴ م.) الوج علی ه آنجا راضیمه ولایات سلطان عثمانی و طرابلس را هم در تاریخ ۹۵۹ (۱۵۵۱ م.) راهزن دیگری باسم قرغود^۴ از تصرف امرای سن ژان^۵ که پس از بیرون شدن از جزیره ردهس باین نقطه آمده بودند خارج نمود و آنرا راضیمه متصرفات باب عالی کرد.

باین ترتیب می بینم که سه ولایت الجزایر و تونس و طرابلس بترتیب

۱ - Don Pedro Navarro
۲ - Leslie
۳ - Penon
۴ - don Juan
۵ - Ochiali
۶ - Dragut
۷ - Saint Jean

در سنوات ۹۲۵ (۱۵۱۹ م) و ۹۷۶ (۱۵۶۸ م) و ۹۵۸ (۱۵۵۱ م) تحت حکومت سلاطین عثمانی قرار گرفته است .

حکومت الجزایر در ابتداء باحکامی بود که بالقب پاشا از جانب باب عالی میآمدند و بیست و شش پاشا تا سال ۱۰۸۲ (۱۶۷۱ م) باین مقام رسیدند ولی در این تاریخ اخیر فرمانده لشکریان ینی چری که لقب دای^۱ داشت پاشای حاکم الجزایر را تحت الشعاع خود قرار داد و نفوذ پاشایان رو بنقصان رفت بطوریکه در سال ۱۱۲۲ (۱۷۰۰ م) مقام پاشائی حذف شد و دای صاحب اختیار مستقل حکومت گردید و این حال تا سال ۱۲۴۶ (۱۸۳۰ م) که الجزایر بدست فرانسویان افتاد باقی بود . تونس را هم رؤسای لشگری با عنوان دای از جانب باب عالی تا سال ۱۱۱۷ (۱۷۰۵ م) اداره میکردند ولی در این تاریخ سر بازان رئیس خود را بعنوان **بیک** بحکومت برداشتند و یکی از این بیکها بساطنت نیز رسید و آن ولایت را هم فرانسویان در سال ۱۲۹۹ (۱۸۸۱ هـ م) تحت تبعیت خود در آوردند . طرابلس هنوز تحت حکومت سلطان عثمانی است و یکنفر پاشا آنجا را اداره میکند^۲ .

مراکش تنها ممالکتی است از ممالك شمال افریقا که هنوز بدست عیسویان نیفتاده است با این حال بعضی از قلاع ساحلی آنرا اسپانیادر تصرف داشته و هنوز قاعه **سبته**^۳ از آنجمله در تصرف آن دولت است . وانگلیس نیز بندر طنجه را مالک است ولی چندان در ضبط آن مراقبت بخرج نمیدهد^۴ .

۱ - dey .

۲ - یعنی تا تاریخ اصل کتاب (سال ۱۳۱۱ هـ = ۱۸۹۳ م) والا چنانکه میدانیم این ولایت را هم ایتالیا در سال ۱۳۳۲ (۱۹۱۳) متصرف شده و نام آنرا **لیبیا** Lybia گذاشته است . (مترجم)

۳ - Ceuta ، رجوع کنید بکتاب دیگر مؤلف تحت عنوان راهزنان بربری Barbary Corsairs که در سال ۱۳۰۸ (۱۸۹۰ م) تألیف شده .

این بیانات عموماً راجع است بزمان تألیف اصل کتاب و بعد از آن در احوال *

۲۳- امرای بنی مرین

(در مراکش)

از ۵۹۱ تا ۸۷۵

(مطابق ۱۱۹۵ - ۱۴۷۰ میلادی)

اگرچه امرای بنی مرین از سال ۵۹۱ (م. ۱۱۹۵) در مرتفعات مراکش استقلال و امارت داشته اند ولی پایتخت این مملکت مدتها بعد یعنی در سال ۶۶۷ (م. ۱۲۶۹) از دست الموحدین بیرون آمده و بدست امرای مرینی افتاده است و ایشان کمی بعد از تاریخ ۷۹۶ (م. ۱۳۹۳) موفق شده اند که متصرفات امرای زیانی را نیز در قسمت الجزایر ضمیمه قلمرو خود نمایند. این سلسله را یکی از قبایل مرینی که بنی و تَغَس نام داشتند در سال ۸۷۵ (م. ۱۴۷۰) از میان برداشتند.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۵۹۱	عبدالحق	۱۱۹۵
۶۱۴	عثمان الاول	۱۲۱۷
۶۳۷	محمد الاول	۱۲۳۹
۶۴۲	ابو یحیی ابو بکر	۱۲۴۴
۶۵۶	ابو یوسف یعقوب	۱۲۵۸
۶۸۵	ابو یعقوب یوسف	۱۲۸۶
۷۰۶	ابو ثابت عامر	۱۳۰۶
۷۰۸	ابو الریبع سلیمان	۱۳۰۸

* مراکش تغییرات بسیار حاصل شده و امروزه این مملکت بسه قسمت منقسم است: بندر طنجه بندریست بین المللی و تحت مقرراتی خاص اداره میشود؛ اسپانیا قسمتی از ساحل شمال شرقی آنرا بادو بندر ملیه و سبتة در تصرف دارد و فرانسه بقیه آنرا مالک است و استقلال مراکش از سال ۱۳۳۱ (۱۹۱۲ م) از میان رفته و مولای مراکش با لقب سلطان تحت حمایت فرانسه است.

(مترجم)

١٣١٠	ابو سعيد عثمان الثاني	٧١٠
١٣٣١	ابو الحسن على	٧٣١
١٣٤٨	ابو عينان	٧٤٩
١٣٥٨	السعيد	٧٥٩
١٣٥٩	ابو سليم ابراهيم	٧٦٠
١٣٦١	ابو عمر تاشفين	٧٦٢
١٣٦١	ابو زيان محمد الثاني	٧٦٣
١٣٦٦	عبد العزيز	٧٦٨
١٣٧٢	محمد الثالث السعيد	٧٧٤
١٣٧٤	{ ابو العباس احمد المستنصر } { عبد الرحمن }	٧٧٦
١٣٨٤	موسى	٧٨٦
١٣٨٤	المنتصر	٧٨٦
١٣٨٦	محمد الرابع الواثق	٧٨٨
١٣٨٧	ابو العباس احمد المستنصر (مجدداً)	٧٨٩
١٣٩٣	ابو الفارس	٧٩٦
؟	فارس المتوكل	؟
١٤٠٨	ابو سعيد	٨١١
١٤١٦	{ سعيد } { يعقوب }	٨١٩
١٤٢٤	عبد الله	٨٢٧
١٤٢٠	شريف	٨٧٥

امرای بنی و تعس

۸۷۵	شیخ و تعس السعید	۱۴۷۰
۹۰۶	محمد الاول بن السعید	۱۵۰۰
۹۳۶	احمد بن محمد	۱۵۳۰
۹۵۷	محمد الثانی بن احمد	۱۵۵۰

(این سلسله را شرفای مراکش از میان برداشتند)

۲۴ - شرفای مراکش

از ۹۵۱ تا ۱۳۱۱

﴿ مطابق ۱۵۴۴ - ۱۸۹۳ میلادی ﴾

این امرا چون خود را از فرزندان حسن بن علی بن ابی طالب و اولاد فاطمه دختر پیغمبر اسلام میدانستند خویشتن را شریف که جمع آن شرفا است می نامیدند و این سلسله شهر قارودت^۱ را در سال ۹۲۱ (۱۵۱۵ م) و بلاد مراکش و فاس را کمی بعد تصرف کردند ولی استقلال ایشان از تاریخ ۹۵۱ (۱۵۴۴ م) شروع میشود . شرفای مراکش دو طبقه اند : **حسنی و فلالی** و در مدت شش سال که سلسله دوم جای سلسله اول را گرفتند مراکش قرین هرج و مرج بوده است حدود مراکش همیشه بحال حالیه بوده ولی همه وقت دو شریف که رقیب یکدیگر محسوب میشده اند یکی در فاس مقام داشته و یکی در مراکش . شرفا بخود عنوان خایفه و امیر المؤمنین میدادند

الف - شرفای حسنی

از ۹۵۱ تا ۱۰۶۹

﴿ مطابق ۱۵۴۴ - ۱۶۵۸ میلادی ﴾

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۹۵۱	محمد الاول الشیخ	۱۵۴۴
۹۶۵	عبدالله	۱۵۵۷
۹۸۱	محمد الثانی	۱۵۷۳
۹۸۳	ابو مروان عبد الملك الاول	۱۵۷۵
۹۸۶	ابو العباس احمد الاول المنصور	۱۵۷۸
۱۰۱۲	شیخ ابو فارس زیدان	۱۶۰۳ رقبای یکدیگر
۱۰۱۶	زیدان (بتهائی)	۱۶۰۸
۱۰۳۸	ابو مروان عبد الملك الثانی	۱۶۲۸
۱۰۴۰	ولید	۱۶۳۰
۱۰۴۵	محمد الثالث	۱۶۳۵
۱۰۶۶-۱۰۶۹	احمد الثانی	۱۶۵۴-۱۶۵۸

ب- شرفای فلالی

از ۱۰۷۵ تا ۱۳۱۱

(مطابق ۱۶۶۴ - ۱۸۹۳ میلادی)

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۱۰۷۵	الرشید بن الشریف بن علی	۱۶۶۴
۱۰۸۳	اسماعیل بن السمین	۱۶۷۲
۱۱۳۹	احمد الذهبی	۱۷۲۷

۱۷۲۹	عبدالله *	۱۱۴۱
۱۷۵۷	محمد الاول	۱۱۷۱
۱۷۸۹	الیزید	۱۲۰۴
۱۷۹۲	هشام	۱۲۰۶
۱۷۹۵	سلیمان	۱۲۰۹
۱۸۲۲	عبدالرحمن	۱۲۳۸
۱۸۵۹	محمد الثاني	۱۲۷۶
۱۸۷۲	الحسن - شریف حالیه ^۱	۲۲۹۰

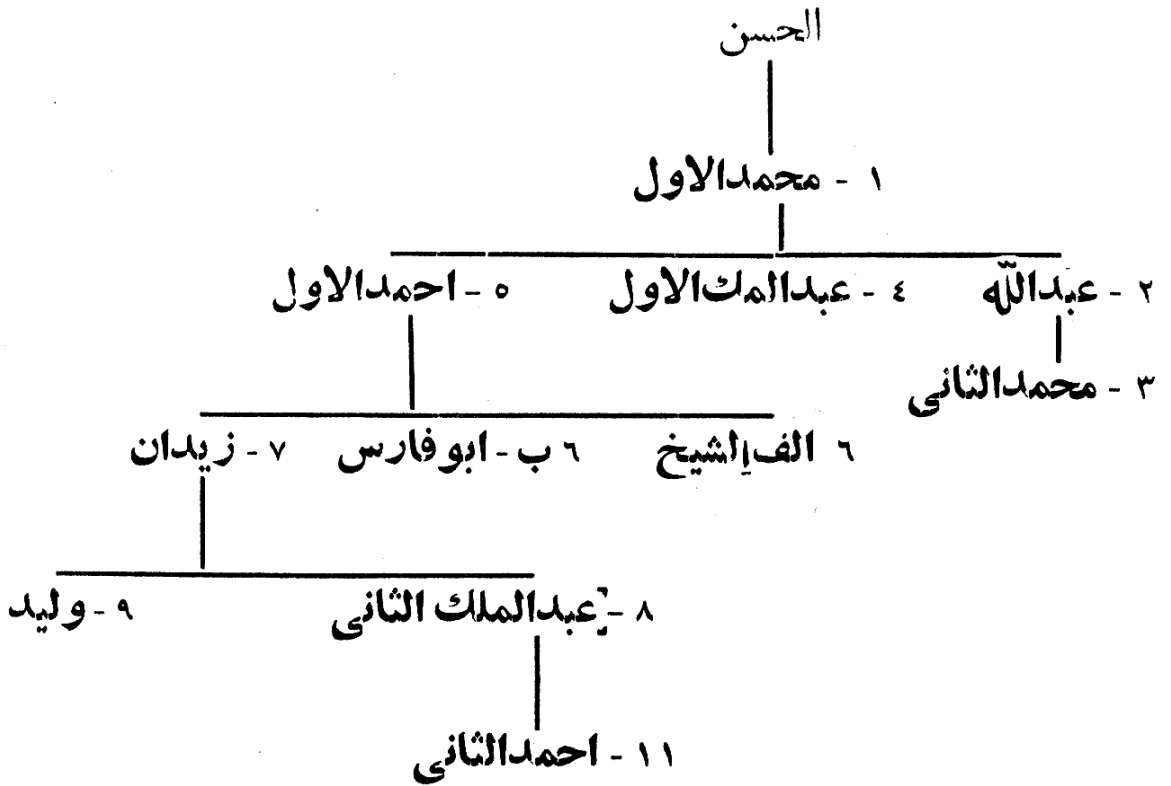
* سلطنت شرفای فالالی بواسطه سلطنت سه نفر ذیل موقتاً قطع شد : علی بن اسماعیل (۵۴۲ - ۵۴۴ = ۱۱۴۷ - ۱۱۴۹ م.) المستضی بن اسماعیل (۵۴۶ - ۵۴۸ =

۱۱۵۱ - ۱۱۵۳ م) وزین العابدین (۵۵۳ = ۱۱۵۸ م)
 ۱ - بعد از تاریخ تألیف اصل کتاب شرفای ذیل درمراکش سلطنت یافته اند:

۱۸۹۴	عبد العزیز	۱۳۱۲
۱۹۰۶	الحفیظ (درذی القعدة ۱۳۲۹ استعفا نمود)	۱۳۲۵
۱۹۱۲	یوسف (۲۹ شعبان ۱۳۳۰ سلطان مراکش خوانده شد)	۱۳۳۰
۱۹۲۷	محمد (سلطان حالیه مراکش)	۱۳۴۶

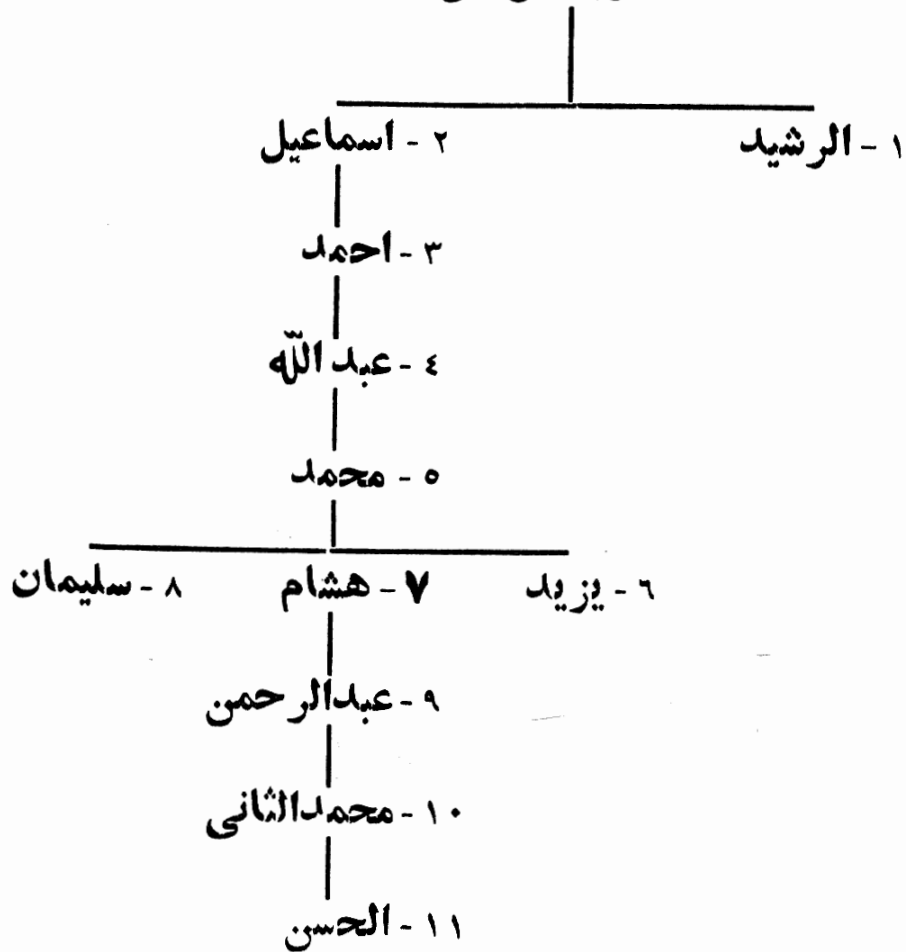
(مترجم)

شرفای حسنی



شرفای فلافی

الشريف بن عالى



قسمت چهارم

مصر و شام

از قرن سوم تا قرن سیزدهم هجری

۲۵- بنی طولون

۲۶- آل اخشید

۲۷- فاطمیون

۲۸- ایوبیان

۲۹- مماليك

سلاطین عثمانی (رجوع کنید به قسمت دهم)

۳۰- خدیوان مصر

قسمت چهارم

مصر و شام

از قرن سوم تا سیزدهم هجری

﴿ مطابق قرن نهم تا نوزدهم میلادی ﴾

مصر و شام در تاریخ اسلام غالباً تحت يك حکومت و اداره بوده است . مسلمانین شام را در بین سنوات ۱۴ و ۱۷ (۶۳۵-۶۷۸ م.) و مصر را در ۲۱ (۶۴۱ م.) تسخیر کردند . مصر از تاریخی که بدست مسلمانین افتاد تا سال ۲۵۴ (۸۶۸ م.) حکومتی میجزا بود که آن را حکامی از جانب بنی امیه و بنی عباس اداره میکردند و عده این حکام بنود و هشت میرسد . و در سال ۲۵۴ (۸۶۸ م.) احمد بن طولون حکمران جدید مصر جهت خود سلطنتی درست کرد که مدت ۳۷ سال دوام نمود و بعد از اندکی فترت آل اخشید سلطنت مصر را در دست گرفتند و مقام آن سلسله هم بخلفای فاطمی که بزرگترین سلسله سلاطین مصر در دوره قرون وسطی محسوب میشوند رسید . در زمان خلفای فاطمی مصر در شام نیز سلسله‌های مستقل چندی ایجاد گردید مثل امرای آل مرداس و بوری و اتابکان زنگی ولی همینکه صلاح الدین ایوبی ظهور کرد و سلسله ایوبی را تشکیل داد شام مجدداً ضمیمه مصر شد و این حال دوام داشت تا آنکه هر دو ممالک در حوزه حکومتی سلاطین آل عثمان داخل گردید .

در سال ۱۲۴۷ (۱۸۳۱ م.) ابراهیم پاشا پسر ارشد محمد علی پاشا بار دیگر شام را مایحق بمصر کرد ولی چیزی طول نکشید که بواسطه دخالت دولت معظمه اروپا شام بتصرف سلطان عثمانی برگشت و از سال ۱۲۵۷ (۱۸۴۱ م.) باز از ولایات عثمانی شد .

۲۵ - بنی طولون

از ۲۵۴ تا ۲۹۲

﴿ مطابق ۸۶۸ - ۹۰۵ میلادی ﴾

طولون از غلامان امرای سامانی است که او را حکمران سامانی بخارا بعنوان هدیه پیش مأمون فرستاده و طولون نزد مأمون در بغداد و سرمن رآی بمنصب عالی رسید. پسرش احمد در سال ۲۴۰ حائز مقامات پدر شد و در ۲۵۴ (۸۶۸ م) بنیابت حکومت مأمور مصر گردید و چیزی نگذشت که در آنجا خود را مستقل اعلان نمود. در سال ۲۶۴ (۸۷۷ م) احمد شام را نیز بر حوزه حکومتی خود افزود و دو مملکت مصر و شام از این تاریخ تا سال انقراض سلسله طولونی (۲۹۲ - ۹۰۵ م) تحت حکومت و اداره ایشان بود. امرای طولونی در تاریخ جحشمت و شکوه پای تخت خود **القطائع** (مابین القسطنطین و محل القاهرة) و آثار و ابنیه خیریه معروفند

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۲۵۴	احمد بن طولون	۸۶۸
۲۷۰	خمارویه بن احمد	۸۸۳
۲۸۲	حیش ابوالعسا کر بن خمارویه	۸۹۵
۲۸۳	هارون بن خمارویه	۸۹۶
۲۹۲	شیبان بن احمد	۹۰۴ - ۸۰۵

(انقراض این سلسله بدست حکام خلفای عباسی صورت گرفت)

۲۶ - آل اخشید

از ۳۲۳ تا ۳۵۸

﴿ مطابق ۹۳۵ - ۹۶۹ میلادی ﴾

بعد از قلیل مدتی که در آن ایام حکام خلفای عباسی در مصر و شام

قدرتی موقتی بهم رسانده بودند **محمد الاخشید** سلسله مستقل دیگری در این نواحی تشکیل داد. اخشید عنوان رسمی و عمومی امرای فرغانه است و پدر محمد یعنی **طغج** پسر یکی از سران لشکری فرغانه بود که در خدمت خلیفه عباسی در بغداد میزیست و بتدریج ترقی یافته بحکومت دمشق منصوب شد ولی بعدها طرف بی مهری قرار گرفت و در حبس افتاد در همانجا جان سپرد. پسر طغج یعنی محمد برای تلافی بی التفاتی که در حق پدرش رفته بود در سال ۳۱۸ بحکومت دمشق و در سال ۳۲۱ بحکومت مصر نامزد شد ولی محمد تا سال ۳۲۳ (۹۳۵ م.) به مأموریت خود نیامد و این تاریخ اخیر ابتدای دولت اوست چه چهار سال بعد از آن یعنی در ۳۲۷ (۹۳۸ م.) لقب اخشیدی اختیار نموده و در ۳۳۰ (۹۴۱ م.) شام و حرمین شریفین را نیز بمتصرفات خود افزوده است.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۳۲۳	محمد الاخشید بن طغج	۹۳۵
۳۳۴	ابو القاسم غنګور بن الاخشید	۹۴۶
۳۴۹	ابو الحسن علی بن الاخشید	۹۶۰
۳۵۵	ابو المسک کافور (از خواجه سرایان)	۹۶۶
۳۵۸-۳۵۷	ابو الفوارس احمد بن علی	۹۶۸-۹۶۹

(انقراض این سلسله بدست فاطمیون وقوع یافت)

۲۷- خلفای فاطمی

از ۲۹۷ تا ۵۶۷

﴿ مطابق ۹۰۹ - ۱۱۷۱ میلادی ﴾

فاطمیون مثل اداره خود را از فرزندان حضرت فاطمه دختر حبیب رسول میدانستند (رجوع کنید بشجره نسبت مندرج در صفحه ۹). اداره را برای پیشرفت کار فاطمیون صاف کرده بودند چه در ایام تسلط ایشان؟

دعای متعددی در میان برابره نفوذ یافته و عقاید شیعی را در میان آن قبایل انتشار داده بودند و این مقدمات موقعی که عیدالله خود را مهدی خواند و عنوان خلیفه و امیرالمؤمنین اختیار نمود پیشرفت او را سهل کرد. عیدالله در سال ۲۹۷ (۹۰۹ م) آخرین اثری را که از امرای اغلبی مانده بود محو نمود و بزودی شمال افریقا را بااستثنای متعلقات امرای ادریسی در مراکش مالک شد ،

پای تخت فاطمیون ابتدا در شهر مهدیه نزدیک تونس قرار داشت و این همان شهر است که فرواسوار Froissart مورخ فرانسوی آنرا افریقا Africa نامیده . نیم قرن بعد خلفای فاطمی مصر و شام را نیز برمتصرفات خود افزودند و جوهر سردار ایشان مصر را از کف امیر صغیر اخشیدی آن در سال ۳۵۶ (۹۶۹ م) بیرون آورد و قاعه القهره را در دره نیل ساخت و این قاعه اساس شهر حالیه قاهره گردید . شام جنوبی نیز در همین ایام مسخر شد و حلب در سال ۳۸۱ (۹۹۱ م) بممالک فاطمی ضمیمه گشت و در این دوره دولت ایشان از بادیة الشام و نهرالعاصی^۱ تا سواحل مراکش وسعت داشت .

انتقال مرکز حکومتی فاطمیون از قیروان و مهدیه بقاهره باعث از دست رفتن متصرفات غربی ایشان گردید (رجوع کنید بصفحه ۳۱) نورمان ها نیز جزیره صقاییه را در سال ۴۶۳ (۱۰۷۱ م) و مالطه را در ۴۳۸ (۱۱۴۶ م) و مهدیه و قیروان را در ۴۴۰ (۱۱۴۸ م) گرفتند ولی قدرت فاطمیون در مصر و شام سالها بدون تنازل محفوظ ماند و دامنه ثروت و تجارت ایشان بممالک اطراف دریای مدیترانه نیز کشیده شد . دولت فاطمی مصر بدست سلطان صلاح الدین ایوبی در سال ۵۶۷ (۱۱۷۱ م) بر افتاد .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۲۹۷	مهدی، ابو محمد عبدالله	۹۰۹
۳۲۲	قائم، ابو القاسم محمد	۹۳۴
۳۳۴	منصور، ابو طاهر اسماعیل	۹۴۵
۳۴۱	معز، ابو تمیم معد	۹۵۲
۳۶۵	عزیز، ابو منصور نزار	۹۷۵
۳۸۶	حاکم، ابو علی منصور	۹۹۶
۴۱۱	ظاهر، ابو الحسن علی	۱۰۲۰
۴۲۷	مستضر، ابو تمیم	۱۰۳۵
۴۸۷	مستغنی، ابو القاسم احمد	۱۰۹۴
۴۹۵	منصور، امیر ابو علی	۱۱۰۱
۵۲۴	حافظ، ابو المیمون عبدالمجید	۱۱۳۰
۵۴۴	ظافر: ابو المنصور اسماعیل	۱۱۴۹
۵۴۹	فائز، ابو القاسم عایهی	۱۱۵۴
۵۵۵-۵۶۷	عاخذ، ابو محمد عبدالله	۱۱۶۰-۱۷۱

(انقراض این سلسله بدست ایوبیان صورت گرفت)

اُمّه

حضرت رسول

۱- علی = فاطمه

اُمّه هفتگانه اسماعیلیه

۳- حسین (وفاتش در ۶۱) ۲- حسن (۵۰ +)

۴- زین العابدین (وفاتش در ۹۴)

۵- محمد باقر (وفاتش در ۱۱۳)

۶- جعفر صادق (وفاتش در ۱۴۸)

اُمّه اثنی عشر قریه امامیه

۷- موسی کاظم (وفاتش در ۱۸۳)

۷- اسماعیل

یا
۷- محمد

۸- علی رضا (وفاتش در ۲۰۲)

اسماعیل

۹- محمد جواد (وفاتش در ۲۲۰)

محمد

۱۰- علی هادی (وفاتش در ۲۵۴)

احمد

۱۱- حسن عسکری (وفاتش در ۲۶۰)

عبدالله

۱۲- محمد مهدی منتظر (غیبت در ۲۶۰)

حسین

عبدالله

اُمّه مخصوص اسماعیلیه

فاطمیون

۱ - مہدی

۲ - قائم

۳ - منصور

۴ - معز

۵ - عزیز

۶ - حاکم

۷ - ظاہر

۸ - مستنصر

۹ - مستعلی

۱۰ - عامر

محمد

۱۱ - حافظ

۱۲ - ظافر

۱۳ - فائز

۱۴ - عاضد

۲۸ - ایوبیان

از ۵۶۴ تا ۶۴۸

☞ مطابق ۱۱۶۹ - ۱۲۵۰ میلادی ☞

صلاح الدین^۱ بن ایوب اصلا کرد است و در خدمت نورالدین محمود بن زنگی سر میکرده و نورالدین پاس خدمات او را بحکومت شام منصوب نمود (رجوع کنید بقسمت نهم) و بعدها بعزت و روزخجگی داخلی صلاح الدین و عم او شیرکوه از جانب نورالدین مأمور مصر گردیدند. این مداخله دوستانه کمی بعد منجر بضمیمه ساختن مصر بشام گردید و صلاح الدین پس از فوت شیرکوه در سال ۵۶۴ (۱۱۶۹ م) مالک مطلق مصر شد و آخرین خلیفه فاطمی مصر نیز سه سال بعد فوت کرد.

در ماه محرم سال ۵۶۷ (سپتامبر ۱۱۷۱ م) در موقعیکه عاضد آخرین خلیفه فاطمی در بستر احتضار بود صلاح الدین امر داد تا خطبه را بنام مشتضی خلیفه عباسی بغداد خوانند و این تغییر بدون زحمتی از طرف مردم پذیرفته شد و مصر بار دیگر تحت لوای اهل تسنن قرار گرفت. حرمین شریقین که از قدیم جزء لاینفک حکومت مصر بود ضمیمه متصرفات صلاح الدین گردید و او برادر خود تورانشاه را در سال ۵۶۹ (۱۱۷۳ م) بحکومت یمن روانه نمود در حالیکه طرابلس را نیز سال قبل یعنی در ۵۶۸ (۱۱۷۲ م) از چنگ نورمان ها بیرون آورده بود.

فوت نورالدین زنگی مخدوم اولی صلاح الدین در همین سال راه را برای مداخله او در نمود و صلاح الدین در تاریخ ۵۷۰ (۱۱۷۴ م) به

دمشق ورود نمود و با وجود مقاومت اتابکان زنگی در سراسر شام تا کنار فرات تاخت و تاز نمود ولی حلب تا سال ۵۷۹ (۱۱۸۳ م) یعنی سال فوت الملك الصالح پسر نورالدین مسخر او نشد. صلاح - الدین موصل را گرفت و امرای الجزیره را در سال ۵۸۱ (۱۱۸۵-۱۱۸۶ م) خراجگزار خود نموده دولتی تشکیل داد که از فرات تا نیل ممتد بود و فقط استحكاماتی که صلیبیون عیسوی آنها را در تصرف داشتند از آن خارج محسوب میشد.

صلاح الدین پس از فتح هتین در تاریخ ۲۴ ربیع الثانی ۵۸۳ (۴ ژوئیه ۱۱۸۷ م) دولت عیسوی بیت المقدس را از میان برداشت و در ظرف سه ماه بر اورشلیم دست یافت و فقط قاعه صور توانست در مقابل هجوم او مقاومت بخرج دهد.

از دست رفتن بیت المقدس اروپائیان را بهیجان آورد و ایشان را بتهیه جنگ سوم صلیبی واداشت. ریچارد اول پادشاه انگلیس و فیلیپ اگوست پادشاه فرانسه در سال ۵۸۶ (۱۱۹۰ م) بطرف ارض مقدس حرکت کردند و سال بعد در محاصره عکا باتفاق هم شرکت نمودند. پس از یک سال و نیم جنگ بین مسلمانین و عیسویان در سال ۵۸۸ (۱۱۹۲ م) صلیبی سه ساله برقرار گردید بدون آنکه عیسویان از این جنگها نتیجه ای بدست بیاورند و صلاح الدین نیز در ۵۸۹ (۱۱۹۳ م) وفات کرد. پس از فوت صلاح الدین برادران و پسران و برادرزادگان او ممالک وسیعه ایوبی را بین خود تقسیم نمودند و از آن میان فقط برادر صلاح الدین یعنی سیف الدین عادل^۱ توانست بتدریج بر دیگران سیادت و فرمانروائی حاصل کند.

در قدم اول پسران صلاح الدین چنانکه طبیعی بود در ممالک پدری بترتیب ذیل بین مستقر گردیدند : افضل در دمشق و عزیز در قاهره و ظاهر در حاب . ولی در سال ۵۹۲ (۱۱۹۶ م) عادل جای افضل را در دمشق گرفت و هم او در ۵۹۶ (۱۱۹۹ م) منصور جانشین عزیز را از مصر نیز خارج ساخت فقط حاب تا سال ۶۴۸ (۱۲۶۰ م) در تصرف اخلاف صلاح الدین باقی ماند .

عادل که در فضاة سنوات ۵۹۲ و ۵۹۶ (۱۱۹۶-۱۱۹۹ م) بر مصر و غالب نقاط شام استیلا یافته و یکی از پسران خود را مقارن سال ۵۹۷ (۱۲۰۰ م) بحکومت الجزیره فرستاده بود تا زمان مرگ خود یعنی تا ۶۱۵ (۱۲۱۸ م) بر غالب ممالک ایوبی ساطه و سیادت داشت و فرزندان او نیز در همین ممالک باقی ماندند ولی متصرفات پدری را بین خود تقسیم کردند و شاخه های چند از ملوک ایوبی که همه از فرزندان عادل بودند در مصر و دمشق و الجزیره تشکیل یافت اما ملوک ایوبی حماة و حمص و یمن از بازماندگان اعضای دیگر این خاندانند .

در سال ۶۴۸ (۱۲۵۰ م) مقام سلطنت ملوک ایوبی عادل مصر که مهمترین شاخه این عايله اند و شام را نیز غالب اوقات در تصرف داشته نصیب مماليك بحری گردید .

شاخه ملوک دمشق پس از آنکه مدتها بر سلطنت شام با شاخه مصری و حلبی خاندان ایوبی منازعه کردند گرفتار سنبل هجوم لشکریان تاتار شده در سال ۶۵۸ (۱۲۶۰ م) متصرفاتشان با شهر حاب بدست مغول افتاد و همین پیش آمد ملوک ایوبی الجزیره را که از فرزندان عادل بودند در سال ۶۴۳ (۱۲۴۵ م) از میان برده بود . مماليك شهر حمص را در ۶۶۱ (۱۲۶۲ م) گرفتند و ایوبیان آن قسمت را هم بر انداختند

و در یمن نیز امرای رسولی در حدود ۶۲۵ (۱۲۲۸ م.) شاخه امرای ایوبی آن ناحیه را از میان برداشته بودند فقط از خاندان صلاح الدین شاخه امرای حماه تا سال ۷۴۲ (۱۳۴۱ م.) بافترتهاى چندی در آن ناحیه بحکومت باقى بودند و از مشاهیر ایشان است ابوالفدا مورخ معروف .

الف- ایوبیان مصر

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۵۶۴	صلاح الدین یوسف ناصر	۱۱۶۹
۵۸۹	عمادالدین عثمان ، عزیز	۱۱۹۳
۵۹۵	سیف الدین ابوبکر، عادل	۱۱۹۸
۵۹۶	محمد، کامل *	۱۱۹۹
۶۱۵	سیف الدین ابوبکر، عادل ثانی *	۱۲۱۸
۶۳۵	نجم الدین ایوب، صالح *	۱۲۳۸
۶۳۷	تورانشا، معظم *	۱۲۴۰
۶۴۸-۶۵۰	موسی، اشرف	۱۲۵۰-۱۲۵۲

ب- ایوبیان دمشق

۵۸۲	نورالدین علی، افضل	۱۱۸۶
۵۹۲	سیف الدین ابوبکر عادل (رجوع کنید بمصر)	۱۱۹۶
۶۱۵	شرف الدین عیسی، معظم	۱۲۱۸
۶۲۴	صلاح الدین داود، ناصر	۱۲۲۷
۶۲۶	موسی، اشرف (سلطان الجزیره)	۱۲۲۸
۶۳۵	اسماعیل، صالح	۱۲۳۷

* این سلاطین در دمشق نیز سلطنت کرده اند .

۱۲۳۷	کامل (سلطان مصر)	۶۳۵
۱۲۳۸	عادل »	۶۳۵
۱۲۴۰	صالح »	۶۳۷
۱۲۴۰	اسماعیل ، صالح (مجدداً)	۶۳۷
۱۲۴۵	صالح (سلطان مصر)	۶۴۳
۱۲۴۹	معظم »	۶۴۷
۱۲۵۰-۱۲۶۰	صلاح الدین یوسف (سلطان حلب) (این سلسله را مغول منقرض کردند)	۶۵۸-۶۴۸

ج- ایوبیان حلب

۱۱۸۶	غیاث الدین غازی بن ، ظاهر	۵۸۲
۱۲۱۶	غیاث الدین محمد ، عزیز	۶۱۳
۱۲۳۶-۱۲۶۰	صلاح الدین یوسف ناصر (ایوبیان دمشق)	۶۵۸-۶۳۴
	(این سلسله را هم مغول برانداختند)	

د- ایوبیان الجزیره

۱۲۰۰؟	نجم الدین ایوب ، اوحد	۵۹۷؟
۱۲۱۰	مظفر الدین موسی ، اشرف	۶۰۷
۱۲۳۰-۱۲۴۵	مظفر غازی	۶۴۳-۶۲۸
	(این سلسله نیز بدست مغول بر افتاد)	

ه- ایوبیان حماه

۱۱۷۸	تقی الدین عمر ، مظفر اول	۵۷۴
۱۱۹۱	محمد ، منصور اول	۵۸۷

٦١٧	قاجارسلان ، ناصر	١٢٢٠
٦٢٦	تقی الدین محمود ، مظفر ثانی	١٢٢٩
٦٤٢	محمد ، منصور ثانی	١٢٤٤
٦٨٣-٦٩٨	محمود ، مظفر ثالث	١٢٧٤-١٢٩٨

حکام ایوبی مطیع ممالیک

٧١٠	ابوالفدا اسماعیل ، مؤید (مورخ معروف)	١٣١٠
٧٣٣	محمد ، افضل	١٣٢٢-١٣٤١

(این سلسله بدست ممالیک منقرض شد)

و- ایوبیان حمص

٥٧٤	محمد بن شیر کوه	١١٧٨
٥٨١	شیر کوه ، مجاهد	١١٨٥
٦٣٧	ابراهیم ، منصور	١٢٣٩
٦٤٤-٦٦١	مظفرالدین موسی ، اشرف	١٢٤٥-١٢٦٢

(این سلسله را نیز ممالیک برانداختند)

ز- ایوبیان عربستان

٥٦٩	توران شاه بن ایوب ، معظم	١١٧٣
٥٧٧	طغتكین بن ایوب ، سیف الاسلام	١١٨١
٥٩٣	معزالدین اسماعیل	١١٩٦
٥٩٨	ایوب ، ناصر	١٢٠١
٦١١	سلیمان ، مظفر	١٢١٤
٦١٢-٦٢٥ یا ٦٢٦	صلاح الدین یوسف ، مسعود	١٢١٥-١٢٢٨

(این سلسله را امرای رسولی یمن برانداختند)

۲۹ - مماليك

از ۶۵۰-۹۲۲

(مطابق ۱۲۵۲-۱۵۱۷ میلادی)

مملوك که جمع آن **مماليك** است بمعنی غلامست و بیشتر این کلمه را در مورد غلامان سفیدپوست بکار میبرده اند . سلاطین مماليك مصر از غلامان ترك يا چر کسی بودند که ابتدا در جزء قراولان مزدور الملك الصالح ایوب قرار داشتند .

اولین ایشان **شجرة الدر** زوجه الملك الصالح است . اگرچه چند سالی اسماً سلطنت باموسی از بازماندگان خاندان ایوبی بود ولی پس از او مماليك رسماً سلطنت مصر را بدست گرفتند و ایشان دو طبقه اند : **مماليك بحری** و **مماليك برّجی** و این دو طبقه تا نیمه اول قرن دهم هجری مصر و شام را تحت اداره و حکومت خود داشتند و افراد آن سلسله ها با وجود سلطنت کوتاه و جنگهای داخلی دائمی و کشتن یکدیگر ممالك خویش را بخوبی اداره میکردند و شهر قاهره هنوز از دوره سلطنت ایشان آثاری دارد که نماینده عشق و علاقه سلاطین مملوك بصنایع مستظرفه و بناست ^۱

مماليك علاوه بر این مردمانی جنگ آور و دایر بودند و در مقابل صایبیون عیسوی واردوهای تانار مقاومت های نیکو کردند مخصوصاً تاتارها را که در قرن هفتم هجری بر آسیا استیلا یافته و مصر را طرف تهدید قرار داده بودند چند بار مغلوب نمودند .

۱ - رجوع کنید بکتاب مؤلف باسم قاهره Cairo فصل سوم و کتاب دیگر

او باسم صنایع مسلمین مصر Art of Saracens of Egypt فصل اول

الف - مماليك بحرى

از ۶۴۸ تا ۷۹۲
(مطابق ۱۲۵۰-۱۲۹۰ میلادی)

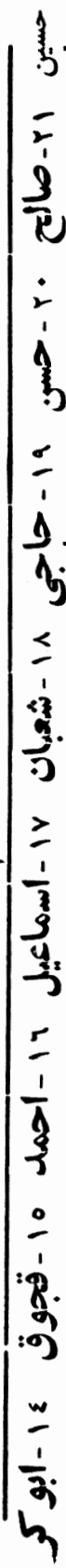
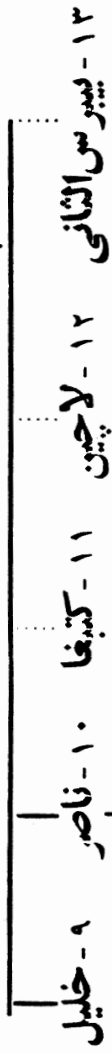
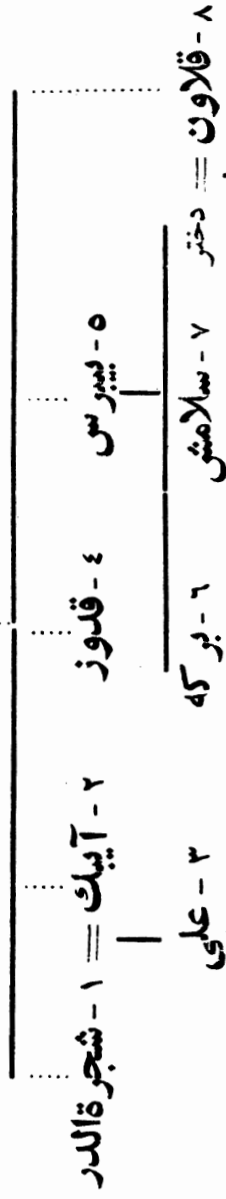
سال هجرى	اسامى	سال ميلادى
۶۴۸	شجرة الدر	۱۲۵۰
۶۴۸	عز الدين آيبك، معز	۱۲۵۵
۶۵۵	نور الدين على، منصور	۱۲۵۷
۶۵۷	سيف الدين قدوز، مظفر	۱۲۵۹
۶۵۸	ر كن الدين بيمرس بندقدارى، ظاهر	۱۲۶۰
۶۷۶	ناصر الدين بر كه خان، سعيد	۱۲۷۷
۶۷۸	بدر الدين سلامش، عادل	۱۲۷۹
۶۷۸	سيف الدين قلاون الفى، منصور	۱۲۷۹
۶۸۹	صلاح الدين خليل، اشرف	۱۲۹۰
۶۹۳	ناصر الدين محمد، ناصر	۱۲۹۳
۶۹۴	زين الدين كتبغا، عادل	۱۲۹۴
۶۹۶	حسام الدين لاچين، منصور	۱۲۹۶
۶۹۸	محمد، ناصر (مجدداً)	۱۲۹۸
۷۰۸	ر كن الدين بيمرس جوشنگير، مظفر	۱۳۰۸
۷۰۹	محمد، ناصر (دفعه سوم)	۱۳۰۹
۷۴۱	سيف الدين ابوبكر، منصور	۱۳۴۰
۷۴۲	علاء الدين قوجوق، اشرف	۱۳۴۱
۷۴۲	شهاب الدين احمد، ناصر	۱۳۴۲
۷۴۳	عماد الدين اسماعيل، صالح	۱۳۴۲
۷۴۶	سيف الدين شعبان، كامل	۱۳۴۵

۱۳۴۶	سیف الدین حاجی، مظفر	۷۴۷
۱۳۴۷	ناصر الدین حسن، ناصر	۷۴۸
۱۳۵۱	صلاح الدین صالح، صالح	۷۵۲
۱۳۵۴	حسن، ناصر (مجدداً)	۷۵۵
۱۳۶۱	صلاح الدین محمد، منصور	۷۶۲
۱۳۶۳	ناصر الدین شعبان، اشرف	۷۶۴
۱۳۷۶	علاء الدین علی، منصور	۷۷۸
۱۳۸۱	صلاح الدین حاجی، صالح	۷۸۳
۱۳۸۲	برقوق (رجوع کنید بمالیك برحی)	۷۸۴
۱۳۸۹-۱۳۹۰	حاجی (مجدداً) بالقب مظفر	۷۹۱-۷۹۲

(انقراض این سلسله بدست مماليك برحی صورت گرفت)

ممالڪ بحرى

ايوب صالح



محمد

حاجى

* خطوط مقطع علامت ارتباط مابين ممالك ومخدومين ايشانست

ب۔ ممالیک برجی

از ۷۸۴ تا ۹۲۲

﴿ مطابق ۱۲۸۲ - ۱۵۱۷ میلادی ﴾

سال ہجری	اسلامی	سال میلادی
۷۸۴	سیف الدین برقوق ظاہر	۱۳۸۲
	(از ۹۱ تا ۷۹۲۷ سلطنت اورا حاجی قطع نمود)	
۸۰۱	ناصر الدین فرج، ناصر	۱۳۹۸
۸۰۸	عز الدین عبدالعزیز، منصور	۱۴۰۵
۸۰۹	ناصر الدین فرج (مجدداً)	۱۴۰۶
۸۱۵	مستعین، عادل (خایفہ عباسی)	۱۴۱۲
۸۱۵	شیخ، مؤید	۱۴۱۲
۸۲۴	احمد، مظفر	۱۴۲۱
۸۲۴	سیف الدین ططار، ظاہر	۱۴۲۱
۸۲۴	ناصر الدین محمد، صالح	۱۴۲۱
۸۲۵	سیف الدین برس بیک، اشرف	۱۴۲۲
۸۴۲	جمال الدین یوسف، عزیز	۱۴۳۸
۸۴۲	سیف الدیق جقمق، ظاہر	۱۴۳۸
۸۵۷	فیخر الدین عثمان، منصور	۱۴۵۳
۸۵۷	سیف الدین اینال، اشرف	۱۴۵۳
۸۶۵	شہاب الدین احمد، مؤید	۱۴۶۰
۸۶۵	سیف الدین خوشقدم، ظاہر	۱۴۶۱
۸۷۲	سیف الدین بل بیک	۱۴۶۷
۸۷۲	تیمور بغا، ظاہر	۱۴۶۸
۸۷۳	سیف الدین قایت بیک، اشرف	۱۴۶۸

۱۴۹۵	محمد ، ناصر	۹۰۱
۱۴۹۸	قانسوه ، ظاهر	۹۰۴
۱۴۹۹	جنبالات ، اشرف	۹۰۵
۱۵۰۰	قانسوه غوری ، اشرف	۹۰۶
۱۵۱۶-۱۵۱۷	تومان بیک ، اشرف	۹۲۲

(این سلسله را سلاطین عثمانی از میان برداشتند)

(چون در جدول فوق سلاطین از خاندانهای مختلفه اند)

• (بدست دادن شجره نسب آنها لازم نیست)

۳۰ - خدیوان مصر

از ۱۲۲۰ تا ۱۳۱۱

﴿ مطابق ۱۸۰۵ ، ۱۸۹۳ میلادی ﴾

بعد از تسخیر مصر بتوسط سلطان سلیم خان اول در سال ۹۲۲
(۱۴۱۷ م) این مملکت یکی از پاشانشینان عثمانی محسوب شد و تا سه
قرن این حال دوام داشت تا آنکه قدرت پاشایانی که از قسطنطنیه میآمدند
تحت نفوذ مجمع بیکهای ممالیک قرار گرفت . ورود ناپلئون بمصر در
سال (۱۷۹۸ م) این حال اختلاف را از میان برد ولی متعاقب فتوحات
انگلیسها در ابوقیر واسکندریه و عقب نشینی قشون فرانسه در ۱۲۱۶
(۱۸۰۱ م) اوضاع مجدداً بحال اول برگشت . در سال ۱۲۲۰ (۱۸۰۵ م)
محمد علی فرمانده سربازان آلبانی که از جانب سلطان عثمانی مقیم مصر
بودند پس از کشتار ممالیک مصر را تحت امر خود آورد و بعد از کشتار
دیگری در سال ۱۲۲۶ (۱۸۱۱ م) قدم خود را در راه استیلای بر مصر ثابت
تر کرده حاکم واقعی آن سرزمین گردید و او و سلسله فرزندانش از این
تاریخ مصر را اسماً بنام سلطان عثمانی ولی رسماً بنام خود تحت در

دست گرفتند و چارمین جانشین محمدعلی پاشا یعنی اسماعیل پاشا در سال ۱۲۴۷ (۱۸۳۱ م) جهت خود لقب خدیو اختیار نمود .

محمد علی پاشا شام را هم در سال ۲۲۴۷ (۱۸۳۱ م) ضمیمه مصر نمود ولی بر اثر فشار دولت انگلیس آنرا در سال ۱۲۵۷ (۱۸۴۱ م) بساطان عثمانی برگرداند . سودان نیز بدست سپاهیان محمد علی پاشا و فرزندان او تا عهد اسماعیل پاشا فتح شد و نامرگ غوردون پاشا^۱ یعنی تا ۱۳۰۳ (۱۸۸۵ م) جزء مصر بود .

حدود جنوبی مصر امروزه شلاؤه دوم نیل است و این مملکت از تاریخ ۱۳۰۱ (۱۸۸۳ م) و دفع طغیان عراقی پاشا بتوسط قشون انگلیس تحت اداره این مملکت درآمده و مستشاران انگلیسی در کارهای آن دخیلند .

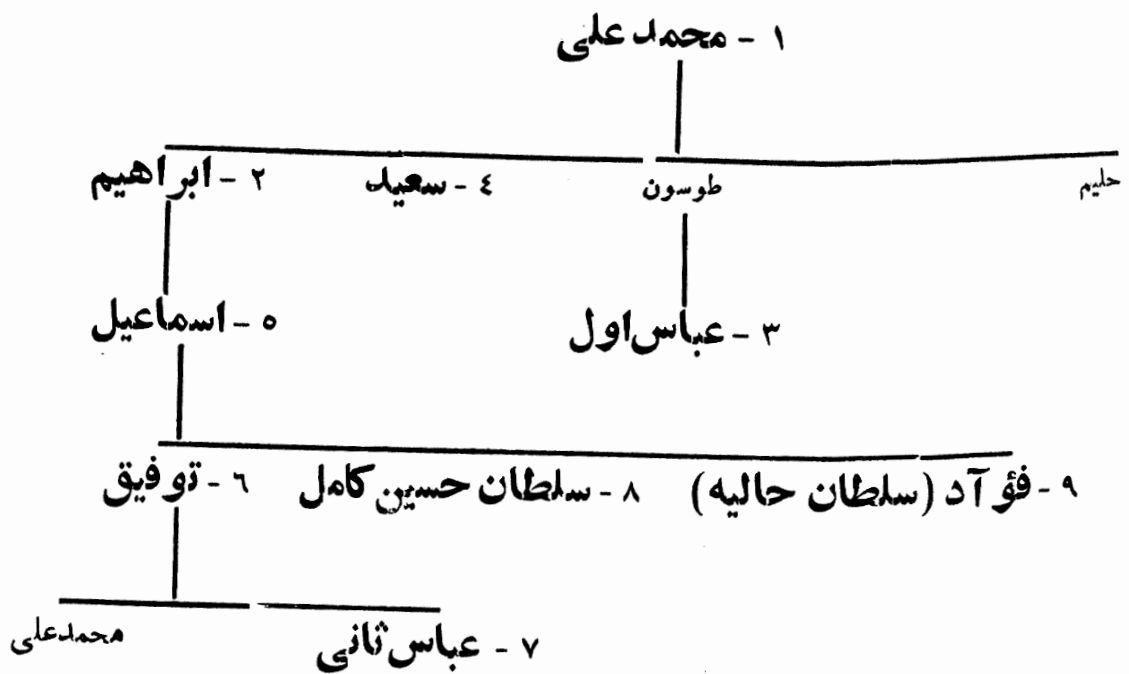
۳۰ - خدیوان مصر

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۱۲۲۰	محمد علی	۱۸۰۵
۱۲۶۴	ابراهیم	۱۸۴۸
۱۲۶۴	عباس اول	۱۸۴۸
۱۲۷۰	سعید	۱۸۵۴
۱۲۸۰	اسماعیل	۱۸۶۳
۱۳۰۰	توفیق	۱۸۸۲
۱۳۰۹	عباس ثانی ^۲ (خدیو حالیه)	۱۸۹۲

۱ - General Gordon

۲ - یعنی در زمان تألیف اصل کتاب - عباس حلمی پاشا را در ابتدای جنک بین الملل از خدیوی مصر معزول نمود و حسین کامل برادر توفیق و پسر اسماعیل را بعنوان سلطان بجای او قرارداد و خدیوان مصر از این تاریخ لقب سلطان یافتند باین ترتیب:

اول صفر ۱۳۳۲ سلطان حسین کامل^۳
 ۲۳ ذی الحجه ۱۳۳۶ سلطان احمد فوآد



قسمت پنجم

عربستان سعید (یمن)

از قرن سوم هجری تا قرن یازدهم
(مطابق قرن نهم تا قرن هفدهم)

- ۳۳ - بنی زیاد (زبید)
- ۳۴ - بنی یغفور (صنعا و جند)
- ۳۵ - آل نجاح (زبید)
- ۳۶ - بنی صلیح (صنعا)
- ۳۷ - آل حمدان (صنعا)
- ۳۸ - آل مهدی (زبید)
- ۳۹ - آل زُرَیع (عدن)
- ۴۰ - آل رسول (یمن)
- ۴۱ - آل طاهر (یمن)
- ۴۲ - ائمه رسی (سَعْدَه)
- ۴۳ - ائمه صنعا

قسمت پنجم

یمن

از قرن سوم تا قرن یازدهم
(مطابق قرن نهم تا هفدهم میلادی)

تاریخ عربستان با وجود ظهور و انتشار اسلام باز کمال شباهت را بوقایع ایام جاهلیت دارد چه قبایل عرب در ایام خلفا نیز مثل اعراب قبل از اسلام قبیله‌هائی مجزا از یکدیگر بودند تحت قیادت شیوخ و رؤسائی و ایشان بلاد و نواحی عربستان را زیر فرمان خود داشتند گاهی بتبعیت از خلفا و گاهی نیز با عناوین امیر و امام مستقل.

اگرچه خلفا برای یمن حاکمی و جهت مدینه و مکه نایب‌الحکومه‌ای میفرستادند ولی شهرهائی که از این حوزه‌ها خارج بودند غالباً از شیوخ محلی اطاعت میکردند. در ابتدای قرن سوم هجری یعنی موقعی که دولت بزرگ اسلام بر اثر پیدا شدن سلسله‌های قوی رو بتجزیه گذاشت حکمران یمن نیز از رفتار اداره و بنی‌الاعقاب در شمال افریقا پیروی نمود و در همان هنگامی که آل طاهر در خراسان دست راست دولت بنی‌عباس را با قیام خود باستقلال خواهی قطع کردند محمد بن عبدالله بن زیاد در شهر زبید که آنرا در بلاد تهامه ساخته بود رایت استقلال برافراشت ورشته سلسله‌های مستقل عربستان را شروع نمود و عربستان از این تاریخ از زیر فرمان خلفا بیرون رفت اگرچه باز در بعضی ایام خلفا حکامی از جانب خود بآن سرزمین فرستاده‌اند.

۳۳- بنی زیاد *

(درزید)

از ۲۰۴ تا ۴۰۹ هجری

(مطابق ۸۱۹ - ۱۰۱۸ م)

بنی زیاد مدت دو قرن درزید حکومت کرده اند و قلمرو سلطنت ایشان قسمت عمده یمن را شامل بوده و چون شوکت این طایفه روبرو ال گذاشته فرمانروایان دیگری ظاهر شده و سلسله های جدیدی درست کرده اند مثل **بنی یَعْفُور** در **صنعا و جَند** و **سایمان بن طَرْف** که ساحل شمالی یمن را مطیع خود ساخت و شهر **عَتَارَا** را بنای تختی اختیار نمود و **علی بن فضل قرمطی** که کمی بعد از سال ۲۹۲ (۹۰۴ م) زید را بنیاد غارت داد .

در زمان آخرین امیر سلسله یزیدی حکومت متصرفات ایشان بدست چند نفر ازموالی افتاد و **نجاح** ازموالی حبشی **مرجان** حاجب سالار در سال ۴۱۲ (۱۰۲۱ م) در زید تشکیل سلسله ای داد که باسم او **بنی نجاح** خوانده میشوند .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۲۰۴	محمد بن عبدالله بن زیاد	۸۱۹
۲۴۵	ابراهیم بن محمد	۸۵۹
۲۸۹	زیاد بن ابراهیم	۹۰۱
۲۹۱ ؟	ابوالجیش اسحق بن ابراهیم	۹۰۳ ؟
۳۷۱-۴۰۹	عبدالله (یا زیاد یا ابراهیم) بن اسحق	۹۸۱-۱۰۱۸

* برای تاریخ سلسله های عربستان رجوع کنید بکتاب مفید کی H.C. Kay بنام یمن و تاریخ اولی آن در قرون وسطی Yaman, its early mediaeval history که در سال ۱۸۹۲ میلادی انتشار یافته و شامل ترجمه تاریخ عماره و منابع و اطلاعات مفید دیگری نیز هست .

وزرا

۹۸۱	رشد	۳۷۱
۹۸۳	حسین بن سلامه	حدود ۳۷۳
۱۰۲۱-۱۰۱۱	مرجان	۴۱۲-۴۰۲
۱۰۲۱-۱۰۱۶	نقیس	۴۱۲-۴۰۷

۳۴- بنی یعفور

(در صنعاء و یمن)

از ۲۴۷ تا ۳۴۵

(مطابق ۸۶۱ ۹۵۶ م)

۸۶۱	یعفور بن عبدالرحمن	۲۴۷
۸۷۲	محمد بن یعفور	۲۵۹
۸۹۲	عبدالقادر بن احمد بن یعفور	۲۷۹
۸۹۲	ابراهیم بن محمد	۲۷۹
۸۹۸ حدود	اسعد بن ابراهیم	حدود ۲۸۵
۹۰۰	امام الهادی الرسی	۲۸۸
۹۱۱	علی بن الفضل القرمطی	۲۹۹
۹۱۵	اسعد (مجدداً)	۳۰۳
۹۴۳	محمد بن ابراهیم	۳۳۲
۹۹۷-۹۶۳	عبدالله بن قحطان	۳۸۷-۳۵۲

(این سلسله بتدریج از اهمیت افتاد)

۳۵- بنی نجاح

(درزید)

از ۴۱۲ تا ۵۵۳

(مطابق ۱۰۲۱ ۱۱۵۸ میلادی)

نجاح معاویہ حبشی آخرین حاجب سالار سلسلہ بنی زیاد درزید تا تاریخ فوت خود یعنی سال ۴۵۲ (م. ۱۰۶۰) حکومت میکرد . شهر زید را در سال ۴۵۴ (م. ۱۰۶۲) طایفه بنی ضلیح گرفتند و آنرا جزء متصرفات خود قرار دادند تا آنکه پسر نجاح در سال ۴۷۳ (م. ۱۰۸۰) آنجا را پس گرفت و زید از این تاریخ در دست این دو سلسله می‌گشت (رجوع کنید بصفحه ۸۳).

بعد از سال ۴۸۲ (م. ۱۰۸۹) زید قطعاً ملک بنی زید گردید و تا اقراض این سلسله باین حال باقی بود . سلسله نجاحی نیز مثل سلسله زیادی در آخر کار تحت نفوذ و زرا قرار گرفت و در ۵۵۴ (م. ۱۰۵۹) سلسله بنی مهدی آنرا از میان برداشتند .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۴۱۲	نجاح، المؤید (وفاتش در ۴۵۲)	۱۰۲۱
۴۵۴	علی، داعی الصلیحی	۱۰۶۲
۴۷۳	سعید بن نجاح الاحول	۱۰۸۰
۴۸۲	حیش بن نجاح	۱۰۸۹
۴۹۸	الفاتک الاول بن حیش	۱۱۰۴
۵۰۳	المنصور بن الفاتک	۱۱۰۹
حدود ۵۱۷	الفاتک الثانی بن المنصور	حدود ۱۱۲۳
۵۳۱-۵۵۴	الفاتک الثالث بن محمد بن المنصور	۱۱۳۶-۱۱۵۹

(اقراض این سلسله بدست بنی مهدی انجام گرفت)

۳۶ - بنی صلیح

(در صنعا)

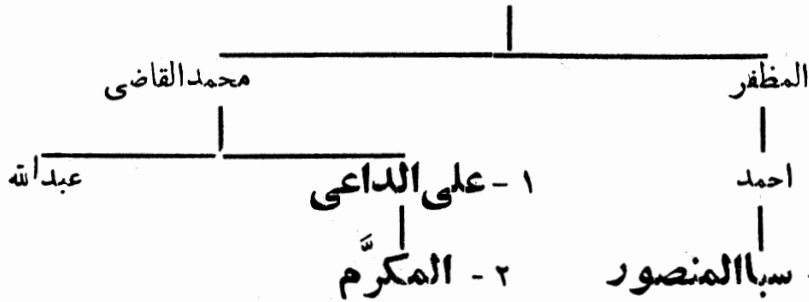
از ۴۲۹ تا ۴۹۵

(مطابق ۱۰۳۷ - ۱۱۰۱ میلادی)

علی بن محمد الداعی مؤسس سلسله شیعی مذهب بنی صلیح در سال ۴۲۹ (۱۰۳۷ م) خود را در شهر مسار مستقل اعلان نمود و زید را هم بعد از مرگ نجاح در تاریخ ۴۵۴ (۱۰۶۲ م) و صنعا و یمن را در ۴۵۵ (۱۰۶۳ م) ضمیمه متصرفات خود کرد و شهر مکه را هم در فاصله ۴۵۵ و ۴۵۶ (۱۰۶۳ - ۱۰۶۴ م) گرفت . اگرچه پای تخت او در صنعا قرار داشت ولی زید را هم تا تاریخ فوت خود یعنی تا ۴۷۳ (۱۰۸۰ م) در دست خویش نگاه داشت . زید مقارن فوت داعی از دست رفت اما پسرش مکرم آنرا در ۴۷۵ (۱۰۸۲ م) مجدداً مسخر ساخت و اگرچه بار دیگر در ۴۷۹ (۱۰۸۶ م) از تصرف او خارج و در ۴۸۱ (۱۰۸۸ م) از نو مفتوح گشت ولی بعد از این تاریخ اخیر چیزی طول نکشید که شهر مزبور یکسره از تصرف بنی صلیح خارج گردید . مکرم پای تخت خود را در سال ۴۸۰ (۱۰۸۷ م) از صنعا بشهر ذوجبله درمخلاف جعفر انتقال داد .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۴۲۹	ابو کامل علی بن محمد	۱۰۳۷
۴۷۳	احمد المکرم	۱۰۸۰
۴۸۴ - ۴۹۲	ابو حمیر سبأ المنصور	۱۰۹۱ - ۱۰۹۸

علی الصلیحی



(این سلسله را بنی حمدان امرای صنعا منقرض کردند)

۳۷ - بنی حمدان

(در صنعا)

از ۴۹۲ تا ۵۶۹

(مطابق ۱۰۹۸ - ۱۱۷۳ میلادی)

شعب مختلفهٔ خاندان حمدانی همه از نسل قبایل حاشد و بقیل اند که در میان اعراب یمن مقامی جلیل داشته و سر زمین ما بین صنعا و سعده را تصرف بودند . این خاندان پس از بنی صلیح در صنعا قریب سه ربع قرن امارت کردند و بحال استقلال باقی بودند تا کردان ایوبی ایشان را بر انداختند .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۴۹۲	حاتم بن العشیه	۱۰۹۸
۵۰۲	عبدالله بن حاتم	۱۱۰۸
۵۰۴	معن بن حاتم	۱۱۱۰
حدود ۵۱۰	هشام بن القبیت	حدود ۱۱۱۶
	الحماس بن القبیت	
	حاتم بن الحماس	
۵۴۵	حاتم بن احمد	۱۱۵۰
۵۵۶ - ۵۶۹	علی الوحید بن حاتم	۱۱۶۰ - ۱۱۷۳

(این سلسله را ایوبیان بر انداختند)

۳۸- بنوالمهدی

(درزید)

از ۵۵۴ تا ۵۶۹

(مطابق ۱۱۵۹ - ۱۱۷۳ میلادی)

بنوالمهدی در شهر زید مقام بنی صایح را گرفتند. علی بن المهدی از زهاد تهامه بود که بدعوی نبوت بر خاست و اتباع خود را بتقلید حضرت رسول بمهاجر و انصار تقسیم کرد و در حدود سال ۵۴۵ (م. ۱۱۵۰) موفق بتصرف بعضی از قلاع تهامه و مطیع ساختن آنجا گردید تا آنجا که در ۵۵۴ (م. ۱۱۵۹) بشهر زید حمله برد. جانشینان او بلاد تهامه را با بعضی نواحی و آبادیها در تصرف داشتند تا آنکه ایوبیان ایشان را از میان بردند.

اسامی

سال هجری

۵۵۴	علی بن المهدی	۱۱۵۹
۵۵۴	المهدی بن علی	۱۱۵۹
۵۵۸-۵۶۹	عبدالنبی بن علی	۱۱۶۲-۱۱۷۳

(این سلسله را ایوبیان منقرض کردند)

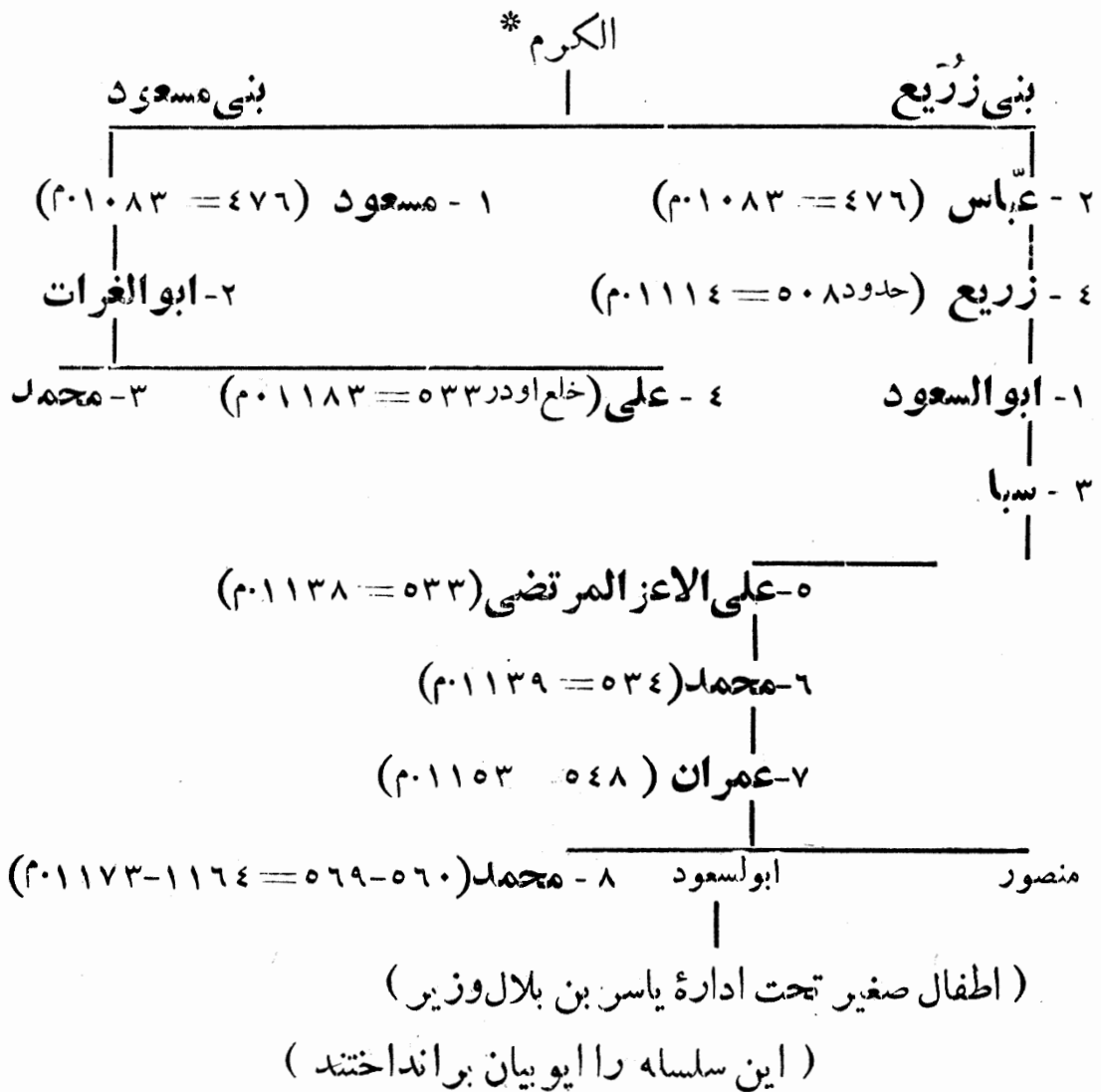
۳۹- بنی زریع

(در عدن)

از ۴۷۹ تا ۵۶۹

(مطابق ۱۸۰۳ - ۱۱۷۳ میلادی)

در سال ۴۷۶ (م. ۱۰۸۳) المکرم صلیحی دو برادر را که عباس بن-الکرم و مسعود بن الکرم نام داشتند با شتر اک هم حکومت عدن مأمور نمود و این ترتیب حکومت مشترک تا چندین نسل باقی بود. ابوالسعود و ابوالغرات دو نفر از امرای عدن خود را از زیر بار تبعیت پادشاه صنعا بیرون آوردند و با اینکه موفق نشدند که دائماً بحال استقلال بماتند باز سلسله ایشان بعد از سلسله بنی صایح مهترین سلسله های یمن است و تا ایام استیلای آل ایوب بر عربستان دوام داشته.



* این فہرست مقتبس است از کتاب یمن تالیف کی H. C. Kay, s Yaman
 صفحہ ۳۰۷ کہ لار تاریخ ۱۸۹۲ م انتشار یافتہ .

۳۹ - ایوبیان یمن

از ۵۶۹ تا ۶۲۵

﴿ مطابق ۱۱۷۳ - ۱۲۲۸ میلادی ﴾

استیلای آل ایوب در سال ۵۶۹ (۱۱۷۳ م) بر عربستان بزرگترین بحرانی است که در قرون وسطی در تاریخ این شبه جزیره پیش آمده چه فرزندان صلاح الدین ایوبی پس از تصرف یمن سلسله های داخلی آن سرزمین را بکلی از میان برداشتند و با همان صلابت که در مصر و شام و الجزیره حکومت میکردند یمن را نیز تحت اداره خود گرفتند.

توران شاه پسر ایوب کرد سلسله های بنی حمدان را در صنعا و بنی زریع را در عدن و بنوالمهدی را در زید از میان برداشت و یمن مدت نیم قرن (از ۵۶۹ تا ۶۲۵ = ۱۱۷۳ - ۱۲۲۷ م) در دست امرای خاندان بزرگ ایوبی که مصر و شام را نیز متصرف بودند باقی ماند. سابقاً در صفحه ۶۹ فهرست ایوبیان عربستان را بدست داده و جهات قرابت ایشان را با سایر اعضای این سلاله نموده ایم، در اینجا نیز برای رعایت تناسب عین همان را تکرار می کنیم.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۵۶۹	توران شاه، الملك المعظم	۱۱۷۳
۵۷۷	طغتكین، سيف الاسلام	۱۱۸۱
۵۹۳	اسماعیل، معز الدین	۱۱۹۶
۵۹۸	ایوب، الملك الناصر	۱۱۹۶
۶۱۱	سلیمان، الملك المظفر	۱۲۰۱
۶۱۲ - ۶۲۵	یوسف، الملك المسعود	۱۲۱۵ - ۱۲۲۸

(این سلسله را رسولیان برانداختند)

۴۰- رسولیان یمن

از ۶۲۶ تا ۸۵۸

﴿ مطابق ۱۲۲۹ - ۱۴۵۴ میلادی ﴾

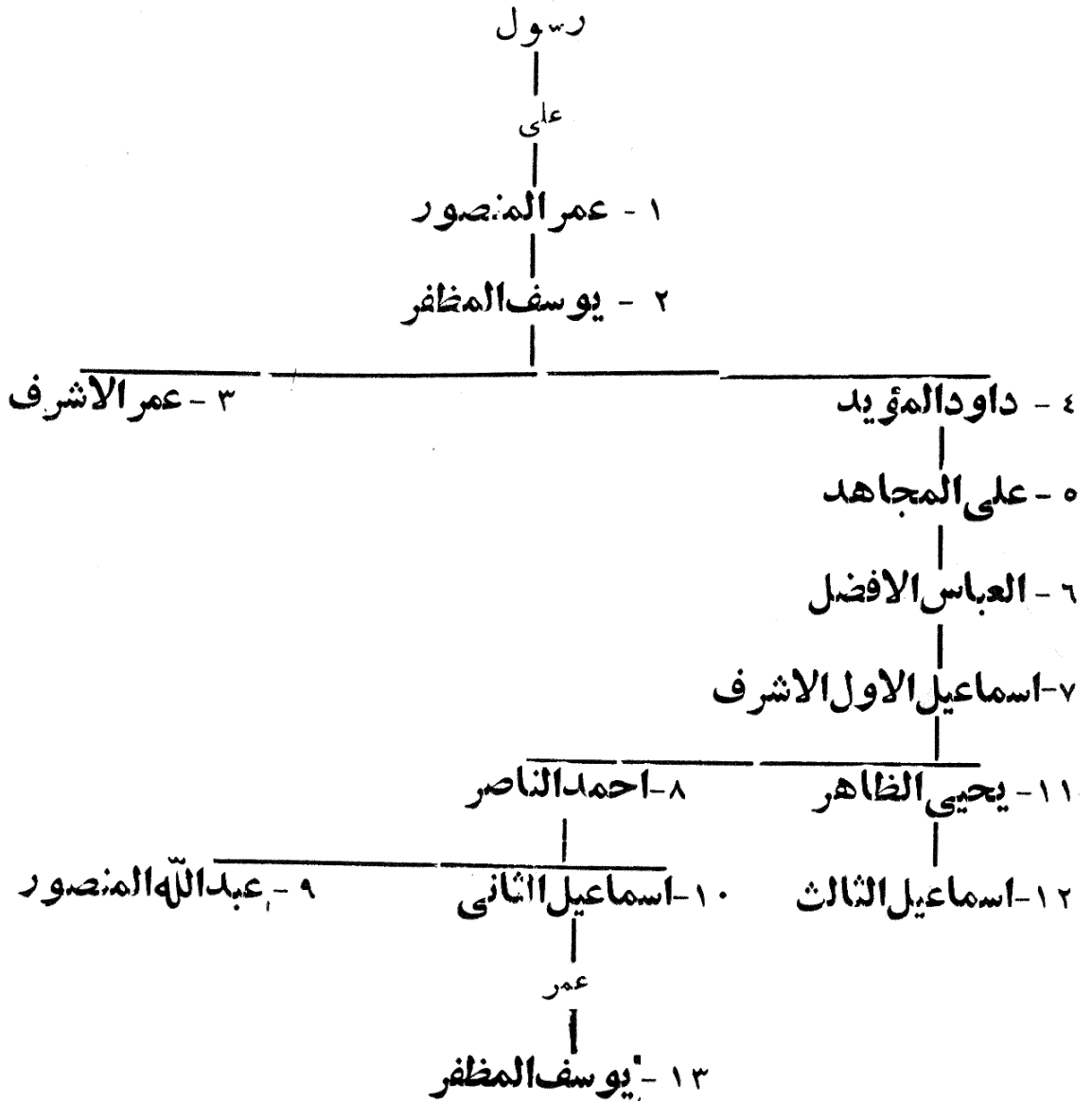
رسولیان در سلطنت یمن جانشین ایوبیان گردیدند و از حشر موت را تا مکه تحت امر خود آوردند و قریب دو قرن فرمانروائی داشتند و عات آنکه این سلسله را آل رسول یا رسولیان میگویند آنست که مسعود آخرین سلطان سلسله ایوبی عربستان در سال ۶۱۹ (۱۲۲۲ م) پسر رسولی را که خلیفه عباسی پیش او فرستاده بود و به علی بن رسول معروف شد بحکومت مکه تعیین کرد و پسر این علی یعنی نورالدین عمر پس از وفات مسعود در سال ۶۲۵ (۱۲۲۸ م) در یمن مستقر گردید و سلسله رسولیان را تشکیل داد.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۶۲۶	عمر بن علی، المنصور	۱۲۲۹
۶۴۷ ؟	یوسف، المظفر	۱۲۴۹ ؟
۶۹۴	عمر، الاشرف	۱۲۹۵
۶۹۶	داود، المؤید	۱۲۹۷
۷۲۱	علی، المجاهد	۱۳۲۱
۷۶۴	العباس، الافضل	۱۳۶۳
۷۷۸	اسماعیل الاول، الاشرف	۱۳۷۶
۸۰۳	احمد، الناصر	۱۴۰۰
۸۲۹	عبدالله، المنصور	۱۴۲۶
۸۳۰	اسماعیل الثانی، الاشرف	۱۴۲۷
۸۳۱	یحیی، الظاهر	۱۴۲۸

۱۴۳۸	اسماعیل الثالث، الاشرف	۸۴۲
۱۴۴۱	یوسف، المظفر مدعیان رقیب رسولیان	۸۴۵
۱۴۴۲	محمد، المفضل	۸۴۶
۱۴۴۲	عبدالله، الناصر	۸۴۶
۱۴۵۴-۱۴۵۰	المسعود	۸۵۸-۸۵۴
۱۴۵۱	الحسین، المؤید	۸۵۵

(این سلسله را بنی طاهر منقرض کردند)

رسو ايان



۴۱- بنی طاهر

(در یمن)

از ۸۵۰ تا ۹۲۳

(مطابق ۱۴۴۶ تا ۱۵۱۷ میلادی)

بنی طاهر در یمن جانشین رسوایان گردیدند و تا زمان تسخیر عربستان بدست قانسوه الغوری از سلاطین ممالیک مصر باقی بودند. عربستان کمی بعد بتصرف ترکان عثمانی درآمد ولی همینکه ایشان آن را در سال ۹۲۳ (م. ۱۵۱۷) تحت امر خود درآوردند ائمه یمنی قیام نموده بمخالفت با ترکان برخاستند و بالاخره هم در سال (۱۶۳۳ م.) ترکان عثمانی را بترك یمن مجبور کردند.

طاهر

داود ۱ ب - المجاهد ۱ الف - الظافر الاول

۲- المنصور

۳- الظافر الثاني

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۸۵۰	صلاح الدین عامر الاول، الظافر (در زیدوفتش ۸۷۰)	۱۴۴۶
۸۸۳	شمس الدین علی، المجاهد (در عدن و نائش ۸۸۳)	۱۴۷۸
۸۸۳	تاج الدین عبدالوهاب، المنصور	۱۴۷۸
۸۹۴-۹۲۳	صلاح الدین عامر، الظافر	۱۴۸۸-۱۵۱۷

(این سلسله را ممالیک و ترکان عثمانی برانداختند)

۴۲- ائمه رسی

(در سَعْدَا)

از ۲۸۰ تا حدود ۷۰۰

﴿مطابق ۸۹۳- حدود ۱۳۰۰ میلادی﴾

یکی از بنیرگان القاسم الرسی از مدعیان امامت در عصر مأمون خلیفه با اسم یحیی الهادی در سَعْدَا از بلاد یمن شعبه ای از فرقه زیدیه تأسیس کرد که ائمه آن هنوز نیز در آن سرزمین بامامت فرقه خود باقی هستند. رشته اسامی این ائمه غیر منظم و تواریخ مربوط بایشان غالباً درست معین نیست و فهرست و جدول نسب ذیل مطابق آخرین تحقیقاتی است که راجع بائمه رسی در دست است * :

سال هجری	اسامی	سال میلادی
وفاتش در ۲۴۶	القاسم الرسی ، ترجمان الدین	وفاتش در ۸۶۰
۲۸۰	یحیی ، الهادی الی الحق	۸۹۳
۲۹۸	ابو القاسم محمد ، المرتضی	۹۱۰
۳۰۱	احمد ، الناصر	۹۱۳
۳۲۴	القاسم ، المختار	۹۳۵
	یوسف ، الداعی	
	القاسم ، المنصور	
۳۹۳	الحسین . المهدی (وفاتش در ۴۰۴)	۱۰۰۳
۴۲۶	الحسن ابو هاشم	۱۰۳۵
۴۳۰	ابو الفتح الدیلمی ، الناصر	۱۰۳۸

* برای اطلاع بیشتر رجوع کنید بکتاب یمن تألیف کی H.C. Kay's Yaman که در ۱۸۹۲ منتشر شده .

۱۱۳۷	احمد ، الموكل (وفاتش در ۵۶۶)	۵۳۲
۱۱۹۶	عبدالله، المنصور (وفاتش در ۶۱۴)	۵۹۳
{ ۱۲۲۶-۱۲۱۷	عزالدین محمد ، الناصر	{ ۶۲۳-۶۱۴
{ ۱۲۱۷	نجم الدین یحیی ، الهادی	{ ۶۱۴
؟ ۱۲۲۶	احمد بن الحسین، المهدي	؟ ۶۲۳
۱۲۵۸	شمس الدین احمد، الموكل	۶۵۶
حدود ۱۲۸۱	داود، المنتصر	حدود ۶۸۰

۴۳- ائمه صنعا

از حدود ۱۰۰۰ هجری تا زمان ما

(مطابق حدود ۱۵۶۱ میلادی تا کنون)

مرکز ائمه رسی چنانکه گفتم در شهر سعدا بود و ایشان غالباً صنعا را نیز بتصرف خود در میآوردند ، با این حال صنعا تا سال ۱۰۴۳ (۱۶۳۳ م) که ترکان عثمانی در آنجا بودند پایتخت یمن محسوب نمیشد و از این تاریخ که سال اخراج ترکان عثمانی از آنجاست این شهر پایتخت یمن قرار گرفته .

ائمه ای که در یمن ریاست کرده اند معروفند بائمه صنعا ولی باید دانست که ایشان نیز ذیل ائمه رسی سعدا محسوب میشوند چه مؤسس این سلسله یعنی **ابوالقاسم المنصور** از فرزندان یوسف الداعی نبیره یحیی - الهادی رئیس فرقه رسی است .

فهرست ذیل که بیشتر آن نتیجه تحقیقات نیبهر Niebuhr است کامل نیست و برای تکمیل آن باید بمنابعی که هنوز در یمن موجود است رجوع کرد .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
حدود ۱۰۰۰	ابوالقاسم، المنصور	حدود ۱۵۹۱
۱۰۲۹	محمد، المؤید	۱۶۲۰
۱۰۵۴	اسماعیل، الموکل	۱۶۴۴
۱۰۸۷	محمد، المجید	۱۶۷۶
	احمد، المهدی	
۱۰۹۳	محمد، الهادی	۱۶۸۲

١٦٨٤	محمد، المهدي	١٠٩٥
١٧١٤	محمد، الناصر	١١٢٦
١٧١٦	القاسم، الموكل	١١٢٨
١٧٢٦	الحسين، المنصور	١١٣٩
١٧٢٦	محمد، الهادي، المجيد	١١٣٩
١٧٢٧	المنصور (مجدداً)	١١٤٠
١٧٤٧	العباس، المهدي	١١٦٠
حدود ١٧٧٦	المنصور	حدود ١١٩٠

قسمت هشتم

شام و الجزیره

از قرن پنجم تا هفتم
(مطابق قرن دهم تا دوازدهم میلادی)

۴۴ - بنی حَمدان (در موصل و حلب)

۴۵ - آل مرداس (حلب)

۴۶ - بنی عقیل (موصل و غیره)

۴۷ - آل مروان (دیار بکر)

۴۸ - آل مزید (حله)

قسمت ششم

شام و الجزیره

(دوره حکومت عرب)

از قرن پنجم تا هفتم

﴿ مطابق قرن دهم تا دوازدهم میلادی ﴾

در طبقه بندی سلاطین آسیا نظم جغرافیائی که در باب افریقا آنرا رعایت کردیم در اینجا باید تغییر یابد و هر دسته از سلسله ها با رعایت ترتیب تاریخی مذکور شود بشرح دیل :

قسمت ششم : سلسله های عرب شام و الجزیره قبل از استیلای ترکان ساجوقی ،

قسمت هفتم : سلسله های ایران و ماوراءالنهر قبل از سلاجقه ،

قسمت هشتم : خاندان ساجوقی با جمیع شاخه های آن ،

قسمت نهم : سلسله هائی که بدست رؤسای لشکری سلاجقه و

در فاصله بین ضعف این خاندان و استیلای مغول تشکیل یافته.

قسمت دهم : جانشینان سلاجقه در قسمت غربی آسیا مخصوصاً

ترکان عثمانی .

قسمت یازدهم : مغولان خاندان چنگیزی و شعب آن.

قسمت دوازدهم : سلسله هائی که هنگام ضعف مغول در ایران

ظاهر شده اند ،

قسمت سیزدهم : سلسله هائی که بین ظهور امیر تیمور و ضعف

خاندان قدیم مغول در ماوراءالنهر بوجود آمده اند ،

قسمت چهاردهم : طبقات سلاطین هندوستان (بضمیمه افغانستان)

در ذکر این قسمت ها نظم جغرافیائی رعایت شده و از مغرب شروع و بمشرق ختم گردیده است یعنی بیان احوال این سلسله ها را از شام و الجزیره ابتدا کرده و دنباله تاریخ آنها را تا استیلای سلاجقه آورده ایم و در باب ایران و ماوراءالنهر نیز بهمین شکل پیش رفته ایم . سپس بذکر سلاجقه و امرای ایشان در سمت مغرب پرداخته ایم . ظهور قوم جدیدی مثل مغول جمیع این سلسله ها را باستثنای خاندان آل - عثمان از میان برد و اگر چه در ایران همینکه دوره انحطاط قدرت مغول فرا رسید سلسله هائی از شاهان ایران جای ایشان را گرفتند که هنوز نیز باقی هستند و ما آنها را در قسمتی عایجده آورده ایم ولی در سمت شمال و مشرق مدتها دوام کردند و از میان قوم تاتار سلسله دیگری که سلسله فرزندان تیمور باشند بیرون آمد و سلاله هائی که وجود این مؤسس جدید باعث ظهور آنها گردید با جانشینان ازبکی خود در ماوراءالنهر هنوز بر جا هستند . در طرف مشرق هم رشته سلاطین مسلمان هند از غزنویان شروع و بانقض دولت مغول هند و استقرار حکومت انگلیس بر آن سرزمین ختم میگردد .

اولین طبقه از این سلاطین سلسله هائی هستند که قبایل عرب در شام و الجزیره تشکیل داده اند و جدا ساختن این قسمت از سایر نواحی از لحاظ جغرافیا کاملاً بجاست زیرا که کوههای کردستان و جبال مغرب ایران بین این ممالکت اخیر و الجزیره در حکم سر حد طبیعی است و فقط در قرون اولیه اسلام مسلمانان از آن تجاوز نموده اند . اگر چه آل بویه قسمت سفلی الجزیره را ضمیمه متصرفات خود در ایران کردند ولی هیچیک از امرائی که در دیار بکر و الجزیره حکومت داشتند از این کوهها بطرف مشرق قدم فراتر نگذاشتند و تمام لشکر کشیهای ایشان متوجه سمت شام بود .

این طبقه علاوه بر آنکه از لحاظ مسکن و ملاحظات جغرافیائی از سایر طبقات ممتازند از جهت نژاد نیز با دیگران فرق دارند چه غیر از بنی مروان که کرد بوده اند بقیه همه از قبایل عربند. اعرابی که از مساکن اصلی خود بسمت شمال یعنی بطرف الجزیره و شام متوجه شده اند صاحب قدرتی بوده اند که خانها نیز از آن ملاحظات داشتند چنانکه پس از تجزیه سریعی که در امر خلافت پیش آمد این قبایل ساکن در اطراف شام و دره علیای فرات متدرجاً در آن حدود متیم شده بتصرف بلاد و قلاع و تأسیس سلسله های سلطنتی پرداختند. مثلاً از میان قبیله بنی تغلب سلسله آل حمدان در حاب و موصل و بعضی بلاد دیگر بیرون آمد و بنی کذب سلسله آل مرداس در حاب. بنی عقیل بر دیار نکر و الجزیره و قسمتی از عراق و بنی مزید از قبایل بنی آسد بر حله استیلا یافتند.

این سلسله های عرب اگرچه غالباً بر بلاد و نواحی و گاهی نیز بر ایالات بزرگ حکومت میکردند هیچگاه دست از زندگی بدوی خود نکشیدند بلکه بیشتر در همان چادرها با اهل قبیله خویش مزیم می ماندند و در طلب چراخوردن یا بعادت دیرینه از محلی به محلی دیگر کوچ می کردند.

۴۴ — بنی حمدان

(در حلب و موصل و غیره)

از ۳۱۷ تا ۳۹۴

﴿ مطابق ۹۲۹ تا ۱۰۰۴ میلادی ﴾

آل حمدان از قبیله تغلب اند که در مجاورت موصل اقامت اختیار کرده بودند و حمدان بن حمدون جد ایشان در سال ۲۶۰ (۸۷۳ م) در حوادث سیاسی که در موصل روی کرد دخالت مهمی

داشت . در سال ۲۸۱ (۸۹۴ م) محمد بن حمدان شهر ماردین را رامالک شد ولی معتضد خلیفه او را از آنجا راند . در سال ۲۹۲ (۸۹۴ م) ابوالهیجاء عبدالله بن حمدان بحکومت موصل و توابع آن منصوب گردید و از این تاریخ کوکب سعادت آل حمدان اوج گرفت

در سال ۳۰۷ (۹۱۹ م) ابرهیم بن حمدان حاکم دیار ربیعہ شد و مقام او پس از فوتش در سال ۳۰۹ (۹۲۱ م) برادر او داود رسید و سعید بن حمدان نیز در سال ۳۱۲ (۹۲۴ م) حکومت نهاوند یافت و بعضی دیگر از خاندان حمدانی نیز بمناصبی رسیدند .

عبدالله پسر خود حسن را در موصل نیابت داد و حسن بانهشای قلیل مدتی (از ۳۱۷ تا ۳۱۹) موصل را با دیار ربیعہ و دیار بکر تا سال ۳۵۸ (۹۶۸ م) که در آن تاریخ از طرف پسرش ابوتغلب خلع شد متصرف بود .

در سال ۳۳۰ (۹۴۱ م) حسن از طرف خلیفه بلقب ناصرالدوله ملقب گردید و در همین ایام برادرش علی نیز لقب سیفالدوله یافت و این سیفالدوله که ابتدا بر واسط حکومت میکرد در سال ۳۳۳ (۹۴۴ م) حلب را نیز از کف امرای اخشیدی خارج ساخت و در جنگهای خود با رومیان شهرتی بسزا تحصیل نمود .

امرای حمدانی شیعی مذهب بودند و سیفالدوله خلیفه فاطمی مصر را محترم میشمرد . بعد از مرگ این دو برادر قدرت سلسله بنی حمدان بسرعت رو بانحطاط رفت . از طرفی فاطمیون متصرفات نواده سیفالدوله را در شام گرفتند و از طرفی دیگر آل بویه دست ابوتغلب را در فاصله بین سنوات ۳۶۷ و ۳۶۹ (۹۷۷ - ۹۷۹ م) از الجزیره کوتاه کردند . تصرف مجدد موصل هم بتوسط حسن و ابوطاهر موقتی بود و دوامی نداشت .

۱ - حمدانیان

سال میلادی	اسامی	سال هجری
۹۲۹	ناصر الدوله ابو محمد الحسین	۳۱۷
۹۶۸-۹۷۹	عدة الدوله ابو تغاب الغضنفر	۳۵۸-۳۶۹
۹۸۱-۹۹۱	{ ابو طاهر ابراهیم ابو عبدالله الحسین }	۳۷۱-۳۸۰

(این شعبه را بنی عقیل و آل بویه برانداختند)

۲ - حمدانیان حلب

۹۴۴	سیف الدوله ابو الحسن علی	۳۳۳
۹۶۷	سعد الدوله ابو المعالی الشریف	۳۵۶
۹۹۱	سعید الدوله ابو الفضایل السعید	۳۸۱
۱۰۰۱	{ ابو الحسن علی	۳۹۲
۱۰۰۳	{ ابو المعالی الشریف	۳۹۴

حمدان

اولعلا السعيد

۳۱۹-۳۱۷ موصل ۳۱۲ نهانوند

وفاتش در ۳۲۳

ابراهيم

(۳۰۸-۳۰۷ ديارريعه)

داود

(۳۰۹ ديارريعه)

ابو الهيجاء عبد الله

(در موصل سال ۲۹۰ وفاتش در ۳۱۷)

ابو الفارس

(وفاتش در ۳۵۷)

الحسين

(وفاتش در ۳۳۸)

(حمدان ازيان موصل)

۱- ناصر الدوله

۱- سيف الدوله

(حمدان ازيان حلب)

۲- ابو تغلب

(وفاتش در ۳۶۹)

۳- الف-الحسين

۳- ابو طاهر ابراهيم

ابو البركات

(وفاتش در ۳۸۰)

۲- سعد الدوله (وفاتش در ۳۵۸)

۳- سعيد الدوله

الف- علي

ب- الشريفي

۴۵ — آل مرداس

(در حلب)

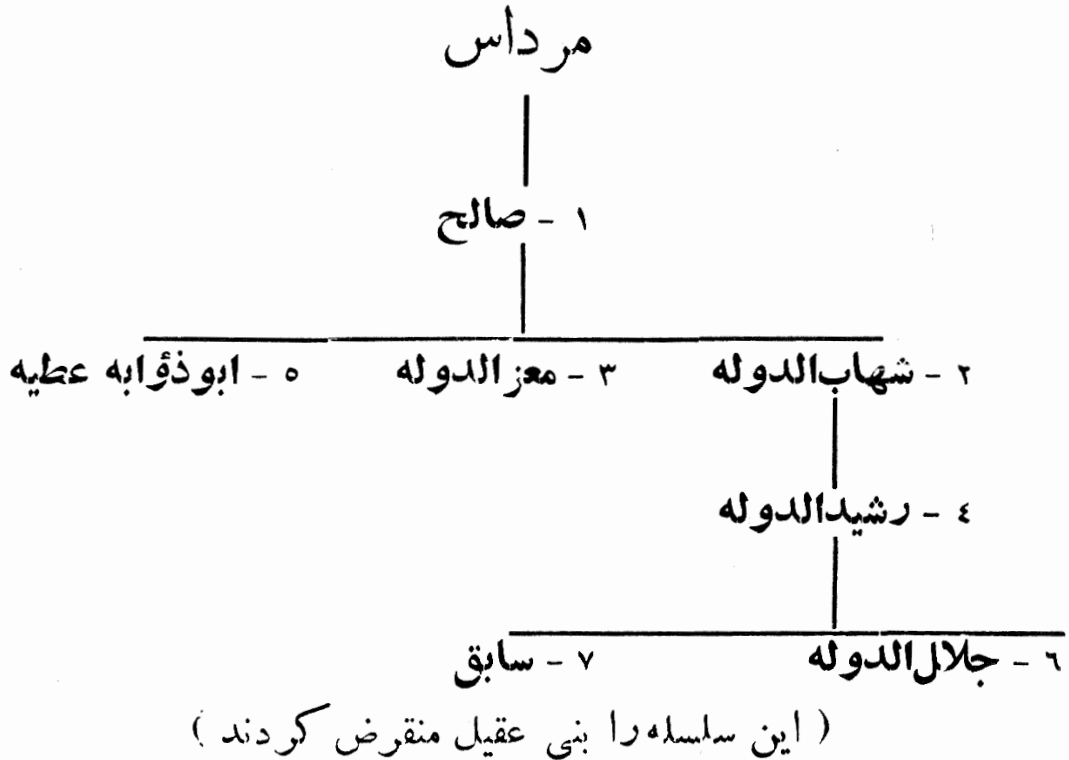
از ۴۱۴ تا ۴۷۲

﴿ مطابق ۱۰۲۳ - ۱۰۷۹ میلادی ﴾

اسدالدوله ابو علی صالح بن مرداس از قبیله بنی کلاب در حدود سال ۴۱۲ (م. ۱۰۱۱) با اتباع خود بحوالی حلب آمد و در سال ۴۱۴ (م. ۱۰۲۳) موقعیکه مردم آن شهر بر حکمران فاطمی خود شوریدند حلب را بتصرف اسدالدوله دادند و او تا سال قتل خود در جنگ با مصریان یعنی تا تاریخ ۴۲۰ (م. ۱۰۲۹) بر آن شهر حکومت میکرد . بعد از صالح پسرش شهابالدوله نصر جای او را گرفت ولی شهابالدوله نیز در سال ۴۲۹ (م. ۱۰۳۷) بدست لشکریان فاطمی کشته شد . پنج سال بعد پسر دیگر صالح یعنی معزالدوله تَمَال که حکومت رَحْبَه را داشت حلب را از فاطمیون پس گرفت اما در سال ۴۴۹ (م. ۱۰۵۷) بتسلیم مجدد آن بفاطمیان مجبور گردید ولی برادرش عطیه در همین ایام رَحْبَه را مسخر ساخت. در سال ۴۵۲ (م. ۲۰۶۰) رشیدالدوله پسر شهابالدوله حلب را از حکمران فاطمی آن گرفت لیکن عمش معزالدوله سال بعد او را از آنجا بیرون کرد و چون معزالدوله در ۴۵۴ مرد حلب ببرادرش عطیه رسید . رشیدالدوله در همین سال حلب را پس گرفت و عطیه رَقَه را مسخر ساخت ولی مُسلم بن قُریش عقیلی در سال ۴۶۳ (م. ۱۰۷۰) او را از آنجا خارج کرد .

جانشینی رشیدالدوله در سال ۴۶۸ پسرش جلالالدوله رسید و او شهر مَنبِج را از تصرف رومیان بیرون آورد و برادرش سابقِ یاشیب

حلب را تا سال ۴۷۲ (م. ۱۰۷۹) تحت حکومت خود داشت و مسلم عقیلی
در این تاریخ بر آن مستولی شد *



۴۶ — بنی عقیل

(در موصل و غیره)

از ۳۸۶ تا ۴۸۹

﴿مطابق ۹۹۶ ۱۰۹۶ میلادی﴾

بنو عقیل عشیره بزرگی بودند از قبیله بنی کاب از قبایل مضر
عربستان که بعد از قبول اسلام عشیره‌های آن بطرف شام و عراق و افریقای
شمالی و اندلس کوچ کردند.

* رجوع کنید بمقاله سور H. Sauvair تحت عنوان: یکی از مسکوکات صالح بن
مرداس حابی A dinar of Salih ebn Merdas of Aleppo در مجله سکه شناسی
Numismatic Chronicle (سال ۲۰۱۸۷۳)

بتي مرداس

سال هجري	اسامي	سال ميلادي
٤١٤	صالح بن مرداس	١٠٢٣
٤٢٠	شهاب الدوله ابو كامل نصر	١٠٢٩
٤٢٩	فاطميون	١٠٣٧
٤٣٤	معز الدوله ابو العلوان تمال	١٠٤٢
٤٤٩	فاطميون	١٠٥٧
٤٥٢	رشيد الدوله محمود	١٠٦٠
٤٥٣	معز الدوله (مجدداً)	١٠٦١
٤٥٤	ابو ذؤابه عطيه	١٠٦٢
٤٥٤	رشيد الدوله (مجدداً)	١٠٦٢
٤٦٨	جلال الدوله (مصمام الدوله) نصر	١٠٧٥
٤٦٨ - ٤٧٢	ابو الفضائل سابق	١٠٧٦ - ١٠٧٩

در ابتدای تاسیس ساساء خلفای عباسی عراق از قبیله بنی عقیل پر بود وعشیره بنو مُتَنَفِّك از شعب آن متوجه ناحیه مردابی اطراف بصره یعنی بَطَایِح که در دست خاندان معروف بود شدند و بنو خُفَاجَه شعبه دیگر قبیله عقیلی در صحاری اطراف عراق سکونت گزیدند و قرنهای کار ایشان زدن قوافل بود و تا حدود ۷۲۸ (۱۳۲۷ م.) باین وضع زندگی می کردند و عشیره بنی عبادَه که بابنی مُتَنَفِّك در ناحیه مابین کوفه و بصره و واسط سکونت داشتند موفق شدند که خود را بامارت نیز برسانند و شعبه امرای عقیلی موصل گویا از ایشان باشند .

در قرن چهارم هجری بنی عقیل ساکنین شام و عراق خراج - گزار ساساء مقتدر حمدانی بودند ولی همینکه این ساساه از میان رفتند رؤسای عقیلی هم عام استقلال برافراشتند. آخرین امیر ساساء حمدانی یکی از ایشان که ابو ذُو اَدم مُحَمَّد نام داشت حکومت بلاد فَصِیْمِیْن و بَلَد ر، در سال ۳۷۹ (۹۸۹ م) وا گذاشت و موصل نیز در سال ۳۸۰ بآن ضمیمه گردید ولی آل بویه او را در سال ۳۸۱ از آنجا راندند. برادرش مُقَلَّد امیری مقتدر تر بود و او موصل را در سال ۳۸۶ (۹۹۶ م) گرفت و بهاء الدوله دیلمی حکومت او را بشرط پرداخت خراج بر این شهر و بلاد کوفه و قصر و جامعان تصویب نمود و بعد حکومت انبار و مداین و دقوقا را نیز بر آنها افزود .

در زمان مُسَلِم بن قُرَیْش دامنۀ متصرفات امرای عقیلی موصل از حوالی بغداد تا حدود حلب کشیده شد ولی بعد از مرگ او دولت عقیلی رو بضعف رفت و موصل را لشکر کش معروف تَرک قَوا م الدَّولَه کَرَبُوغا در تاریخ ۴۸۹ (۱۳۹۶ م) گرفت و آنرا بممالک سلجوقی منضم ساخت. سایر شعب یا امرای عقیلی را که در بلاد شام و الجزیره حکومت

میکرده اند در جدول نسب ایشان نموده‌ایم بنی عقیل بعد از برافتادن دولتشان از الجزیره بمسکن قدیم خود بحرین برگشتند .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۳۸۶	حسام الدوله مقلد	۹۹۶
۳۹۱	معتمد الدوله قرواش	۱۰۰۰
۴۴۲	زعیم الدوله ابو کامل برکه	۱۰۵۰
۴۴۳	عالم الدین ابو المعالی قریش	۱۰۵۱
۴۵۳	شرف الدوله ابو المکارم مسلم	۱۰۶۱
۴۷۸	ابراهیم	۱۰۸۵
۴۸۶-۴۸۹	علی	۱۰۹۳-۱۰۹۶

(این سلسله را سلاجقه از میان برداشتند)

۴۷ — بنی مروان

(در دیار بکر)

از ۳۸۰ تا ۴۸۹

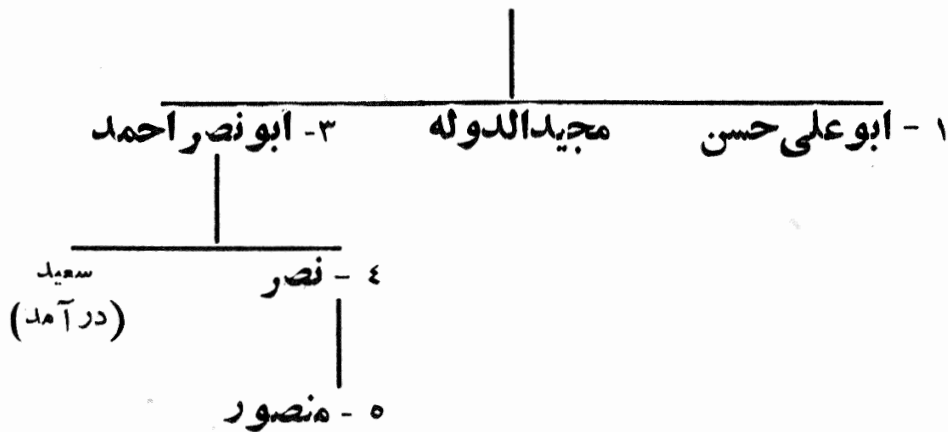
(مطابق ۹۹۰-۱۰۹۶)

پس از مرگ باد حکمران حصن کَیْفا در سال ۳۸۰ (۹۹۰ م) خواهر زاده کرد نژادش ابو علی بن مروان جای او را گرفت و حوزه حکومتی او بلاد عمده دبار بکر یعنی آمد و ارزن و میافارقین و کَیْفا را شامل بود . جانشین او اطاعت خلیفه فاطمی مصر را پذیرفت و از از طرف او پس از رانده شدن آل حمدان بحکومت حلب نیز نامزد گردید .

بنی مروان مدتی نیز مطیع آل بویه بودند و آخر الامر سلاجقه بدولت ایشان خاتمه بخشیدند .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۳۸۰	ابوعلی حسن	۹۹۰
۳۸۷	مهدالدوله ابو منصور	۹۹۷
۴۰۲	نصرالدوله ابو نصر احمد	۱۰۱۱
۴۵۳	نظام الدوله نصر	۱۰۶۱
۴۷۲-۴۸۹	منصور	۱۰۷۹-۱۰۹۶

مروان



(این سلسله را سلاجقه از میان برداشتند)

۴۸ - بنی مزید

(در حله)

از ۴۰۳ تا ۵۴۵

مطابق ۱۱۵۰-۱۰۱۲ هـ

بنی مزید از قبایل بنی اسد پس از هجرت از عربستان در حوالی قادسیه در ساحل یسار دجله ساکن شدند و چهارمین امیر این سلسله صدقه در سال ۴۹۵ (۱۱۰۱ م) پای تخت خود را در نزدیکی جامعان در شهر حله بنا نمود و آنجا را بوسیله بنای ابنیه زیبا و رونق تجارت تامدتی مشهور عالم کرد. صدقه یکی از شجعان معروف تاریخ

عربست و مورخین و شعرا محامد آثار او را یاد آور شده اند . سلسله
بنی مزید پس از مرگ صدقه رو بضعف رفت چنانکه در سال ۵۵۸
(۱۱۶۲ م) مستنجد خلیفه بقیه بنی اسد در عراق حمله برد و ۴۰۰۰
نفر از جندیان ایشان را کشت و بقیه را در اراضی اطراف فرات پراکنده
کرد. ممالك ایشان قسمتی نصیب قبیله بنی متفک ساکنین بطایح گردید
و مقامشان در حکومت نیز باتابکان زنگی رسید .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۴۰۳	سندالدوله علی الاول	۱۰۱۲
۴۰۸	نورالدوله دیس الاول	۱۰۱۷
۴۷۴	بهاءالدوله ابو کامل منصور	۱۰۸۱
۴۷۹	سیف الدوله صدقه الاول	۱۰۸۶
۵۰۱	نورالدوله دیس الثانی	۱۱۰۷
۵۲۹	صدقه الثانی	۱۱۳۴
۵۳۲	محمد	۱۱۳۷
۵۴۰-۵۴۵	علی الثانی	۱۱۴۵-۱۱۵۰

(این سلسله را اتابکان زنگی منقرض کردند)

مزید الاسدی



قسمت هفتم

ایران و ماوراء النهر

(دوره امارت ایرانیان)

(از قرن سوم تا قرن پنجم)

(مطابق قرن نهم تا یازدهم میلادی)

سلسله هائی که ذیلا بشرح آنها خواهیم پرداخت سلسله هائی است که در ایران و ماوراء النهر حکومت کرده اند و ایشان که دوره امارتشان تازهور سلاجقه امتداد یافته طرفدار آداب ایرانی و علمداران دوره احیای استقلال قدیم ایرانند .

مأمون خلیفه عباسی که مادرش یکی از کنیزکان ایرانی بود برادر خود امین را بدستیاری سپاهیان ایرانی نژاد خراسانی مغلوب و از خلافت برکنار کرد و چون خود بدست این جماعت بمقام امیرالمؤمنینی رسید وزمام اداره کارهای او در دست ایرانیان بود بعلاوه سعی داشت که آداب قدیمه ایرانی را زنده کند بالنتیجه نفوذ ایرانیان در جمیع امور بر اقتدار سابق عنصر عرب غلبه یافت و قدرت دربار خلافت رو بضعف گذاشت .

امرای لشکری بزرگ و حکام و سرداران در ولایات روز بروز بر قدرت خود افزودند و کار استبداد و استقلال ایشان بتدریج آنجا کشید که مأمون وجانشینان او دیگر از عهده این جماعت بر نیامدند و سلسله های ایرانی متعدد در بلاد ایران و ماوراء النهر ظهور یافت و در قسمت غربی ممالک دارالخلافه نیز قبایل عرب الجزیره بر خلفا عاصی شدند و

قسمت هفتم

ایران و ماوراء النهر
(دوره امارت ایرانیان)

از قرن سوم تا قرن پنجم
مطابق قرن هفم تا یازدهم میلادی

- ۴۹ - بنی دلف (کردستان)
- ۵۰ - بنی ساج (آذربایجان)
- ۵۱ - علویان (طبرستان)
- ۵۲ - آل طاهر (خراسان)
- ۵۳ - صفاریان (ایران)
- ۵۴ - سامانیان (ماوراء النهر و ایران)
- ۵۵ - ایلک خانیان (ترکستان)
- ۵۶ - آل زیار (گرجان)
- ۵۷ - آل حسنویه (کردستان)
- ۵۸ - آل بویه (ایران جنوبی و عراق)
- ۵۹ - آل کاکویه (کردستان)

از این سلسله‌ها آنها که پیرو مذهب تسنن بودند اسماً از خلیفه احترام و اطاعت میکردند ولی بعضی دیگر مثل آل بویه که بمذهب شیعه گرویده بودند زیر این بار نیز نرفتند .

بطور کلی این دوره را میتوان دورهٔ ایرانی دانست و اگر چه جمیع سلسله‌هایی که در این عصر علم استقلال برافراشته‌اند از نژاد ایرانی نبوده‌اند ، چنانکه ابودلف مثلاً عرب و حسنویه کرد و ایالک خان تركاست، ولی چون قلمرو حکومت جمیع ایشان ایران بوده و اکثر ایشان نیز از نژاد ایرانی و مروج آداب قومی این ملتند این دوره را دورهٔ ایرانی میخوانیم .

۴۹ - بنی دلف

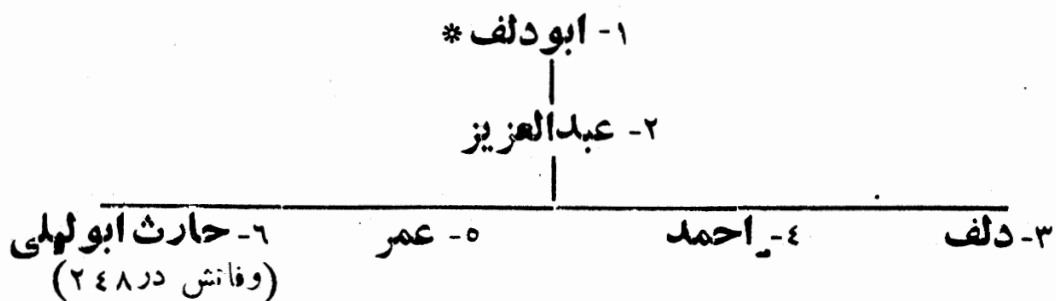
(در کردستان)

از حدود ۲۱۰ تا حدود ۲۸۵ ه .

[مقارن حدود ۸۲۵ - ۸۹۸ م]

ابودلف عجلی یکی از سرداران مأمون خلیفه بود که از جانب او حکومت همدان منصوب گردید و این حکومت بارث پسرش عبد-العزيز و نوادگان او رسید . عمر بن عبدالعزیز در سال ۲۸۱ اصفهان و نهاوند را نیز ضمیمهٔ قلمرو حکومت خود کرد . حکام دیگر عباسی سلسلهٔ ایشان را از میان برداشتند .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
حدود ۲۱۰	ابودلف القاسم بن ادریس العجلی	حدود ۸۲۵
۲۲۸	عبدالعزيز	۸۴۲
۲۶۰	دلف	۸۷۳
۲۶۵	احمد	۸۷۸
۲۸۰ حدود ۲۸۵ عمر		۸۹۳ حدود ۸۹۸



۵۰- بنی ساج

(در آذربایجان)

از ۲۶۸ تا حدود ۳۱۸

﴿مطابق ۸۷۹ - حدود ۹۳۰ میلادی﴾

ابوالساج دیوداد که حکمران کوفه و اهواز بود تا سال فوت خود یعنی سنه ۲۶۶ (م. ۷۸۹) این مقام را داشت و پسرش محمد حاکم حجاز بود ولی در سال ۲۶۹ والی انبار و در سال ۲۷۶ حکمران آذربایجان شد و در این حکومت اخیر خود ارمنستان را هم بسال ۲۸۵ (م. ۸۹۸) ضمیمه حوزة فرمانفرمائی خویش نمود.

پس از مرگ محمد برادرش یوسف که از تاریخ ۲۷۱ (م. ۸۸۴) حکومت مکه را یافته بود در حکومت آذربایجان و ارمنستان جانشین برادر گردید و پسر محمد یعنی دیوداد را معزول کرد. یوسف در سال

* کرج را که بین اصفهان و همدانست، ظاهر آکره رود حالیه، در عهد مهدی خلیفه عیسی بن ادريس خزاعی عجلای که از اعراب کوفه بود ساخت و عیسی و فرزندان او در نواحی اصفهان براهزنی اشتغال داشتند سپس عیسی از این کار توبه کرد و عشیره خود را گرد آورد و در محل کرج اقامت گزید و نهر آبی بانجا آورد و پسرش ابودلف بر آبادی آن افزود و آنجا را شبیه بشهر کرد. وفات ابودلف در سال ۲۲۵ اتفاق افتاده (سمعی در نسبت کرجی) مترجم

۳۰۶ (۹۱۸ م.) بری حمله برد وای سال بعد بدست خلیفه اسیر شد .
 خلیفه در ۳۱۰ (۹۲۲ م.) او را بحکومت سابق خود برقرار نمود و یوسف در
 ۳۱۱ ری را بتصرف خویش آورد و در جنگ با قرامطه شرکت کرد
 در سال ۳۱۹ (۹۳۱ م.) حکومت آذربایجان نصیب مفاح یکی از موالیان
 یوسف شد و سلسله بنی ساج رو بضعف رفت و کمی بعد بدست حکام
 عباسی انقراض یافت .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
وفاتش در ۲۶۶	ابوالساج دیوداد	۸۷۹
۲۷۹	محمد افشین بن دیوداد	۸۸۹
۲۸۸	یوسف بن دیوداد	۹۰۰
۳۱۵ تا حدود ۳۱۸	ابوالمسافر الفتح بن محمد	۹۲۷ تا حدود ۹۳۰

۱- علویان طبرستان

از ۲۵۰ تا ۳۱۶ هـ

﴿مطابق ۸۶۴ تا ۹۲۸ میلادی﴾

يك شعبه از ائمه علوی یازیدی که در سعه یمن حکومت میکرده اند
 و سابقاً ذکر ایشان گذشت (ص: ۹۲) و خود را از فرزندان امام حسن
 یا امام حسین میدانستند مدتها در ولایات ساحلی بحر خزر یعنی دیلم و گیلان
 و طبرستان در ادعای امامت باقی و مدعی خلفای عباسی بغداد بودند و
 از این عده نام جماعت زیادی که در این ادعا مرده و یا گاهی سربعصیان
 برداشته اند باقیست فقط در سال ۲۵۰ (۸۶۴ م.) علویان موفق بتصرف
 طبرستان و تشکیل دولت و ضرب سکه شدند و این ولایت را قریب شصت
 و چهار سال تحت حکومت خود نگاه داشتند تا آنکه سامانیان ایشان را

از آنجا برانداختند. بعد از این واقعه باز از علویان چندین خاندان که رقیب یکدیگر بودند تا مدتی در گیلان و دیلم حکومت داشتند و یکی از این جماعت اخیر که ابوالفضل جعفر الثائر فی الله (کذا؟) نام داشت بنام خود سکه نیز زد.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۲۵۰	الحسن بن زید	۸۶۴
۲۷۰	محمد بن زید	۸۸۳
۲۸۷	حکومت سامانی	۹۰۰
۳۰۱	الناصر، الحسن بن علی الاطروش	۹۱۳
۳۱۶-۳۰۴	الحسن بن القاسم	۹۲۸-۹۱۶

(اتقراض علویان بدست سامانیان و آل زیار اتفاق افتاد)

۵۲- آل طاهر

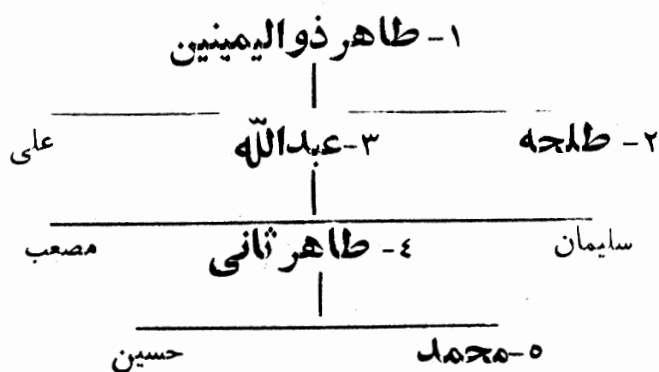
(در خراسان)

از ۲۰۵ تا ۲۵۹ هـ.

مطابق ۸۲۰-۸۷۲ م.

مأمون خلیفه سردار مشهور خود طاهر ذوالیمینین را که از موالی زادگان ایرانی بود در سال ۲۰۵ (۸۲۰ م.) بحکومت خراسان فرستاد و طاهر و فرزندانش در این سرزمین مستقل شده سلسله طاهری را تأسیس کردند و همه وقت تحت امر و تابع خلیفه بودند. این سلسله هیچوقت حوزه متصرفات خود را از حدود خراسان جلوتر نبردند و قریب نیم قرن در این حال بودند تا یعقوب بن ایث صفاری سلسله ایشان را منقرض کرد.

سنه هجری	اسامی	سنه میلادی
۲۰۵	طاهر ذوالیمینین	۸۲۰
۲۰۷	طاجه	۸۲۲
۲۱۳	عبدالله	۸۲۸
۲۳۰	طاهر ثانی	۸۴۴
۲۴۸-۲۵۹	محمد	۸۶۲-۸۷۲



(این سلسله بدست صفاریان منقرض شدند)

۵۳- صفاریان

(در ایران)

از ۲۵۴ تا ۲۹۰

مطابق ۸۶۷ - ۹۰۳ میلادی

یعقوب بن لیث صفار یکی از وجودهای اتفاقی است که ازیاست عیاران سرداری سپاهیان حکمران عباسی سیستان (سجستان یا نیمروز) رسیده و کمی بعد یعنی اندکی قبل از سال ۲۲۵ (۸۶۸ م) جانشینی او را بدست آورده است.

در همین سال یعقوب هرات را گرفت و فارس را نیز با کرسیش شیراز ضمیمه حوزه حکومتی خود نمود سپس بلخ و تخارستان را متصرف

شد و در سال ۲۵۹ (م. ۸۷۲) خراسان را از چنگ طاهریان بیرون آورد. بعد از يك لشکر کشی بطبرستان و مغلوب ساختن حسن بن زید عاوی علناً بمخالفت با المتعمد خلیفه قیام کرد و از راه شیراز و اهواز بسمت بغداد پیش تاخت ولی موفق برادر خلیفه او را شکست داد و یعقوب بسال ۲۶۵ (م. ۸۷۸) وفات یافت. برادر و جانشینش عمرو از جانب خلیفه بحکومت خراسان و فارس و کردستان و سیستان ابقا شد ولی چون بعدها قدرت او رو بافزایش گذاشت خایفه اسماعیل سامانی را بتعرض بسپاهیان او واداشت و اسماعیل در ۲۸۷ (م. ۹۰۰) عمرو را مغلوب و اسیر کرد.

نواده عمرو یعنی طاهر در سیستان بمقام او نشست ولی چون خواست فارس را هم مثل سابق تحت امر صفاریان درآورد در ۲۹۰ (م. ۹۰۳) اسیر گردید. سایر افراد خاندان صفاری نیز هیچکدام باسترداد ممالك اجدادی توفیق نیافتند و حکومت سیستان بسامانیان رسید ولی صفاریان تا مدت ها در ادعای حکومت سیستان باقی بودند و بعضی از ایشان نیز باین مقام رسیده و یکی پس از دیگری امیر آن ولایت شده اند*

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۲۵۴	یعقوب بن لیپ	۸۶۸
۲۶۵	عمرو بن لیث	۸۷۸
۲۸۷-۲۹۰	طاهر بن محمد بن عمرو	۹۰۰-۹۰۳

(این سلسله را سامانیان از اعتبار انداختند)

* برای احوال صفاریان آخری رجوع کنید بمقاله سور H. Sauvaire تحت عنوان: يك فاس غیر معروف صفاری جزء مجموعه دلكوز
Un fels inédit Saffaride de la Collection de M. Ch. de l' Ecluse
که در مجله مسکوکات Numismatic Chronicle در سال ۱۸۸۱ منتشر شده

۵۴ — سامانیان

در ماوراءالنهر و ایران

از ۲۶۱ تا ۳۸۹

(مطابق ۸۷۴ - ۹۹۹ میلادی)

سامان که از نجبای بلخ بود بخدمت اسد بن عبد الله حکمران خراسان رسیده از کیش زردشتی دست برداشت و مسلمان شد و پسرش در خدمت حکمران خراسان داخل گردید .

چهار پسر اسد همه منظور نظر مأمون خلیفه قرار گرفتند و مأمون در تاریخ ۲۰۴ (۸۱۹ م) بهر يك از ایشان حکومتی سپرد : نوح را در سمرقند ، احمد را در فرغانه ، یحیی را در چاچ و الیاس را در نهرات گذاشت . از میان این چهار برادر احمد بر دیگران سروری داشت و نه فقط جای نوح را در سمرقند گرفت بلکه کاشغر را هم بمتصرفات خود ضمیمه نمود . پسر دوم احمد اسماعیل خراسان را در سال ۲۹۰ (۹۰۳ م) از تصرف صفاریان بیرون آورد و محمد بن زید امیر علوی طبرستان را مغلوب ساخت و جمیع ممالك واقعه بین کویرلوت و خلیج فارس و سرحد هندوستان را تا حوالی بغداد تحت تبعیت خود آورد . مرکز اقتدار اسماعیل بیشتر ماوراءالنهر بود و بخارا و سمرقند در عهد او چنان ترقی یافتند که يك قسمت عمده از عالم اسلامی را بدرخشندگی تمدن و معارف و ادبیات و هنر نور و فروغ می بخشیدند . دولت سامانی در عصر جاشینان اسماعیل بر اثر انقلاباتی که در خراسان و سیستان بظهور رسید دوچار ضعف شد و اعتبار دیالمه نیز مزید بر این علت گردید بطوریکه بعد از اسماعیل در مدت نیم قرن

سامانیان جز ماوراءالنهر و خراسان مالک سرزمینی دیگر نبودند و بتدریج زمام امور حکومتی ایشان هم در دست غلامان ترك كه عده از ایشان در دربار سامانیان زیاد بود افتاد . یکی از این جمله البتگین نام سلسله غزنوی را در سال ۳۸۴ (م. ۹۹۴) تأسیس کرد و در اراضی جنوب شط حیحون جای سامانیان را گرفت . ممالک شمال این وادی را امرای ایلك خانى تركستان تصرف کردند و این امر اكه بریاست قبایل ترك از فرغانه تا حدود چین را تحت حكم داشتند پس از استیلای بر ماوراءالنهر بخارا را در سال ۳۸۰ (م. ۹۹۰) مسخر کردند و عاقبة الامر در سال ۳۸۹ (م. ۹۹۹) سلسله سامانی را برانداختند اگرچه از ایشان ابوابراهیم* منتصر تا سال ۳۹۵ (۱۱۰۴) برای تاج و تخت ازدست رفته می جنگید .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۲۶۱	نصر اول بن احمد	۸۷۴
۲۷۹	اسماعیل بن احمد	۸۹۲
۲۹۵	احمد بن اسماعیل	۹۰۷
۳۰۱	نصر ثانی، ابن احمد	۹۱۳
۳۳۱	نوح اول، ابن نصر	۹۴۲
۳۴۳	عبدالمالك اول، ابن نوح	۹۵۴
۳۵۰	منصور اول، ابن نوح	۹۶۱
۳۶۶	نوح ثانی، ابن منصور	۹۷۶
۳۸۷	منصور ثانی، ابن نوح ثانی	۹۹۷
۳۸۹	عبدالمالك، ثانی ابن نوح ثانی	۹۹۹

(انقراض این سلسله بدست امرای ایلك خانى و غزنویان صورت گرفت)

سامانیان

سامان

اسماء

نوح

احمد

یحمیی

الياس

۱- نصر اول

۲- اسماعیل

اسحاق

منصور

(در ۲۰۳ عاصی شد)

(کہ در سال ۳۰۲)

طغیان کرد)

یحییٰ الیاس نوح احمد

ابوصالح منصور
حاکم سیستان

۴ - نصیر ثانی

• - نوح اول

۷ - منصوبہ راول

۶- عبدالملک اول

۸ - نوح ثانی

ابو ابراهيم منتصر ۹- منصور ثاني ۱۰- عبدالملك ثاني

۵۵ - ايلك خانیه تر كستان

از حدود ۳۲۰ تا حدود ۵۶۰

(مطابق حدود ۹۳۰ تا حدود ۱۱۶۵ میلادی)

از تاریخ این امرای اطلاعات بسیار ضعیفی در دست است و چنین بنظر میرسد که امرای مزبور پس از اتحاد با طوایف ترکان مشرق فرغانه در قرن چهارم هجری قبول اسلام کرده اند. پایتخت این امرای در کاشغر قرار داشته و ايلك خان نصر در سال ۳۸۹ (م. ۹۹۹) پس از تسخیر ماوراءالنهر بخارا را مرکز قرار داده و از آنجا بر ممالکی که از بحر خزر تا حدود چین امتداد داشته حکومت کرده است.

امرای ايلك خانیه در صدد تسخیر ولایات جنوبی حیچون نیز برآمدند ولی پس از شکستی که در سال ۳۹۸ (م. ۱۰۰۷) از سلطان محمود غزنوی یافتند بهمان ماوراءالنهر و کاشغر و مغولستان شرقی قناعت نمودند. در ایام امارت این سلسله قبایل دیگری نیز از ترکان بماوراءالنهر آمدند و بعدها از آنجا بایران راه یافتند و از این قبایلند ترکانان سلجوقی. ترتیب جانشینی امرای ايلك خانیه از یکدیگر و سنوات راجع بامارات هر يك از ایشان تحقیقاً معلوم نیست و فهرست ذیل بکلی تقریبی است *

اسامی

سال هجری

عبدالکریم ستق

موسی بن ستق

* از روی خانمه کتاب درن Dorn باسم : صورت مسکوکات اداره السنة شرقية

وزارت امور خارجه که بسال ۱۸۸۱ م در بطر زبورک بطبع رسیده

Inventaire des monnaies de l' Institut des langues orientales du
Ministère des Affaires Etrangères .

شهاب الدوله هارون بغراخان بن سلیمان	وفاتش بین ۳۸۳ و ۳۸۴
ابو المحسن نصر اول ابن علی	حدود ۳۸۹ - ۴۰۰
قطب الدوله ابو نصر احمد اول ابن علی	حدود ۴۰۱ - ۴۰۷
شرف الدوله طغان بن علی	حدود ۴۰۳ - ۴۰۸
ایو المنتصر ارسلانخان اول ابن علی	
یوسف خضرخان اول	وفاتش در ۴۲۳
شرف الدوله ابو شجاع ارسلانخان ثانی	حدود ۴۲۱ - ۴۲۴
محمود اول بغراخان	حدود ۴۲۵ - ۴۳۵
در سمت مغرب	
جغراتگین	
ابو المظفر عماد الدوله ابراهیم طغفاج بن نصر	حدود ۴۴۰ - ۴۶۰
شمس الملوك نصر ثانی این طغفاج	وفاتش در ۴۷۲
خضرخان بن طغفاج	
احمدخان ثانی بن خضر	وفاتش در ۴۸۸
محمودخان ثانی	وفاتش بین ۴۹۰ و ۴۹۵
خضرخان ثانی ابن عمر بن احمد	وفاتش در ۴۹۵
محمود ارسلانخان ثالث ابن سلیمان	
ابو المعالی حسن تگین بن علی	
رکن الدوله محمودخان ثالث ابن ارسلان	
قلج طغفاج خان بن محمد	حدود ۵۵۸
جلال الدین علی گورکان بن حسن تگین	
در سمت مشرق	
طغرل خان بن یوسف خضرخان	۴۳۹ - ۴۵۵

طغرل تگین بن طغرل

هارون بن راحان بن یوسف خضر خان

نورالدوله احمد بن ارسلان

۵۶- آل زیار

(در جرجان)

از ۳۱۶ تا ۴۳۴

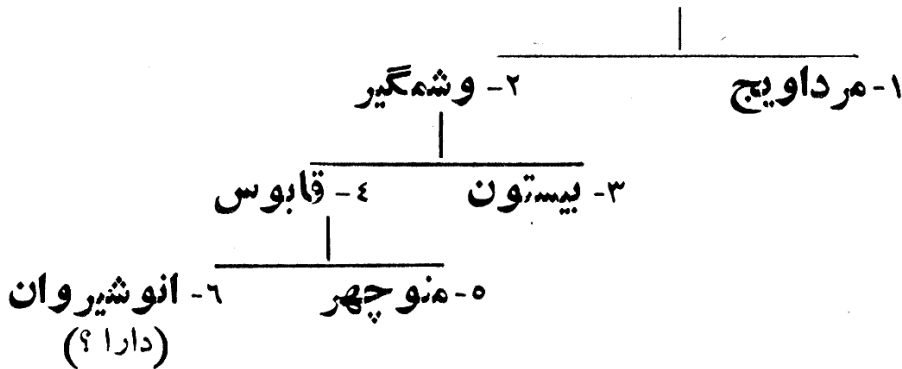
مطابق ۹۲۸ تا ۱۰۴۲ میلادی

ساحل جنوبی بحر خزر هیچوقت کاملاً مطیع خلفا نشده بود چه طرفداران آل علی غالباً در آن نواحی سر بعضیان برداشته و دعوی استقلال کرده بودند (رجوع کنید به صفحه ۱۱۴) و سامانیان نیز که باین حدود لشکر کشیدند مثل خلفا قادر بگرفتن اطاعت از مردم آنجا نشدند.

مرداویج بن زیار که خود را از نژاد شاهان قدیم میدانست از این وضع استفاده کرده طبرستان و جرجان را مستقل نمود و مدتی نیز اصفهان و همدان را در تصرف داشت و مابین سنوات ۳۱۶ و ۳۱۹ (۹۲۸ و ۹۳۱ م.) ایران غربی را تا حوالی حلوان سرحد خاکی عراق مسخر ساخت، آل بویه ابتدا در خدمت مروایج بودند و علی بن بویه را مرداویج بحکومت کرج گماشت. مرداویج بظاهر تحت فرمان خلیفه عباسی بود و برادرش و شمشگیر از سامانیان نیز اطاعت می کرد. بعد از تأسیس سلسله آل بویه در سال ۳۲۰ (۹۳۲ م.) قدرت آل زیار بهمان حدود جرجان و طبرستان محدود گردید و **قابوس** را مدت هیجده سال (از ۳۷۱ تا ۳۸۹) مؤید الدوله دیلمی از مالک خود خارج نگاهداشت و او پس از مراجعت ممالک اصلی را با گیلان مالک شد و فرزندان او در این بلاد بجای او نشستند تا آنکه غزنویان بدوره حکومتشان خاتمه دادند.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۳۱۶	مرداویج بن زیار	۹۲۸
۳۲۳	ظهیرالدوله ابو منصور و شمشگیر	۹۳۵
۳۵۶	بیستون	۹۶۷
۳۶۶	شمس المعالی قابوس	۹۷۶
۴۰۳	فلک المعالی منوچهر	۱۰۱۲
۴۲۰-۴۳۴	انوشیروان (دارا؟)	۱۰۲۹-۱۰۴۲

زیار



(این سلسله را غزنویان برانداختند)

۲۷- بنی حسنویه

(در کردستان)

از حدود ۳۴۸ تا حدود ۴۰۶

(مطابق ۹۵۹ تا ۱۰۱۵ م.)

حسنویه بن حسین برزگانی از رؤسای یکی از قبایل کرداست که مثل بنی مروان در قرن چهارم قدرتی بهم رسانده بودند و حسنویه در نیمه اول این قرن قسمت عمده کردستان را با بلاد دینور و همدان و نهاوند و قلعه سرماج را بتصرف خود آورد و اقتدار او تا آنجا رسید که آل بویه نیز بشأن ایشان اعتنا کردند و عضدالدوله پس از فوت حسنویه

اگرچه متصرفات او را تحت امر خود گرفت ولی پسر حسنویه یعنی بدر را در حکومت ممالك پدری باقی گذاشت. بدر بزودی براءتبار و واقدار خانوادگی خود افزود و خلیفه او را ناصرالدوله لقب داد. نواده اش ظاهر در سال ۴۰۵ (م. ۱۰۱۴) جای او را گرفت ولی یکسال بیشتر در این مقام نماند و شمس الدوله دیلمی او را از ملک خود بیرون راند و ظاهر بزودی کشته شد.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
حدود ۳۴۸	حسویه بن حسین	حدود ۹۵۹
۳۶۹	ناصرالدوله ابوالنجم بدر بن حسنویه	۹۷۹
۴۰۵-۴۰۶	ظاهر هلال (وفاتش در ۴۰۵) بن بدر	۱۰۱۴-۱۰۱۵

(این سلسله را آل بویه منقرض کردند)

۵۸- آل بویه

(در ایران جنوبی و عراق)

از ۳۲۰ تا ۴۴۷

مطابق ۹۲۲ - ۱۰۵۵ میلادی

بویه که بقول مشهور نسبت بسلاطین قدیم ایران میرسانده رئیس یکی از طوایف جنگی مرتفعات دیلم بوده است که مثل غالب هموطنان خود در طغیانهای مردم ولایات ساحلی بحر خزر بر ضد خلفا شرکت میکرده و مانند ایشان در سال ۳۱۸ از خدمت سامانیان روگردانده و از اتباع مرداویج زیاری شده است و مرداویج پسر ارشد بویه یعنی علی عمادالدوله را بحکومت کرج نامزد کرد.

علی بکمک سرداران گیلی و دیلمی بزودی بطرف جنوب راند و اصفهان را مدتی تحت حکومت خود آورد و ارجان در ۳۲۰ (م. ۹۳۲) و نو بندگان را در ۳۲۱ مسخر ساخت و برادرش حسن رکنالدوله

ساخلوی عرب را از کازرون بیرون کرد و دو برادر بسمت مشرق جلو رفتند و احمد معزالدوله برادر دیگر هم بایشان ملحق شده شیراز را در سال ۳۲۲ گرفت و خایفه مجبور شد که برادر را بسرداری خود بشناسد و چون معزالدوله پس از تسخیر کرمان اهواز را متصرف و در سال ۳۳۴ (م. ۹۴۵) به بغداد وارد شد مستکفی خلیفه نه تنها سه برادر را بالقب عمادالدوله و رکن الدوله و معزالدوله ملقب کرد بلکه معزالدوله را رتبه امیرالامراء داد و این لقب بعدها بچند نفر دیگر از آل بویه نیز رسید. اینکه بعضی آل بویه را بلقب سلطان ملقب دانسته اند خطاست زیرا که بر روی مسکوکات هیچیک از ایشان چنین لقبی نیست بلکه همه خویشان را امیر و ملک خوانده اند. قدرت ملوک آل بویه در بغداد هیچگاه مثل سلاطین دیگر مستبدانه نبود و باینکه خلفا ملعبه دست ایشان محسوب میشدند و آل بویه نیز شیعه بودند باز رعایت احترامات خارجی خلفا را می کردند.

ترتیب تقسیم ایران و عراق بین سه پسر بویه و تاریخ اختلافات اعضای خاندان بویه را در جدول آینده نموده ایم و همین اختلافات باعث ضعف ایشان و انقراضشان بدست دیالمه کاکویه و غزنویان و سلاجقه گردیده است.

الف - دیالمه فارس

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۳۲۰	عمادالدوله ابو الحسن علی	۹۳۲
۳۳۸*	عضدالدوله ابو شجاع خسرو	۹۴۹
۳۷۲*	شرفالدوله ابو الفوارش شیرذیل	۹۸۲
۳۷۹	صمصامالدوله ابو کالیجار مرزبان	۹۸۹

* این ملوک در عراق و جاهای دیگر نیز سلطنت کرده اند.

۹۹۸	بهاءالدوله (ملك عراق)	*۳۸۸
۱۰۲۱	سلطان الدوله ابو شجاع /	*۴۰۳
۱۰۲۴	عمادالدوله ابو كاليجار مرزبان	*۴۱۵
۱۰۵۵-۱۰۴۸	ابونصر خسرو فيروز رحيم	*۴۱۷-۴۴۰

ب- ديالمه عراق واهواز وكرمان

۹۳۲	// معز الدوله ابو الحسين احمد	۳۲۰
۹۶۷	/ عز الدوله بختيار	۳۵۶
۹۷۷	عضد الدوله (ملك فارس)	۳۶۷
۹۸۲	شرف الدوله ()	۳۷۴
۹۸۹	/ بهاء الدوله ابونصر فيروز	۳۷۹
۱۰۱۲	سلطان الدوله (ملك فارس)	۴۰۳

ولایات مجزا

عراق

۱۰۲۰	مشرف الدوله	۴۱۱
۱۰۲۵	جلال الدوله	۴۱۶
۱۰۴۳	عماد الدين [ملك فارس]	۴۳۵
۱۰۵۵-۱۰۴۸	ابونصر خسرو فيروز [«]	۴۴۷-۴۴۰

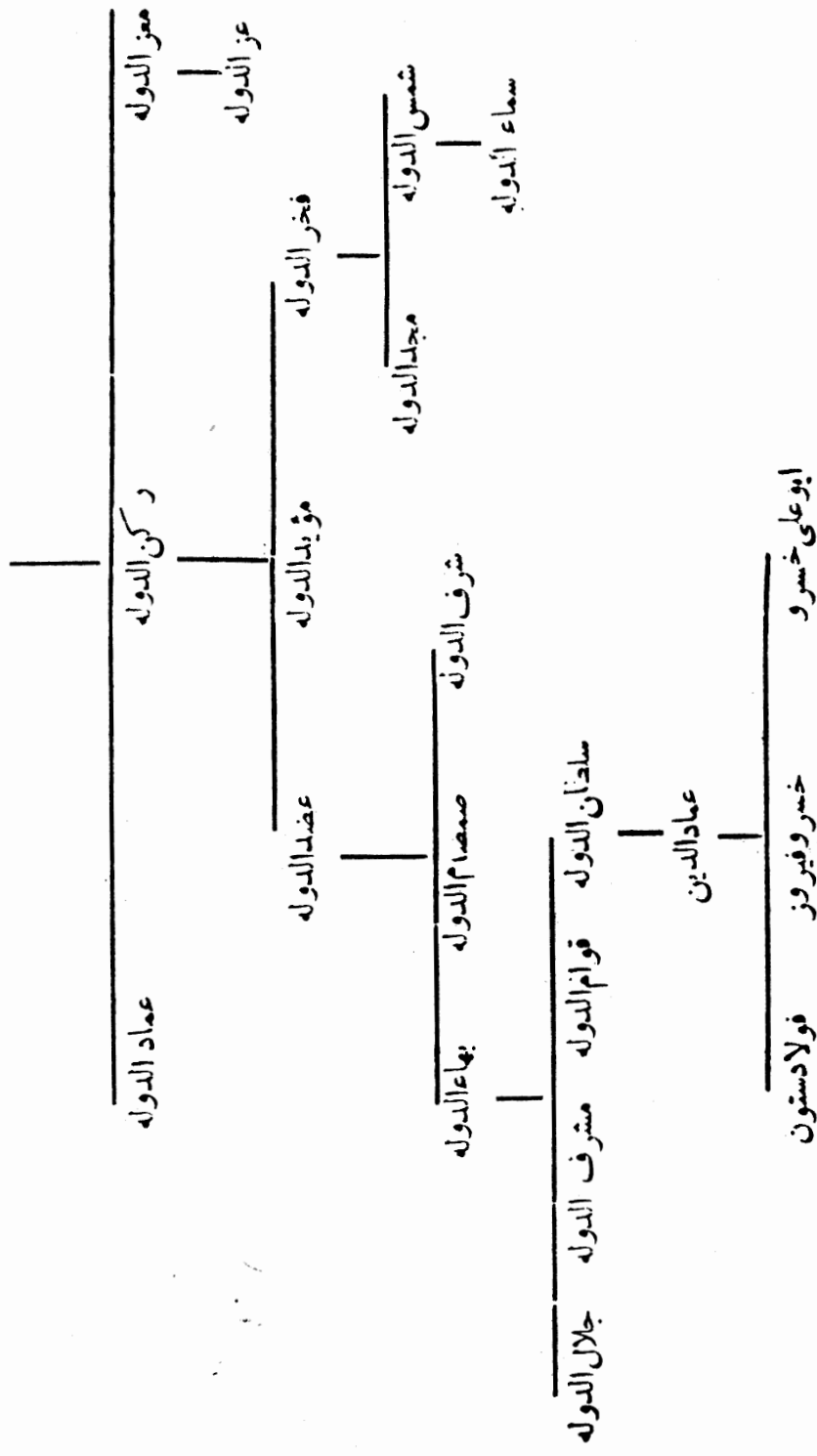
كرمان

۱۰۱۲	قوام الدوله ابو الفوارس	۴۰۳
۱۰۲۸	عماد الدين [ملك فارس]	۴۱۹
۱۰۵۶-۱۰۴۸	ابومنصور قولا دستون	۴۴۸-۴۴۰

ج- دیالمة ری و همدان و اصفهان

۳۲۰	رکن الدوله ابوعلی حسن	۹۳۲
۳۶۶-۳۷۳	مؤید الدوله ابو منصور (اصفهان فقط)	۹۷۶-۹۸۳
۳۶۶	فخر الدوله ابو الحسن عی (بضمیمه اصفهان در ۳۷۳)	۹۷۶
۳۸۷-۴۲۰	مجد الدوله ابوظالب رستم (محمود غزنوی خانش کرد)	۹۹۷-۱۰۲۹
۳۸۷	شمس الدوله ابوطاهر (همدان فقط)	۹۹۷
حدود ۴۱۲-۴۱۴	سماء الدوله ابو الحسن (ابن کا کویه مغز و اش کرد)	حدود ۱۰۲۱-۱۰۲۳
(دیالمة را آل کا کویه و غزنویان و سلاجقه از میان برداشتند)		

بويه



۵۹- دیالمه کا کویه

(درکردستان)

از ۳۹۸ تا ۴۴۳

☞ مطابق ۱۰۰۷ ۱۰۵۱ میلادی ☞

محمد بن دشمنزیار معروف به ابن کا کویه پسر خال مجدالدوله دیلمی بود و چون سماءالدوله خاع شد ابن کا کویه در ۴۱۴ (م. ۱۰۲۳) جای او را درهمدان گرفت و اصفهان را نیز سابقاً مدتی در ۳۹۸ (م. ۱۰۰۷) در دست داشته بود. فرزندان محمد بن کا کویه در اصفهان و همدان و یزد و نهاوند و غیره مدتی حکومت می کردند و چون در سال ۴۴۳ (م. ۱۰۵۱) سلاجقه این نواحی را مسخر نمودند دیالمه کا کویه نیز از استقلال افتادند

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۳۹۸	علاءالدوله ابو جعفر محمد	۱۰۰۷
۴۳۳-۴۴۳	ظاهرالدین ابو منصور فرامرز	۱۰۴۱-۱۰۵۱

کا کویه

دختر = فخرالدوله دیلمی

مجدالدوله

دشمنزیار

۱- علاءالدوله محمد

۲- فرامرز

علی

کرشاسب

(درهمدان و نهاوند)

ابو حرب

(درنطنز)

(این سلسله را سلاجقه از استقلال انداختند)

قسمت هشتم

سلاجقه

از قرن پنجم تا قرن هشتم
(مطابق قرن یازدهم تا چهاردهم میلادی)

۶۰- الف - سلاجقه بزرگ ایران

ب - سلاجقه کرمان

ج - سلاجقه شام

د - سلاجقه عراق

ه - سلاجقه روم

۶۰- الف - دانشمندیه (کاپادوکیا)

۶۰- سلاجقه

(در آسیای غربی)

از ۴۲۹ تا ۷۰۰

(مطابق ۱۰۴۷ - ۱۳۰۰ میلادی)

ظهور سلاجقه در تاریخ اسلام از عظیم وقایع و بمنزله شروع دوره جدیدیست. مقارن ابتدای استیلای این قوم خلافت دوجار ضعف شده بود و هیچیک از سلاطین در این امام قدرت آنکه ممالک اسلامی را تحت یک حکومت داشته باشند نبودند بلکه این ممالک زیر دست سلسله‌های متفرقی سر می‌کردند فقط باید فاطمیون را از این حکم مستثنی دانست ولی ایشان هم اگرچه دولتی بزرگ داشتند با خلفای عباسی در حال صفا نبودند بلکه مدعیان آن خاندان محسوب میشدند.

اسپانیا و افریقا با قسمت مهمی از مصر مدتها بود که از اطاعت خلفا بیرون رفته بود و شمال شام و الجزیره را نیز قبایل طاعی در دست داشتند و بعضی از رؤسای ایشان بتشکیل سلسله‌هایی نیز توفیق یافته بودند. ایران هم تحت حکومت سلسله‌های متعدد سر می‌کرد و از میان آن سلسله آل بویه که بمذهب شیعه اعتقاد داشتند و بهمیق نظر هم‌چندان رعایت احترام خلفای کاهل زمان خود را نمی‌کردند در این اوان دوجار ضعف شده و امرای بی‌قدرتی بر سر کارها بودند و غالباً بجان یکدیگر می‌افتادند و از این مراتب گذشته ظهور فرق مذهبی بشمار اتحاد دینی ممالک خلافت را نیز بهم زده و این همه درد هارا چاره‌ای لازم بود که استیلای ترکان ساجوقی آنرا مهیا ساخت.

این بدویان صاب و بی‌علاقه بزندگانی شهری و تمدن و مذهب قبول اسلام کردند و بر اثر سادگی طبع در این راه دوجار تعصب نیز

و بر اثر همین حس بمدد دولتی که روبرو برگ بود شتافته آنرا احیا نمودند
سلاجقه بایران و الجزیره و شام و آسیای صغیر هجوم آوردند و
این بلاد را بیاد غارت داده هر سلسله ای را که در راه خود دیدند
بر انداختند و بالنتیجه آسیای اسلامی را از اقصی حد غربی افغانستان تا
ساحل بحر الروم تحت يك حکومت آوردند و با دمیدن روح غیرت و
تعصبی در مسلمین عساکر رومی شرقی را که مجدداً بتعرض بلاد اسلامی
پرداخته بودند عقب زدند و بر اثر همین کیفیات نسل متعصب جنگجوی
جدیدی پیدا شد که بیشتر مغاوبیت صلیبیون عیسوی نتیجه دلاوری
ایشان است و همین مسائل است که بسلاجقه در تاریخ اسلام مقامی باین
بلندی داده است .

سلاجقه فرزندان سلجوق بن تلق از رؤسای تر کمانند که در
خدمت یکی از خانان تر کستان سر می کرده و از دشت قرقیز با تمام
قبیله خود بطرف جند واز آنجا ببخارا کوچ نموده و در این سرزمین
او و قبیله اش باشوق تمام قبول اسلام کرده اند .

سلجوق و پسران و نوادگان او در جنگهایی که مابین سامانیان
و امرای ایلک خانیه و سلطان محمود غزنوی اتفاق می افتاد شرکت می-
جستند و طغرل بیک و برادرش جغری بیک بتدریج تا آنجا قدرت پیدا
کردند که بریاست قبیله تر کمان خود بخراسان هجوم بردند و بعد از
آنکه چند بار غزنویان را مغلوب ساختند بلاد مهم آن مملکت را مسخر
کرده جای ایشان را در آن دیار گرفتند .

در سال ۴۲۹ (۱۰۳۷ م) امام جماعت مرو خطبه را بنام جغری-
بک در خواند و او را سلطان السلاطین نامید و همین مراسم در نسا بور بنام
رادرش طغرل جای شد . بلخ و جرجان و طبرستان و خوارزم نیز بزودی

طغرل جاری شد. باخ و طبرستان و خوارزم نیز بممالک ساجوقی ضمیمه گردید و جبل و همدان و دینور و حلوان و ری و اصفهان نیز متعاقب آنها در فاصله بین سنوات ۴۳۳ و ۴۳۷ مسلم ایشان گشت و طغرل بیک در سال ۴۴۷ (۱۰۵۵ م.) ببغداد ورود کرد و نام او بالقب ساطانی در دارالخلافه بر منابر خوانده شد.

قبایل ترك دیگر نیز بتدریج خدمت سلاجقه را پذیرفتند و باین شکل تمام آسیای غربی از حدود افغانستان تا سرحد ممالک روم در آسیای صغیر و متصرفات خلفای فاطمی مصر قبل از سال ۴۷۰ (۱۰۷۷ م.) تحت بیک حکومت درآمد و فرمان سلاجقه را گردن نهاد.

طغرل بیک و الب ارسلان و ملکشاه بر جمیع این ممالک وسیعه حکومت داشتند ولی بعد از مرگ ملکشاه جنگهای داخلی بین برکیارق و محمد بروز کرد و شعب دیگر خاندان ساجوقی در نواحی مختلفه سر باستقلال برداشتند، باین حال باز شعبه اصلی این خاندان تا مرگ سنجر اسماً بریاست کل شناخته میشدند و سنجر آخرین سلاجقه بزرگست که باوجود منحصراً بودن قلمرو او بخراسان تا سال فوتش یعنی تا تاریخ ۵۵۲ (۱۱۵۷ م.) عنوان ریاست سلاجقه را داشته.

سلاجقه کرمان و عراق و شام و روم شعب عمده این خاندانند ولی افراد دیگری نیز از سلاجقه در آذربایجان و تخارستان و سایر ولایات حکومت کرده اند. در طرف مشرق دولت ساجوقی در مقابل حمله خوارزمشاهیان از میان رفت و در آذربایجان و فارس و الجزیره و دیاربکر سلسله های دیگری که آنها را امرای لشکری ساجوقی تشکیل دادند و **اتابکان** خوانده میشوند جای مخدومین خود را گرفتند ولی در بلاد روم سلطنت سلاجقه تا حدود سال ۷۰۰ (۱۳۰۰ م.) که مقارن شروع قدرت ترکان عثمانی است باقی بود.

الف - سلاجقه بزرگ

از ۴۲۹ تا ۵۵۲

(مطابق ۱۰۴۷ - ۱۱۵۷ میلادی)

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۴۲۹	رکن الدین ابوطالب طغرل بیک	۱۰۳۷
۴۵۵	عضد الدین ابوشجاع البارسلان	۱۰۶۳
۴۶۵	جلال الدین ابوالفتح ملکشاه	۱۰۷۲
۴۸۵	ناصر الدین محمود	۱۰۹۲
۴۸۷	رکن الدین ابوالمظفر برکیارق	۱۰۹۴
۴۹۸	ماکشاه ثانی	۱۱۰۴
* ۴۹۸	غیاث الدین ابوشجاع محمد	۱۱۰۴

†

۵۵۲ - ۵۱۱ معز الدین ابوالجاث سنجر ۱۱۱۷ - ۱۱۵۷

(این شعبه را خوارزمشاهیان منقرض کردند)

ب - سلاجقه کرمان

از ۴۳۳ تا ۵۸۳

مطابق ۱۰۴۱ - ۱۱۷۸ میلادی

۴۲۳	عماد الدین قرا ارسلان قاورد بیک	۱۰۴۱
۴۶۵	کرمانشاه	۱۰۷۲
۴۶۷	حسین	۱۰۷۴
۴۶۷	رکن الدین سلطان شاه	۱۰۷۴
۴۷۷	توران شاه	۱۰۸۴
۴۹۰	ایران شاه	۱۰۹۷

* محمد چند سال با برکیارق قبل از فوت او در جنگ بود .

† سنجر از بیست سان قبل از رسیدن بمقام ریاست سلاجقه حکومت خراسان را داشت .

۱۱۰۰	ارسلان شاه	۴۹۴
۱۱۴۱	مغیث الدین محمد اول	۵۳۶
۱۱۵۶	محبی الدین طغرل شاه	۵۵۱
۱۱۶۷	رقبای یکدیگر { بهرام شاه ارسلان شاه ثانی ترکان شاه }	۵۶۳
۱۱۸۷	محمد شاه ثانی	۵۸۳

(این شعبه را ترکان غز از میان برداشتند)

ج - سلاجقه شام

از ۴۸۷ تا ۵۱۱

(مطابق ۱۰۹۴ - ۱۱۱۷ میلادی)

۱۰۹۴	تتش بن الب ارسلان	۴۸۷
۱۰۹۵	رضوان بن تتش (در حلب)	۴۸۸
	دقاق بن تتش (در دمشق از ۴۸۸ تا ۴۹۷)	
۱۱۱۳	الب ارسلان الاخرس بن رضوان	۵۰۷
۱۱۱۷-۱۱۱۴	سلطان شاه بن رضوان	۵۰۸-۵۱۱

(این شعبه را اتابکان بوری و امرای ارتقی منقرض کردند)

د - سلاجقه عراق و کردستان

از ۵۱۱ تا ۵۹۰

(مطابق ۱۱۱۷ - ۱۱۹۴ میلادی)

۱۱۱۷	مغیث الدین محمود	۵۱۱
۱۱۳۱	غیاث الدین داور	۵۲۵
۱۱۳۲	طغرل اول	۵۲۶

۱۱۳۳	غیاث‌الدین مسعود	۵۲۷
۱۱۵۲	معین‌الدین مالک‌شاه	۵۴۷
۱۱۵۳	محمد	۵۴۸
۱۱۵۹	سلیمان‌شاه	۵۵۴
۱۱۶۱	ارسلان‌شاه	۵۵۶
۱۱۷۷-۱۱۹۴	طغرل ثانی	۵۷۳-۵۹۰

(این شعبه را هم خوارزمشاهیان از میان برداشتند)

هـ... سلاجقه روم

(در آسیای صغیر)

از ۴۷۰ تا ۷۰۰ هجری

(مطابق ۱۰۷۷ - ۱۲۰۰)

۱۰۷۷	سلیمان اول بن قتلش	۴۷۰
۱۰۸۶	دوره فترت	۴۷۹
۱۰۹۲	قاج ارسلان داود	۴۸۵
۱۱۰۶	مالک‌شاه اول	۵۰۰
۱۱۱۶	مسعود اول	۵۱۰
۱۱۵۶	عزالدین قاج ارسلان ثانی	۵۵۱*
۱۱۸۸	قطب‌الدین ملک‌شاه ثانی	۵۸۴
۱۱۹۲	غیاث‌الدین کیخسرو اول	۵۸۸
۱۲۰۰	رکن‌الدین سلیمان ثانی	۵۹۷
۱۲۰۳	قاج ارسلان ثالث	۶۰۰

* قاج ارسلان تا سال ۵۸۸- هجریات داشت ولی ممالک خود را چند سال قبل از این

تاریخ بین پسران خود تقسیم کرد

۶۰۱	کیخسرو اول (مجدداً)	۱۲۰۴
۶۰۷	عزالدین کیکاوس اول	۱۲۱۰
۶۱۶	علاءالدین کیقباد اول	۱۲۱۹
۶۳۴	غیاثالدین کیخسرو ثانی	۱۲۳۶
۶۴۳	عزالدین کیکاوس ثانی (۱)	۱۲۴۵
۶۵۵	رکنالدین قاج ارسلان رابع	۱۲۵۷
۶۶۶	غیاثالدین کیخسرو ثالث	۱۲۶۷
۶۸۲	غیاثالدین مسعود ثانی (۲)	۱۲۸۳
۶۹۶-۷۰۰	علاءالدین کیقباد ثانی	۱۲۹۶-۱۳۰۰

(انقراض این شعبه بدست مغول و ترکان عثمانی صورت گرفت)

۶۰- امرای دانشمندیه

(در سیواس و قیساریه و ملاطیه)

از حدود ۴۹۰ تا ۵۶۰

(ازابق حدود ۱۰۹۷ - ۱۱۶۵ میلادی)

در موقعیکه سلاجقه بیسط قدرت خود در آسیای صغیر مشغول بودند یکی دیگر از رؤسای ترک نام گُمُشْگین بن دانشمند در ولایت کاپا دوکیا یعنی در شهر هاس سیواس^۱ و قیساریه^۲ و ملاطیه^۳ دولتی

۱- باشرکت برادران دیگر خود قلیج ارسلان ثالث و کیقباد.

۲- مسعود را اباخان مغول بعد از وفات پدرش کیخسرو در سال ۶۷۷ یعنی موقعیکه سلطنت اسماً بایسر عمش کیخسرو ثالث بود بحکومت سیواس و ارزنجان و ارزناروم منصوب کرد و مسعود در سال ۶۸۲ بجای کیخسرو ثالث سلطان شد و او ظاهراً پس از خلع برادرزاده اش کیقباد در سال ۷۰۰ مجدداً بسطنت رسیده و چهار سال نیز امارت داشته، چهار سلطان سلجوقی اخیر این سلسله فقط حکامی محسوب میشوند که افغانان ایران بروم حکومت می کرده اند.

۳ - Sebaste - Caesarea - Melitène

جهت خود ترتیب داده و در نزدیکی این محل اخیر فرانکها را بسختی مغلوب نمود. جانشینان او در جنگهای با صلیبیون دخالتهای مهم کردند ولی مجاورین ایشان یعنی سلاجقه روم بزودی بروزگار آن سلسله خاتمه بخشیدند.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
	محمد اول گمشتگین بن تیلو دانشمند	
۴۹۹	غازی بن گمشتگین	۱۱۰۵
۵۲۹	محمد ثانی ابن غازی	۱۱۳۴
۵۳۷	ذوالنون محمد ثانی	۱۱۴۲
	یغی (یا یعقوب) بن ارسلان غازی	
۵۶۰	ابراهیم بن محمد	۱۱۶۵
	(این سلسله را سلاجقه روم منقرض کردند)	

قسمت نهم

اتابکان

(امرای لشکری سلجوقی)

از قرن ششم تا قرن هفتم
(مطابق قرن دوازدهم تا سیزدهم)

۶۱- آل بوری یا اتابکان دمشق

۶۲- الف آل زنگی » میصل

ب - » حلب

ج - » سنجار

د - » الجزیره

۶۳- امرای بکتگین » اربل

۶۴- الف - ارتقیه کیفا

» ماردین

۶۵- شاهای ارمنستان

۶۶- اتابکان آذربایجان

۶۷- سلغوریان یا اتابکان فارس

۶۸- امرای هزاراسپی یا اتابکان لرستان

۶۹- خوارزمشاهیان

۷۰- قتلح خانیان کرمان

قسمت نهم

اتابکان

(امرای لشکری سلجوقی)

از قرن ششم تا قرن هفتم
(مطابق قرن دوازدهم تا سیزدهم میلادی)

دولت سلجوقی براساس لشکری قائم بود و فرماندهی لشکرها را نیز غلامان در دست داشتند و چون مردم آزاد در دولت سلجوقی نمیتوانستند بمقامات عالیۀ لشکری و حکومت ولایات دور دست برسند غلامان زرخرید را که دیگران بدربار سلاجقه بعنوان هدیه فرستاده بودند و امتحان وفاداری نسبت بمخدومین خود داده باین مقامات میگماشتند . هر يك از سلاجقه عدۀ کثیری از این مماليك همراه داشت که بیشتر ایشان را هم از دشت قبچاق آورده بودند و امیر سلجوقی اداره امور درباری و لشکری خود را بعهده آن مماليك وامی گذاشت و ایشان گاهی نیز بسختی در این مأموریتها معامله مینمودند . نتیجۀ این ترتیب آن شد که يك عدۀ از غلامان تازه نفس جای امرای فرسوده قدیم را گرفتند و چون ضعف سلاجقه مشهود شد و قوام دولت ایشان درهم شکست این مماليك که بنام مخدومین جنگها کرده بودند بسرپرستی یعنی اتابکی شاهزادگان - وان سلجوقی برقرار شدند و بتدریج در این شغل بنفع شاهزادگانی که تحت لاگی ایشان بودند قیام نمودند . طُغَتَکین یکی از مماليك تش که باتابکی پسرش دقاق نامزد

شده بود پس از مرگ دقاق زمام حکومت دمشق را خود در دست گرفت و عمادالدین زنگی مؤسس سلسله اتابکان موصل و حاب و غیره پسر یکی از مماليك سلطان ملکشاه ساجوقی بود و اتابکان آذربایجان فرزندان یکی از مماليك قباچاقی سلطان مسعود پادشاه ساجوقی عراقند **انوشنگین** جد خوارزمشاهیان مقام طشتداری سلطان ملکشاه را داشت و **أرتق** و **سافر** مؤسس اتابکان دیار بکر و فارس نیز از رؤسای لشکری ساجوقیانند. امرای بکتگینی و هزار اسپ و قنار خانیه در خدمت غلامان سلاجقه بمقامات لشکری رسیده بودند. در قرن ششم هجری تمام ممالک ساجوقی باستانی آناتولی بدست سرداران ایشان افتاد و این سرداران مؤسسین یک رشته سلسله‌های مخصوصند.

۶۰- آل بوری

(اتابکان دمشق)

از ۶۹۷ تا ۵۴۹

﴿ مطابق ۱۱۰۳ تا ۱۱۵۴ ﴾

طغتكین از جماعه رؤسای لشکری ساجوقیان که بمقام اتابکی بعضی از شاهزادگان این خاندان رسیده و مدتی نیز خود زمام امور را بدست گرفته بود یکی از مماليکی است که سلطان تتش او را آزاد کرده و پس از سال ۴۸۸ (۱۰۹۵ م) باتابکی پسرش دقاق در دمشق گماشته بود. طغتكین بعد از مردن دقاق حکومت او را تصرف کرد و مؤسس سلسله اتابکان بوری گردید.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۴۹۷	سیف الاسلام ظهیرالدین طغتكین	۱۱۰۳
۵۲۲	تاج الملوک بوری	۱۱۲۸

۱۱۳۲	شمس الملوک اسماعیل	۵۲۶
۱۱۳۴	شهاب الدین محمود	۵۲۹
۱۱۳۸	جمال الدین محمد	۵۳۳
۱۱۵۴-۱۱۳۹	مخبر الدیق ابق (یا انز*)	۵۴۹-۵۳۴

(این سلسله را اتابکان زنگی بر انداختند)

۱ - طغتگین

۲- بوری ۳- اسماعیل ۴- محمود ۵- محمد

۶- ابق

۶۲- امرای زنگی

(اتابکان الجزیره و شام)

از ۵۲۱ تا ۶۴۸

﴿ مطابق ۱۱۲۷ - ۱۲۵۰ میلادی ﴾

اتابک عمادالدین زنگی پسر آق سَنُقَر حَاجِب یکی از غلامان ترک ملکشاه بود که از سال ۴۷۸ تا ۴۸۷ (۱۰۸۵-۱۰۹۴ م) در حاب از جانب تتش نیابت میکرد و در آخر کار بر او قیام نمود و اسیر شد زنگی در سال ۵۲۱ (۱۱۲۷ م) بحکومت عراق و بغداد منصوب گردید و در همین سال موصل و سنجار و الجزیره و حران نیز ضمیمه حکومت او شد و سال بعد حاب و سایر بلاد شام هم بر آنها افزوده گشت. اشتهار عمده عمادالدین زنگی بجهاد اوست در مقابل صلیبیون

عیسوی و او در واقع پیشقدم سلطان صلاح الدین بشمار میرود . بعد از مرگ زنگی ممالک او بدو پسرش نورالدین محمود و سیف الدین غازی رسید ، نورالدین در شام مثل برادر بجای گیری از عیسویان میپرداخت و سیف الدین در موصل و الجزیره حکومت میکرد . بعد از این دو برادر شعبه شامی خاندان زنگی بتدریج از میان رفت ولی شاخه جدیدی از آن در سنجار پیدا شد و يك شعبه نیز در الجزیره بظهور رسید شاخه سنجار را در سال ۶۱۸ (۱۲۲۱ م) ایوبیان از میان برداشتند . شعب دیگر این خاندان بدست ثؤلؤ غلام و وزیر آخرین اتابك زنگی موصل منقرض شد و چون مغول بر الجزیره و شام دست یافتند جمیع شاخه های خاندان زنگی را قلع کردند ،

الف - اتابکان موصل

از ۵۲۱ تا ۶۳۱

﴿ مطابق ۱۱۲۷-۱۲۳۴ ﴾

سال میلادی	اسامی	سال هجری
۱۱۲۷	عمادالدین زنگی (موصل و حاب)	۵۲۱
۱۱۴۶	سیف الدین غازی اول	۵۴۱
۱۱۴۹	قطب الدین مودود	۵۴۴
۱۱۶۹	سیف الدین غازی ثانی	۵۶۵
۱۱۸۰	عزالدین مسعود اول	۵۷۶
۱۱۹۳	نورالدین ارسلان شاه اول	۵۸۹
۱۲۱۰	عزالدین مسعود ثانی	۶۰۷
۱۲۱۸	نورالدین ارسلان شاه ثانی	۶۱۵

۱۲۱۹	ناصر الدین محمود	۶۱۶
۱۲۳۳	بدر الدین لؤلؤ	۶۳۱
۱۲۵۹-۱۲۶۲	اسماعیل بن لؤلؤ (این سلسله را مغول برانداختند)	۶۵۷-۶۶۰

ب - اتابکان شام

از ۵۴۱ تا ۵۷۷

﴿ مطابق ۱۱۴۶ - ۱۱۸۱ ﴾

۱۱۴۶	نور الدین محمود بن زنگی	۵۴۱
۱۱۷۳-۱۱۸۱	الملك الصالح اسماعیل	۵۶۹-۵۷۷
(اتابکان سنجار در ۵۷۷ و ایوبیان در ۵۷۹ جای این سلسله را گرفتند)		

ج - اتابکان سنجار

از ۵۶۶ تا ۶۱۷

﴿ مطابق ۱۱۷۰-۱۲۲۰ ﴾

۱۱۷۰	عماد الدین زنگی بن مودود	۵۶۶
۱۱۹۷	قطب الدین محمد	۵۹۴
۱۲۱۹	عماد الدین شاهنشاه	۶۱۶
۱۲۱۹-۱۲۲۰	محمود (یا عمر)	۶۱۶-۶۱۷
(انقراض این شعبه بدست ایوبیان صورت گرفت)		

د - اتابکان الجزیره

از ۵۷۶ تا ۶۴۸

﴿ مطابق ۱۱۸۰ - ۱۲۵۰ ﴾

۱۱۸۰	معز الدین سنجر شاه	۵۷۶
۱۲۰۸	معز الدین محمود	۶۰۵
۱۲۵۰-۱۲؟؟	مسعود	۶۴۸-۶؟؟

خاندان زندگی
۱- زندگی بن آق سنقر

(ب- اتابکان شام)

(الف- انابکان موصل)

الف- محمود

۳- موذود

۲- غازی اول

ب- اسماعیل

(ج- اتابکان سنجار)

۱- زندگی

۵- مسعود اول

۴- غازی ثان

۲- محمد

۶- ارسلا نساہ اول

(د- اتابکان الجزیرہ)

۳- شاہ نساہ

۷- مسعود ثان

الف- سنجار شاہ

۹- محمود

ب- محمود

ج- مسعود

بدرالدین بن لو (وزیر محمود بن مسعود ثان)
(۶۶۰-۶۳۷ الجزیرہ)

مجاہد
سیف الدین

علاء الدین علی المظفر

اسماعیل الصالح

۶۵۸-۶۵۷ الجزیرہ

(سنجار ۶۶۸-۶۵۷)

سعيد

(۶۶۰-۶۵۷ موصل)

۶۳- امرای بگتگینی

(اتابکان اربل و غیره)

از ۵۳۹ تا ۶۳۰

﴿ مطابق ۱۱۴۴-۱۲۳۲ ﴾

در سال ۵۳۹ (۱۱۴۴ م) عمادالدین زنگی یکی از سران لشکری ترک خود را که زین الدین علی کوچک بن بگتگین نام داشت بنیابت حکومت موصل فرستاد و در ۵۴۴ (۱۱۴۹ م) سنجار و کمی بعد حران و تکریت و اربل و غیره را نیز ضمیمه حوزه حکومتی او نمود .
چون زین الدین بسال ۵۶۳ (۱۱۶۷ م) در اربل وفات کرد پسر ارشدش مظفر الدین کوکبوری بحران گریخت و اربل پسر صغیرش زین الدین یوسف رسید و امیر مجاهد الدین قایماز از این طفل قیمومت مینمود .

یوسف در سال ۵۸۶ (۱۱۹۰ م) مرد و صلاح الدین ایوبی که در این تاریخ بر الجزیره و شام استیلای کلی داشت مظفر الدین کوکبوری را بعنوان برادر خوانده بحکومت اربل و شهرزور فرستاد ولی قلمرو اصلی کوکبوری یعنی حران و رها^۱ و سیمساط را به برادر زاده خود تقی الدین عمرو وا گذاشت ، کوکبوری در سال ۶۳۰ (۱۲۳۲ م) مرد و چون فرزندی نداشت اربل را خلیفه عباسی بتصرف خود گرفت .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۵۳۹	زین الدین الدین علی کوچک بن بگتگین	۱۱۴۴
۵۶۳	زین الدین یوسف بن علی (در اربل)	۱۱۶۷

وفاتش بسال ۵۸۶

۵۶۳ مظفرالدین کو کبوری بن علی (در حران) ۱۱۶۷
 ۵۸۶-۵۳۰ » » (در اربل) ۱۱۹۰-۲۳۲

(ممالك این سلسله را ابتدا بنی عباس بعد مغول گرفتند)

۶۴ - اُرْتُقُیَه

(در دیار بکر)

از ۴۹۵ تا ۷۱۲

﴿ مطابق ۱۱۰۱ ۱۲۱۲ ﴾

اُرْتُقُ بن اَکْسَب مؤسس این سلسله یکی از سرداران لشکر
 ترکمان قشون سلجوقی بود که چون تنش سلطان دمشق بیت المقدس
 را فتح نمود او را بحکومت آنجا گماشت. پسران ارتق سُقْمَان و
 ایلغازی که هر دو در جنگ با امرای لاتینی فلسطین شهرت بسیار
 یافته اند در سال ۴۸۴ (م. ۱۰۹۱) بجای پدر بر قرار شدند و در این
 مقام بودند تا آنکه در سال ۴۸۹ (م. ۱۰۹۶) خلیفه فاطمی مصر بیت المقدس
 را فتح نمود و سقمان برها و ایلغازی بعراق عرب برگشتند.

در سال ۴۹۵ (م. ۱۱۰۱) ایلغازی از طرف سلطان محمد سلجوقی
 بشحنگی بغداد منصوب شد و همان سلطان سقمان را در همین سال
 بحکومت حصن کیفا در دیار بکر فرستاد و اندکی بعد (یک یا دو سال
 دیگر) ماردین را هم بر آن ضمیمه نمود.

در سال ۵۰۲ (م. ۱۱۰۸) ماردین بایلغازی داده شد و از این
 تاریخ دو شعبه از خاندان ارتقی در حصن کیفا و ماردین بر قرار
 گردیدند.

شعبه کیفا بعد از سفرهای جنگی سقمان بر ضد بالدوین^۱ و
 جوسلین^۲ بتدریج در گمنامی افتاد و صلاح الدین ایوبی خراج میداد

تا آنکه بار دیگر روتقی گرفت و شهر آمد را در سال ۵۷۹ (۱۱۸۳ م.) ضمیمه قلمرو خود نمود ولی عاقبت الملك الكامل ایوبی در تاریخ ۶۲۹ (۱۲۳۱ م.) آنها را میان برداشت ، شاخه کوچکی از این شعبه در خرقیرت^۱ و دیار بکر از ۵۲۱ تا ۶۲۰ (۱۱۲۷-۱۲۲۳ م.) حکومت می کردند .

اما ایلغازی که یکی از قویترین دشمنان صلیبیون عیسوی بود در ۵۱۱ (۱۱۱۷ م.) حلب را گرفت و در ۵۱۵ (۱۱۲۱ م.) سلطان محمود سلجوقی حکومت ماردین و میا فارقین را در ولایات دیاربکر باو سپرد میا فارقین را فرزندان او تا ۵۸۰ (۱۱۸۴ م.) در دست داشتند و ماردین را ابتدا امیر تیمور گرفت و بعد تر کمانان قراقویونلو در ۸۱۱ (۱۴۰۸ م.) متصرف شدند .

ارتقیه ماردین بر اثر استقرار ایوبیان در شام و الجزیره از اهمیت افتادند ، حلب را در ۵۱۷ (۱۱۲۳ م.) بلك بن بهرام از رؤسای دیگر ارتقی گرفت و او قبلا در ۴۹۷ شهر حانی و در ۵۱۵ خرقیرت را بتصرف خود آورده بود و در جنگهای صلیبی از سرداران معتبر شد .

الف - اُرتقیه کُیفا

از ۴۹۵ تا ۶۲۹

﴿ مطابق ۱۱۰۱-۱۲۳۱ ﴾

سال میلادی

اسامی

سال هجری

۱۱۰۱

معین الدوله سقمان اول

۴۹۴

۱۱۰۴	ابراهيم	۴۹۸
۱۱۰۸	رکن الدوله داود	حدود ۵۰۲
۱۱۴۸	فخر الدين قرا ارسلان	حدود ۵۴۳
۱۱۷۴	نور الدين محمد	۵۷۰
۱۱۸۵	قطب الدين - قمان ثاني	۵۸۱
۱۲۰۰	نصر الدين محمود	۵۹۷
۱۲۳۱-۱۲۲۲	رکن الدين مودود	۶۱۹-۶۲۹

(این شعبه را ایوبیان منقرض کردند)

ب. اُر تُقَّیَّة مادرین

از ۵۰۲ تا ۸۱۱

﴿ مطابق ۱۱۰۸ - ۱۲۰۸ م ﴾

۱۱۰۸	نجم الدين ايلغازی	۵۰۲
۱۱۲۲	حسام الدين تیمور تاش	۵۱۶
۱۱۵۲	نجم الدين البی	۵۴۷
۱۱۷۶	قطب الدين ايلغازی	۵۷۲
۱۱۸۴	حسام الدين یولق ارسلان	۵۸۰
۱۲۰۰	نصیر الدين ارتق ارسلان المنصور	حدود ۵۹۷
۱۲۳۹	نجم الدين الغازی الاول السعید	۶۳۷
۱۲۶۰	قرا ارسلان المظفر	۶۵۸
۱۲۹۲	شمس الدين داود	حدود ۶۹۱
۱۲۹۴	نجم الدين، الغازی الثاني المنصور	۶۹۳

۱۲۱۲	عمادالدين على البی، العادل	۷۱۲
۱۳۱۲	شمس الدين، الصالح	۷۱۲
۱۳۶۳	احمد، المنصور	۷۶۵
۱۳۶۷	محمود، الصالح	۷۶۹
۱۳۶۷	داود، المظفر	۷۶۹
۱۳۷۶	مجدالدين عيسى، الظاهر	۷۷۸
۱۴۰۸_۱۴۰۶	صالح	۸۱۱_۸۰۹

(این سلسله را امرای قراقویونلو برانداختند)

۶۵ — شاهان ارمنیه

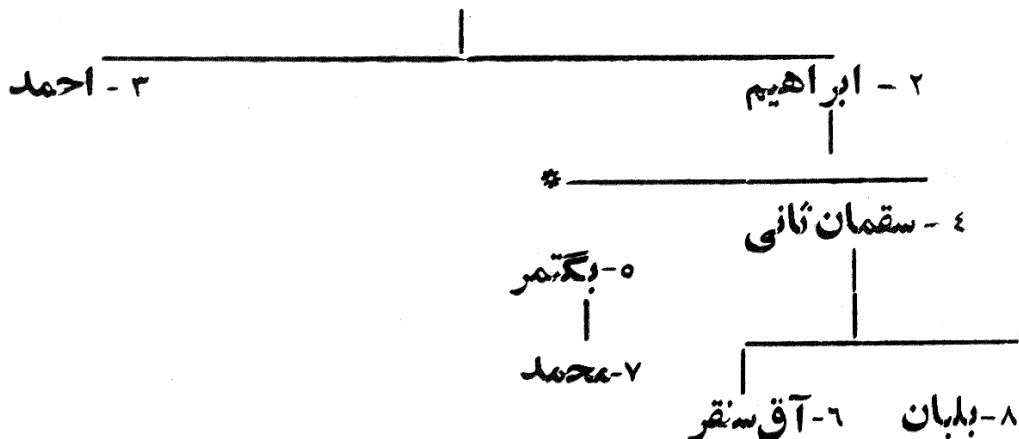
از ۴۹۳ تا ۶۰۴

(مطابق ۱۲۰۷ تا ۱۱۰۰)

سُکمان که او را . بمناسبت نام مخدومش قطب الدین اسماعیل حکمران سلجوقی مرند آذربایجان ، قطبی می خواندند در سال ۴۹۳ (۱۱۰۰ م) شهر خلاط را در ارمنیه از بنی مروان گرفت و فرزندان و ممالیک ایشان مدت یک قرن در این ناحیه حکومت میکردند تا آنکه ایوبیان در سال ۶۰۴ (۱۲۰۷ م) ایشان را از میان برداشتند .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۴۹۳	سکمان القطبی	۱۱۰۰
۵۰۶	ظهیر الدین ابراهیم شاه ارمن	۱۱۱۲
۵۲۱	احمد	۱۱۲۷
۵۲۲	ناصر الدین سکمان ثانی	۱۱۲۸
۵۷۹	سیف الدین بگمتر	۱۱۸۳
۵۸۹	بدر الدین آق سنقر	۱۱۹۳
۵۹۴	محمد ، المنصور	۱۱۹۸
۶۰۳ .. ۶۰۴	عز الدین بلبان	۱۲۰۶ - ۱۲۰۷

۱ - سقمان



(این سلسله را ایوبیان منقرض کردند)

۶۶ - اتابکان آذربایجان

از ۵۳۱ تا ۶۲۲

﴿ مطابق ۱۱۲۶-۱۲۲۵ ﴾

ایلدیز از غلامان ترك قبیچاقی سلطان مسعود پادشاه ساجوقی عراق در دربار این پادشاه تا آنجا اهمیت پیدا کرد که بالاخره یاخواهر زن سلطان در حکومت آذربایجان شریک گردید. پسرش محمد علاوه بر آذربایجان زمامدار حقیقی ممالک سلاجقه عراق شد و قزل ارسلان برادر محمد که در آذربایجان از برادر نیابت میکرد جای او را گرفت و لقب امیرالامراء یافت ولی چون بادعای حق سلطنت برخاست کشته شد و دو برادر زاده او که پس از عم خود بامارت رسیدند دیگر گرد این ادعا نگردیدند.

سال میلادی

۱۱۳۶

اسامی

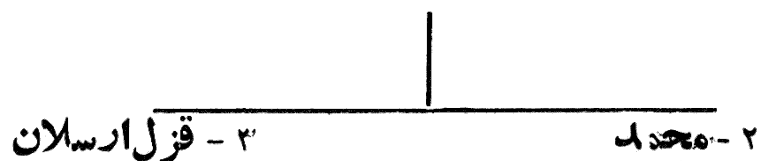
شمس الدین ایلدیز

سال هجری

۵۳۱

۱۱۷۲	محمد جهان پهلوان	۵۶۸
۱۱۸۵	قزل ارسلان عثمان	۵۸۱
۱۱۹۱	ابوبکر	۵۸۷
۱۲۲۵-۱۲۱۰	مظفرالدین اوزبك	۶۲۲-۶۰۷

۱- ایلد گز



۴- ابوبکر قتلغ اینانچ ۵- اوزبك

(انقراض این سلسله بتوسط خوارزمشاهیان صورت گرفت)

۶۷ - سلغریان

(اتابکان فارس)

از ۵۴۳ تا ۶۸۶

﴿ مطابق ۱۱۴۸-۱۲۸۲ میلادی ﴾

سلغری رئیس یکدسته از تر کمانان بود که باطایفه خود بخراسان کوچ کرد و پس از يك دوره تاخت و تاز بخدمت طغرل بيك پیوست و نزد اورتبه حاجبی یافت .

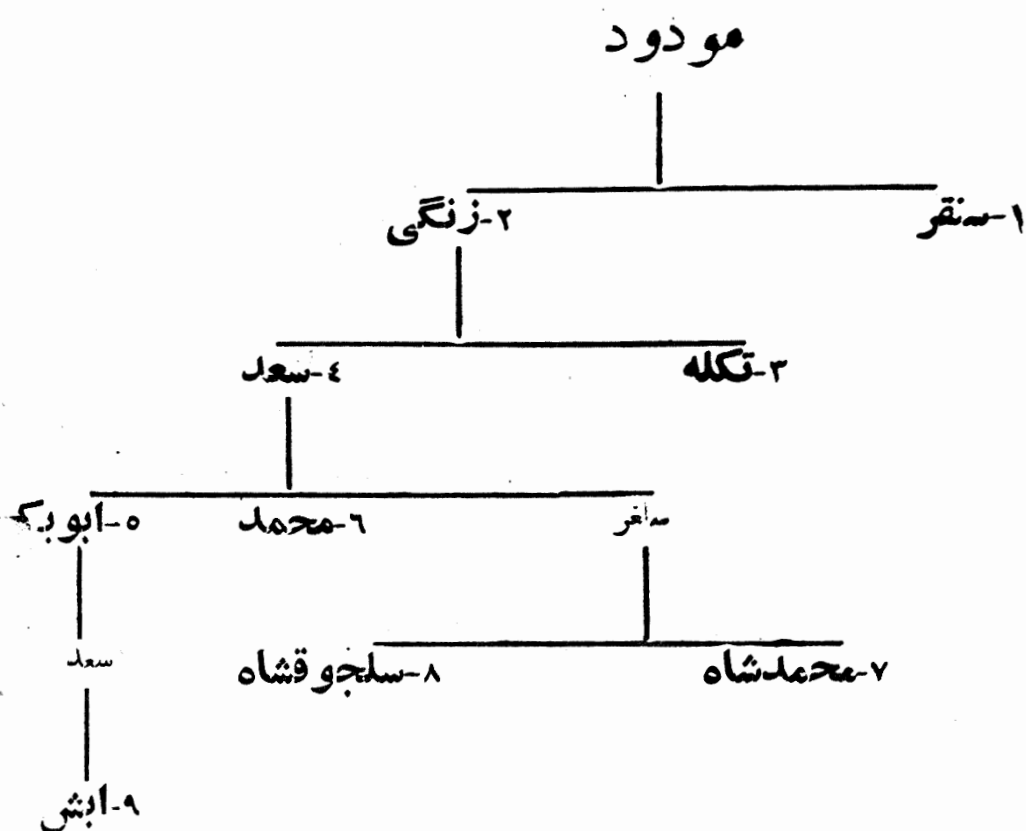
یکی از نوادگان سلغری بنام سُنْقَر بن مودود در سال ۵۴۳ (۱۱۴۸ م) بر فارس دست پیدا کرد و ساسانه ای تشکیل داد که تا يك قرن و نیم دوام داشت . اَتَابَك سَعْد تبعیت خوارزمشاه را پذیرفت و دو قلعه اصطخر و اشکنوان را باو وا گذاشت و اَتَابَك ابوبکر نیز اطاعت او گتای قاآن ایلخان مغول گردن نهاد و از جانب او باقب قُتْلُغ خان ماقب گردید . اتابکان آخری فارس همه باجگزار ایلخانان ایران بودند و آخرین ایشان که اَبَشی خاتون باشد در عقد ازدواج منگو تیمور یکی از پسران هولانگو بود . سعدی در زمان اَتَابَك ابوبکر می زیسته است .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۵۴۳	سنقر *	۱۱۴۸
۵۵۷	زنگی	۱۱۶۱
۵۷۱	تکله	۱۱۷۵
۵۹۱	سعد	۱۱۹۵
۶۲۳	ابوبکر	۱۱۲۶

* بیشتر اتابکان سلغری لقب مظفرالدین داشته اند .

۱۲۶۰	محمد	۶۵۸
۱۲۶۲	محمدشاه	۶۶۰
۱۲۶۲	سلجوقشاه	۶۶۰
۱۲۸۷-۱۲۶۳	ابش /	۶۸۶-۶۶۲

(این سلسله را مغول از میان برداشتند)



۶۸. - امرای هزار اسپ

(اتابکان لرستان)

از ۵۴۳ تا ۷۴۰

☞ مطابق ۱۱۴۸-۱۲۳۹ میلادی ☜

مؤسس این سلسله **ابوطاهر** نامیست که او را اتابک سلفری برای رفع طغیال لر بزرگ در سال ۵۴۳ (۱۱۴۸ م) باین ناحیه فرستاد اباخان مغول بعدها حکومت خوزستان را نیز بضمیمه ولایت اصلی لر بزرگ باتابکان لر وا گذاشت و یکی از ایشان یعنی **افراسیاب** پس از مرگ ارغون خان اصفهان را محاصره کرد ولی بزودی سرکوبی شد سلسله کم اهمیت اتابکان لرستان تا سال ۷۴۰ (۱۳۳۹ م) دوام داشت و بسیاری از سنوات راجع بسلطنت ایشان تحقیقی نیست ، پای تخت این امرا در شهر **ایدج** بود و **یوسف شاه تازی** از این سلسله شوستر و بصره را نیز گرفته .

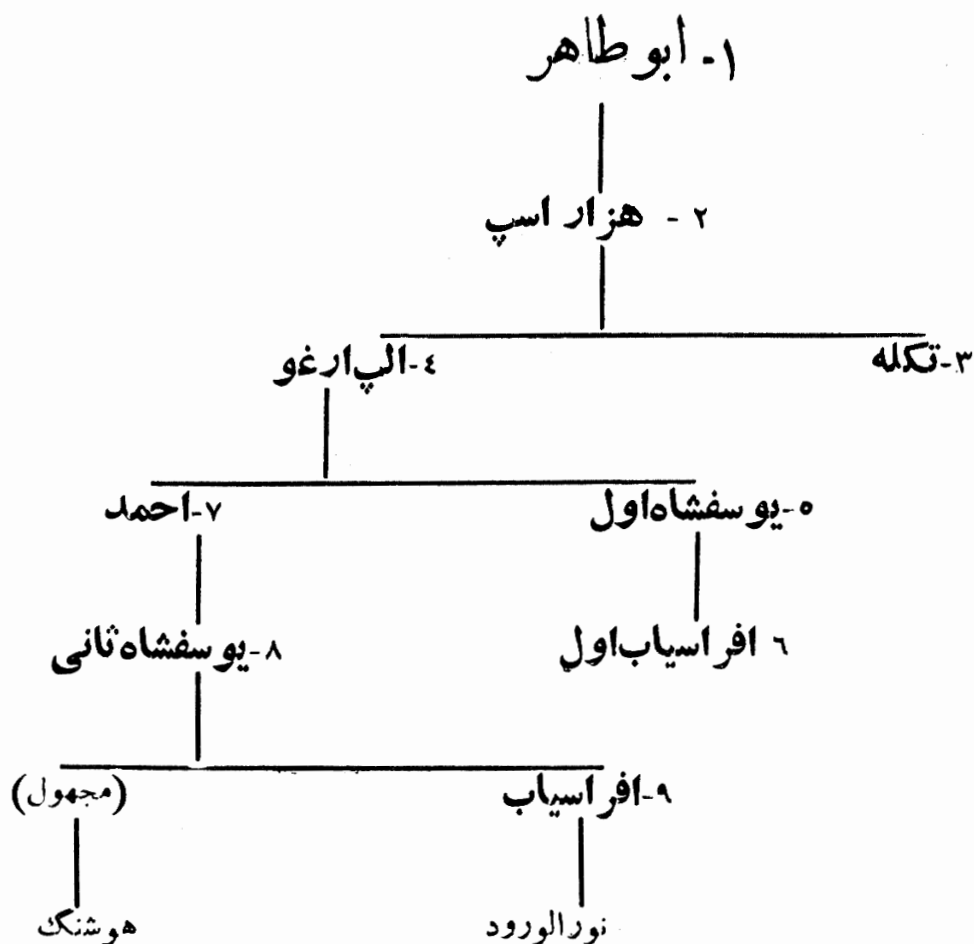
غیر از این سلسله یک سلسله کوچک دیگری از اتابکان نیز در ناحیه لر کوچک حکومت می کرده و از اوایل قرن هفتم تا قرن دهم در آن ناحیه باقی بوده اند*

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۵۴۳	ابوطاهر بن محمد	۱۱۴۸
حدود ۶۰۰	نصرة الدین هزار اسپ	حدود ۱۲۰۳
» ۶۵۰	تکله	» ۱۲۵۲
» ۶۵۷	شمس الدین الپ ارغو	» ۱۲۵۹

* برای تاریخ هر دو سلسله رجوع کنید بکتاب سرفهری هوورث Sir Henry Howorth در تاریخ مغول قسمت سوم صفحات ۷۵۶-۷۵۱ و ۶۹۱-۶۸۰

حدود ۶۷۳	یوسف شاه اول	حدود ۱۲۷۴
حدود ۶۸۷	افراسیاب اول	حدود ۱۲۸۸
۶۹۶	نصرة الدين احمد	۱۲۹۶
۷۳۳	رکن الدین یوسف شاه ثانی	۱۳۳۳
۷۴۰	مظفر الدین افراسیاب ثانی	۱۳۳۹
۷۵۶	شمس الدین هوشنگ (یانورالورد)	۱۳۵۵
حدود ۷۸۰	احمد	حدود ۱۳۷۸
حدود ۸۱۵	ابوسعید	حدود ۱۴۰۸
حدود ۸۲۰	حسین	حدود ۱۴۱۷
۸۲۷	غیاث الدین	۱۴۲۳

(این سلسله را سلطان ابراهیم بن شاهرخ برانداخت)



(ابن سلسله را تیموریان بر انداختند)

۶۹- خوارزمشاهیان

از حدود ۴۷۰ تا ۶۲۸

﴿ مطابق حدود ۱۰۷۷ تا ۱۲۳۱ میلادی ﴾

یکی از غلامان **بلمکاتگین غزنوی** بنام **انوشتهگین** که در خدمت
 ملکشاه ساجوقی بر تبه طشتداری رسیده بود از جانب آن پادشاه به حکومت
 خوارزم منصوب و با لقب **خوارزمشاه** مشهور گردید .

اتسز اولین پادشاه از خوارزمشاهیانست که عام استقلال بر افراشته
 ولی در سال ۵۳۳ (۱۱۳۸ م) مغلوب سلطان سنجر شده است . اتسز

بار دیگر طغیان کرد و خود را رسماً پادشاه خواند و حوزه اقتدار خود را حدود شهر جند و شط سیحون رساند .

تکش خوارزمشاه ری و اصفهان را در فاصله سالهای ۵۸۹ و ۵۹۰ (۱۱۹۳ - ۱۱۹۴ م) بر ممالک خوارمشاهی افزود و پسرش **علاءالدین محمد** که مشهور ترین خوارمشاهیانست پس از یک رشته جنگ با غوریان در خراسان قسمت عمده ایران را تا سال ۶۰۷ (۱۲۱۰ م) مطیع خود نمود و بخارا و مرقند را گرفته بممالک گورخان قراختائی حمله برد و اُتُرار پای تخت او را مسخر ساخت . در سال ۶۱۱ (۱۲۱۴ م) سلطان محمد خوارمشاه بر افغانستان و غزنین اسبیل یافت و در ۶۱۴ (۱۲۶۷ م) بهوا خواهی آل علی مصمم بر انداختن خاقای عباسی گردید ولی غفلة گرفتار استیلای قبایل مغول مطیع چنگگیر شد و از طرف شمال ممالک او طرف تعرض این جماعت قرار گرفت ، سلطان محمد از مقابل این سیل هولناک گریخت و بالاخره در ۶۱۷ (۱۲۲۰ م) در یکی از جزایر دریای مازندران جان سپرد . سه پسر سلطان محمد مدتی در ولایات مختلفه ایران سرگردان بودند و یکی از ایشان یعنی **جلال الدین** مدت دو سال نیز در هند سر کرده و بعد از قریب هشت نه سال نگاهداری آذربایجان (از ۶۲۲ تا ۶۲۸) عاقبة الامر در ۶۲۸ (۱۲۳۱ م) بدست مغول از آنجا رانده شد و عمرش خاتمه یافت .

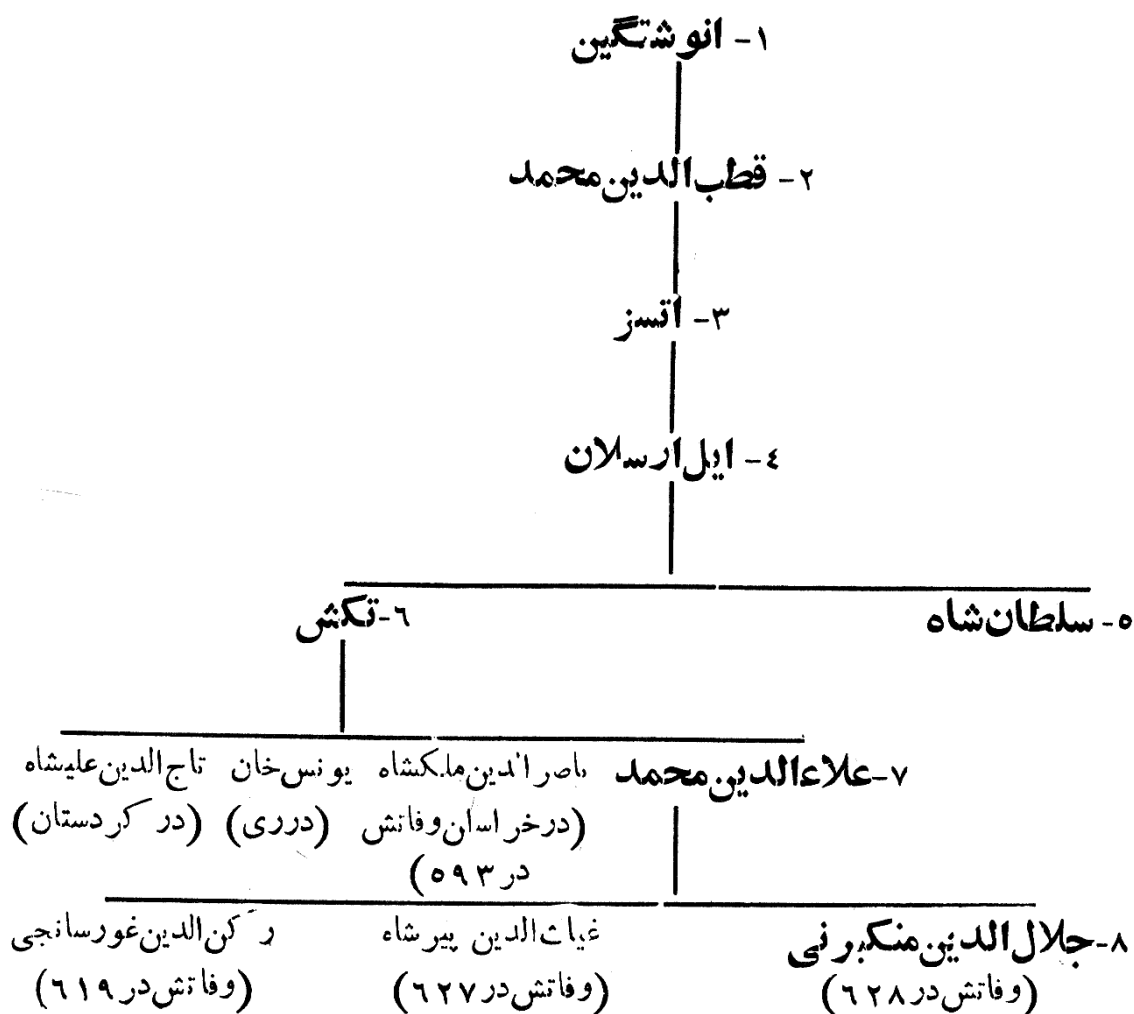
دولت خوارمشاهی در ایام منتهی بسط خود بحد ممالک ساجوقی میرسید ولی این دوره بیش از دوازده سال دوام نداشت .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
حدود ۴۷۰	انوشنگین	حدود ۱۰۷۷

۱۰۹۷	قطب‌الدین محمد	۴۹۰
۱۱۲۷	اتسز	۵۲۱
۱۱۵۶	ایل ارسلان	۵۵۱
۱۱۷۲	سایطان‌شاه محمود (وفاتش در ۵۸۹)	۵۶۸
۱۱۷۲	تکش	۵۶۸
۱۱۹۹	علاء‌الدین محمد	۵۹۶
۱۲۳۱-۱۲۲۰	جلال‌الدین منکبرنی	۶۱۷-۶۲۸

(انقراض این سلسله بدست مغول صورت گرفت)

خوارزمشاهیان



۷۰ قتلغ خانیه (قراخنائیان کرمان)

از ۶۱۹ تا ۷۰۳

(مطابق ۱۲۲۲ - ۱۳۰۳)

بُراق حاجب قراخنائی یکی از سران لشکری خوارزمشاه بود که در سال ۶۱۹ (۱۲۲۲ م) حکومت کرمان را در دوره فترت بین انقراض خوارزمشاهیان و استقرار مغول بخود اختصاص داد و اگتای قآن اورا در آن مقام باقی گذاشته براق را بلقب قتلغ خان ملقب ساخت قدرت سلسله قتلغ خانیه بهمان خاک کرمان محدود بود و افراد آن جمیعاً خراجگزار محسوب میشدند و دودۀ رازایا خانان و دختر از خاندان براق را باز دواج خود در آوردند. دختر آخرین پادشاه قراخنائی کرمان بهمسری محمد اتابک مظفری فارس در آمد.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۶۱۹	براق حاجب قتلغ خان	۱۲۲۲
۶۳۲	رکن الدین حجة الحق	۱۲۳۴
۶۵۰	قطب الدین محمد	۱۲۵۲
۶۵۵	قتلغ خان زوجه محمد*	۱۲۵۷
۶۸۱	جلال الدین سیورغتمش	۱۲۸۲
۶۹۲	صفوة الدین پادشاه خاتون	۱۲۹۳
۶۹۴	جلال الدین محمد شاه	۱۲۹۴
۷۰۱-۷۰۳	قطب الدین شاه جهان	۱۳۰۱-۱۳۰۳

(کرمان را تا ۷۱۴ حکام مغول و از آن سپس آل مظفر بتصرف خود گرفتند)

* از سال ۶۵۵ تا ۶۶۰ پسرش حجاج عنوان پادشاهی داشت.

قُتْلُغْ خَانِيَه

۱ - براق حاجب

تاينگو

۲- ركن الدين

۳- قطب الدين = ۴- قتلغ خاتون

دختر = اباخان

۶- صفوة الدين

۵- جلال الدين

حجاج سلطان

دختر = بايدوخان

۸- قطب الدين

۷- جلال الدين

دختر = محمد بن مظفر

قسمت دهم

جانشینان سلاجقه در سمت مغرب

از قرن هشتم تا سیزدهم
(مطابق قرن چهاردهم تا نوزدهم میلادی)

اهرای آسیای صغیر

- ۷۱- کراسی (میسیا)
- ۷۲- حمید (پی سیدیا)
- ۷۳- گرمیان (فریثیا)
- ۷۴- تگه (لیسیا)
- ۷۵- صروخان (لیدیا)
- ۷۶- آیدین (لیدیا)
- ۷۷- من تشا (کاریا)
- ۷۸- قزل احمدلی (پاف (گونی)
- ۷۹- قرمان (لیکاونیا)
- ۸۰- سلاطین عثمانی

قسمت نهم

جانشینان سلاجقه در سمت مغرب

از قرن هشتم تا سیزدهم
(مطابق قرن چهاردهم تا نوزدهم میلادی)

چنانکه سابقاً دیدیم اتابکان و سایر رؤسای لشکری سلاجقه در سمت مشرق ممالک وسیعۀ سلاجقه را در ایران و الجزیره و شام بتصرف خود درآوردند و در آن ممالک جهت خود سلسله‌هائی تشکیل دادند ولی چون این سلسله‌ها هیچکدام نتوانستند قدرتی بسزا بهم برسانند همه در مقابل سیل هجوم تاتارها از میان رفتند و فرزندان چنگیز جای ایشان را گرفتند، با این حال يك قسمت از ممالک ساجوقی بود که مغول چنان که میخواستند در آن نفوذی راسخ نیافتند و آن بلاد روم بود چه در این دیار پس از برافتادن سلاجقه سلسله‌ای عظیم که شعبۀ پرافتخار سلاطین ترکان عثمانی باشد بر روی کار آمد.

پیش از آنکه بذکر طبقات سلاطین مغول در ممالک اسلامی پردازیم لازم میدانیم که کلمه‌ای چند نیز در باب جانشینان سلاجقه در سمت مغرب یعنی امرای آسیای صغیر بگوئیم.

در نیمۀ دوم قرن هفتم هجری سلاجقه روم خواهی نخواهی اطاعت از ایلاخانان ایران را پذیرفتند و امور این بلاد بحاکمی که از ایران می-آمد محول شد ولی بمناسبت دوری بلاد روم از ایران حکومت مغول

براین قسمت هم چندان مقتدرانه نبود و هم دوام و ثباتی نداشت. سلاطین ساجوقی ضعیف شدند و ملی سلسله‌های جوان دیگری که از تجزیه دولت ایشان بیرون آمده بود چندان زیر بار ایلیخانان مستبد ایران نرفتند و باوجود مساعی بسیاری که از جانب این ایلیخانان بعمل آمد آن امرای یاغی بجای خود ماندند و ممالک ساجوقی بزودی بین ایشان تقسیم گردید

سلسله کراسی ولایت میسیا^۱ و خاندان صروخان و آیدین ولایت ایلیا^۲ و امرای من تشا ولایت کاریا^۳ را گرفتند؛ ولایت پی سیدیا^۴ و ایزوریا^۵ بدست امرای حمید و ولایت لیکاوونیا^۶ بچنگ امرای قرمانی افتاد؛ ولایت فریژیا^۷ را هم امرای کرمان و ولایت پافلاگونیا^۸ را نیز خاندان قزل احمدلی تصرف کردند. خاندان آل عثمان در یک قسمت از ولایت فریژیا که به فریژیا اپیک تتوس^۹ موسوم بود حکومت میکردند

سلاطین آل عثمان بعد از آنکه قوی شدند جمیع این سلسله‌ها را یکی بعد از دیگری منقرض نمودند و ولایاتشان را متصرف شدند چنان که امرای کراسی را در ۷۳۷ (۱۳۳۶ م.) را برانداختند و استقلال سلسله امرای حمید را در سال ۷۸۳ (۱۳۸۲ م.) در نتیجه ازدواج با ایشان از میان بردند، سلطان بایزید اول در سال ۷۹۲ (۱۳۹۰ م.) ممالک امرای کرمان و تکه و صروخان و آیدین و من تشا را بممالک عثمانی ضمیمه ساخت و در فاصله سنوات ۷۹۴ و ۷۹۵ (۱۳۹۲-۱۳۹۳ م.) امرای قرمانی و قزل احمدلی را نیز برانداخت بطوریکه در اواخر قرن هشتم یعنی کمتر از یک قرن بعد از عثمان اول لشکریان نبیره با اقتدار اونه سلسله رقیب را از میان برداشتند.

بعد از جنگ انقره (انگوریه) در سال ۸۰۴ (۱۴۰۲ م) و مغلوبیت و اسیر شدن با یزید خان^۱ بدست امیر تیمور چون قدرت سلاطین آل عثمان در آسیا و بعضی موقتی گذاشت هفت سلسله از این امرارا (غیر از امرای کراسی و حمید) امیر تیمور احیا نمود و این سلسله ها تا ربع قرانی زنده ماندند ولی همینکه سلاطین عثمانی از زیر بار شکست فوق بیرون آمدند سلطان مراد خان ثانی^۲ در فاصله سنوات ۸۲۹ و ۸۳۲ (۱۴۲۶-۱۴۲۸ م) ممالک پنج سلسله از آن امرارا دوباره بخاک خود منضم کرد و در ۸۷۷ (۱۴۷۱ م) سلطان محمد خای ثانی پس از تسخیر مجدد ممالک امرای قرمانی بار دیگر دسلسله آسیای صغیر را همچنانکه حالیه نیز چنین است تحت فرمان عثمانی آورد.

جدول ذیل نماینده تقسیمات ممالک سلاجقه رومست در میان ده سلسله فوق و ضمیمه شدن آنها بتوسط ترککان عثمانی و اسامی و تواریخ امرارا تا آنجا که اطلاع در دست است*

۱ - Bajazet ۲ - Amurath

* برای اطلاع مفصلتر در باب جانشینان سلاجقه رجوع کنید بمقاله مؤلف در مجله انجمن همایونی آسیائی دوره جدید جلد چهاردهم سال ۱۸۸۲.

محل نیابت	فرز یا پسر نکستوس	مسیحا	پس سید یا	فرز یا	لیسیا	لیدیا	کار یا	یافلا کونیا	لیکا و نیا
روم شرقی	آل عثمان	کراسی	حبیب	کر میان	تکه	صروخان	من تشا	قرل احمدی	قرمان
س									
قه									
۶۶۰ میخائیل یا لئو لوس ۶۸۲ آندرونیوکوس ۷۱۷ بروسه	۶۳۰ ارطغرل								
	۷۳۱ نقیه ۷۳۷ ۷۸۳	عجلان بیک	حمید	کر میان بیک	تکه بیک	خسروخان ۷۱۳ الیاس ۷۴۶ اسحق ۷۷۶	آبدی بیک ۷۰۰ محمود ۷۳۳ عمر ۷۴۰ عیسی ۷۴۸	من تشا بیک ۷۰۰ یعقوب محمود الیاس ۷۹۱	تیمور ۶۹۰ شجاع الدین عادل بیک یایزید کتوروم
		۶۹۹ عثمان	۶۹۲ ارخان	۶۹۹ علی شیر	۷۱۳ خسروخان	۷۴۶ الیاس	۷۴۸ عیسی	۷۹۱ الیاس	۷۵۰ علاء الدین علی
		۶۹۹ عثمان	۶۹۲ ارخان	۶۹۹ علی شیر	۷۱۳ خسروخان	۷۴۶ الیاس	۷۴۸ عیسی	۷۹۱ الیاس	۷۵۰ علاء الدین علی
۷۹۴									
۷۹۵									
۷۹۶									
۷۹۷									
۷۹۸									
۷۹۹									
۸۰۰									
۸۰۱									
۸۰۲									
۸۰۳									
۸۰۴									
۸۰۵									
۸۰۶									
۸۰۷									
۸۰۸									
۸۰۹									
۸۱۰									
۸۱۱									
۸۱۲									
۸۱۳									
۸۱۴									
۸۱۵									
۸۱۶									
۸۱۷									
۸۱۸									
۸۱۹									
۸۲۰									
۸۲۱									
۸۲۲									
۸۲۳									
۸۲۴									
۸۲۵									
۸۲۶									
۸۲۷									
۸۲۸									
۸۲۹									
۸۳۰									
۸۳۱									
۸۳۲									
۸۳۳									
۸۳۴									
۸۳۵									
۸۳۶									
۸۳۷									
۸۳۸									
۸۳۹									
۸۴۰									
۸۴۱									
۸۴۲									
۸۴۳									
۸۴۴									
۸۴۵									
۸۴۶									
۸۴۷									
۸۴۸									
۸۴۹									
۸۵۰									
۸۵۱									
۸۵۲									
۸۵۳									
۸۵۴									
۸۵۵									
۸۵۶									
۸۵۷									
۸۵۸									
۸۵۹									
۸۶۰									
۸۶۱									
۸۶۲									
۸۶۳									
۸۶۴									
۸۶۵									
۸۶۶									
۸۶۷									
۸۶۸									
۸۶۹									
۸۷۰									
۸۷۱									
۸۷۲									
۸۷۳									
۸۷۴									
۸۷۵									
۸۷۶									
۸۷۷									
۸۷۸									
۸۷۹									
۸۸۰									
۸۸۱									
۸۸۲									
۸۸۳									
۸۸۴									
۸۸۵									
۸۸۶									
۸۸۷									
۸۸۸									
۸۸۹									
۸۹۰									
۸۹۱									
۸۹۲									
۸۹۳									
۸۹۴									
۸۹۵									
۸۹۶									
۸۹۷									
۸۹۸									
۸۹۹									
۹۰۰									
۹۰۶									

۷۹۲ یایزید
۸۰۴ پیو تیمور
۸۰۵ محمد اول
۸۲۴ مراد ثانی
۸۵۵ محمد ثانی

۸۰۵ محمد ثانی
۸۲۹ ابراهیم
۸۳۳ ابراهیم
اسمعیل
قرل احمد
۸۶۴

۸۰۵ محمد ثانی
۷۹۵
۷۹۶
۷۹۷
۷۹۸
۷۹۹
۸۰۰
۸۰۱
۸۰۲
۸۰۳
۸۰۴
۸۰۵
۸۰۶
۸۰۷
۸۰۸
۸۰۹
۸۱۰
۸۱۱
۸۱۲
۸۱۳
۸۱۴
۸۱۵
۸۱۶
۸۱۷
۸۱۸
۸۱۹
۸۲۰
۸۲۱
۸۲۲
۸۲۳
۸۲۴
۸۲۵
۸۲۶
۸۲۷
۸۲۸
۸۲۹
۸۳۰
۸۳۱
۸۳۲
۸۳۳
۸۳۴
۸۳۵
۸۳۶
۸۳۷
۸۳۸
۸۳۹
۸۴۰
۸۴۱
۸۴۲
۸۴۳
۸۴۴
۸۴۵
۸۴۶
۸۴۷
۸۴۸
۸۴۹
۸۵۰
۸۵۱
۸۵۲
۸۵۳
۸۵۴
۸۵۵
۸۵۶
۸۵۷
۸۵۸
۸۵۹
۸۶۰
۸۶۱
۸۶۲
۸۶۳
۸۶۴
۸۶۵
۸۶۶
۸۶۷
۸۶۸
۸۶۹
۸۷۰
۸۷۱
۸۷۲
۸۷۳
۸۷۴
۸۷۵
۸۷۶
۸۷۷
۸۷۸
۸۷۹
۸۸۰
۸۸۱
۸۸۲
۸۸۳
۸۸۴
۸۸۵
۸۸۶
۸۸۷
۸۸۸
۸۸۹
۸۹۰
۸۹۱
۸۹۲
۸۹۳
۸۹۴
۸۹۵
۸۹۶
۸۹۷
۸۹۸
۸۹۹
۹۰۰

۸۰۵ محمد ثانی
۷۹۵
۷۹۶
۷۹۷
۷۹۸
۷۹۹
۸۰۰
۸۰۱
۸۰۲
۸۰۳
۸۰۴
۸۰۵
۸۰۶
۸۰۷
۸۰۸
۸۰۹
۸۱۰
۸۱۱
۸۱۲
۸۱۳
۸۱۴
۸۱۵
۸۱۶
۸۱۷
۸۱۸
۸۱۹
۸۲۰
۸۲۱
۸۲۲
۸۲۳
۸۲۴
۸۲۵
۸۲۶
۸۲۷
۸۲۸
۸۲۹
۸۳۰
۸۳۱
۸۳۲
۸۳۳
۸۳۴
۸۳۵
۸۳۶
۸۳۷
۸۳۸
۸۳۹
۸۴۰
۸۴۱
۸۴۲
۸۴۳
۸۴۴
۸۴۵
۸۴۶
۸۴۷
۸۴۸
۸۴۹
۸۵۰
۸۵۱
۸۵۲
۸۵۳
۸۵۴
۸۵۵
۸۵۶
۸۵۷
۸۵۸
۸۵۹
۸۶۰
۸۶۱
۸۶۲
۸۶۳
۸۶۴
۸۶۵
۸۶۶
۸۶۷
۸۶۸
۸۶۹
۸۷۰
۸۷۱
۸۷۲
۸۷۳
۸۷۴
۸۷۵
۸۷۶
۸۷۷
۸۷۸
۸۷۹
۸۸۰
۸۸۱
۸۸۲
۸۸۳
۸۸۴
۸۸۵
۸۸۶
۸۸۷
۸۸۸
۸۸۹
۸۹۰
۸۹۱
۸۹۲
۸۹۳
۸۹۴
۸۹۵
۸۹۶
۸۹۷
۸۹۸
۸۹۹
۹۰۰

۸۰۵ محمد ثانی
۷۹۵
۷۹۶
۷۹۷
۷۹۸
۷۹۹
۸۰۰
۸۰۱
۸۰۲
۸۰۳
۸۰۴
۸۰۵
۸۰۶
۸۰۷
۸۰۸
۸۰۹
۸۱۰
۸۱۱
۸۱۲
۸۱۳
۸۱۴
۸۱۵
۸۱۶
۸۱۷
۸۱۸
۸۱۹
۸۲۰
۸۲۱
۸۲۲
۸۲۳
۸۲۴
۸۲۵
۸۲۶
۸۲۷
۸۲۸
۸۲۹
۸۳۰
۸۳۱
۸۳۲
۸۳۳
۸۳۴
۸۳۵
۸۳۶
۸۳۷
۸۳۸
۸۳۹
۸۴۰
۸۴۱
۸۴۲
۸۴۳
۸۴۴
۸۴۵
۸۴۶
۸۴۷
۸۴۸
۸۴۹
۸۵۰
۸۵۱
۸۵۲
۸۵۳
۸۵۴
۸۵۵
۸۵۶
۸۵۷
۸۵۸
۸۵۹
۸۶۰
۸۶۱
۸۶۲
۸۶۳
۸۶۴
۸۶۵
۸۶۶
۸۶۷
۸۶۸
۸۶۹
۸۷۰
۸۷۱
۸۷۲
۸۷۳
۸۷۴
۸۷۵
۸۷۶
۸۷۷
۸۷۸
۸۷۹
۸۸۰
۸۸۱
۸۸۲
۸۸۳
۸۸۴
۸۸۵
۸۸۶
۸۸۷
۸۸۸
۸۸۹
۸۹۰
۸۹۱
۸۹۲
۸۹۳
۸۹۴
۸۹۵
۸۹۶
۸۹۷
۸۹۸
۸۹۹
۹۰۰

۸۰۵ محمد ثانی
۷۹۵
۷۹۶
۷۹۷
۷۹۸
۷۹۹
۸۰۰
۸۰۱
۸۰۲
۸۰۳
۸۰۴
۸۰۵
۸۰۶
۸۰۷
۸۰۸
۸۰۹
۸۱۰
۸۱۱
۸۱۲
۸۱۳
۸۱۴
۸۱۵
۸۱۶
۸۱۷
۸۱۸
۸۱۹
۸۲۰
۸۲۱
۸۲۲
۸۲۳
۸۲۴
۸۲۵
۸۲۶
۸۲۷
۸۲۸
۸۲۹
۸۳۰
۸۳۱
۸۳۲
۸۳۳
۸۳۴
۸۳۵
۸۳۶
۸۳۷
۸۳۸
۸۳۹
۸۴۰
۸۴۱
۸۴۲
۸۴۳
۸۴۴
۸۴۵
۸۴۶
۸۴۷
۸۴۸
۸۴۹
۸۵۰
۸۵۱
۸۵۲
۸۵۳
۸۵۴
۸۵۵
۸۵۶
۸۵۷
۸۵۸
۸۵۹
۸۶۰
۸۶۱
۸۶۲
۸۶۳
۸۶۴
۸۶۵
۸۶۶
۸۶۷
۸۶۸
۸۶۹
۸۷۰
۸۷۱
۸۷۲
۸۷۳
۸۷۴
۸۷۵
۸۷۶
۸۷۷
۸۷۸
۸۷۹
۸۸۰
۸۸۱
۸۸۲
۸۸۳
۸۸۴
۸۸۵
۸۸۶
۸۸۷
۸۸۸
۸۸۹
۸۹۰
۸۹۱
۸۹۲
۸۹۳
۸۹۴
۸۹۵
۸۹۶
۸۹۷
۸۹۸
۸۹۹
۹۰۰

۸۰۵ محمد ثانی
۷۹۵
۷۹۶
۷۹۷
۷۹۸
۷۹۹
۸۰۰
۸۰۱
۸۰۲
۸۰۳
۸۰۴
۸۰۵
۸۰۶
۸۰۷
۸۰۸
۸۰۹
۸۱۰
۸۱۱
۸۱۲
۸۱۳
۸۱۴
۸۱۵
۸۱۶
۸۱۷
۸۱۸
۸۱۹
۸۲۰
۸۲۱
۸۲۲
۸۲۳
۸۲۴
۸۲۵
۸۲۶
۸۲۷
۸۲۸
۸۲۹
۸۳۰
۸۳۱
۸۳۲
۸۳۳
۸۳۴
۸۳۵
۸۳۶
۸۳۷
۸۳۸
۸۳۹
۸۴۰
۸۴۱
۸۴۲
۸۴۳
۸۴۴
۸۴۵
۸۴۶
۸۴۷
۸۴۸
۸۴۹
۸۵۰
۸۵۱
۸۵۲
۸۵۳
۸۵۴
۸۵۵
۸۵۶
۸۵۷
۸۵۸
۸۵۹
۸۶۰
۸۶۱
۸۶۲
۸۶۳
۸۶۴
۸۶۵
۸۶۶
۸۶۷
۸۶۸
۸۶۹
۸۷۰
۸۷۱
۸۷۲
۸۷۳
۸۷۴
۸۷۵
۸۷۶
۸۷۷
۸۷۸
۸۷۹
۸۸۰
۸۸۱
۸۸۲
۸۸۳
۸۸۴
۸۸۵
۸۸۶
۸۸۷
۸۸۸
۸۸۹
۸۹۰
۸۹۱
۸۹۲
۸۹۳
۸۹۴
۸۹۵
۸۹۶
۸۹۷
۸۹۸
۸۹۹
۹۰۰

۸۰۵ محمد ثانی
۷۹۵
۷۹۶
۷۹۷
۷۹۸
۷۹۹
۸۰۰
۸۰۱
۸۰۲
۸۰۳
۸۰۴
۸۰۵
۸۰۶
۸۰۷
۸۰۸
۸۰۹
۸۱۰
۸۱۱
۸۱۲
۸۱۳
۸۱۴
۸۱۵
۸۱۶
۸۱۷
۸۱۸
۸۱۹
۸۲۰
۸۲۱
۸۲۲
۸۲۳
۸۲۴
۸۲۵
۸۲۶
۸۲۷
۸۲۸
۸۲۹
۸۳۰
۸۳۱
۸۳۲
۸۳۳
۸۳۴
۸۳۵
۸۳۶
۸۳۷
۸۳۸
۸۳۹
۸۴۰
۸۴۱
۸۴۲
۸۴۳
۸۴۴
۸۴۵
۸۴۶
۸۴۷
۸۴۸
۸۴۹
۸۵۰
۸۵۱
۸۵۲
۸۵۳
۸۵۴
۸۵۵
۸۵۶
۸۵۷
۸۵۸
۸۵۹
۸۶۰
۸۶۱
۸۶۲
۸۶۳
۸۶۴
۸۶۵
۸۶۶
۸۶۷
۸۶۸
۸۶۹
۸۷۰
۸۷۱
۸۷۲
۸۷۳
۸۷۴
۸۷۵
۸۷۶
۸۷۷
۸۷۸
۸۷۹
۸۸۰
۸۸۱
۸۸۲
۸۸۳
۸۸۴
۸۸۵
۸۸۶
۸۸۷
۸۸۸
۸۸۹
۸۹۰
۸۹۱
۸۹۲
۸۹۳
۸۹۴
۸۹۵
۸۹۶
۸۹۷
۸۹۸
۸۹۹
۹۰۰

۸۰۵ محمد ثانی
۷۹۵
۷۹۶
۷۹۷
۷۹۸
۷۹۹
۸۰۰
۸۰۱
۸۰۲
۸۰۳
۸۰۴
۸۰۵
۸۰۶
۸۰۷
۸۰۸
۸۰۹
۸۱۰
۸۱۱
۸۱۲
۸۱۳
۸۱۴
۸۱۵
۸۱۶
۸۱۷
۸۱۸
۸۱۹
۸۲۰
۸۲۱
۸۲۲
۸۲۳
۸۲۴
۸۲۵
۸۲۶
۸۲۷
۸۲۸
۸۲۹
۸۳۰
۸۳۱
۸۳۲
۸۳۳
۸۳۴
۸۳۵
۸۳۶
۸۳۷
۸۳۸
۸۳۹
۸۴۰
۸۴۱
۸۴۲
۸۴۳
۸۴۴
۸۴۵
۸۴۶
۸۴۷
۸۴۸
۸۴۹
۸۵۰
۸۵۱
۸۵۲
۸۵۳
۸۵۴
۸۵۵
۸۵۶
۸۵۷
۸۵۸
۸۵۹
۸۶۰
۸۶۱
۸۶۲
۸۶۳
۸۶۴
۸۶۵
۸۶۶
۸۶۷
۸۶۸
۸۶۹
۸۷۰
۸۷۱
۸۷۲
۸۷۳
۸۷۴
۸۷۵
۸۷۶
۸۷۷
۸۷۸
۸۷۹
۸۸۰
۸۸۱
۸۸۲
۸۸۳
۸۸۴
۸۸۵
۸۸۶
۸۸۷
۸۸۸
۸۸۹
۸۹۰
۸۹۱
۸۹۲
۸۹۳
۸۹۴
۸۹۵
۸۹۶
۸۹۷
۸۹۸
۸۹۹
۹۰۰

۸۰۵ محمد ثانی
۷۹۵
۷۹۶
۷۹۷
۷۹۸
۷۹۹
۸۰۰
۸۰۱
۸۰۲
۸۰۳
۸۰۴
۸۰۵
۸۰۶
۸۰۷
۸۰۸
۸۰۹
۸۱۰
۸۱۱
۸۱۲
۸۱۳
۸۱۴
۸۱۵
۸۱۶
۸۱۷
۸۱۸
۸۱۹
۸۲۰
۸۲۱
۸۲۲
۸۲۳
۸۲۴
۸۲۵
۸۲۶
۸۲۷
۸۲۸
۸۲۹
۸۳۰
۸۳۱
۸۳۲
۸۳۳
۸۳۴
۸۳۵
۸۳۶
۸۳۷
۸۳۸
۸۳۹
۸۴۰
۸۴۱
۸۴۲
۸۴۳
۸۴۴
۸۴۵
۸۴۶
۸۴۷
۸۴۸
۸۴۹
۸۵۰
۸۵۱
۸۵۲
۸۵۳
۸۵۴
۸۵۵
۸۵۶
۸۵۷
۸۵۸
۸۵۹
۸۶۰
۸۶۱
۸۶۲
۸۶۳
۸۶۴
۸۶۵
۸۶۶
۸۶۷
۸۶۸
۸۶۹
۸۷۰
۸۷۱
۸۷۲
۸۷۳
۸۷۴
۸۷۵
۸۷۶
۸۷۷
۸۷۸
۸۷۹
۸۸۰
۸۸۱
۸۸۲
۸۸۳
۸۸۴
۸۸۵
۸۸۶
۸۸۷
۸۸۸
۸۸۹
۸۹۰
۸۹۱
۸۹۲
۸۹۳
۸۹۴
۸۹۵
۸۹۶
۸۹۷
۸۹۸
۸۹۹
۹۰۰

۸۰۵ محمد ثانی
۷۹۵
۷۹۶
۷۹۷
۷۹۸
۷۹۹
۸۰۰
۸۰۱
۸۰۲
۸۰۳
۸۰۴
۸۰۵
۸۰۶
۸۰۷
۸۰۸
۸۰۹
۸۱۰
۸۱۱
۸۱۲
۸۱۳
۸۱۴
۸۱۵
۸۱۶
۸۱۷
۸۱۸
۸۱۹
۸۲۰
۸۲۱
۸۲۲
۸۲۳
۸۲۴
۸۲۵
۸۲۶
۸۲۷
۸۲۸
۸۲۹
۸۳۰
۸۳۱
۸۳۲
۸۳۳
۸۳۴
۸۳۵
۸۳۶
۸۳۷
۸۳۸
۸۳۹
۸۴۰
۸۴۱
۸۴۲
۸۴۳
۸۴۴
۸۴۵
۸۴۶
۸۴۷
۸۴۸
۸۴۹
۸۵۰
۸۵۱
۸۵۲
۸۵۳
۸۵۴
۸۵۵
۸۵۶
۸۵۷
۸۵۸
۸۵۹
۸۶۰
۸۶۱
۸۶۲
۸۶۳
۸۶۴
۸۶۵
۸۶۶
۸۶۷
۸۶۸
۸۶۹
۸۷۰
۸۷۱
۸۷۲
۸۷۳
۸۷۴
۸۷۵
۸۷۶
۸۷۷
۸۷۸
۸۷۹
۸۸۰
۸۸۱
۸۸۲
۸۸۳
۸۸۴
۸۸۵
۸۸۶
۸۸۷
۸۸۸
۸۸۹
۸۹۰
۸۹۱
۸۹۲
۸۹۳
۸۹۴
۸۹۵
۸۹۶
۸۹۷
۸۹۸
۸۹۹
۹۰۰

۸۰۵ محمد ثانی
۷۹۵
۷۹۶
۷۹۷
۷۹۸
۷۹۹
۸۰۰
۸۰۱
۸۰۲
۸۰۳
۸۰۴
۸۰۵
۸۰۶
۸۰۷
۸۰۸
۸۰۹
۸۱۰
۸۱۱
۸۱۲
۸۱۳
۸۱۴
۸۱۵
۸۱۶
۸۱۷
۸۱۸
۸۱۹
۸۲۰
۸۲۱
۸۲۲
۸۲۳
۸۲۴
۸۲۵
۸۲۶
۸۲۷
۸۲۸
۸۲۹
۸۳۰
۸۳۱
۸۳۲
۸۳۳
۸۳۴
۸۳۵
۸۳۶
۸۳۷
۸۳۸
۸۳۹
۸۴۰
۸۴۱
۸۴۲
۸۴۳
۸۴۴
۸۴۵
۸۴۶
۸۴۷
۸۴۸
۸۴۹
۸۵۰
۸۵۱
۸۵۲
۸۵۳
۸۵۴
۸۵۵
۸۵۶
۸۵۷
۸۵۸
۸۵۹
۸۶۰
۸۶۱
۸۶۲
۸۶۳
۸۶۴
۸۶۵
۸۶۶
۸۶۷
۸۶۸
۸۶۹
۸۷۰
۸۷۱
۸۷۲
۸۷۳
۸۷۴
۸۷۵
۸۷۶
۸۷۷
۸۷۸
۸۷۹
۸۸۰
۸۸۱
۸۸۲
۸۸۳
۸۸۴
۸۸۵
۸۸۶
۸۸۷
۸۸۸
۸۸۹
۸۹۰
۸۹۱
۸۹۲
۸۹۳
۸۹۴
۸۹۵
۸۹۶
۸۹۷
۸۹۸
۸۹۹
۹۰۰

۸۰۵ محمد ثانی
۷۹۵
۷۹۶
۷۹۷
۷۹۸
۷۹۹
۸۰۰
۸۰۱
۸۰۲
۸۰۳
۸۰۴
۸۰۵
۸۰۶
۸۰۷
۸۰۸
۸۰۹
۸۱۰
۸۱۱
۸۱۲
۸۱۳
۸۱۴
۸۱۵
۸۱۶
۸۱۷
۸۱۸
۸۱۹
۸۲۰
۸۲۱
۸۲۲
۸۲۳
۸۲۴
۸۲۵
۸۲۶
۸۲۷
۸۲۸
۸۲۹
۸۳۰
۸۳۱
۸۳۲
۸۳۳
۸۳۴
۸۳۵
۸۳۶
۸۳۷
۸۳۸
۸۳۹
۸۴۰
۸۴۱
۸۴۲
۸۴۳
۸۴۴
۸۴۵
۸۴۶
۸۴۷
۸۴۸
۸۴۹
۸۵۰
۸۵۱
۸۵۲
۸۵۳
۸۵۴
۸۵۵
۸۵۶
۸۵۷
۸۵۸
۸۵۹
۸۶۰
۸۶۱
۸۶۲
۸۶۳
۸۶۴
۸۶۵
۸۶۶
۸۶۷
۸۶۸
۸۶۹
۸۷۰
۸۷۱
۸۷۲
۸۷۳
۸۷۴
۸۷۵
۸۷۶
۸۷۷
۸۷۸
۸۷۹
۸۸۰
۸۸۱
۸۸۲
۸۸۳
۸۸۴
۸۸۵
۸۸۶
۸۸۷
۸۸۸
۸۸۹
۸۹۰
۸۹۱
۸۹۲
۸۹۳
۸۹۴
۸۹۵
۸۹۶
۸۹۷
۸۹۸
۸۹۹
۹۰۰

۸۰۵ محمد ثانی
۷۹۵
۷۹۶
۷۹۷
۷۹۸
۷۹۹
۸۰۰
۸۰۱
۸۰۲
۸۰۳
۸۰۴
۸

۸۰ - سلاطین عثمانی

(در ترکیه)

از ۶۹۹ تا ۱۳۱۱

(مطابق ۱۲۹۹ - ۱۸۹۳ م)

ترکان عثمانی عشیره کوچکی بودند از قبیله اغز که پس از هجوم مغول از خراسان بسمت مغرب کوچ کردند و در اوایل قرن هفتم در آسیای صغیر اقامت اختیار نمودند. سلاطین ساجوقی روم در نتیجه استفاده‌هایی که در جنگها از یاری ایشان میکردند برؤسای آن عشیره اجازه دادند که در ولایت فریثیا اپکیئتوس که از آن بعد بولایت **سلطان‌اوی** موسوم شد اقامت کنند و چادرهای خود را در آنجا بزنند و این ولایت در مجاورت قسمت بی‌تی‌نیا ۱ از ولایات روم شرقی قرار داشت و شهر عمده آن که مرکز ترکان عثمانی شد به **سگوت** ۲ موسوم بود. **عثمان** جد سلاطین عثمانی که در ۶۵۶ (۱۲۵۸ م) تولد یافته در این شهر بتأسیس سلسله‌ای موفق گردید که عدد سلاطین آن بسی و پنج می‌رسد و همه ایشان نیز از یک شعبه و جمیعاً فرزندان مستقیم عثمانند.

عثمان سرحد ممالک روم شرقی را بوسیله تسخیر بعضی قسمتهای آن بسمت مغرب عقب زد و پسرش **ارخان** شهرهای بروسه و نیقیه را گرفت و ممالک امرای کراسی را که با خاك او مجاور بودند متصرف شد و لشکریان مشهور **ینی‌چری** را که مدت چندین قرن وسیله عمده فتوحات سلاطین آل عثمان بودند تشکیل داد.

در سال ۷۵۹ (۱۳۵۸ م) ترکان عثمانی از بوغاز دارد انل

گذشتند و از طرف خود مداخله در محل گالی پوای گذاشته
 تسخیر ممالك اروپائی دولت شرقی روم شروع کردند. شهرهای
 ادرنه و فیلیپی پولیس چند سال بعد مسخر شد و بر اثر فتوحات ماریتزا ۱
 (۱۳۶۴ م) و قوسو ۲ (۱۳۸۹ م) و نیکوپولیس ۳ و غلبه ترکان بر
 سواران جنگی تمام اروپا سراسر شبه جزیره بالکان باستانی حوالی
 قسطنطنیه تصرف ایشان درآمد. تسخیر قسطنطنیه بواسطه هجوم ناگهانی
 امیر تیمور آسیای صغیر و شکست سخت با یزیدخان اول ۴ در سال
 ۸۰۴ (۱۴۰۲ م) در آنقره مدتی بتعویق افتاد و دولتی که از شط
 دانوب تا نهر العاصی در شام امتداد پیدا کرده بود بر اثر يك ضربه
 تا مدتی دوچار ضعف و ناتوانی گردید.

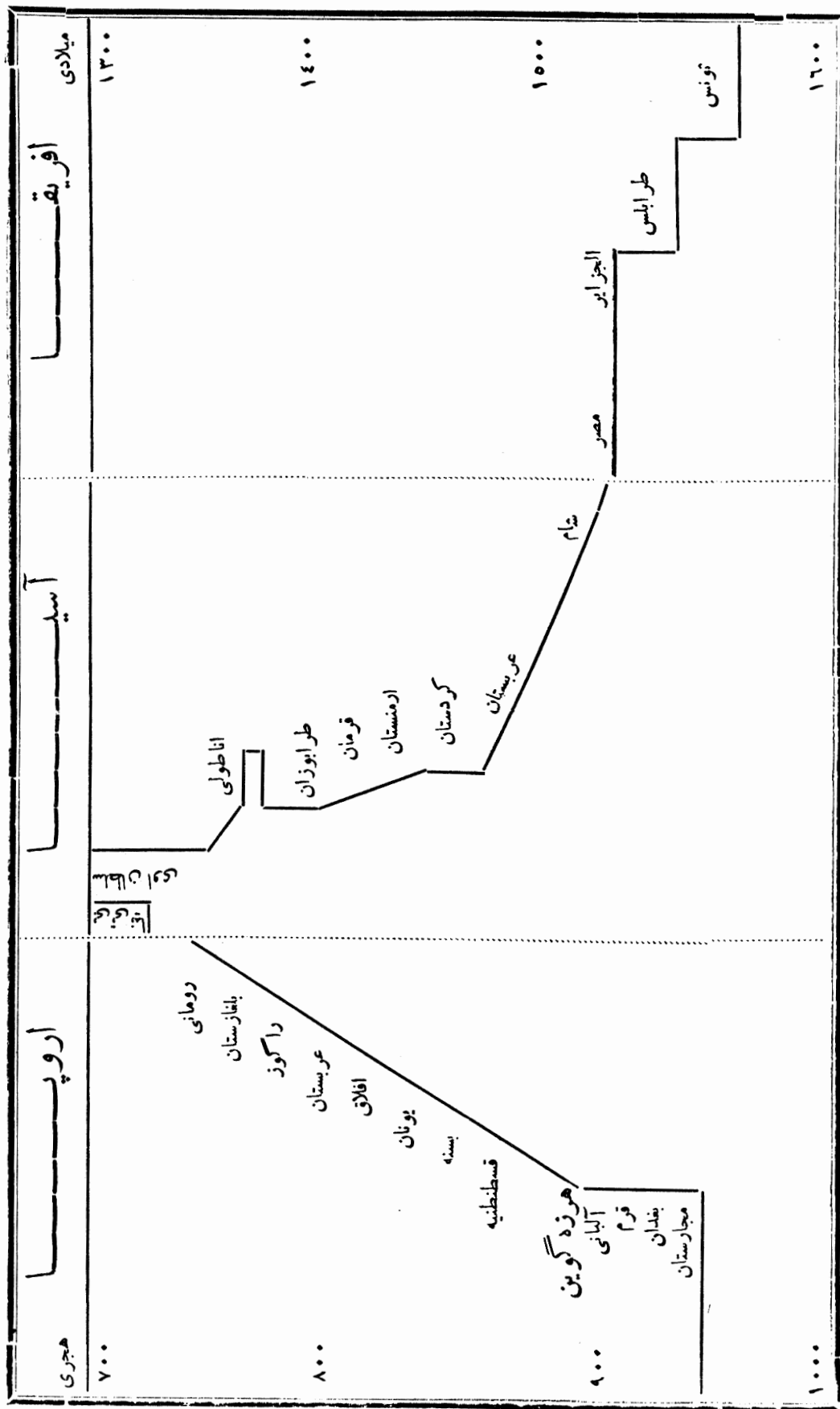
اگر چه سلطنت عاقلانه سلطان محمد اول تا حدی جبر کسر
 های گذشته را کرد ولی این ایام چندان قابل توجه نشد تا آنکه سلطان
 مرادخان ثانی پس از تحکیم مواقع خود و برقراری صالح موفق گردید
 که ممالك عثمانی را از حملات هونیادی ۵ ماقب بامیر سفیدولایت
 افلاق (والاشیا) خلاص بخشد و بوسیله فتح قطعی که در محل وارنا
 (سال ۱۴۴۴ م) نصیب او شد از صایبیون عیسوی که بنقض عهد نامه
 اقدام کرده بودند انتقام خود را بکشد.

این فتح نمایان ممالك عثمانی را از طرف شمال آسوده ساخت
 و از این تاریخ تا دو قرن دیگر دوره فتوحات درخشان سلاطین
 آل عثمانست.

۱ - Maritza - ۲ Kessovo - ۳ Nicopolis

۴ - اسم این سلطان را در اروپا عوام از روی تلفظ آلمانی آن Bajazet می نویسند

۵ - Hunyady



ترقی دولت سلاطین آل عثمان

قسطنطنیه را سلطان محمد خان ثانی در سال ۸۵۷ (۱۴۵۳ م) مسخر ساخت و آخرین باقیمانده دولت روم شرقی باین ترتیب از میان رفت. شبه جزیره قرم (کریمه) در سال (۱۴۷۵ م) تسخیر شد و جزایر دریای اژه نیز ضمیمه خاک عثمانی گردید و بیرق این سلاطین در ایتالیا بر فراز قصر اُترانتو اُفراشته گردید.

سلطان سلیم خان اول در ظرف هشت سال سلطنت خود پادشاه ایران را مغلوب و کردستان و دیار بکر را بممالک عثمانی ملحق ساخت شام و مصر و عربستان را در سال ۹۲۳ (۱۵۱۷ م) از ممالیک منزع نمود و کمی بعد بر حریمین سیادت یافت و خلیفه عباسی مصر را مطیع خود نموده اشیاء مقدسه متعلق بمغمبر اسلام را از او گرفت و حق خلافت را بخود اختصاص داد و از این تاریخست که سلاطین عثمانی لقب امیرالمؤمنینی اختیار کرده اند.

سلطان سلیمان خان کبیر فرزند خلف سلف خود فتوحات سلطان سلیم خان را تحت الشعاع عمایات درخشان خویش قرار داد یعنی در سال ۹۲۸ (۱۵۲۲ م) امرای جزیره رُدس را از مواقع مستحکم خود راند و در طرف شمال شهر های با گراد را گرفت و در سال ۹۳۲ (۱۵۲۶ م) مجارها را در دشت موهاکس ۲ شکست سخت داد و پادشاه ایشان لوئی ثانی را با ۲۰،۰۰۰ نفر از سپاهیان او دستگیر نمود و مجارستان مدت يك قرن و نیم از ایالات عثمانی شد. سلطان سلیمان شهر وینه را نیز در سال ۹۳۵ (۱۵۲۹ م) محاصره کرد و با اینکه نزدیک بود بر آن دست یابد با گرفتن خراجی از ارشیدوک فردیناند از آن شهر دست برداشت.

» لقب کبیری که بساطان سلیمان خان داده اند فقط بمناسبت

هوش و کفایت و فتوحات درخشان او نیست بلکه بیشتر برای جد و جهدیست که او در حفظ مقام خود بخرج داده درست در موقعی که مردمان بزرگ متعدد با او در يك عصر میزیسته اند مثل شارل اول و فرانسوای اول و ملکه الیزابت و لئون دهم و کریستف کلمب و کرتز^۱ و رالای^۲. سلطان سلیمان خان در زمان قدرت شارل اول وینه را محاصره کرده و بر مجارستان دست یافته و در دوره عملیات بحری ملاحان مهم امثال دُریا^۳ و دَرِیک^۴ دریای مدیترانه را تا آبهای ساحلی اسپانیا زیر نفوذ خود گرفته و امیرالبحرهای او مثل بارباروسا و پیاله و درغوت آب های مدیترانه را میدان جولان سفاین خود ساخته ، اسپانیائیه را از ممالک بربر نشین افریقا رانده و در جنگ بحری پروزا^۵ بر پاپ و امپراطور آلمان و امیر و نیز غلبه یافته اند* .

خلاصه ممالک عثمانی در عهد سلطان سلیمان خان از بوداپست و ساحل دانوب تا شلا^۶ آسوان در مصر و از ساحل فرات تا باب جیل طارق وسعت داشت .

دوره سلطنت سلطان سلیمان خان دوره منتهی عظمت عثمانی است چه از بعد از او ایام نکبت این مملکت شروع میشود و اولین واقعه آن شکست بحری لیانتو^۷ است در سال ۹۷۹ (۱۵۷۱ م) از دست دن ژوان امیر اطریش ترکان عثمانی اگرچه در همین سال (۱۵۷۱ م) جزیره قبرس را فتح کردند و در خشکی نیز بعضی فتوحات مثل غلبه ایشان بر اطریشیه در محل کرتز^۸ (در ۹۷۷ - ۱۵۶۹ م) نصیب ایشان شد ولی از هیبت و شکوه اولی افتادند و دیگر در اروپا کسی از ایشان نمیترسید .

۱ Cortes ۲ Raleigh ۳ Doria ۴ Drake ۵ Prevesa

* رجوع کنید بتاریخ ترکیه تألیف مؤلف فصل دهم (سال ۱۸۸۸)

۶ Lepanto - ۷ Keresztes

تنزل ممالك سلاطين آل عثمان

مقابل صفحه ١٧٢

اروپا	آسيا	افريقا	میلادی
۱۰۰۹			۱۶۰۰
مجرى			
۱۱۰۰			
مجارستان			
(اطریش)			
۱۲۰۰			
قزم (روسه)			
۱۳۰۰			
بلغارستان . سرستان . بسنه . رومانی			
یونان			
راکوز			
(روسه)			
۱۸۰۰			
تونس			
۱۷۰۰			
الجزائر			
۱۸۹۳			
مصر			
(خدیان)			
روسیه			

سلطان مراد خان چهارم در سال ۱۰۴۸ (۱۶۳۸ م.) بغداد را بـخاک عثمانی ضمیمه نمود و ترکان جزیره کُرت و بعضی جزایر دیگر را نیز در سال ۱۶۴۵ م. از دست و نیزیه‌ها گرفتند ولی در اروپا شکستهای سن گتارا^۱ (سال ۱۰۷۴ - ۱۶۶۴ م.) و خوی کزیم^۲ (سال ۱۰۸۳ - ۱۶۷۳ م.) و لامبرگ^۳ (سال ۱۰۸۶ - ۱۶۷۵ م.) از دست ژان سوییسکی^۴ و محاصره شوم وینه در ۱۰۹۳ (۱۶۸۲ م.) و هزیمت در محلی موها کس در سال ۱۰۹۸ (۱۸۸۶ م.) سراسر مجارستان را از تصرف ایشان خارج ساخت و نظامیان اطریشی و ونیزی بولایات بوسنه و یونان نیز حمله کردند.

اوژن^۵ در جنگ زنتا^۶ (سال ۱۱۰۹ - ۱۶۹۷ م.) ضربتی قطعی بترکان زد و در نتیجه عقد ماهدات کارلو ویتز^۷ (۱۱۱۱ - ۱۶۹۹ م.) و پاساروویتز^۸ ولایات مجارستان و پدولها^۹ و ترانسیلوانیا^{۱۰} بکلی از زیر ساطعه سلاطین آل عثمان بیرون آمد.

سرحداث عثمانی از این تاریخ تا تجزیه اخیر که بسال ۱۲۹۵ (۱۸۷۸ م.) اتفاق افتاده تغییرات فاحشی نکرد. دوره تعرض روسیه نسبت بـخاک عثمانی از سال ۱۱۵۰ (۱۷۳۶ م.) شروع میشود چه در این تاریخست مکه روسیه اوکراکف^{۱۱} و آرف^{۱۲} را بـخاک خود مالحق کرده و در ۱۳۰۱ (۱۸۸۳ م.) شبه جزیره قرم را محصور نموده است و ولایات دانوبی عثمانی را نیز مورد تعرض قرار داده.

داخله عثمانی نیز بر اثر هرج و مرجهای لشکری قرین اغتشاش بود و سلطان محمود خان ثانی که بزرگترین سلاطین متجدد عثمانیست اگرچه در سال ۱۲۳۷ (۱۸۲۲ م.) لشکریان ینی چری را قتل عام نمود به

۱ - St. Gothard - ۲ - Khoczim - ۳ - Lemberg - ۴ - Jean Sobieski

۵ - Eugene - ۶ - Zenta - ۷ - Garlovitz - ۸ - Passarovitz - ۹ - Podolia

۱۰ - Transylvania - ۱۱ - Oczakov - ۱۲ - Azov

جلوگیری از تجزیه‌ای که در ممالک او رو کرده بود موفق نماید، در افریقا مصر تحت لوای محمد علی پاشا در ربع اول قرن نوزدهم میلادی مستقل شد و در ۱۳۰۱ (۱۸۸۳ م.) بر اثر دست اندازی انگلیسها بکلی از حوزه اقتدار عثمانی بیرون رفت و الجزایر و تونس تحت ریاست دای وینک بترتیب در ۱۰۷۰ (۱۶۵۹ م.) و ۱۱۱۷ (۱۸۰۵ م.) نیمه استقلالی بدست آوردند و فرانسه الجزایر را در ۱۲۴۵ (۱۸۳۰ م.) و تونس را بدون آنکه اسم تصرف بر روی آن بگذارد در ۱۲۹۹ (۱۸۸۱ م.) متصرف گردید و فقط

حق حکومت طرابلس در افریقا هنوز با سلطان عثمانیست . *

در آسیا اگر چه عثمانی از تاریخی که سلطان مراد رابع بغداد را از ایران گرفته بود چیزی کم از خاک خود را از دست داده بود ولی روسها در ۱۲۹۵ (۱۸۷۸ م.) در نتیجه عقد معاهده برلین ولایات قارص و باطوم را از آن ممالک منتزع نمودند و جزیره قبرس را هم در همین تاریخ انگلیس بمتصرفات خود مایحق کرد .

بزرگترین ضربتی که بعثمانی وارد آمده در قطعه اروپاست چه یونان در تاریخ ۱۲۴۴ (۱۸۲۸ م.) از آن جدا شد و ولایت دانوبی بنام رومانی در سال ۱۲۸۳ (۱۸۶۶ م.) صربستان در ۱۲۸۴ (۱۸۶۷ م.) برساخاوی عثمانی شورید و سوء قصد روسیه در باب عثمانی که در نتیجه جنگ های کریمه (۱۸۵۴-۱۸۵۵ م.) و مداخله انگلیس و فرانسه موقتاً اثری نکرد بار دیگر در سالهای ۱۲۴۹-۱۲۹۵ (۱۸۷۷-۱۸۷۸ م.) بشکل هجوم بخاک عثمانی ظاهر شد و این دفعه دیگر دول معظمه نتوانستند جلوی جبه طلبی روسیه را بگیرند . معاهده برلین (۱۲۹۵=۱۸۷۸ م.) اگر چه بر روسیه سهمی

بزرگ نداد ولی تجزیة عثمانی را که از مدتی پیش شروع شده بود تسریع نمود ، رومانی و صربستان هر یک دولتی علیحده شدند و استقلال قراطاغ علنی گردید ، یونان بگرفتن ولایات تسالیا ۱ موفق آمد و دو ولایات بوسنه و هرزیه گویین ضمیمه اطیش گشت ، بلغارستان نیمه مستقل شد و در ۱۳۰۳ (۱۸۸۵ م) ولایت روملی شرقی را نیز بآن الحاق نمودند و باین ترتیب عثمانی از جمیع متصرفاتی که در شمال رشته جبال بالکان داشت محروم گردید .

عثمانی حالیه در اروپا محدود است بباریکه ای خشکی در جنوب جبان بالکان شامل ولایات قدیم تراس و مقدونیه و اپیروس و ایلی ریادر صورتیکه در عهد سلطان سایمان خان تا پشت دروازه وینه وسعت داشته *		
سال هجری	اسامی	سال میلادی
۶۹۹	عثمان اول	۱۲۹۹
۷۲۶	ارخان	۱۳۲۶
۷۶۱	مراد اول	۱۳۶۰
۷۹۲	بایزید اول	۱۳۸۹
۸۰۵	محمد اول	۱۴۰۲
۸۲۴	مراد ثانی	۱۴۲۱
۸۵۵	محمد ثانی	۱۴۵۱
۸۸۶	بایزید ثانی	۱۴۸۱
۹۱۸	سایم اول	۱۵۱۲

۱ - Thessalia

* این بیان راجعست بموقع تألیف کتاب و گرنه میدانیم که خاك حالیه عثمانی پس از شکستهایی که در جنگهای بالکان ۱۹۱۲ - ۱۹۱۳ یافته در اروپا منحصر است بولایات ادرنه و استانبول .
(مترجم)

۱۵۲۰	سلیمان اول	۹۲۶
۱۵۶۶	سلیم ثانی	۹۷۴
۱۵۷۴	مراد ثالث	۹۸۲
۱۵۹۵	محمد ثالث	۱۰۰۳
۱۶۰۳	احمد اول	۱۰۱۲
۱۶۱۷	مصطفی اول	۱۰۲۶
۱۶۱۸	عثمان ثانی	۱۰۲۷
۱۶۲۲	مصطفی اول (مجدداً)	۱۰۳۱
۱۶۲۳	مراد رابع	۱۰۳۲
۱۶۴۰	ابراہیم اول	۱۰۴۹
۱۶۴۸	محمد رابع	۱۰۵۸
۱۶۸۷	سلیمان ثانی	۱۰۹۹
۱۶۹۱	احمد ثانی	۱۱۰۲
۱۶۹۵	مصطفی ثانی	۱۱۰۶
۱۷۰۳	احمد ثالث	۱۱۱۵
۱۷۳۰	محمود اول	۱۱۴۳
۱۷۵۴	عثمان ثالث	۱۱۶۸
۱۷۵۷	مصطفی ثالث	۱۱۷۱
۱۷۷۳	عبد الحمید اول	۱۱۸۷
۱۷۸۹	سلیم ثالث	۱۲۰۳
۱۸۰۷	مصطفی رابع	۱۲۲۲
۱۸۰۸	محمود ثانی	۱۲۲۳

۱۸۳۹	عبدالمجید	۱۲۵۵
۱۸۶۱	عبدالعزیز اول	۱۲۷۷
۱۸۷۶	مراد خامس	۱۲۹۳
۱۸۷۶ *	عبد الحمید خان سلطان حالیہ	۱۲۹۳

* از بعد تاریخ تألیف کتاب تا اعلان جمهوری ترکیہ سلاطین

عثمانی بقرار ذیلند :

۱۹۰۹	محمد خامس	۱۳۲۷
۱۹۱۸	محمد سادس	۱۳۳۶
۱۹۲۲	عبدالمجید	۱۳۴۱
۱۹۲۴	عبدالعزیز ثانی	۱۳۴۲

قسمت یازدهم

مغول

از قرن هفتم تا دوازدهم
﴿ مطابق قرن سیزدهم تا هفدهم ﴾

۸۱ - قاآن کل مغول

۸۲ - ایلخانان ایران

۸۳ - خانان دشت قبچاق یاسیر اردو

۸۴ - خانان قرم

۸۵ - خانان اولوس جغتای

قسمت یازدهم

مغول*

از قرن هفتم تا دوازدهم

﴿ مطابق قرن سیزدهم تا هفدهم ﴾

تاریخ مغول از فتوحات چنگیز خان که مردی فوق العاده بود شروع میشود. در باب اجداد چنگیز کسانی که تاریخ او را نوشته روایات مختلف بدست داده اند ولی در این مورد هم مثل مورد سایر مردانی که من غیر ترقب بمقامی باند رسیده اند این قبیل روایات کمتر بر حقایق مبتنی است و آنچه را که در باب ابتدای تاریخ مغول بی واهمه میتوان گفت اینست که مغول قبیله ای از قبایل و دسته ای از اقوام بزرگی بوده اند که با یکدیگر در اراضی شمالی صحرای گبی^۱ در طلب آب و چرا خور باین طرف و آن طرف کوچ میکردند و از این اقوام آنها که زندگانی خود را بشکار و گاه داری میگذاشته اند از گوشت و شیر ترش (قمیز) تغذیه مینموده و زنگانی خود را از راه معاوضه پوست و حیوانات با همسایگان ختائی و چینی خود میگردانده اند. کلمه مغول تا قرن چهارم هجری معمول نبوده و شاید این لغت از زمانی نام جمیع قبایل مغول شده که رئیس قبیله مخصوصی بر سایر قبایل ریاست یافته و نام جزء را بر کل اطلاق تحمیل باشد.

* این مقدمه و مقدمه های دیگری که در ابتدای فصول راجع بمغول نوشته شده نقل از کتابی است از مؤلف باسم فهرست مسکوکات شرقی در موزه بریتانیا جلد ششم و آنها چنانکه مخفی نیست از کتاب تاریخ کبیر سر هنری هوورث Sir Henry Howorth اقتباس شده

اگر یسو کای پدر چنگیز همان کس نباشد که طایفه خود را بمقام سیادت بر سایر قبایل رسانده لا اقل در حفظ این مقام کوشیده است و احتمال دارد که خارج شدن مغول از تحت تبعیت چین نیز بدست او انجام گرفته باشد .

قبایلی که تحت امر یسو کای بودند با وجود فتوحات و منضم ساختن سایر قبایل بخود باز از چهل هزار چادر تجاوز نمی کرد و بر روی همین مقدمات است که پسر یسو کای یعنی چنگیز خان در عرض بیست سال وسیعترین ممالکی را که تا آن تاریخ در عالم دیده شده بود بنا کرد .

یسو کای در سال ۱۱۷۵ م فوت کرد و تموچین پسرش که سیزده سال بیش نداشت و هنوز لقب چنگیز خان نیافته بود بر طایفه پدر که در کنار رود خانه افن^۱ ساکن بودند ریاست پیدانمود .

تفصیل تاریخ اعمال این فاتح که میتوان او را اسکندر آسیا دانست در اینجا مورد ندارد* فقط کافیست که بگوئیم که او بعد از سی سال جنگ با دشمنان خانگی موفق شد که طایفه خود و قبایل مجاور را با قدرت و حیا و تزویر تحت امر خویش بیاورد و استقلالی تحصیل کند که بوسیله آن بیست سال دیگر عمر خود را صرف انجام نقشه های وسیعتر و اجرای تصمیمات عالی تر بنماید .

تموچین بعد از مطیع ساختن عموم قبایل ساکن در شمال صحرای گبی از نهر ایرتیش تا کوههای خین گان قوم کرایت را در حاقه

رعایای خود در آورد. پادشاهی این قوم باشخصی بود بنام **وانگ خان** که در افسانه های شایع بین اروپائیان آن وقت **ملك يوحنا**^۱ خوانده شده و او از متحدین یسوکای و پسرش بود ولی در این اتحاد هیچوقت از خود صمیمیتی ظاهر نمیساخته است. تموچین در سال ۱۲۰۶ م از رؤسای قبایل مطیع خود شورائی که آنرا بمغولی **قوریلتای** میخوانند تشکیل داد و یکی از روحانین بودائی یعنی **يك تهر شاهان** در آن شوری اظهار داشت که خداوند آسمان تموچین را باقبی که تاکنون کسی بآن ملقب نشده مفتخر ساخته و آن **چنگیز قاآن** است که معنی پادشاه قادر را دارد. باین ترتیب چنگیز خان در چهل و چهار سالگی بلا مدعی پادشاه طوایف مغول گردید و سه سال بعد پس از مطیع کردن قوم او یغور بهجوم بممالکت چین اقدام نمود ولی فتح این ممالکت عظیم برای زمان پسر و جانشین او ماند و چنگیز در حیات خود فقط موفق شد که **يك** قسمت بزرگ از ولایات شمالی چین را با ممالکت **لیوتونگ**^۲ و متصرفات طایفه **تنگغوت** را که مطیع حکومت سلسله سلطنتی **هیا** بودند تحت تبعیت خود بیاورد.

مانع دیگری که در راه پیشرفت مقاصد چندین وجود داشت دولت قدیم ترکان قراختائی بود که حدود آن تقریباً با حدود ترکستان شرقی امروزی یکی میشد و سلسله پادشاهان کورخانی که ممالک مجاور خود یعنی ماوراءالنهر و ایران را هم خراجگزار خود کرده بودند بر آنجا حکومت داشتند. چنگیز و قوم او بجای اظهار اطاعت نسبت بقراختائیان از در عصیان در آمدند و بزودی کاشغر و ختن و یارقد

را با بقیه ممالك قراختائی گرفتند و با دولت وسیعی که بتازگی بتوسط سلطان محمد خوارزمشاه تأسیس یافته بود همسایه شدند و همین مجاورت موجب حمله چنگیز بممالك خوارزمشاهی و درهم شکستن شوکت نا پایدار خوارزمشاه گردید .

قشون چنگیزی بچند اردو منقسم شده از طرفی خوارزم و خراسان و افغانستان را معرض هجوم قرار دادند و از طرفی دیگر آذربایجان و گرجستان و جنوب روسیه را بباد غارت گرفتند و دسته ای نیز بچین حمله بردند .

چنگیز در بجهوحه این فتوحات بسال ۶۲۴ (۱۲۲۷ م) بسن ۶۴ وفات کرد در حالیکه ممالك مفتوحه بدست او و پسرانش از دریای زرد تا بحر سیاه وسعت یافته و متصرفات اقوام چینی و تنگخوتی و افغانی و ایرانی و ترک را شامل شده بود .

چنگیز بعبادت رؤسای دیگر مغول اقوامی را که بر آنها حکومت پیدا کرده بود بین پسران خویش تقسیم نمود و از ممالك خود نیز بهر کدام سهمی داد و يك نفر را نیز بعنوان خانی یا قاآنی یعنی ریاست کل برگزید . فهرست ذیل که با طبقه خانان یا قاآنان یعنی رؤسائی که بر کل مغول حکومت داشته اند شروع میشود نماینده تقسیم بندی طبیعی شعب خاندان چنگیزی است :

۱- خاندان اوگتای : سلاطین ممالک دزونگاریا^۱ که تا بر

افتادن ایشان بدست تولوی عنوان قاآنی داشته اند

۲ - **خاندان توئوی :** مالک مملکت اجدادی چنگیز در مغولستان که از بعد از برافتادن خاندان اوگتای تا زمان استیلای قوم منچو خود را قآن می خواندند ،

۳- **ایلخانان ایران :** یعنی هولاگو و جانشینان او .

۴- **خاندان جوجی :** سلاطین قبایل ترک دشت قباچاق شامل خوانین اردو و آق ارود و خوانین هشتی خانی و فروع خوانین قازان و قاسموف و قرم و خوانین خیوه و بخارا .

۵- **خاندان جغتای :** یعنی سلاطین ماوراءالنهر .

۸۱- قاآنان کل مغول

از ۶۰۳ تا ۱۰۴۳

﴿ مطابق ۱۰۲۶ - ۱۶۲۴ میلادی ﴾

۱- خاندان اوگتای

ممالک ایشان: دزونگاریا*،

دوره ریاست کل مغول: (از ۶۲۴ تا ۶۴۶ مطابق ۱۲۲۷-۱۲۴۸ م.)
بنابمیل چینگیزخان پسرش **اوگتای** علاوه بر سلطنت دزونگاریا
بر ریاست کل شاهزادگان و بزرگان مغول منصوب شد و اوگتای که
که نه ارشد پسران چنگیز و نه لایقترین ایشان بود مغول برعایت
احترام و صایای چنگیزی زیر بار ریاست او رفتند و او از همین کیفیت
استفاده کرده بر جمیع رؤسای عشیره ها و رعایای ایشان فرمانفرمائی
یافت و ایشان در شورائی که در سال ۶۲۶ (۱۲۲۹ م.) تشکیل دادند رسماً
سمت قاآنی یعنی ریاست کل اوگتای را بر خود پذیرفتند. سلطنت اوگتای
دوره منتهی بسط ممالک مغول است چه از طرفی سلسله سلطنتی
کین که مالک نصف شمالی چین بودند و در عهد چنگیز قسمتی از
متصرفات خود را از دست داده در تاریخ ۶۳۱ (۱۲۳۴ م.) بکلی
مغلوب گردیدند و مملکتشان بدست سرداران مغول مفتوح شد ولی سلسله
سونگ مالکین نصف جنوبی چین تا عهد قوییلای قاآن مقاومت کردند
از طرفی دیگر ممالک کره در سال ۶۳۷ (۱۲۴۱ م.) مسخر گردید و
جلال الدین منکبرنی پسر سلطان محمد خوارزمشاه پس از مدتی جنگ
گریز سرنوشت پدر تیره روز خود را یافت. باتو پسر جوحی با اردوئی

* طبیعی تر آنست که بجای آنکه بگوئیم «طوایفی که در داخل یا در حد و دزونگاریا
اردو می زده اند» محل حقیقی اردوگاه رعایای اوگتای را مشخص کنیم و در
صورت اول این طوایف عبارت بوده اند از نایمان ها و اجداد قاموقهای حالیه.

عظیم باروپا حمله برد و مغول شهرهای مسکون و نو گورود^۱ را غارت کردند و مجارستان را نیز زیر و رو نمودند و شهر کراکو^۲ را سوختند و پست^۳ را تحت محاصره گرفتند. مرگ ناگهانی او گتای و حرکت سرداران و شاهزادگان چنگیزی بآسیا برای تعیین جانشین او و شکستی که سپاهیان ایشان در محل لیگ نیتز^۴ از امیر کبیر اطیش خوردند اروپا را از شر مغول نجات بخشید.

امور داخلی ممالک مغول نیز تحت ادارهٔ مرد زیرک عادلی مثل یاوچوت سای صورت انتظام صحیح گرفت و این وزیر باتدبیر نظم و اداره را در ولایات تحت امر او گتای برقرار ساخت و بی کفایتی مخدوم خود را که مثل غالب سلاطین مغول گرفتار خمار و سرکرم مستی بود تلافی نمود.

او گتای در سال ۶۳۷ (۱۲۴۱ م.) مرد و پس از مرگ او مدت هفت سال ریاست کل مغول با زوجه اش **تورا کینا** بود و او بنیابت از جانب پسر ارشدش **گیوک** سلطنت می کرد و گیوک در این تاریخ باباتو در اروپا بتسخیر مجارستان اشتغال داشت.

گیوک در مجارستان بریاست مغول نامزد شد و پس از مراجعت بشهر **قراقروم** در تاریخ ۶۴۴ (۱۲۴۶ م.) از طرف غالب بزرگان خاندان چنگیزی پس از قوریاتای (شوری) بقاآنی برقرار شد فقط فرزندان جوحی که از این انتخاب راضی نبودند از حضور در آن شوری عذر خواستند. **گیوک** هرج و مرج و انقلاباتی را که در عهد نیابت سلطنت مادرش بروز کرده بود رفع نمود و اردوهای تازه ای مهیا ساخت تا فتح چین و ایران را بانجام رساند.

گیوک تنها کسی است از خاندان اوگتای که بریاست کل مغول رسیده چه پس از مرگ او بسال ۶۴۷ (۱۲۴۸ م) ریاست بخاندان تولی منتقل شد و از پسران و برادران او هیچیک نتوانستند این مقام را بگیرند. در زمان اولین قاآن این شعبه یعنی **مَنگُو** هیچکدام از اعضای خاندان اوگتای از خود مخالفت یا مقاومتی بخرج ندادند ولی همینکه **مَنگُو** مرد و **قوییلای** در نتیجه قوریلتائی خصوصی و غیر رسمی خود راقاآن مغول خواند اخلاف اوگتای بمخالفت برخواستند و یک ساساه ختگهای خانه برانداز تولید گردید *

قیدو نواده اوگتای با طرفداران تولی در سمت مشرق چهل ویک جنگ کرد و بامتحدین قبچاقی ایشان در سمت مغرب پانزده ولی این محاربات بتناجی نرسید و کمی پس از مرگ قیدو (۷۰۱-۱۳۰۱ م) خاندان اوگتای تبعیت از خاندان تولی را پذیرفتند. طوایف ایشان در میان قبایل ماوراءالنهر دشت قبچاق متفرق می زیستند و رؤسای گمنام آن شعبه هم تحت حکومت خانان اولوس جغتای سر می کردند فقط چند بار از شعبه خاندان اوگتای عده ای بساطنت ماوراءالنهر رسیده اند و میل شخصی امیر تیمور ایامی چند سیورغتمشی و پسرش محمود را که از خاندان اوگتای بودند علی رغم اولوس جغتای بر تخت سلطنت ترکستان نشاند ولی این اقدام فقط نفتنی از جانب امیر تیمور بود و نمیتوان این دو پادشاه کاهل را در ردیف قاآنان قدیم بشمار آورد.

۲- خاندان تولی :

مملکتشان : مغولستان ،

دوره ریاست کل مغول (از ۱۲۴۸ تا ۱۲۳۴ میلادی) در سه دوره :

- ۱- در دورهٔ سلطنت سلسلهٔ یوون^۱ در چین (۱۲۴۸-۱۳۷۰ م.)
- ۲- دورهٔ ضعف دولت در قراقروم (۱۳۷۰-۱۵۴۳ م.)
- ۳- دورهٔ تجزیه یافتن قبایل و مطیع شدن تدریجی ایشان بخاندان منچو (۱۵۴۳-۱۶۳۴ م.)

رسیدن منگو پسر تولی بقاآنی يك قسمت نتیجهٔ شهرت شخصی اودر لشکر کشی و جنگ آزمائی است و يك قسمت هم بر اثر مطیع شدن قبایل متعددی از مغولان اصليست نسبت باو كه جزء ابواب جمعی پدرش تولی بوده و در عهد چنگيز اساس قشون او محسوب ميشده اند ،

منگو در سال ۶۴۶ (۱۲۵۱ م.) بتخت قاآنی نشست و در ۶۵۷ (۱۲۵۷ م.) وفات یافت با وجود اين سلطنت کوتاه در عهد او دو تغيير بزرگ در ادارهٔ ممالك مغول پيش آمد : اول آنكه منگو قاآن كه در شهر قراقروم پای تخت ولايات شمالی اقامت داشت برادر خود قوبيلای را بسمت حكومت ولايت جنوبی بشهر پكینگ فرستاد و اين كار مقدمهٔ انتقال یافتن پای تخت قاآنان مغول از قراقروم پكینگ گردید . دوم آنكه برادر دیگر خویش هولاسو را مأمور ايران نمود و هولاسو بجای حكام ولايتی سلسلهٔ فرزندان خود را بر ايران سلطنت داد و ايران از اين تاريخ دارای يك شعبه سلاطين شد از خاندان چنگيزی كه مثل ساير شعب بزرگ اين خاندان سلسلهٔ عايدى محسوب ميشوند .

مرک منگو در تاريخ ۶۵۷ (۱۲۵۷ م.) مقارن شد با شروع يك سلسله جنگهای عمومی ، خاندان او گتای چنانكه پيش گفتيم با دغای مقام قاآنی برخاستند و اريق بويكا برادر دیگر منگو و قوبيلای نامزد سلطنت يورت اصلی چنگيز گردید . قوبيلای را رؤسای لشکری در چین بمقام

قاآنی برداشتند و اریق بوکا بتوسط قوریاتای دیگری در قراقروم بهمین عنوان اختیار شد، قیدو را هم قبایل مطیع خاندان اوگتای و جغتای و سکنه ممالک غربی عین این عنوان دادند، اولوس جوجی مستقلاً بادعای مقام قاآنی برنخواستند وای پیشرفت دعاوی اووس تولی کمک کردند. در میان این هنگامه ها فقط قویلای که لشکر کشی زیرک و دارای منابع ثروت فراوان و شهرتی بسزا بود^۱ سالم ماند در صورتی که اریق بوکا بزودی شکست یافت و قیدو از مملکت خود دور افتاد و تا مدتی پس از مرگ قویلای گرفتار انقلابات بود.

از این تاریخ بعد قاآنان نژاد چنگیزی حکم یکی از سلسله های سلطنتی چین را پیدا کردند. قویلای قاآن در سال ۱۲۸۰ م چین جنوبی یعنی ممالک متعلق بسلسله سونگ را تسخیر کرد و پس از آوردن تمام چین در تحت یک حکومت و اداره پای تخت خود را **خانبالغ** یعنی مقر خان که همین پکینگ حالیه باشد قرارداد و قراقروم پای تخت قدیم مغول بصورت یکی از مراکز ولایتی افتاد و در تمام سه دوره ای که برای مدت خانی قاآنان مشخص کردیم همین حال را داشت.

دوره اول متضمن وقایع قرن است که بین تشکیل دولت مغول در چین و خارج شدن مهاجمین در عهد دهمین قاآن این سلسله **طغان** تیمور (سال ۷۷۲ - ۱۳۷۰ م) فاصله شده* سلسله این قاآنان را در چین سلسله یوئن میگویند. با وجود شهرت و شوکت این سلسله از قرائت سفرنامه مارکوپولو میتوان بععل ضعف آن پی برد و این جمله که

۱ - این همان کسی است که مارکوپولو Marco polo او را خان کبیر نامیده و کولر ج Coleridge نام او را قوبلاخان برده است.

* رجوع کنید بتاریخ مغول تألیف هوورث جلد اول صفحات ۲۸۴ - ۳۴۰

عبارت باشد از بی انتظامی دربار و نفوذ روحانیون بودائی (لاماها) و
 فقر و مسکنت عامه و ناخوشی و قحط و زلزله و آثار دیگر در کتاب تاریخ
 سرهنری هوورث خوبی تشریح شده است.

در میان مدعیان بسیار سلطنت سلسله یوئن چو یوئن چانگ^۱ امیر
 او^۱ مؤسس سلسله مینگ^۲ در سال (۱۳۱۸ م.) پکینگ را گرفت و عنوان
 سلطنت اختیار نمود. در ظرف دو سال چین از وجود مغول مصفی گردید
 و دوره سلطنت باشکوه قاآنان بر افتاد.

دوره دوم مدتی است که مابین خروج مغول از چین و تجدید
 شوکت موقتی ایشان در عهد دین خان (از ۱۳۷۰ تا ۱۵۴۳ م.) فاصله
 شده و این مدت زمان تجزیه و ضعف دولت ایشان است و در آن ایام
 طوایف مغول در دشتهائی که ابتدا هم از آنجا بتسخیر ممالک اقدام
 کرده بودند یعنی در حوالی انهار کرولن؛ و آن در شمال صحرای گبی
 سکونت داشتند.

در این دوره طوایف مغول کاملاً مستقل نبودند چه امپراتوران
 سلسله مینگ مزاحم ایشان میشدند چنانکه یک بار در نزدیکی دریایچه
 بویور بر سر آن طوایف تاختند و پس از منهزم نمودن ایشان ۸۰،۰۰۰
 نفر اسیر و ۱۵۰،۰۰۰ رأس حشم و مقداری کثیر غنیمت گرفتند. این
 شکست دیگر عنوان قاآنی را که فقط اسم آن در میان مغول مانده بود
 بکلی از میان برد و طوایف تاتار مطیع امپراتوران مینگ گردیدند و
 امپراتوران مزبور حکامی برایشان گماشتند که از پکینگ فرمان حکومت
 خود را می گرفتند.

در قرن پانزدهم میلادی تغییری در حال مغول پیش آمد یعنی از

از این قوم که اکثر ایشان مطیع قبیلهٔ اویرات شده بودند در آخر
مائه فوق در زمان قاآنی دین خان چهاردهمین خاقان بعد از طغان تیمور
تحت يك حکومت درآمدند و دین خان موفق شد که موقتاً قبایل متفرق
را مطیع يك رشته انتظامات نماید و ایشان را بقبایلی منقسم سازد.

دورءسوم باتجزیه دولت موقتی دین خان شروع و منتهی بیکرشته
جنگهای داخلی در میان قبایل متخاصم گردیده و نتیجه آن غایب یافتن
طایفه منچوست بریک يك این قبایل و منچوها در این ایام در چین بجای
سلسلهٔ مینک زمام امپراطوری را بدست گرفته بودند.

بروز جنگهای داخلی و سلسله‌های متفرق و تفاق عمومی بزودی
عنوان اسمی قاآنان را نیز از میان برد بطوریکه پس از سال ۱۶۳۴ م.
فرزندان قویلای بکلی مطیع چین شدند.

خانان بزرگ

۱۲۰۶	چنگیز	۶۰۳
۱۲۲۷	اوگتای	۶۲۴
۱۲۴۱	دورهٔ فترت : تورا کینا خاتون	۶۷۹
۱۲۴۶	گیوک	۶۴۴
۱۲۴۸	منگو	۶۴۶
سلسلهٔ یوئن		
۱۲۵۷	قویلای	۶۵۵
۱۲۹۴	اولجایتو	۶۹۳
۱۳۰۷	کلوک	۷۰۶
۱۳۱۱	بویان تو	۷۱۱

۱۳۲۰	ججن	۷۲۰
۱۳۲۳	ییسون تیمور	۷۲۳
۱۳۲۸	رحی پکه	۷۲۸
۱۳۲۹	کوشاه	۷۲۹
۱۳۲۹	جیغتو	۷۲۹
۱۳۳۲	رین تشن پال	۷۳۲
۱۳۳۲	طغان تیمور	۷۳۲
دووة ضعف دولت		
۱۳۷۰	بیایک تو	۷۷۱
۱۳۷۸	اوسو خال	۷۸۰
۱۳۸۸	انگه سور یغتو	۷۹۰
۱۳۹۲	البک	۷۹۴
۱۴۰۰	گون تیمور	۸۰۲
۱۴۰۳	اولجای تیمور	۸۰۵
۱۴۱۱	دلبک	۸۱۴
۱۴۳۴	ادسای	۸۳۷
۱۴۳۹	تی سونک	۸۴۳
۱۴۵۲	اکبر حی	۸۵۶
۱۴۵۳	او کک تو	۸۵۷
۱۴۵۳	مولون	۸۶۷
۱۴۶۳	منداغول	۸۷۵
۱۴۷۰	دین	

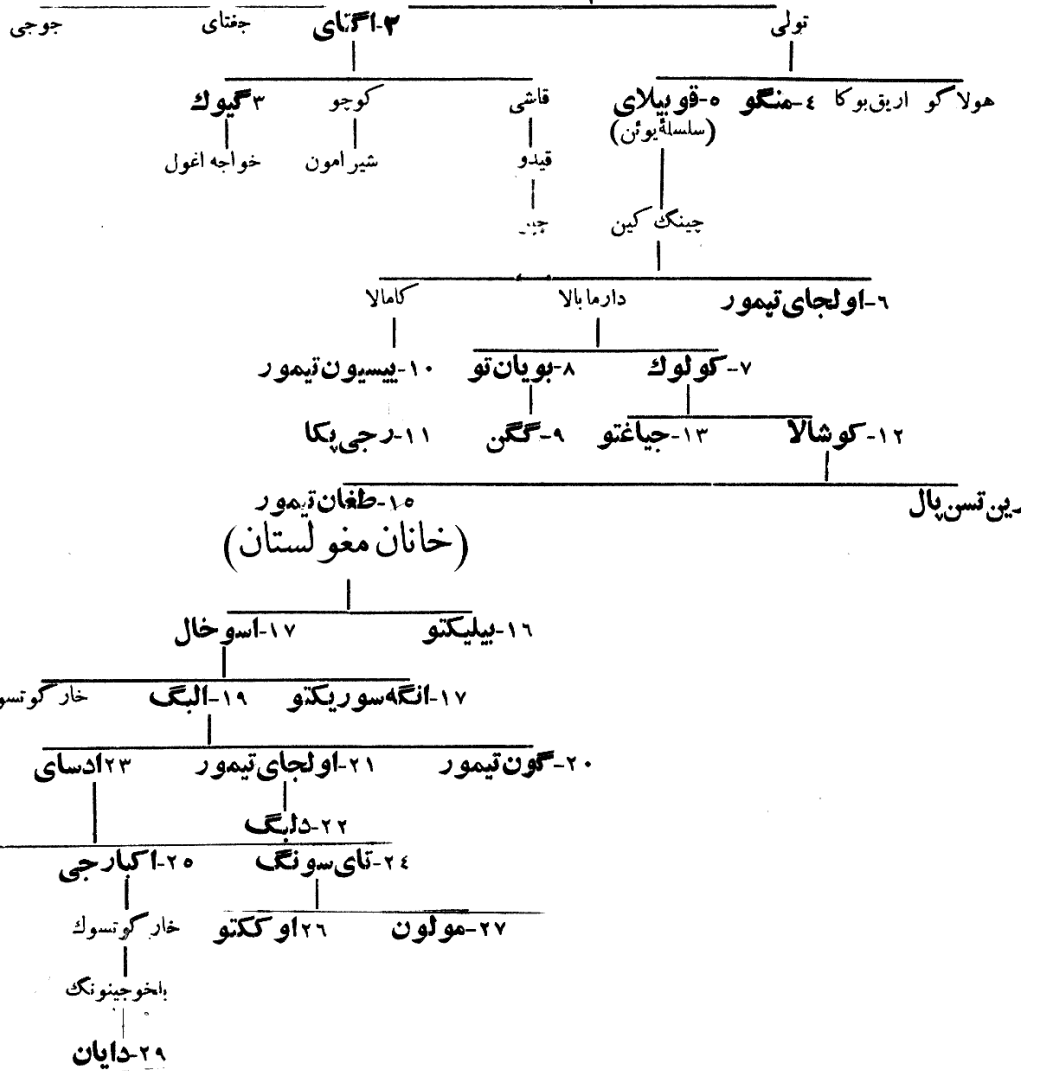
دوره قآانی طوایف مجزا

۱۵۴۴	بودی	۹۵۱
۱۵۴۸	کودانگ	۹۵۵
۱۵۵۷	سسق تو	۹۶۴
۱۵۹۳	ستزن	۱۰۰۱
۱۶۳۴-۱۶۰۴	لینگ دن	۱۰۴۳-۱۰۱۳

خاندان اوكتاي وتولى

قاآنان كير

۱- چنگيز



(مقابل صفحه ۱۹۲)

۸۲- ایلخانان ایران*

از ۶۵۴ تا ۷۵۰

(مطابق ۱۲۵۶ - ۱۴۴۹ میلادی)

در عهد قآنی منگو ایران نیز در تحت سلطنت خاندان هولاگو از شعبه فرزندان تولی دارای يك سلسله سلطنتی شد که آن را سلسله ایلخانان یعنی خانان محلی میگویند و غرض از این عنوان آن بوده است که سمت اطاعت ایلخانان را نسبت بقآنان برسانند و این احترام همه وقت از طرف ایلخانان ایران رعایت میشده.

جاه طلبی سلطان محمد خوارزمشاه که بدست چنگیز مغلوب و مقهور گردید بهترین قسمتهای ایران را بتصرف مغول داد و مغول در تسخیر این قسمتها بهیچگونه مقاومت قابلی برنخوردند. هولاگو بهسہولت بر امرای محلی که پس از انقراض دولت خوارزمشاهی در سدد احیای استقلال از دست رفته خود بودند غلبه یافت و پس از تسخیر بغداد مستعصم آخرین خایفه خاندان عباسی را نیز با کمال بی رحمی کشت و در راه پیشرفت خود بهیچ مانع برنخورد مگر در شام که ممالیک رشید مصر در مقابل او با فیروزی تمام مقاومت کردند. هولاگو در نتیجه این لشکر کشی مالک ممالک ایران و آسیای صغیر از هندوستان تا کنار دریای مدیترانه گردید و حوزه قلمرو او از شمال با ممالک اولوس جغتای و تولی و از جنوب بادولت ممالیک مصر همسرحد شد و فرزندان او مدت يك قرن در این سرزمین وسیع باستقلال سلطنت می کردند و نسبت بقآنان چین فقط احترامی داشتند و در این مدت غیر از يك دوره کوتاه که تخت ایلخانی محل نزاع بود بقیه ایام را ایلخانان بآرامی و صلاح و

صفا سلطنت نمودند و از خود در پیروی از سلاطین قدیم ایران در تشویق علم و ادب اقبالی نشان دادند .

در عهد ابوسعید خان همان احوالی که در آخر کار بنی عباس و سلاجقه پیش آمده بود در ایران نیز بروز کرد و همین پیش آمد سلسله ایباخانان را مقارن برافتادن سلطنت مماليك از مصر از ایران برانداخت توضیح آنکه امرای مدعی یکدیگر و سران لشکری ووز را و روحانیون متعصب در دربار نفوذی فوق العاده بهم رساندند و دشمنی ایشان نسبت بیک دیگر اساس دولت ایباخانی را متزلزل ساخت .

بعد از مرگ ابوسعید تخت ایباخانی مابعه دست امرای متخاصم گردید و ایشان هر کدام یکی از مخلوقین دست خود را برای اجرای مقاصد خویش مستحق این مقام اعلان کردند و دو خاندان یکی خاندان امیر چوپان از سرداران محبوب غازان و جانشینان او دیگری خاندان امیر حسین جلایر یعنی ایباکانیان ایرانرا میدان تاخت و تاز خود قرار دادند . امیر چوپان و امیر حسین هر کدام پسری داشتند بنام حسن که یکی را حسن بزرگ و دیگری را حسن کوچک میخوانند ، پسر امیر چوپان معروفست بشیخ حسن کوچک و پسر امیر حسین جلایر بشیخ حسن بزرگ . دولت این دو شیخ حسن بزودی از اهمیت افتاد .

بعد از ابوسعید یکی از فرزندان اریق بوکا برادر هولاگو باسم **ارپا خان** بتخت سلطنت برداشته شد ولی در همان سال معزول گردید و موسی که بیادرو ایباخان ششم نسبت میرساند جانشین او گردید .

موسی را شیخ حسن بزرگ بایباخانی شناخت و چون او رقیب خاندان چوپانی بود ابتدا سائی **بیک** خواهر ابوسعید زوجه سابق امیر

چوپان را که بعد بار پا شوهر کرده بود بایلخانی برداشت و او را بالاخره
 بشخصی سلیمان نام بزوجیت داد و سلیمان ایلخان شد.
 بعد از هرج و مرجی که در ایام ایلخانی انوشیروان پیش آمد خاندان جلایری
 خود مستقل شدند و سلطنت خاندان فرزندان هولاکو بر افتاد و جلایریه و آل
 مظفر و سربداران و بعضی سلسله های دیگر ایران را بین خود تقسیم
 کردند تا آنکه امیر تیمور بر ایران استیلا یافت و همه این سلسله ها را
 از میان برد.

سال هجری	ایلخانان	سال میلادی
۶۵۴	هولاکو	۱۲۵۶
۶۶۳	اباقا	۱۲۶۵
۶۸۰	احمد	۱۲۸۱
۶۸۳	ارغون	۱۲۸۴
۶۰۰	گیخاتو	۱۲۹۱
۶۹۴۹	بایدو	۱۲۹۵
۶۹۴	غازان محمود	۱۲۹۵
۷۰۳	اولجایتو	۱۳۰۴
۷۱۶	ابوسعید	۱۳۱۶
۷۳۶	ارپا	۱۳۳۵
۷۳۶	موسی	۱۳۳۶

ایلخانان رقیب یکدیگر ☆

۱۳۳۸-۱۳۳۶	محمد	۷۳۸-۷۳۶
۱۳۵۱-۱۳۳۸	طغاتی‌مور	۷۵۲-۷۳۹
۱۳۴۰-۱۳۳۹	جهان تیمور	۷۴۱-۷۳۹
۱۳۳۹	ساتی یک	۷۴۰-۷۳۹
۱۳۴۳-۱۳۳۹	سلیمان شوهر ساتی یک	۷۴۴-۷۴۰
۱۳۴۴	نوشیروان	۷۴۵

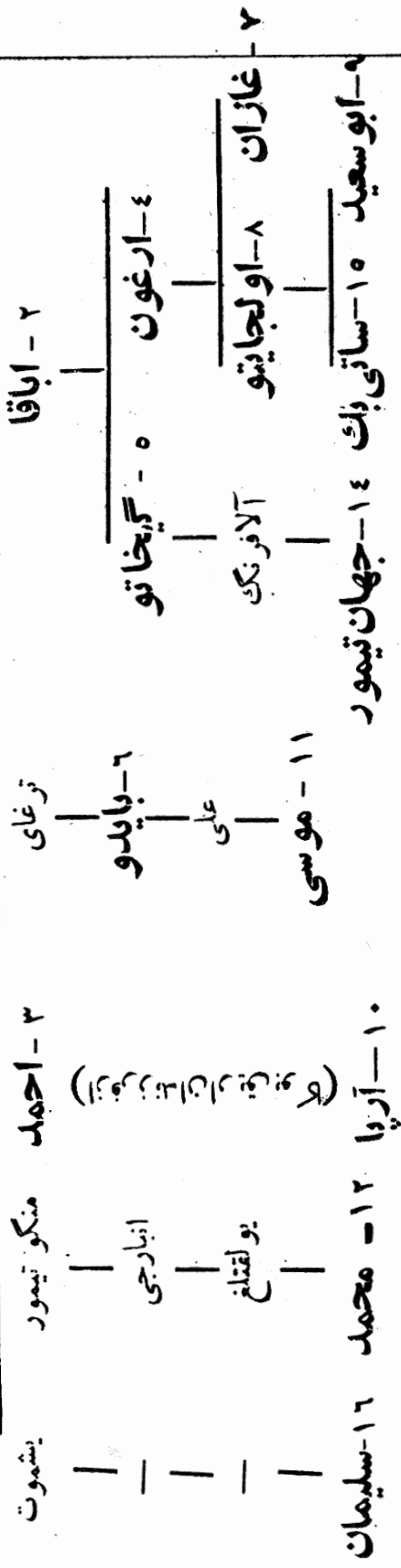
* محمد و طغاتی‌مور و جهان تیمور را شیخ‌حسن بزرگ بایلخانی برداشت و ساتی یک و شوهرش سلیمان را رقیب او شیخ‌حسن کوچک و نوشیروان را امیر اشرف چوپانی. این ایلخانان همه از خاندان هولاکو بودند مگر طغاتی‌مور که از نسل برادر چنگیز بود و نسب نوشیروان معلوم نیست .

ایلخانان ایران

چنگیز

جوجی — جغتای — تولوی — اوکتنای

ارینق بوکا — ۱- هولاگو — قوبیلای — منکو



(برادران ارغون)

۸۳- خانان سیراردو

از ۶۲۱ تا ۹۰۷

مطابق ۱۳۲۴ ۱۵۰۲ میلادی

چنگیز در حیات خود ممالک قدیم قراخانیان یعنی اراضی واقع در شمال سیحون را پسر ارشد جوجی خود را گذاشت و چون جوجی مرد این ممالک پسر ارشد او اردا رسید. پسر جوان تر جوجی یعنی باتو که در دو هجوم بارو پا شرکت کرده بود از طرف مغرب بر وسعت ممالک پدری افزود و خانان ترک نشین قبچاق را خود تحت حکومت گرفت در شمال ممالک باتو برادر دیگر او طغاتی مور ظاهراً بلادی را که در دره عایای شط ولگا واقع و ببلاد بلغار معروف بوده بخود اختصاص داده است و پسر چهارم جوجی یعنی شیبان در شمال ممالک اردا دشت قرقیز را قاهر و خویش قرار داد و پنجمین پسر جوجی تووال هم مسکن قبایل پچنگ^۱ را که بعدها به نوگای موسوم شدند و در میان دره های انهار آرال و یمبا ساکن بودند متصرف گردید.

تمام این قبایل کم و بیش از باتو اطاعت میکردند و باتو با اینکه جوان تر بود بعزت قدرت و شهرت پای تخت خود شهر سرای را که در کنار ولگا قرار داشت پای تخت کل ممالک اولاد جوجی کرد. این قبایل را بعات رنگ چادر خان ایشان سیرارود یعنی اردوی زرین می خوانند و باید دانست که در این قبایل فقط سلطنت و مقام لشکر کشی را مغولان اصلی در دست داشتند و الا رعایای مطیع اولاد جوجی بیشتر از نژاد ترکان و ترکمانان مقهور بودند.

خاندان جوحی را بشرح ذیل میتوان تقسیم کرد :

الف - خاندان باتو : خانان گوگ اردو (اردوی آبی) ، ایشان از ۶۲۱ تا ۷۶۱ (۱۲۲۴ تا ۱۳۵۹ م) بر دشت قبچاق غربی سلطنت می کردند .
ب - خاندان اردا : رؤسای خانوادگی که بر آق اردو (اردوی سفید) در دشت قیچاق شرقی حکومت می نمودند (از ۱۲۲۶ تا ۱۴۲۸ م) و بعد از اولوس باتو (از ۱۳۷۸ تا ۱۵۰۲ م) بر سیر اردو نیز ریاست یافتند و در آخر کار عنوان خانان هشتر خان را پیدا کردند (از ۱۴۶۶ تا ۱۵۵۴ م)
ج - خاندان طغایمور : خانان بلاد واقع در شمال دشت قبچاق و ایشان گاهی نیز در دشت قبچاق غربی بر سیر اردو ریاست پیدا کرده اند و در آخر کار سلسله های خانان غازان (۱۴۸۸ - ۱۵۵۲ م) و قاسموف (۱۴۵۰ - ۱۶۷۸ م) و قرم (۱۴۲۰ - ۱۷۸۳ م) را تشکیل دادند .

د - خاندان شیبان که بر دشت های مسکن از بکان و قزاقان قرقیز سلطنت داشته (از ۱۲۲۴ تا ۱۶۵۶ م) و بعد از مهاجرت از آنجا بخانی و امارت خیوه و بخارا رسیده اند (از ۱۵۰۰ تا ۱۸۷۲ م)

الف - خاندان باتو

یعنی خانان سیر اردو

قلمرو ایشان : دشت قبچاق غربی * و مسکن قبایل گوگ اردو (۱۲۲۴ - ۱۳۵۹ م) ،

خاندان باتو بر قسمتی حق سلطنت یافته بودند که آنرا خانانات کبیر مغرب می گویند و تاریخ این قسمت بمناسبت دخالتی که در ترقی روسیه داشته مهم است .

* یعنی ناحیه ای که شطوط دن و ولگا آنرا مشروب می کنند محدود از مشرق به اورال و نهر یریک و از مغرب بشط دنی پر . از شمال ببحر خزر تا اوگک و از جنوب بدریای سیاه . رجوع کنید بتاریخ مغول تألیف هورت جلد دوم صفحات ۳۶ - ۱۹۴

در ابتدا همینکه يك نفر از خانان دشت قبچاق بر امرای روسیه تسلط پیدا می کرد امرای مزبور دیگر از همه جهت تابع او میشدند و باو خراج می دادند و مال و دختران ایشان تحت اختیار خان قرار می گرفت اما همینکه خانان سیراردو ضعیف شدند شعبه خانان باتو از میان رفت و از خاندان برادر او شعبه دیگری جای ایشان را گرفتند .

در مدتی که زمام سلطنت را اولاد باتو در دست داشتند تمام دشت قبچاق تحت يك حکومت مقتدر واحد باقی بود و تاریخ آن ایام تا عهد جانی بيك دهمین خان این شعبه و آخرین پادشاه خاندان جوجی نسبة روشن و کاماست ولی پس از مرگ او در سال ۷۵۹ (۱۳۵۷ م) هرج و مرج در کارها رو کرد و پسرش بُردی بيك فقط دو سال توانست سلطنت کند دو خان هر دو بعنوان پسر جانی بيك در يك سال بجای او بادعای این مقام برخاستند و تا بیست سال بعد این حال هرج و مرج و نزاع مدعیان سلطنت با یکدیگر دوام داشت .

بعد از زوال سلطنت خاندان باتو پنج شعبه از خاندان جوجی بادعای سلطنت خانات سیراردو قیام نمودند، در شمال و جنوب و بلاد بلغار و قرم چندین نفر از فرزندان طغایمور حکومت یافتند و در قسمت جنوبی تر یعنی ما بین انهار قرك و قوما در قفقازیه اولاد بر که خان برادر جوان تر و دومین جانشین باتو اقتدار بهم رساندند و يك مقدار از شهرت قبایل سیراردو در قتل و غارت بر اثر سلطنت بر که و اولاد اوست . قسمت شرقی خانات سیراردو نصیب قبایل آق اردو شد و فرزندان اردا ایشان را تحت مرا خود آوردند و از این قسمت ناحیه شمال آن را قبایل ازبك تحت سرکردگی فرزندان شیبا متصرف بودند و قبایل نوگای نیز در سواحل شمالی بحر خزر بیلاق و قشلاق می کردند .

در جدولی که بعد بیاید اسامی و حوزه حکومتی پانزده نفر از خانان این دوره که از خاندانهای مختلف بوده اند بدست داده شده. يك قسمت از این اطلاعات تخمینی است ولی تواریخ آنها از روی مسکوکات معین گردیده در سال ۷۸۰ (۱۳۷۸ م) سلطنت سیراردو یکی از خاندان اردا یعنی **توقتمش خان** انتقال یافت.

ب- خاندان اردو

قلمرو ایشان : دشت قبیچاق شرقی * مسکن قبایل آق اردو (از ۱۲۲۶ تا ۱۴۲۸ م) ، خانان سیراردو در دشت قبیچاق غربی (از ۱۳۷۸ تا ۱۵۰۲ م) و خانان هشتر خان (از ۱۴۶۶ تا ۱۵۵۴ م).

چون باتو مقتدر ترین پسران جوجی بود اردا پسرش هم که جانشین او گردید و ممالك ماورای سیحون را بارث یافت عملاً بریاست خاندان جوجی شناخته شد قلمرو اردا قسمت غربی سیراردو بود و این قسمت را **آق اردو** یعنی اردوی سفید می گفتند (رنگ سفید در میان مغول بر رنگ آبی برتری و تقدم داشت) در مقابل **گوگ اردو** یعنی اردوی آبی که عنوان قسمت دست چپ قبایل مطیع با تو بود .

قبایل آق اردو که در دشتهای دوردست شمال بحر خزر ساکن بودند بر اقوام گوگ اردو همه وقت سیادت داشتند و با اینکه از جهت درجه معیشت در خشونت و سختی سر میکردند گاهی نیز بر سایر شعب متمدن خاندان باتو بعثت ضعف ایشان سلطنت یافته اند .

* یعنی ناحیه ما بین دره سنلای سیحون و کوههای الغ طاغ و کوچک طاغ محدود از مغرب بمساکن قبایل گوگ اردو مطیع باتو ، از شمال بمساکن ازبکان مطیع شیپان و از مشرق بخانات اولوس جغتای ، از جنوب بر یگزار قزل دوم و کوههای آلکساندر-وسکی (رجوع کنید بکتاب هوورث جلد دوم صفحات ۲۱۶-۳۶۲) .

از احوال خانان اولی آق اردو اطلاع مبسوطی بدست نیست
همینقدر میدانیم که مقام خانان در این اردو از پدر بپسر میرسیده و یکی از
ایشان هم یعنی کرجی موفق شده است که نواحی غزنه و بامیان را که
گاهی مطیع اولوس جغتای و زمانی بدست ایامخانان ایران بوده بتصرف
خود بیاورد.

اوروس خان اولین خان از خاندان اردااست که در تاریخ قبایل
آق اردو صاحب حیثیتی شده چه او چندبار اردوی امیر تیمور را شکست
داده است، امیر تیمور برای اجرای خیالات خود توقتمش خان یکی از افراد
خاندان اردا را که پدرش بقتل رسیده و خود او را نیز اوروس خان
طرد کرده بود بر قبایل مطیع خاندان جیوحی سلطنت داد و توقتمش
خان بیاری لشکریان تیموری مصمم شد که سلطنت خود را بر آن قبایل
بشناساند ولی اوروس خان چند بار او را مغلوب نمود و فقط پس از مرگ
اوروس و سلطنت کوتاه پسرش توقتکایا بود که توقتمش موفق شد که
در عهد پسر دیگر اوروس یعنی تیمور ملک بر قبایل آق اردو حکومت
پیدا کند.

توقتمش آخرین مرد نامی در تاریخ قبایل سیرار دوست و او پس
از آنکه بر مقام سلطنت قبایل آق اردو مسلط آمد بطرف دشت قبچاق
غربی حرکت نمود و ممای از امرای متنفذ شاه تراش شهر سرای را
منهزم کرد و بر اثر این فتح که در ۷۸۰ (۱۳۷۸ م) نصیب او شد
اختلاف مابین دو قسمت آق اردو و گوگ اردو را از میان برداشت و
قبایل دشت قبچاق غربی و شرقی را تحت یک حکومت آورد. با این حال
باز خاندان اردا دست از ادعای خود نسبت بر گوگ اردو و آق اردو
بر نداشتند تا آنکه اولاد شیخان مساکن ایشان را بتصرف خود در آورند

در ایام توقتمش خان سیراردو مقداری از شوکت از دست رفته خود را مجدداً بدست آورد چه این شخص بروسیه لشکر کشید و مسکو را در سال ۸۷۴ (۱۳۸۲ م) غارت کرده آتش زد و سراسر آن ناحیه را مثل ایام استیلای مغول بباد غارت داد .

با تمام این احوال این درخشندگی موقتی دولت قبیچاق در حکم آخرین شعله حیات او بود زیرا که توقتمش دستخوش غرور شده نسبت بولی نعمت خود امیر تیمور که او را در ابتدا یاری داده بود راه خلاف رفت و با او بجسارت رفتار کرد . امیر تیمور در دو جنگ یکی در محل اورقپه در تاریخ (۱۸ ژوئن ۱۳۹۱ م) دیگری در نزدیکی نهر ترك در تاریخ ۷۹۸ (۱۳۹۵ م) توقتمش را شکست داد و بر اثر این جنگ دوم که توقتمش پس از مراجعت از سرگردانی با تیمور گرد دولت قبایل قبیچاق از میان رفت و با اینکه توقتمش در سال ۸۰۱ (۱۳۹۸ م) پس از رفتن امیر تیمور بشهر سرای داخل گردید ولی تیمور قتلح پسر دشمن قدیمی او اوروس خان او را از آنجا بیرون راند و توقتمش بامیر لیتوانیا ویتوت ۱ پناه جست و با او در جنگ با تاتارها شرکت جست و آخر الامر بسال ۸۰۹ (۱۴۰۶ م) فوت کرد .

دوره ای که پس از توقتمش پیش آمده یکی از ادوار مظلّم تاریخ قبایل سیراردوست و سراسر آن مستور از جنگهای داخلی مابین خاندانهای متخاصم است بر سر تصرف مقام سلطنت . در این میان سه خاندان مدعی از همه معتبر بوده اند : اول خاندان اوروس خان که ایدیکو رئیس قبایل نوگای از شاه تراشان قبیچاق از ایشان حمایت میکرد دوم پسران توقتمش سوم بعضی افراد جوان خاندان شیبان .

جدولی که در مقابل صفحه ۲۰۵ مذکور است تاحدی میتواند معرف این هرج و مرج باشد و این خانان نه آنکه فقط در يك آن بردشت قبچاق سلطنت داشتند بلکه غالباً بعضی بلاد را در آن واحد مالك بودند و تاریخ سرای و شهرهای دیگر در این ایام چیزی نیست جز شرح حصارها و گشتن آنها از دستی بدست دیگر.

مساکن قبایل سیراردو عاقبة الامر در سال ۹۰۷ (م. ۱۵۰۲) ضمیمه روسیه شد و تاریخ ایشان در صفحات متفرق تاریخ این سرزمین پراکنده گردیده فقط يك شعبه از ایشان که از خاندان اردا بودند تحت ریاست قاسم نواذ كوچك محمد در حدود سال ۸۷۱ (م. ۱۴۶۶) سلسله خانان هشتر خان را تشکیل دادند* و فرزندان او تا سال ۹۶۲ (م. ۱۵۵۴) امارت داشتند و امیر کبیر مسکو ایشان را از استقلال انداخت.

خانان سیراردو

الف - گوگ اردو یا خانان دشت قبچاق غربی

۱ - خاندان باتو

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۶۲۱	باتو	۱۲۲۴
۶۵۴	سرتاق	۱۲۵۶
۶۵۴	برکه	۱۲۵۶
۶۶۴	منگوتیمور	۱۲۶۶
۶۷۹	تودامنگو	۱۲۸۰
۶۸۶	اتولا بوفال	۱۲۸۷
۶۸۹	توقنو	۱۲۹۰

۱۳۱۲	اوزبك	۷۱۲
۱۳۴۰	تى نى يىك	۷۱۴
۱۳۴۰	جانى يىك محمود	۸۴۱
۱۳۵۷	بردى يىك محمد	۷۵۸
۱۳۵۹	قولنا	۷۶۰
۱۳۵۹	نوروز يىك	۷۶۰

۲ - خاندندان اردا

خاندان طغاتيمور خاندانهای متخاصم خاندان شيبان

خضر ۷۶۰ هـ

۷۶۲	كلى يىك	۷۶۲	تيمور خواجه	۷۶۲	مردود
		۷۶۲	مرید خواجه		
۸۶۴	عزيز شيخ	۷۶۴	قتلغ خواجه	۷۶۴	پولاد خواجه
		۷۶۴	عبدالله		

حسن ۷۶۸-۷۷۲

محمد بولاق ۷۷۱-۷۸۰ تولون يىك ۷۷۲

۷۷۵ ايلبان

۷۷۷ خاقان

۷۷۹-۷۸۰ عربشاه

اين امرا را قبایل آق اردو در سال ۷۸۰=۱۳۷۸ م تحت يك

حکومت آورند

ب - خانان آق اردو در دشت قبيچاق شرقی

از خاندان اردا

۱۲۲۶ اردا ۶۲۳

۱۲۸۰ کوچی ۶۷۹

۱۳۰۱	بايان	۷۰۱
۱۳۰۹	ساسی بوقا	۷۰۹
۱۳۱۵	ایبیسان	حدود ۷۱۵
۱۳۲۰	مبارک خواجه	۷۲۰
۱۳۴۴	چیمتای	۷۴۵
۱۳۶۱	اوروس	۷۶۲
۱۳۷۵	توق تکایا	۷۷۷
۱۳۷۵	نیمور ملک	۷۷۷
۱۳۷۶-۱۳۹۱	توقتمش، غیاث الدین	۷۷۸-۷۹۳

(این سلسله هم در سال ۷۸۰ با گوئی اردو تحت یک حکومت
آمدند و بدست خاندانهای متخاصم از میان رفتند)

۸۴ - خانان قرم

از حدود ۸۲۳ تا ۱۱۹۷

﴿ مطابق حدود ۱۴۲۰ - ۲۰۱۷۸۳ ﴾

ج - **خاندان طغاییمور** ؛ قلمروشان : بلاد بلغار و در آخر کار قرم و کافا، ایشان گاهی هم بساطنت سیراردو رسیده اند و در اواخر مقام خانی غازان و قرم و قاسموف نیز بایشان بوده *

طغاییمور جوان ترین فرزندان جوجی بود و بر قسمت چپ سیراردو یعنی شعبه خاندان اردا ریاست داشت و با احتمال قوی اردوگاه شخصی او لااقل دره علیای شط ولسگا یعنی بلاد بلغار را شامل میشد در باب محل اولی این شعبه اطلاع صحیحی بدست نیست ، منگوتیمور از خاندان باتو **اورنگ تیمور** پسر طغاییمور را بامارت قرم (کریمه) و کافا منصوب نمود و از این تاریخ خاندان طغاییموری بر نواحی واقع در شمال و جنوب خانات باتو بارث امارت یافتند ، اگرچه بشرحی که سابقاً گفتیم سه نفر از خانان دوره اول و یکی از خانان دوره دوم ایام منازعه خاندانهای متخاصم بر سر مقام خانی از این شعبه بودند ولی اهمیت عمده خاندان طغاییموری بعد از انقراض خانی سیراردو یعنی بعد از هجوم تیمور شروع میشود .

یکی از افراد این شعبه که **الغ محمد** نام داشت بعد از آنکه پس از مرگ براق مدتی در تحصیل مقام خانی کل سعی نمود در تاریخ ۸۴۲ (۱۴۳۸ م) بتصرف ممالک اجدادی قدیم خود یعنی بلاد بلغار توفیق یافت . این قسمت که از این تاریخ **خانات غازان** خوانده میشود قلیل مدتی تحت الشعاع خانات کل جنوبی بود و با تحکیم استقلال خود

* رجوع کنید بتاریخ هورت جلد دوم صفحات ۱۹۸ - ۲۱۶ و ۲۷۴ - ۲۶۳ و ۶۲۶ و

در موقعی که دولت عظیم مسکو شروع بترقی میکرد در پهلوی این دولت جدید حکم خاری را پیدا کرد. بعد از مرگ محمدامین در سال ۹۲۵ (۱۵۱۹ م) دیگر از فرزندان مسلمان الغ محمد کسی مقام خانی نیافت و مسلمین برای اینکه مرد مسلمان لایقی جهت خانی انتخاب کنند از خاندانهای قاسموف و قرم و هشت خان و شعب دیگر کسی را برگزیدند و این خانان همه تحت تبعیت روسیه بودند و بالاخره هم روسیه در سال (۱۵۵۲ م) استقلال این خانان را از میان برد و حاکمی روسی به غازان فرستاد.

موقعیکه الغ محمد بسال ۸۴۹ (۱۴۴۶ م) بدست پسر خود محمودك بقتل رسید دو نفر دیگر از پسران او بروسیه گریختند و پس از مدتی خدمت در قشون دولت مسکو یکی ایشان که قاسم نام داشت در موقع قسمت ریازان ۱ شهر و ناحیه گردودتز ۲ و اُکا با و واگذار گردید. قاسم شهر را بنام خود موسوم ساخت و خاندان او به خانان قاسموف معروف شدند و روسها ایشان را آلتی کردند برای مقابلی با خانان غازان و پس از انقراض شعبه مسلمان خاندان الغ محمد از طرف روسها مجاز شدند که بجای هر دو طبقه خانانی که از تجزیه خانان کل بیرون آمده بودند بنشینند ولی ایشان هیچوقت استقلال واقعی نداشتند و بالاخره هم روسیه در سال ۱۰۸۹ (۱۶۷۸ م) این شعبه را از بین برداشت. در میان سه شاخه ای که از خاندان طغاتیاموری منشعب شده از همه مهمتر خانان قرم اند. الغ محمد برادری داشت بنام قاش تیمور که مدتی نیز از سران لشکری توقتمش خان بود و او مؤسس سلسله مقتدر خانان قرم است و پسرش حاجی گرای اولین خان این شعبه محسوب میشود.

ذکر خانان قرم در « مسئله مشرق » همه وقت بمیان می آید و در این باب اهمیتی خاص دارند چه ایشان گاهی بعنوان پیشقراولان عثمانی و زمانی بشکل اتحاد با روسیه در روابط بین این دولت مداخله می کردند و محل ملاحظه هر دو طرف بودند بالاخره روسیه و عثمانی هر دو ماتفت احوال ناپایدار این همسایگان خطرناک خود شدند و بموجب معاهده سال ۱۱۹۸ (۱۷۸۳ م) متفقاً از میان بردن ایشان را تصمیم گرفتند. شخصی از فرزندان این خانان با اقتدار باسم سلطان قرم گرای کئی گرای در شهر ادین بورگ اقامت اختیار نمود و با یکی از خانهای اسکاتلندی ازدواج کرد*

خانان قرم

حدود ۱۴۲۰	حاجی گرای	حدود ۸۲۳
۱۴۶۶	نورالدوله	۸۷۱
۱۴۶۹	منگلی گرای اول	۸۷۳
۱۴۷۴	نورالدوله (مجدداً)	۸۷۸
۱۴۷۷	جانی بیک گری اول	۸۸۲
۱۴۷۸	منگلی گرای (مجدداً)	۸۸۳
۱۵۱۵	محمدسا گرای اول	۹۲۱
۱۵۲۳	غازی گرای اول	۹۲۹
۱۵۲۳	سعادت گرای اول	۹۲۹
۱۵۳۲	اسلام گرای اول	۹۳۸
۱۵۳۲	صاحب گرای	۹۳۸

۱۵۵۱	دولت گرای اول	۹۵۸
۱۵۷۷	محمد گرای ثانی	۹۸۵
۱۵۸۴	اسلام گرای ثانی	۹۹۶
۱۵۸۸	قاضی گرای ثانی	۹۹۶
۱۵۹۴	فتح گرای اول	۱۰۰۲
۱۵۹۴	قاضی گرای ثانی (مجدداً)	۱۰۰۲
۱۶۰۸	سلامت گرای اول	۱۰۱۷
۱۶۱۰	جانی بیك گرای ثانی	۱۰۱۹
۱۶۲۷	محمد گرای ثالث	۱۰۳۱
۱۶۳۵	جانی بیك ثانی (مجدداً)	۱۰۳۶
۱۶۳۸	عنایت گرای	۱۰۴۵
۱۶۴۲	بهادر گرای	۱۰۴۸
۱۶۴۴	محمد گرای رابع	۱۰۵۲
۱۶۴۶	اسلام گرای ثالث	۱۰۵۴
۱۶۵۴	محمد رابع (مجدداً)	۱۰۶۴
۱۶۶۵	عادل گرای	۱۰۷۵
۱۶۷۰	سایم گرای اول	۱۰۸۱
۱۶۷۷	مراد گرای	۱۰۸۸
۱۶۸۳	حاجی گرای ثانی	۱۰۹۴
۱۶۸۴	سلیم اول (مجدداً)	۱۰۹۵
۱۶۹۱	سعادت گرای ثانی	۱۱۰۲
۱۶۹۱	صفا گرای	۱۱۰۲
۱۶۹۲	سلیم اول (دفعه سوم)	۱۱۰۳

۱۶۹۸	دولت گرای ثانی	۱۱۰۹
۱۷۰۲	سلیم اول (دفعه چهارم)	۱۱۱۴
۱۷۰۵	غازی گرای ثالث	۱۱۱۷
۱۷۰۷	کیلان گرای اول	۱۱۱۹
۱۷۰۷	دولت گرای (مجدداً)	۱۱۱۹
۱۷۱۳	کیلان اول (مجدداً)	۱۱۲۵
۱۷۱۵	قرادولت گرای	۱۱۲۷
۱۷۱۵	سعادت گرای ثالث	۱۱۲۷
۱۷۲۴	منگلی گرای ثانی	۱۱۳۶
۱۷۳۹	کیلان اول (مجدداً)	۱۱۴۲
۱۷۳۶	فتح گرای ثانی	۳۱۴۹
۱۷۳۷	منگلی ثانی (مجدداً)	۱۱۵۰
۱۷۳۹	سلامت گرای ثانی	۱۱۵۲
۱۷۴۳	سایه گرای	۱۱۵۶
۱۷۴۸	ارسلان گرای	۱۱۶۱
۱۷۵۵	حکیمه گرای	۱۱۶۸
۱۷۵۸	قریم گرای	۱۱۷۱
۱۷۶۴	سایه گرای ثالث	۱۱۷۷
۱۷۶۷	ارسلان گرای (مجدداً)	۱۱۸۰
۱۷۶۷	مقصود گرای اول	۱۱۸۱
۱۷۶۸	قریم گرای (مجدداً)	۱۱۸۲
۱۷۷۰	دولت گرای ثالث	۱۱۸۴
۱۱۷۱	کیلان گرای ثالث	۱۱۸۴

۱۷۷۱	سلیم ثالث (مجدداً)	۱۱۸۴
۱۷۷۱	مقصود گرای ثانی	۱۱۸۵
۱۷۷۲	صاحب گرای ثانی	۱۱۸۵
۱۷۷۵	دولت ثالث (مجدداً)	۱۱۸۹
۱۷۷۷-۱۷۸۳	شاهین گرای	۱۱۹۱-۱۱۹۷

(قرم تسلیم روسیه شد)

ج - خاندان شیبیان

قامروشان : ناحیه ازبك نشین (بین انهار اورال وچو) ، ایشان گاهی نیز بمقام خانی قبایل سیراردو رسیده اند و از حدود ۱۲۲۶ تا ۱۶۵۹ م. خان یا تزار تیومن واز ۱۵۰۰ تا ۱۸۶۸ امیر بخارا و از ۱۵۱۵ تا ۱۸۷۲ خان خیوه بوده اند*

موقعیکه در سال (۱۱۴۰ م) باتو بمجارستان حمله برد برادرش شیبیان با او بود و چون از خود کفایت و لیاقت بروز داد باتو نه تنها او را عنوان پادشاهی مجارستان که فقط مقامی اسمی بود داد بلکه مساکن یکعده از قبایل شمالی خانات اردار را هم باو وا گذاشت . شیبیان تابستانها را از حدود کوه های اورال بطراف انهار ایلک و ارقیز و زمستانها را بحدود مجاری سیر و چو و ساری سو می رفت . پشت ششم او مُنگو تیمور با ازبك خان کل سیراردو معاصر بود و قبایل خاندان شیبیان از آن تاریخ ببعد بازبکان مشهور شده و این اسم بر روی ایشان مانده و بعدها شهرت بسیار پیدا کرده است. بعد از انقراض خاندان باتو چند نفر از خاندان شیبیان بمقام خانی کل رسیده اند و دروره دوم ایام منازعات

خاندانهای متخاصم یعنی بعد از طرد توقتمش درویش خان وسید احمد با احتمال قوی نماینده خاندان شیبانی بوده اند .

شعبه اصلی خاندان شیبانی در اردو گاه اولی خود ماندند و عنوان **تزارهای تیومن** را پیدا کردند و ایشان گاهی نیز بر قسمت عظیمی از سیریا مسلط بودند و اگرچه تا ۱۶۵۹ میلادی یعنی تا موقعیکه قبایل قلموق مساکنشان را متصرف شدند وجود داشتند ولی مدتها قبل از این تاریخ اعتبارشان از دست رفته و فقط اسمی از ایشان برجا مانده بود. از این شعبه مهمتر فرزندان **پولاد** پسر من-گو تیمورند که يك بار هم بمقام خانی کل سیراردو رسیده اند دو پسر پولاد **ابراهیم** و **عربشاه** بتریب جد خانان بخارا و خانان خوارزم و خیوه اند . خانان اول را **محمد شیبانی** نواده **ابولخیر خان** تأسیس کرد و ابوالخیر خان خود نواده ابراهیم است که در ۱۵۰۰ میلادی میزیسته . خانان بخارا تا ایام باقی اخیر بود و **کائوفمان** سردار روس آنرا در سال ۱۲۸۵ (۱۸۶۸ م) تحت تبعیت روسیه درآورد .

عربشاه مؤسس خانان خیوه اگرچه بمقام خانی کل سیراردو نرسیده ولی سکه ای از او در دست است که قبل از هجوم توقتمش در دشت قبچاق ضرب شده .

پنجمین پشت **اوایلبرس خان** پس از مرگ محمد شیبانی ظاهراً در حدود ۹۲۱ (۱۵۱۵ م) تمام ماوراءالنهر را بقوه قهریه بتصرف خود آورد و فرزندان او تا این اواخر بخانان خیوه معروف بودند ولی از تاریخ ۱۲۸۹ (۱۸۷۲ م) بعد روسیه ایشان را تحت تبعیت خود آورده بود. تاریخ این خانان که بعد از انقراض دولت تیموری روی کار آمده اند در قسمت سیزدهم مذکور خواهد شد .

در خاتمه باید گفت که پسر دیگر جوجی **توال** که بر قبایل
پچنگ ریاست داشت در جنوب روسیه یعنی حوالی شط **بوگ** مستولی بود
و او جد **نوگای** است که در امور قبایل سیراردو دخالت عظیم داشته
پس از مناقشه با **توقتو** و منهزم شدن طوایف خود که بقبایل نوگای
معروف شده اند بحوالی ولگا آمد و اراضی بین شطوط ولگا و ایمبارا
اردوگاه خویش قرار داده است .
تاریخ این اردو کاملاً بدست نیست و بیشتر ایشان در کوچ
کردن از محلی بمحل دیگر گذشته است *

۸۵ - اولوس جغتای

(در ماوراءالنهر)

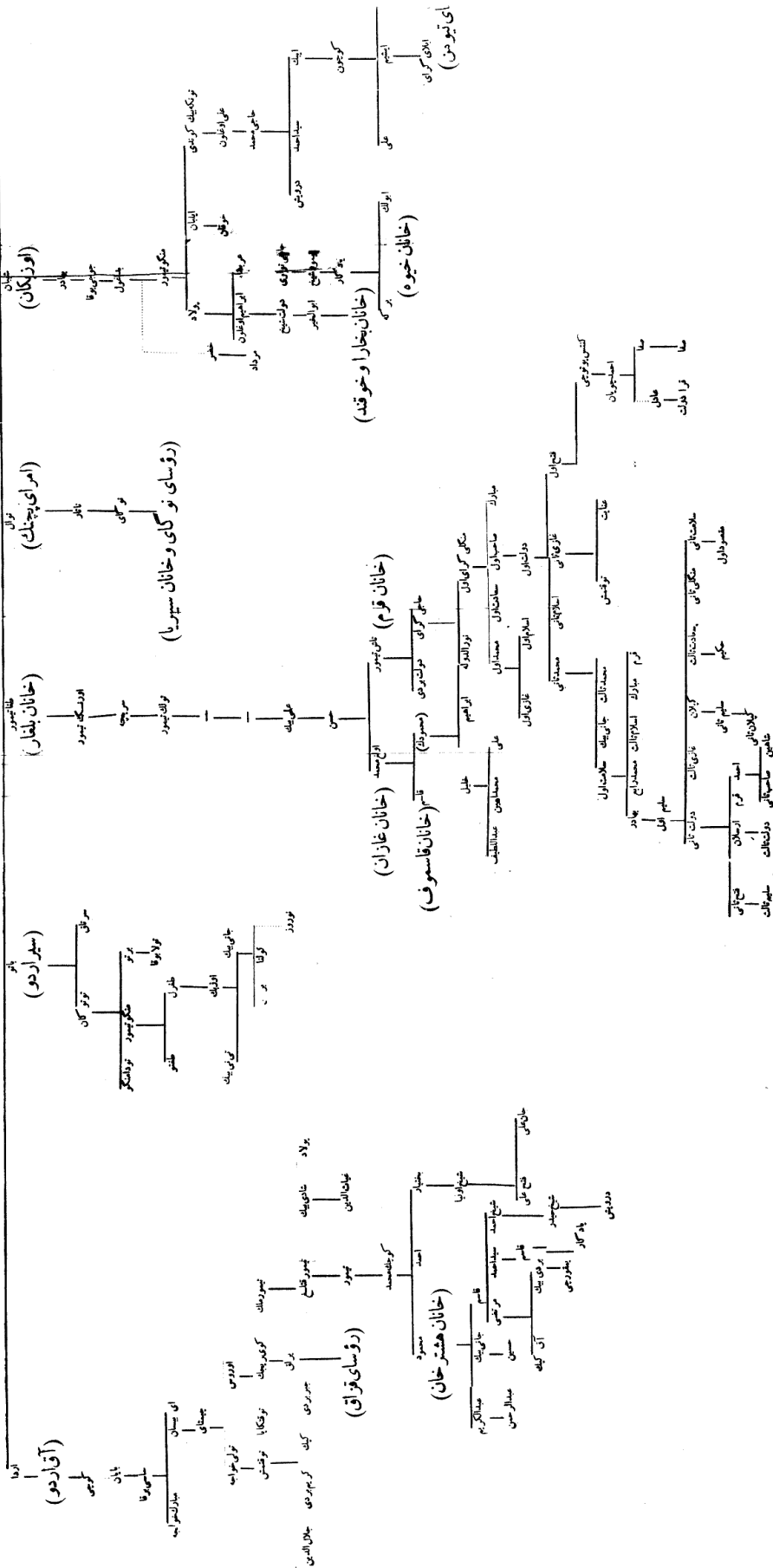
از ۶۲۴ تا ۷۶۰

(مطابق ۱۲۲۷ تا ۱۴۵۸ میلادی)

سابقاً خاناتی را که بدست سه پسر چنگیز یعنی اوگتای و
نولی و جوجی تشکیل یافته شرح داده ایم فقط ذکر خاناتی که بدست جغتای
و فرزندان او تأسیس شده و شامل ماوراءالنهر (بخارا) و قسمتی از کاشغر
و بدخشان و باخ و غزنه بوده است باقی مانده ،

از تاریخ سلطنت اولوس جغتای شرح مفصلی در دست نیست فقط
اطلاعات ما منحصر است بحملاتی که ایشان غالباً بحدود ایران می کرده
و یا جنگهای داخلی که با خود داشته اند . دو نفر از افراد خاندان
اوگتای یعنی علی و دانشمندچه نیز در عداد ایشان داخل شده اند و
این نکته اهمیت مقام رؤسای اولوس اوگتای را حتی در ممالک اولوس
جغتای میرساند (رجوع کنید بصفحه ۱۸۶)

جو جی



نسب و تواریخ افراد این شعبه غالباً مشکوک است و این فهرست

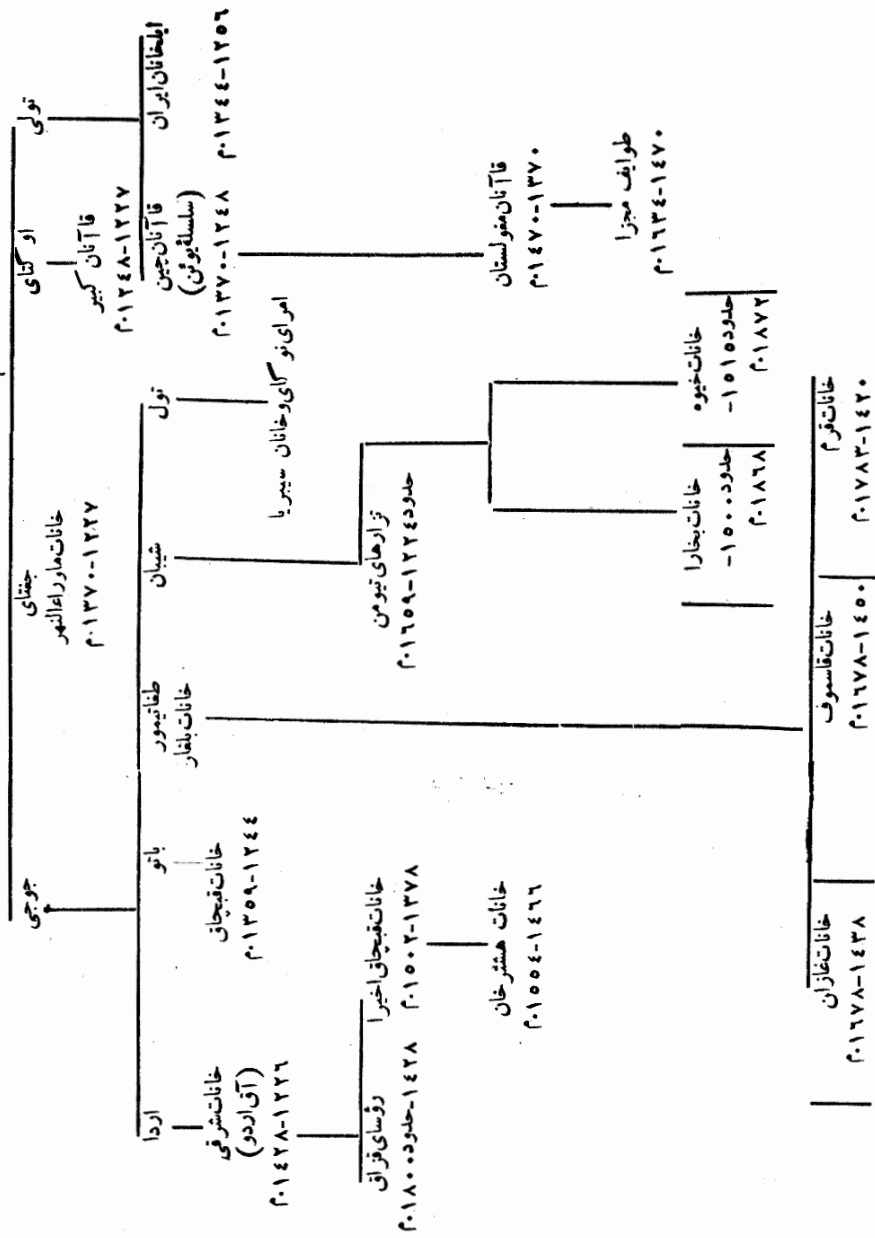
تقریبی است:

سال میلادی	اسامی	سال هجری
۱۲۲۷	جغتای	۶۲۴
۱۲۴۲	قراھولاگو	۶۳۹
۱۲۴۷	ییسو منگو	۶۴۵
۱۲۵۲	قراھولاگو (مجدداً)	۶۵۰
۱۲۵۲	ارغنه خانون	۶۵۰
۱۲۶۱	الغو	۶۵۹
۱۲۶۶	مبارکشاه	۶۶۴
۱۲۶۶	براق خان	۶۶۴
۱۲۷۰	نیک پای	۶۶۸
۱۲۷۲	طغاتی مور	۶۷۰
حدود ۱۲۷۴	دوخان	حدود ۶۷۰
۱۳۰۶	کنجوك خان	۷۰۶
۱۳۰۶	تالی کو	۷۰۸
۱۳۰۹	کپک خان	۷۰۹
۱۳۰۹	ییسون بوغا	۷۰۹
۱۳۱۱	کپک خان (مجدداً)	حدود ۷۱۸
۱۳۲۱	ایاچیکدای	۷۲۱
۱۳۲۱	دو تیمور	۷۲۱
۱۳۲۲	تر مشیرین	۷۲۲
۱۳۳۴-۱۳۳۰	سنجر؟	۷۳۰-۷۳۴؟
۱۳۳۴	جن گشای	۷۳۴

حدود ۷۳۵	بوزون	حدود ۱۳۳۵
حدود ۷۳۹	میسون تیمور	حدود ۱۳۳۹
حدود ۷۴۱	علی ازاولوس او گتای	حدود ۱۳۴۰
حدود ۷۴۳	محمد	حدود ۱۴۴۲
۷۴۴	غازان	۱۳۴۳
۷۴۷	دانشمندچه (ازاولوس او کنای)	۱۳۴۶
۷۴۹-۷۶۰	بویان قلی	۱۳۴۸-۱۳۵۸
(بروز هرج و مرج در حدود ۷۷۱ و استیلای امیر تیمور در ۷۷۲)		

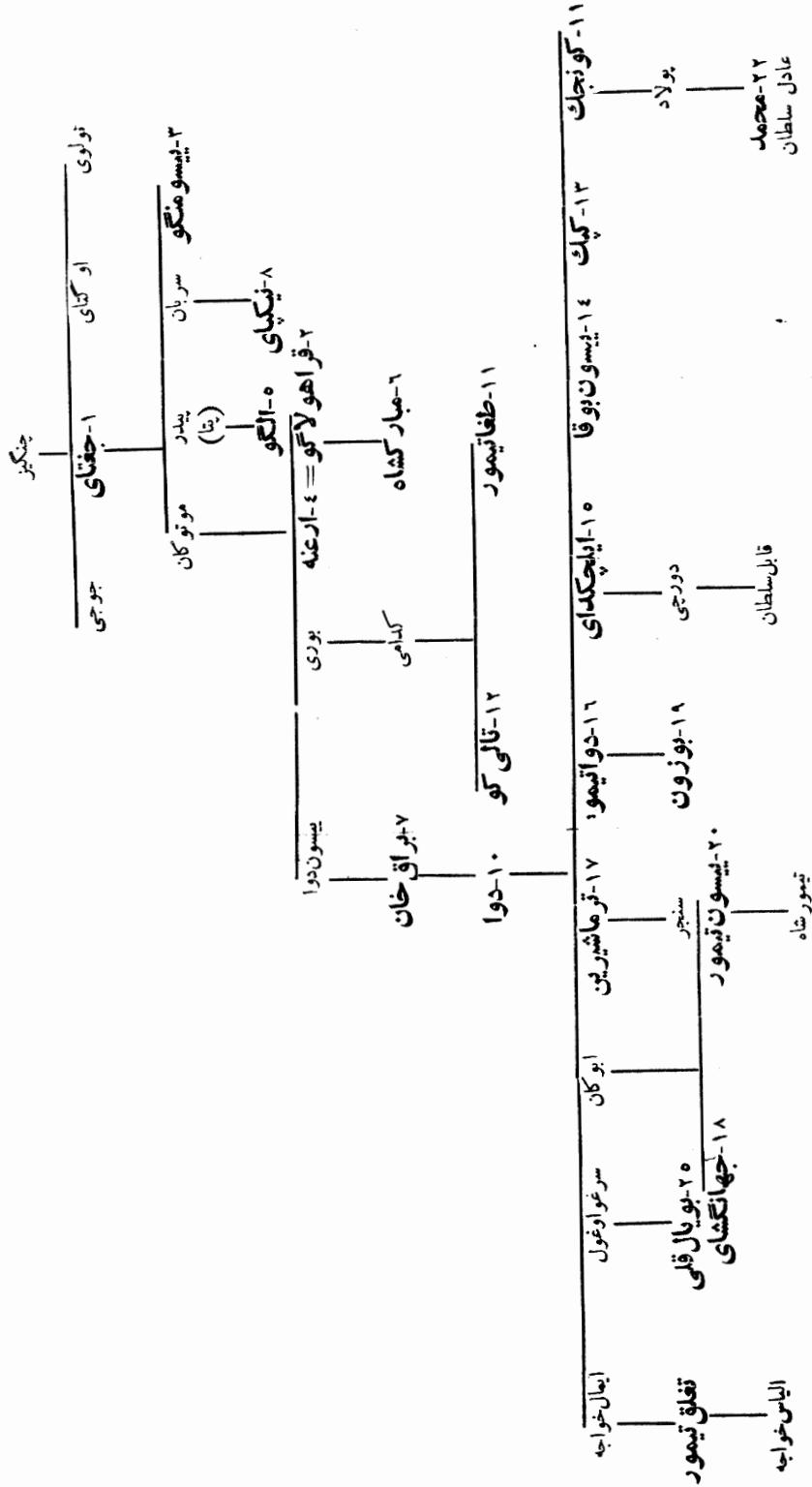
شجرہ نسب سلالہائی کہ پچنگیز خان منسوبند

پیش



(مقابل صفحہ ۲۱۶)

خاندان جغتای



قسمت دوازدهم

ایران

از قرن هشتم تا قرن سیزدهم
مطابق قرن چهاردهم تا نوزدهم

۸۶ - آل جلاير (عراق)

۸۷ - آل مظفر (فارس)

۸۸ - سربداران (خراسان)

۸۹ - ملوک کرت (هرات)

تیموریان (قسمت سیزدهم)

۹۰ - قراقویونلو (آذربایجان)

۹۱ - آق قویونلو (آذربایجان)

۹۲ - صفویه

۹۳ - افغانه

۹۴ - افشاریه

۹۵ - زندیه

۹۶ - قاجاریه

پادشاهان ایران

قسمت دوازدهم

ایران

از قرن هشتم تا سیزدهم
(مطابق قرن چهاردهم تا نوزدهم)

در موقع شروع انحطاط ایماخانان يك عده از رؤسای متنفذ و حکام محلی سر باستقلال خواهی برداشتند و از آن جمله آل جلاير از همه قوی تر شدند چه ایشان عراق و آذربایجان را تا ایامی که تر کمانان آق یویون لو و قره قویون لو بجای جلايریه نشستند تحت نفوذ خود داشتند .

ایالات شرقی بدست آل مظفر افتاد ولی این طایفه مدتی با شیخ ابواسحاق و سایر افراد خاندان اینجو که در اصفهان مقیم بودند کشمکش داشتند . خراسان شمال شرقی مدتها مابهالنزاع بین سربداران و ملوک گرت بود تا آنکه امیر تیمور در یورشهای سنوات ۷۸۷-۷۹۶ (۱۳۸۴ - ۱۳۹۳ م) آن ناحیه را مسخر کرده فرزندان او قریب يك قرن بر خراسان و هرات مسلط بودند .

در ابتدای قرن دهم هجری شاه اسماعیل صفوی تمام ولایاتی را که تیموریان و تر کمانان و سلسله های کوچک دیگر در تصرف داشتند زیر امر خود آورد و با افزودن خراسان بر آنها تشکیل مملکتی داد که باستثنای بعضی قسمتهای غربی آن که ضمیمه ترکیه شده همین مملکت حاليه ایرانست .

۸۶ - آل جلاير

(در عراق وغيره)

از ۷۳۶ تا ۸۱۴

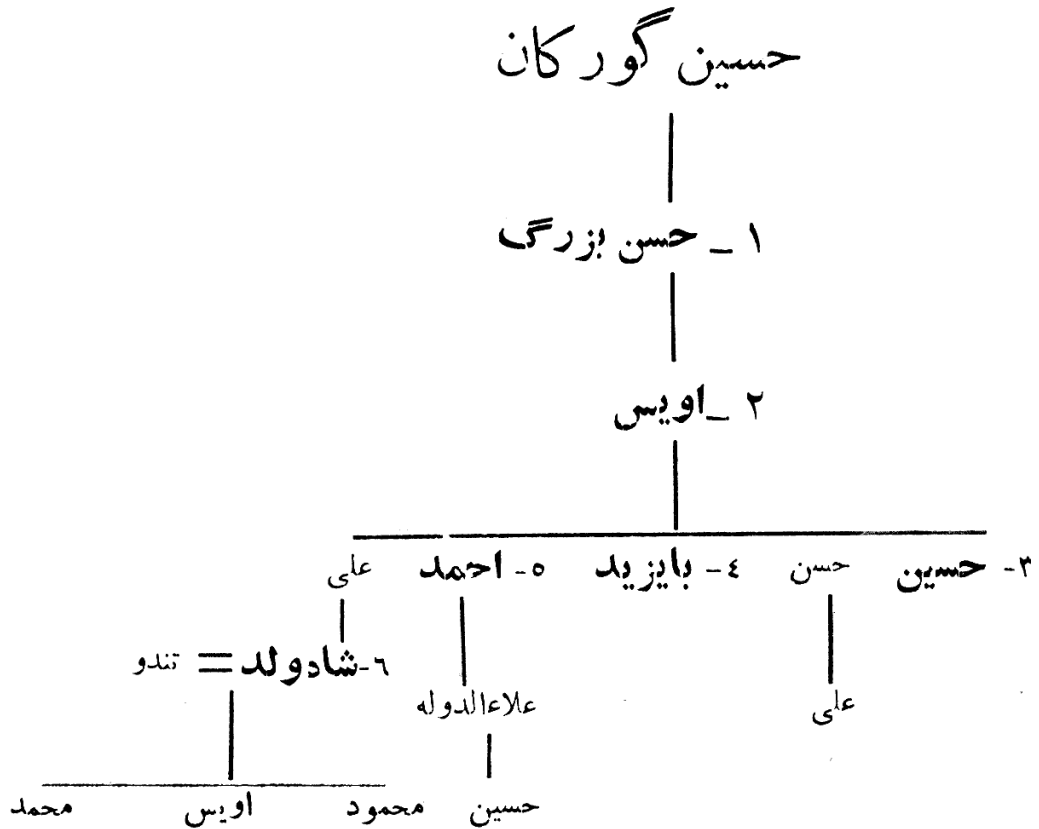
(مطابق ۱۲۳۶ - ۱۴۱۱ م)

رؤسای طایفه جلاير که ایشان را **ایلکانیان** نیز میگویند پس از مرگ ابوسعید بهادر خان در ایران زمام امور را در دست خود گرفتند بزرگ ایشان که **شیخ حسن بزرگ** بود چنانکه سابقاً دیدیم (رجوع کنید بصفحات) بتدریج سه نفر مدعی تخت ایلیخانی تراشید و آخر الامر خود را پادشاه خوانده بر عراق مسلط شد و بغداد را پای تخت قرار داد .

پسرش **اویس** که در سال ۷۵۷ (۱۳۵۶ م) بجای پدر نشست آذربایجان و تبریز را از پادشاهان اوزبك گرفت (در ۷۵۹) و در ۷۶۶ موصل و دیار بکر را نیز بر ممالك خود افزود . جانشین او **حسین** با آل مظفر و ترکمانان قره قویون لو بنزاع پرداخت و این ترکمانان در آن ایام بر ارمنیه و نواحی جنوبی دریایچه و آن مسلط گردیده بودند و در ۷۷۹ با حسین در اتحاد داخل شدند . چون حسین در ۷۸۴ (۱۳۸۲ م) مرد ممالك او بین دو پسرش تقسیم گردید باین ترتیب که آذربایجان و عراق نصیب **سلطان احمد** و قسمتی از کردستان (فقط يك سال) سهم **بایزید** شد . در موقع استیلای امیر تیمور و تسخیر ایران شمالی و ارمنستان در سالهای ۷۸۶ - ۷۸۸ (۱۳۸۴ - ۱۳۸۷ م) بغداد و الجزیره و دیار بکر و وان در سال ۷۹۶ (۱۳۹۳ م) سلطان احمد بمصر گریخت و بساطان برقوق از ملوک ممالك آنجا پناه جست و بكمك آن سلطان پس از مراجعت امیر تیمور بر بغداد استیلا یافت .

از این تاریخ تا فوت امیر تیمور (۸۰۷ = ۱۴۹۶ م) ایام عمر سلطان احمد بتصرف و از دست دادن ممالك اجدادی او گذشته و يك بار نیز در ۸۰۸ در بغداد بتخت نشسته است ولی نزاع او با قرايوسف تركمان و هجوم او بآذربایجان و منتهی شدن آن بشکست و مرگ او در ۸۱۳ (۱۴۱۰ م) دوره حیات او را خاتمه بخشیده است . نواده او شاه ولد بغداد را تا سال ۸۱۴ (۱۴۱۱ م) تحت حکومت خود داشت و زوجه او تندو که قبلا در حباله نکاح سلطان برقوق در آمده بود مدتی بر واسط و بصره و شوشتر حکومت کرد ولی در این حال خراج گزار شاهرخ تیموری بود تا آنکه در ۸۱۹ پسر شاه ولد جای او را گرفت بعد برادران این شخص یعنی اویس (۸۲۲-۸۲۹) و محمد و برادر زاده ایشان حسین در این حکومت بودند و عاقبت امرای قره قویون لو بقتل حسین ساسانه آل جلایر را بر انداختند *

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۷۳۶	شیخ حسن بزرگ	۱۳۳۶
۷۵۷	شیخ اویس	۱۳۵۶
۷۷۷	حسین	۱۳۷۴
۷۸۴-۷۸۵	بایزید (در کردستان)	
۷۸۴	سلطان احمد (که مکرر بتوسط امیر تیمور در فاصه سنوات ۸۹۶-۸۰۷ از عراق رانده شده)	۱۳۸۲
۸۱۳-۸۱۴	شاه ولد	۱۴۱۱-۱۴۱۰



(این سلسله را امرای قره‌قویون‌لو برانداختند)

۸۷ - آل مظفر

(در فارس و کرمان و کردستان)

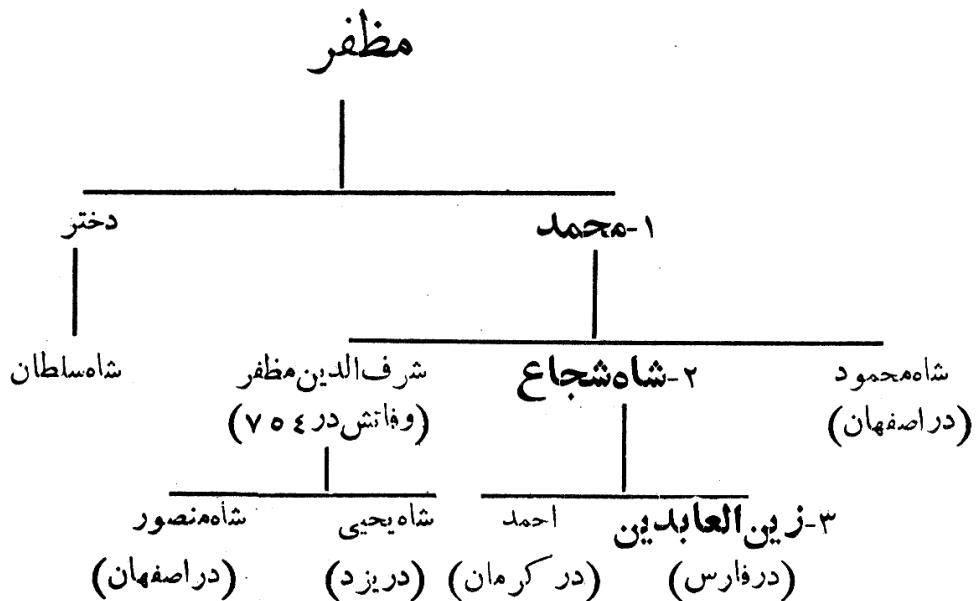
از ۷۱۳ تا ۷۹۵

(مطابق ۱۲۱۲ - ۱۲۹۲ م)

امیر مظفر مؤسس سلسله از نوادگان غیاث‌الدین حاجی خراسانی بود که پس از رسیدن به مقامانی چند در دربار ایاخانان داخل و بحکومت میبد نزدیک اصفهان نامزد شد . پسرش مبارزالدین محمد در سال ۷۱۳ (۱۳۱۳ م) بجای پدر بحکومت میبد رسید و در ۷۱۹ (۱۳۱۹ م) از سلطان ابو سعید خان در یزد و فارس مأموریت‌های مهم دیگر نیز گرفت . امیر مبارزالدین در سال ۷۴۱ (۱۳۴۰ م) بر کرمان مستولی شد و پس از يك دوره جنگ سخت با شیخ ابواسحاق اینجو

شیراز و کلیه فارس را در ۷۵۴ (۱۳۵۳ م) مسخر ساخت و در ۷۵۸ (۱۳۵۶ م) اصفهان را نیز گرفت و شیخ ابواسحاق را بقتل رساند .
 امیر مبارزالدین پس از آنکه باذربایجان حمله برد و تاشمال تبریز با موفقیت تمام پیش راند پسرانش او را خلع و در ۷۵۹ (۱۳۵۷ م) کورش کردند و او پس از اندک مدتی در ۷۶۵ (۱۳۶۴ م) در حبس ثانوی خود مرد و جانشینانش کرمان و فارس و کردستان را تایورش امیر تیمور در سال ۷۸۹ (۱۳۸۷ م) در تصرف داشتند * . حافظ شاعر مشهور از شعرای دربار شاه شجاع مظفریست .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۷۱۳	مبارزالدین محمد بن مظفر	۱۳۱۳
۷۵۹	جلال الدین شاه شجاع	۱۳۵۷
۷۸۶-۷۸۹	مجاهد الدین زین العابدین (که بدست تیمور از ملک رانده شد)	۱۳۸۴-۱۳۸۷
۷۸۹ -	شاه یحیی (در یزد)	۱۳۸۷ -
امرای معاصر	سلطان احمد (در کرمان)	
۷۹۵	شاه منصور (در اصفهان)	۱۳۹۳



۸۸ — سربداران

(در خراسان)

از ۷۳۷ تا ۷۸۳

﴿ مطابق ۱۳۲۷ - ۱۴۱۸ میلادی ﴾

عبدالرزاق از مردم قریهٔ باشتین از قرای خراسان که اندک زمانی در خدمت ابوسعید خان بود در سال ۷۳۷ (۱۳۳۷ م) بریاست همشهریان خود بر حکمران ظالم خراسان شورید و این شورشیان که خود را سربداران نامیدند می گفتند یا بردشمن غلبه می کنیم یا سر خود را بدار خواهیم دید. سربداران کمی بعد سبزوار و ولایات مجاور آن را مسخر کردند و قریب نیم قرن بر آن نواحی مسلط بودند و در این فاصله دوازده امیر بریاست رسیده اند و نه نفر از آنها عمر خود را بسختی پایان برده و بدست دیگران بقتل آمده اند .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۷۳۷	عبدالرزاق بن فضل الله	۱۳۳۷
۷۳۸	وحیه الدین مسعود برادر او	۱۳۳۸
۷۴۴	آی تیمور محمد	۱۳۴۴
۷۴۶	اسفندیار	۱۳۴۶
۷۴۷	فضل الله	۱۳۴۶
۷۴۸	شمس الدین علی	۱۳۴۷
۷۵۳	یحیی	۱۳۵۲
۷۵۶	ظہیر الدین	۱۳۵۵
۷۶۰	حیدر قصاب	۱۳۵۹
۷۶۰	اطف الله	۱۳۵۹
۷۶۱	حسن دامغانی	۱۳۶۰
۷۸۳-۷۶۶	علی مؤید	۱۳۸۱-۱۳۶۴

(امیر تیمور این سلسله را بر انداخت)

۸۹- امرای گرت

(در هرات)

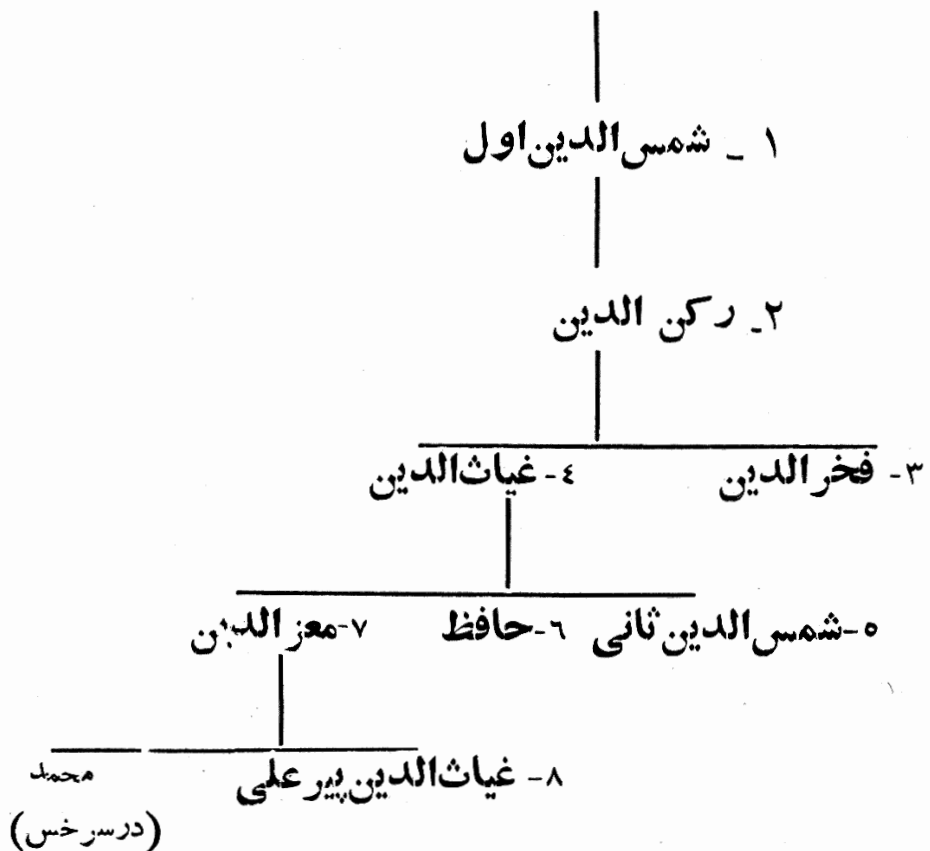
از ۶۴۳ تا ۷۹۱

﴿ مطابق ۱۲۴۵-۱۲۸۹ ﴾

امرای گرت از نژاد غوریانند و ایشان که از ابتدای استیلای مغول بر ایران حکومت داشته اند چون مغول رو بضعف رفتند در خراسان قدرت بهمرسانند و تا تسخیر هرات در سال ۷۸۳ (۱۳۸۱ م) بدست تیمور مستقل بودند و پس از آنکه اندک مدتی را هم تحت تبعیت امیر گورکانی سر کردند در سال ۷۹۱ (۱۳۸۹ م) بکلی از میان رفتند،

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۶۴۳	شمس الدین اول	۱۲۴۵
۶۷۷-۶۸۲	رکن الدین	۱۲۷۸-۱۲۸۳
۶۸۴	فخر الدین	۱۲۸۵
۷۰۸	غیاث الدین	۱۳۰۸
۷۲۹	شمس الدین ثانی	۱۳۲۸
۷۳۰	حافظ	۱۳۲۹
۷۳۲	معز الدین	۱۳۳۱
۷۷۲-۷۹۱	غیاث الدین پیر علی	۱۳۷۰-۱۳۸۹

رکن الدین ابوبکر بن عثمان



۹۰ - امرای قره قویون لو (در آذربایجان و غیره)

از ۷۸۰ تا ۸۷۴

(مطابق ۱۳۷۸ - ۱۴۶۹ میلادی)

در نیمه قرن هشتم هجری طایفه ای از ترکمانان که بعثت علامت و رنگ علمهای خود خویشان را قره قویون لو (صاحبان گوسفندان سیاه) نامیده بودند بر نواحی جنوبی دریای وان مسلط آمدند و پس از اتحاد با سلطان حسین جلایر سلسله ای تشکیل داده کمی بعد بر ارمنیه و آذربایجان استیلا یافتند -

قرایوسف دومین امیر این سلسله را امیر تیمور مدتی مجبور بفرار کرد ولی او گاهی بملک خود بر میگشت و چون امیر تیمور در ۸۰۷ مرد ممالک اولی خود را بدست آورد و شش سال بعد متصرفات امرای جلایری را هم ضمیمه قلمرو خویش کرد. سلسله امرای قره قویون لو را در سال ۸۷۴ (۱۴۶۹ م) اوزون حسن رئیس طایفه آق قویون لو منقرض نمود.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۷۸۰	قرامحمد	۱۳۷۸
حدود ۷۹۰	قرایوسف	حدود ۱۳۸۸
۸۰۲	استیلای تیمور	۱۴۰۰
۸۰۸	قرایوسف (مجدداً)	۱۴۰۵
۸۲۳	اسکندر	۱۴۲۰
۸۴۱	جهانشاه	۱۴۳۷
۸۷۲-۸۷۴	حسن علی	۱۴۶۷-۱۴۶۹

(این سلسله را امرای آق قویون لو برانداختند)

۹۱- امرای آق قویونلو

(در آذربایجان و غیره)

از ۷۸۰ تا ۹۰۸

(مطابق ۱۴۷۸ تا ۱۵۰۲)

امرای آق قویونلو در آذربایجان و دیار بکر رقبای طایفه قره قویونلو بودند ولی پس از سی سال حکمرانی فقط شاه اسمعیل صفوی در تاریخ ۹۰۷ (۱۵۰۲ م) در جنگ بزرگ شرور ایشان را مغلوب کرد و کمی بعد از این واقعه از بین رفتند.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۷۸۰	قرا یولق عثمان	۱۳۷۸
۸۰۹	حمزه	۱۴۰۶
۸۴۸	جهانگیر	۱۴۴۴
۸۷۱	اوزون حسن	۱۴۶۶
۸۸۳	خلیل	۱۴۷۸
۸۸۴	یعقوب	۱۴۷۹
۸۹۶	بایسنقر*	۱۴۹۰
۸۹۷	رستم	۱۴۹۱
۹۰۲	احمد	۱۴۹۶
۹۰۳	مراد	۱۴۹۷
۹۰۵	الوند	۱۴۹۹
۹۰۶	محمد	۱۵۰۰
۹۰۷-۹۰۸	مراد (مجدداً)	۱۵۰۱-۱۵۰۲

(صفویه این سلسله را منقرض کردند)

۹۲-۹۶ پادشاهان ایران

از ۹۰۷ تا ۱۳۱۱

﴿ مطابق ۱۵۰۲ - ۱۸۹۳ م ﴾

پادشاهان ایران پنج طبقه و از نژادهای مختلفند : صفویه ، افغانه افشاریه ، زندیه و قاجاریه . از این پنج طبقه صفویه مدعی بودند که از نژاد عربند چه نسب خود را بامام موسی کاظم متوفی سال ۱۸۳ امام هفتم شیعیان میرسانند . يك عده از شیوخ این خانواده بمرادی اشتهار پیدا کرده بودند و از ایشانست **شیخ صفی الدین اردبیلی** که بمناسبت نام او فرزنداناش را صفویه نامیده اند .

بعد از آنکه قریب چهار پست از زمان شیخ صفی الدین گذشت یکی از فرزندان او **حمیدر علاوه** بر جنبهٔ مرشدی بجنگجوئی نیز برخاست و با اوزون حسن آق قویونلو داخل در مبارزه شد و پسر **سومش اسماعیل** دنبال اقدامات او را گرفته شروان را مسخر ساخت و پس از مغلوب کردن ترکمانان در محل شرور در بهار سال ۹۰۷ (۱۵۰۲ م) و پای تخت قرار دادن تبریز بفتح ولایات دیگر ایران قیام نمود .

حکام تیموری و سایر سلسله های کوچک بسرعت تحت امر او او در آمدند و شاه اسماعیل در ظرف چند سال در خراسان پیش رفته نا هرات جلو تاخت و علاوه بر گرفتن ولایات جنوبی ایران حدود متصرفات خود را از حیچون تاخلیج فارس و از فرات تاافغانستان بسط داد . رسیدن حد ممالك شاه اسماعیل بخاك ترکان عثمانی و اختلاف شدید شیعه و سنی و پیشرفت سریع تبلیغات طرفداران مذهب شیعی در آسیای صغیر بین صفویه و سلاطین آل عثمان منتهی بجنگ گردید .

سلطان سلیم خان اول بعد از کشتار و حبس ۴۰،۰۰۰ نفر از شیعیان در ممالک آسیائی خود بجنک باشاه اسماعیل آمد و با ۸۰،۰۰۰ و ۴۰،۰۰۰ پیاده بایران حمله برد و در جنگ چالدران (۹۲۰ = ۱۵۱۴ م) بر اثر کفایت سنان پاشا و جنگ آوری سربازان ینی چری بر شاه اسماعیل ظفر یافته بتبریز وارد شد و پس از ضمیمه ساختن دیار بکر و بعضی ولایات مجاور آن از خیال فتوحات دیگر در سمت مشرق منصرف شده بعزم لشکر کشی بمصر مراجعت نمود.

از این تاریخ ببعد رشته جنگ در سرحدات ایران و عثمانی قطع نشد و ولایات گرجستان و ارمنستان مکرر از این دست بآن دست می گشت تا آنکه سلطان مراد رابع بغداد را فتح و عراق را بخاک عثمانی منضم نمود (در ۱۰۴۸ = ۱۶۳۸ م) بهمین طریق سرحدات شمالی نیز مدتها معرض دستبرد از بکان بود و افغانستان هم گاهی ضمیمه ایران میشد گاهی جزء هندوستان و این وضع تا تاریخ سال ۱۱۶۰ (۱۷۴۷ م) که احمد خان درانی آنجا را مستقل نمود دوام داشت. بابر مؤسس سلسله سلاطین مغول هند از متحدین شاه اسماعیل بود و پسرش همایون بتوسط شاه طهماسب یتخت سلطنت هند برگشت.

بزرگترین سلاطین صفویه شاه عباس (۹۸۵-۱۰۳۸ = ۱۵۸۷-۱۶۲۹ م) است که بدستگیری سر آنتونی شرلی ۱ مصاح نظام لشکری ایران يك يك عده از ولایات غربی را از عثمانی پس گرفت و سلطنت او بر اثر رونق صنایع و ادبیات و بسط امور خیریه و سیاست خارجی عاقلانه اشتهازی بسزا پیدا کرده و این پادشاه همطبقه و معاصر سلطان سایمان خان بزرگ و اکبر شاه و ملکه الیزابت است.

سلسله صفویه در حقیقت پس از قیام محمود افغان و مسخر شدن هرات و مشهد بدست افغانه و شکست شاه سلطان حسین و سقوط اصفهان در ۱۱۳۵ (۱۷۲۲ م) پس از چند ماه محاصره منقرض شد. بازماندگان این سلسله چند سالی هم در بعضی ولایات مخصوصاً مازندران مختصر قدرتی داشتند و پس از ده سال هرج و مرج و انقلابات و هجوم روسها و عثمانیها نادر قلمی از ترکان افشاریه بیهانه برگرداندن سلطنت بصفویه زمام کارها را در دست گرفت و کمی بعد در سال ۱۱۴۸ (۱۷۳۶ م) خود پادشاه حقیقی شد.

نادر شاه نه تنها حدود ایران را بزمان منتهی بسط آن رسانید بلکه افغانستان را نیز تسخیر کرد و کابل و قندهار را در ۱۱۴۹ گرفته بطرف لاهور جاو رفت و دهلی را در بهار سال ۱۱۵۱ (۱۷۳۸ م) بباد غارت داد و در نتیجه مصالحه با پادشاه مغول هندوستان حدود ایران تا مدتی از کنار شط سند تا قفقازیه وسعت داشت.

سلسله افشاریه دارای چهار پادشاه است و منتهی بهرج و مرج گردیده و در این دوره آزاد خان افغان آذربایجان را متصرف شد و علی مردان خان بختیاری اصفهان و محمد حسین خان قاجار استرآباد را. کریم خان زند نیز با شاهرخ از پادشاهان افشاری بر سر تصرف تاج و تخت بنزاع مشغول گردید.

سلسله زندیه مدتی یعنی از ۱۱۶۳ تا ۱۱۹۳ (۱۷۵۰-۱۷۷۹ م) بر تمام ایران باستانی خراسان حکومت میکردند و این قسمت اخیر را شاهرخ افشاری با اینکه کور و پیر بود تحت امر خود داشت.

پس از مرگ کریم خان قریب دوازده سال بین آقامحمدخان قاجار و شاهزادگان زندیه زد و خورد بود و این کشمکشها بالاخره بفتح

آقا محمد خان منتهی گردید و نوادگان یعنی پشت چهارم او هنوز بر باقیماندهٔ ممالك ملت عظیم الشان ایران در طهران سلطنت می کنند .

۹۲ - صفویه

۱۵۰۲	اسماعیل اول	۹۰۷
۱۵۲۴	طهماسب اول	۹۳۰
۱۵۷۶	اسماعیل ثانی	۹۸۴
۱۵۷۸	محمد خدا بنده	۹۸۵
۱۵۸۷	عباس اول	۹۸۵
۱۶۲۹	صفی اول	۱۰۳۸
۱۶۴۲	عباس ثانی	۱۰۵۲
۱۶۶۷	سلیمان اول	۱۰۷۷
۱۶۹۴	حسین اول	۱۱۰۵
۱۷۲۲	طهماسب ثانی	۱۱۳۵
۱۷۳۶-۱۷۳۱	عباس ثالث	۱۱۴۸-۱۱۴۴

۹۳ - افغانه

۱۷۲۲	محمود	۱۱۳۵
۱۷۲۹-۱۷۲۵	اشرف	۱۱۴۲-۱۱۳۷

۹۴ - افشاریه

۱۷۳۶	نادر	۱۱۴۸
۱۷۴۷	عادل	۱۱۶۰
۱۷۹۶-۱۷۴۸	شاهرخ	۱۲۱۰-۱۱۶۱

۹۵ - زندیه

۱۷۵۰	کریم خان	۱۱۶۳
۱۱۷۹	ابوالفتح	۱۱۹۳
۱۱۷۹	علی مراد	۱۱۹۳
۱۱۷۹	محمد علی	۱۱۹۳
۱۱۷۹	صادق	۱۱۹۳
۱۷۸۵	علی مراد (مجدداً)	۱۱۹۶
۱۷۸۵	جعفر	۱۱۹۹
۱۷۸۹-۱۷۹۲	لطیف علی	۱۲۰۳-۱۲۰۹

۹۶ قاجاریه

۱۷۷۹	آقامحمد خان	۱۱۹۳
۱۷۹۷	فتحعلی شاه	۱۲۱۱
۱۸۳۴	محمد شاه	۱۲۵۰
۱۸۴۸	ناصرالدین شاه	۱۲۶۴
	مظفرالدین شاه	[۱۳۱۴]
۱۹۰۶	محمد علی شاه	۱۳۲۴
۱۹۰۸-۱۹۲۵	احمد شاه	۱۳۲۶-۱۳۴۴

صفویه *

۱ - اسماعیل اول

۲ - طهماسب اول

۳ - اسماعیل ثانی ۴ - محمد خدا بنده حیدر

۵ - عباس اول حمزه

صفی میرزا

۶ - شاه صفی

۷ - عباس ثانی

۸ - سلیمان

۹ - شاه سلطان حسین

۱۰ - طهماسب ثانی سامی دختر دختر = رضاقلی افشار

شاهرخ

اسماعیل ثالث

حسین

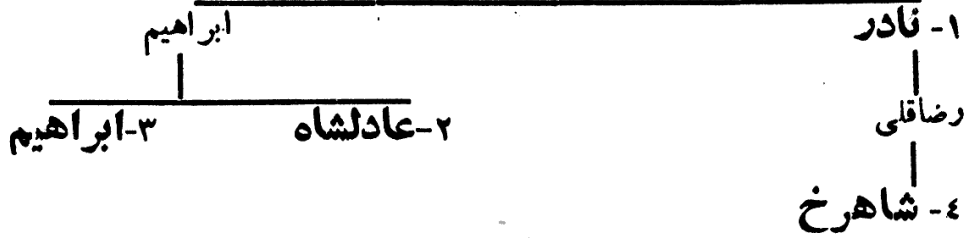
۱۱ - عباس ثالث

محمد میرزا

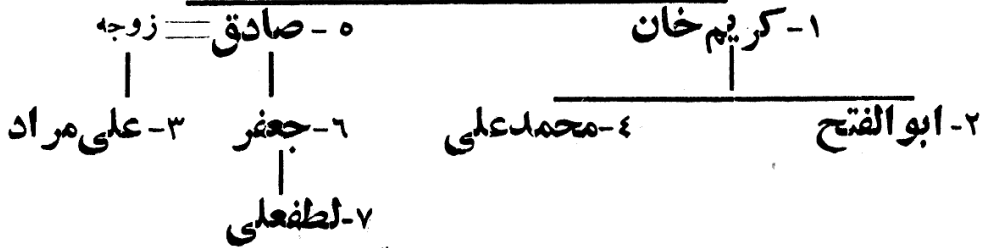
* شجره نسب سلاطین ایران منقولست از فهرست مسکوکات ایران در برتانیاتألیف مؤلف این کتاب.

افشاریه

امامقلی



زندیه

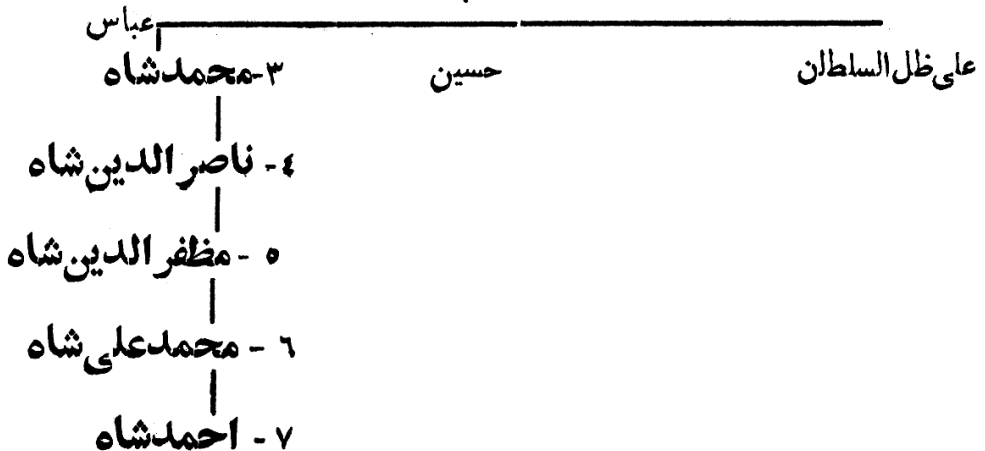


قاجاریه

محمد حسنخان

۱- آقامحمدخان

۲- فتحعلی شاه



قسمت سیزدهم

ماوراءالنهر

از قرن هشتم تا سیزدهم
﴿ مطابق قرن چهاردهم تا نوزدهم میلادی ﴾

- ۹۷ - تیموریان
- ۹۸ - شیپانیهان
- ۹۹ - امرای جانی هشرخان
- ۱۰۰ - امرای منگیت
- ۱۰۱ - خانان خوقند
- ۱۰۲ - خانان خیوه

قسمت سیزدهم

ماوراءالنهر

از قرن هشتم تا سیزدهم
(مطابق قرن چهاردهم تا نوزدهم میلادی)

۹۸ — تیموریان

از ۷۷۱ تا ۹۰۶

(مطابق ۱۳۶۹ تا ۱۵۰۰ میلادی)

امیر تیمور یا تیمورلنگ که تحریف نام او در السنه فرنگی تاملان Tamerlane است نسب خود را چنگیز خان میرسانده و یکی از اجدادش سمت وزارت جغتای پسر چنگیز حکمران ماوراءالنهر را داشته است.

امیر تیمور بسال ۷۳۶ (۱۳۳۵ م) تولد یافته و طغای تیمور (رجوع کنید به صفحه ۱۹۶) او را به حکومت کش نازد کرده و مدتی نیز وزارت سیورغتمش خان از خانان اولوس جغتای را داشته و قبل از سال ۷۷۱ (۱۳۶۹ م) زمام قدرت را از دست بخدوم خود گرفته وای او و جانشینش محمود را تا سال ۸۰۰ (۱۳۹۷ م) اسماً بمقام خانی باقی گذاشته است در سال ۷۸۲ (۱۳۸۰ م) امیر تیمور بیورش و لشکر کشی بایران شروع کرده و در ظرف هفت سال خراسان و جرجان و مازندران و سیستان و افغانستان و فارس و آذربایجان و کردستان را مسخر ساخته است اما چون توقتمش خان پادشاه دشت قبیچاق بماوراءالنهر حمله برده امیر تیمور در سال ۷۹۰ (۱۳۸۸ م) بمراجعت بمقر حکومت اصلی

خود مجبور شده و در ۷۹۳ (۱۳۹۱ م) او را شکستی سخت داد و چهار سال بعد که تو قتمش خان تجدید حمله کرده مجدداً او را مغلوب ساخته است .

امیر تیمور در این اثنا یعنی در سال ۷۹۵ (۱۳۹۳ م) بغداد را از آل جلاير گرفت و الجزیره را تحت فرمان خود آورد و در ۸۰۰ داخل هندوستان شمالی شد و سال بعد یعنی در ۸۰۱ کشمیر و دهلی را فتح کرد .

آخرین نهضت بزرگ امیر تیمور بسمت مغرب بود و در این لشکو کشی که بسال ۸۰۴ (۱۴۰۱ م) شروع شد فاتح گورکانی داخل آناتولی گردید و سیواس و ملاطیه را گرفت و در ۸۰۴ ترکان عثمانی را بسختی در آنقوره شکست داد و سلطان بایزید خان را اسیر نمود (رجوع کنید بصفحه ۱۷۰) و سلسله های امرای کوچک را مجدداً در آسیای صغیر برقرار ساخت و پس از تسخیر شام و فتح حلب و دمشق در این بلاد مقام ممالیک مصر را گرفت . امیر تیمور در سال ۸۰۷ (۱۴۰۵ م) موقعیکه در صدد اجرای نقشه جاه طلبانه خود در باب فتح چین بود در شهر اترار بسن هفتاد از این دنیا رفت .

فتوحات امیر تیمور خطه ماوراءالنهر را بمقامی از اهمیت رساند که تا آن زمان هیچگاه بآن پایه نرسیده بود ، سمرقند پایتخت مملکت عظیمی شد که لا اقل اسماً از دهلی تا دمشق و از بحیره خوارزم (آرال) تا خلیج فارس وسعت داشت و چون فتوحات امیر تیمور بیشتر جنبه یورش و هجوم داشت تا تسخیر واقعی غالب ممالک مفتوحه بزودی از تصرف تیموریان خارج شد . با این حال ماوراءالنهر مدتی مرکز دولتی شد که قسمت اعظم ایران و افغانستان را علاوه بر ولایات ماوراءالنهر شامل بود

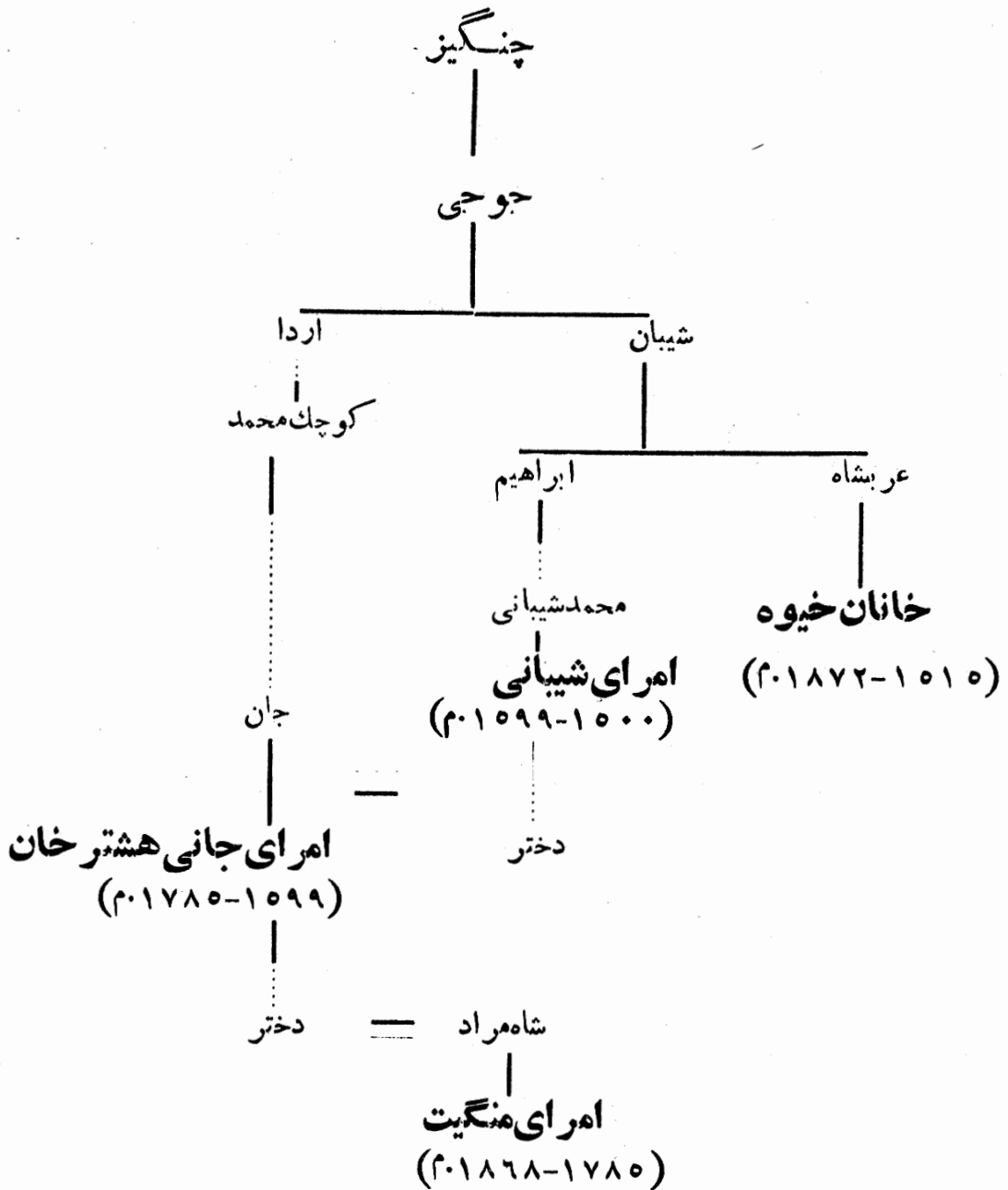
در موقعیکه ممالک وسیعۀ تیموری تجزیه یافت چون سلسله های که اهمیت ایران مثل ملوک کُرت و آل مظفر و جلایریه از میان رفته و ترکان نیز در داخلۀ آناتولی محصور شده و تمام آسیای غربی را نیز از هندو کش تا دریای مدیترانه مرد قهاری مثل تیمور بو حشت انداخته بود بجای آنکه دولت با نظمی در این نواحی برقرار شود دوره هرج مرج پیش آمد. بمحض اینکه تیمور مرد ترکان عثمانی و آل جلایر و ترکمانان در صدد تصرف ممالک از دست رفته خود برآمدند معیناً اولاد تیمور موفق شدند که شمال ایران را در مدت يك قرن جهت خود نگاه دارند و با سستی در مقابل قدرت نوزاد صفویه مقاومت بخرج دهند ولی همینکه در قرن دهم هجری خاندان شیبانی از بقایای چنگیزیان برپای تخت تیموریان دست یافتند دامنه متصرفات خود را به که خانات بخارا تا مدتی حاکم بر آن بود رساندند. جدول مقابل صفحه ۲۳۹ شامل اسامی فرزندان تیمور است که با یکدیگر بر سر تصرف قسمتهای ممالک تیموری می جنگیده اند و این تقسیمات و منازعات و رقابتهای نماینده ضعف ایشانست.

شاهرخ با وجود این احوال موفق شد که منافسات اقوام خود را تا حدی رفع کند و قدرت و اعتبار مملکت را حفظ نماید ولی پس از مرگ او در سال ۸۵۰ (۱۴۴۷ م) ممالکش بقسمت های کوچک مجزا شد و بر اثر همین کیفیت صفویه و امرای شیبانی آنها را بمتصرفات خود ضمیمه نمودند. خاندان تیموری با وجود این پیش آمدها از میان نرفت و شعبۀ اولاد بابر دولتی جدید در هندوستان تشکیل دادند که پیش اروپائیان بدولت مغول کبیر اشتها را دارد و در قسمت چهاردهم مذکور خواهد شد.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۷۷۱	تیمور	۱۳۶۹
	[۷۷۱ سیورغتمش محمود، که اسما خان بود از ۷۹۰ تا ۸۰۰]	
۸۰۷-۸۱۲	خلیل	۱۴۰۴-۱۴۰۹
۸۰۷	شاهرخ	۱۴۰۴
۸۵۰	الغریک	۱۴۴۷
۸۵۳	عبداللطیف	۱۴۴۹
۸۵۴	عبدالله	۱۴۵۰
۸۵۵	ابوسعید	۱۴۵۲
۸۷۲	احمد	۱۴۶۷
۸۹۹	محمود	۱۴۹۳
۹۰۰-۹۰۶	دوره هرج و مرج	۱۴۹۴-۱۵۰۰

(این سلسله را امرای شیانی برانداختند)

جدول خویشاوندی خانات ماوراءالنهر



۹۸ — امرای شیبانی

از ۹۰۶ تا ۱۰۰۷

﴿ مطابق ۱۵۰۰-۱۵۹۹ م ﴾

در موقعیکه سه پسر محمود آخرین سلطان تیموری ماوراءالنهر بر سر باقیمانده ممالک اجدادی نزاع میکردند سلسله جدیدی بظهور رسید که تمام امرای ماوراءالنهر را از میان برد و دواتی قوی بجای هرج و مرج در آن خطه برقرار نمود. این سلسله را ازبکان تحت ریاست محمد شیبانی که آخرین لشکر کش معتبر از خاندان چنگیزیست تشکیل دادند.

تاریخ اوایل خاندان شیبانی را سابقاً ذکر کرده ایم (رجوع کنید بصفحات ۲۱۲-۲۱۴) این شعبه ابتدا در سبیری ساکن بودند و در ناحیه قیومن ۱ سمت امارت داشتند، یک قسمت عمده از این شعبه تحت سرکردگی محمد شیبانی ب ماوراءالنهر کوچ کردند و امرای تیموری را از بین برده دولت ازبکان را تأسیس نمودند و این دولت که خانات بخارا و خیوه شاخه هائی از آن بودند تا تصرف این دو قسمت بتوسط روس ها وجود داشت.

ازبکان تحت امر چند سلسله بر ماوراءالنهر مستولی بودند، یکی امرای شیبانی که در تمام مدت قرن یازدهم هجری این خطه را تحت حکومت خود داشتند ولی خوارزم را خانان این ناحیه که نیز از اولاد شیبان بودند (رجوع کنید بصفحه ۲۴۹) و خراسان را صفویه از تحت حکومت ایشان بیرون بردند. سلسله دیگر امرای جانی است که ایشان را امرای هشرخان نیز میگویند. این سلسله هم که از منسوبان امرای

شیبانی اند در قرن یازدهم بر ماوراءالنهر که بتدریج از وسعت آن کاسته میشد حکومت داشتند .

سلسله سوم امرای منگیت اند که بواسطه وصات باخاندان شیبانی منسوب شده اند و این سلسله خانات بخارا را که بر اثر قدرت پیدا کردن خانات خوقند و ظهور نواحی مستقل چند مثل تاشکند و اوراتپه غیره و استقلال یافتن امرای درانی در افغانستان کوچک شده بود متصرف شدند . بخارا و خیوه و خوقند همگی در فاصله سنوات (۱۸۶۸-۱۸۷۲ م) مسخر دولت روسیه گردید .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۹۰۶	محمد شیبانی	۱۵۰۰
۹۱۶	کوچکونجی	۱۵۱۰
۹۳۷	ابوسعید	۱۵۳۰
۹۴۰	عبیدالله	۱۵۳۳
۹۴۶	عبدالله اول	۱۵۳۹
۹۴۷	عبداللطیف	۱۵۴۰
۹۵۹	نوروز احمد	۱۵۵۱
۹۶۳	پیر محمد اول	۱۵۵۵
۹۶۸	اسکندر	۱۵۶۰
۹۹۱	عبدالله ثانی	۱۵۸۳
۱۰۰۶	عبدالمؤمن	۱۵۹۸
۱۰۰۷	پیر محمد ثانی	۱۵۹۹

(این سلسله را امرای هشتر خان منقرض کردند)

گر چه پای تخت امرای شیبانی در سمرقند قرار داشت ولی غالباً

بخارا نیز مرکز حکومتی مقتدر بود و چندین مرتبه حکمران بخارا
ماوراءالنهر را تحت اطاعت خود آورد و بخارا مثل باغ در عهد امرای
هشترخان و لیعهد نشین ماوراءالنهر محسوب میشد..

شعبهٔ امرای بخارا

۱۵۴۰	عبدالعزیز	۹۴۷
۱۵۴۹	یار محمد	۹۵۷
۱۵۵۳	برهان سلطان	۹۶۱
۱۵۵۶	عبدالله (که در ۹۸۶ سمرقند را نیز ضمیمهٔ حوزهٔ خود کرد و از ۹۹۱ بعنوان عبدالله ثانی رئیس خانات شد)	۹۶۴

شعبهٔ امرای سمرقند

۱۵۶۰	خسرو سلطان	۹۶۸
۱۵۶۷	سلطان سعید	۹۷۵
۱۵۷۲	جوانمرد علی	۹۸۰
۱۵۷۸	عبدالله امیر بخارا	۹۸۶

امرای شیبانی

چنگیز خان

جوجی

شیبان

ابراهیم

دولت

ابوالخیر

شاه دواغ
۱- محمد شیبانی
محمود
۴- عید الله

سیونج
۲- نوروز

۲- کوچکونجی
۳- ابوسعید
۵- عبدالله
۶- عبداللطیف

خواجہ محمد
جانی بیک

۸- میر محمد اول
۹- اسکندر

سلیمان

۱۰- عبدالله ثانی
زہرا خانم = جانی ۱۲- میر محمد ثانی

۹۹ - امرای جانی یا امرای هشترخانی

از ۱۰۰۷ تا ۱۲۰۰

﴿ مطابق ۱۵۹۹ - ۱۷۸۵ م ﴾

موقعیکه روسها بر خانات هشترخان دست یافتند (رجوع کنید بصفحه ۲۰۴) یعنی در نیمه قرن یازدهم دو نفر از رؤسای مخلوع یارمحمد و پسرش جان بیخارا پناه اسکندر شیبانی آمدند اسکندر دختر خود را بزوحیت به جان داد. فرزندی که از این ازدواج بوجود آمد یعنی باقی محمد بعد از يك سال فاصله بجای خال خود عبدالله ثانی بامارت نشست و او و فرزندانش در قسمت عمده قرن یازدهم بر سمرقند و بخارا و فرغانه و بدخشان و باخ حکومت داشتند ولی این ولایات گاهی نیز مستقل بود.

قدرت این سلسله بزودی رو بضعف گذاشت و امرای درانی افغانستان تمام ولایات زیر حیچون را از تصرف ایشان خارج کردند (از تاریخ ۱۱۶۶ بعد) بعلاوه در تاریخ ۱۱۱۲ (۱۷۰۰ م) درخوقند فرغانه سلسله رقیبی جهت امرای مزبور وجود یافت و امرای جانی بالاخره در سال ۱۲۰۰ (۱۷۸۵ م) بدست امرای منگیت که چند سال قبل از خلع ابوالغازی آخرین امیرجانی قدرت پیدا کرده بودند از میان رفتند.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۱۰۰۷	باقی محمد	۱۵۹۹
۱۰۱۴	والی محمد ^۱	۱۶۰۵
۱۰۱۷	امامقلی (وفاتش در ۱۰۶۰)	۱۶۰۸

۱۶۴۰	نادر محمد (وفاتش در ۱۰۶۱)	۱۰۵۰
۱۶۴۷	عبدالعزیز	۱۰۵۷
۱۶۸۰	سبحان قلی ^۱	۱۰۹۱
۱۷۰۲	عبدالله ^۲	۱۱۱۴
۱۷۰۵	ابوالفیض ^۳	۱۱۱۷
۱۷۵۳	محمد رحیم منگیت	۱۱۶۷
۱۷۸۵-۱۷۵۸	ابوالغازی	۱۱۷۱-۱۲۰۰

- ۲ - قبل از بیعت و سه سال حکومت بلخ را داشت .
۳ - مکیم خان بلخ را از ۱۱۱۴ تا ۱۱۱۹ متصرف بود .
۱ - این امیر فقط بر ممالک آن طرف جیحون حاکم بود .

امرای جانی و منگیت

جان = زهرا خانم شیبانی

امرای جانی

۲- ولی محمد

۱- باقی محمد

دین محمد

۴- نادر محمد

۳- امام قلی

۵- عبدالعزیز

۶- سبجان قلی

۷- عیدالله اول

۸- ابوالفیض

۱۱- ابوالغازی امرای منگیت

دانیال

دختر = ۱- امیر معصوم

۲- حیدر

۵- نصرالله

۴- عمر

۳- حسین

۶- مظفرالدین

۱۰۰- امرای منگیت

از ۱۲۰۰ تا ۱۲۸۴

﴿ مطابق ۱۷۸۵ ۱۸۶۸ میلادی ﴾

قبیله منگیت (یعنی بینی پهنان) قبیله ای بودند از اقربای طایفه نوگای که در ابتدای قرن دهم به همراهی محمد شیبانی از دشت قبیچاق کوچ نمودند. در ایام ساساؤه امراى هشتراخانى این قبیله بتدریج نفوذی بهم رساندند و در نیمه آخر قرن دوازدهم بعضی از رؤسای ایشان بوزارت امرای بخارا رسیدند و مدتی نیز مقام بخدو بن خود را بدست آوردند. وسعت مملکت این امرا بمراتب زیاد تر از قلمرو حکومتی امرای شیبانی گردید و معصوم شاه از جنگهای خود با امرای دهبانی بر سر تصرف ولایات جنوب حیچون اگر چه دوامی نداشت موفق بیرون آمد. این امرا از تاریخ ۱۲۸۴ (۱۸۶۸ م) تحت تبعیت روس قرار یافتند.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۱۲۰۰	میر معصوم شاه مراد	۱۷۸۵
۱۲۱۵	حیدر تورا	۱۸۰۰
۱۲۴۲	حسین	۱۸۲۶
۱۲۴۲	عمر	۱۸۲۶
۱۲۴۲	نصرالله	۱۸۲۷
۱۲۷۷-۱۲۸۴	مظفرالدین	۱۸۶۰-۱۸۶۸

(این امرا تحت تبعیت روس داخل شدند)

۱۰۱ - خانان خیوه

از حدود ۹۲۱ تا ۱۲۸۹

(م. ا. ب. حدود ۱۵۱۵-۱۸۷۲ میلادی)

خوارزم یا خیوه که مدتی مرکز يك طبقه از پادشاهان ایران بود (رجوع کنید بصفحه ۱۵۹) پس از استیلای مغول سهم اولوس جوجی گردید و هیچوقت بخانات ماوراءالنهر تعاقب نداشت، در عهد امیر تیمور امرای دشت قبچاق آنجا را بتصرف خود آورده بودند.

بعد از هرج و مرج که در اواخر ایام تیموریان پیش آمد اوزبکان تحت امر محمد شیبانی خیوه را مثل ماوراءالنهر مسخر ساختند و از حدود ۹۲۱ (م. ۱۵۱۵) سلسله ای از اوزبکان بر خیوه حکومت یافتند که تاریخ اول روزگار ایشان درست مشخص نیست.

خانان خیوه غالباً با امرای بخارا در جنگ بودند و در این چهار پات گاهی ظفر با این طرف بود و گاهی با آن طرف تا آنکه نادر شاه افشار در سال ۱۱۵۳ (م. ۱۷۴۰) خیوه را گرفت و مدت يك سال یکنفر حکمران ایرانی بر آنجا حکومت می کرد. خیوه را در سال ۱۲۸۹ (م. ۱۸۷۲) کائو فمان Kaufmann سردار روسی ضمیمه آسیای روس نمود.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
حدود ۹۲۱	ایابرس اول	حدود ۱۵۱۵
حدود ۹۳۱	سلطان حاجی	حدود ۱۵۲۵
	حسن قلی	
	صوفیان	
	بوجوغه	
	اونک	
	کل	

حدود ۹۴۶	اگتای	حدود ۱۵۴۰
حدود ۹۵۳	دوست	حدود ۱۵۴۶
۹۶۵	حاجی محمد اول	۱۵۵۸
۱۰۱۱	عرب محمد اول	۱۶۰۲
۱۰۳۲	اسفندیار	۱۶۲۳
۱۰۵۳	ابوالغازی اول	۱۶۴۳
۱۰۷۴	انوشه	۱۶۶۳
حدود ۱۰۸۵	محمد ارنگ	حدود ۱۶۷۴
۱۰۹۹	اسماق آقاشاه نیاز	۱۶۸۷
۱۱۱۴	عرب محمد ثانی	۱۷۰۲
	حاجی محمد ثانی	
۱۱۲۶	یادگار	۱۷۱۴
۱۱۲۶	ارنگ	۱۷۱۴
۱۱۲۷	شیرغازی	۱۷۱۵
۱۱۴ ؟	ایلبرس ثانی	۱۷۳ ؟
۱۱۵۳	دوره استیلای نادر	۱۷۴۰
۱۱۵۴	تجرا (از جانب نادرشاه)	۱۷۴۱
۱۱۵۴	ابو محمد	۱۷۴۱
۱۱۵ ؟	ابوالغازی ثانی	۱۷۴ ؟
۱۱۵۸	کیپ	۱۷۴۵
حدود ۱۱۸۴	ابوالغازی ثالث	حدود ۱۷۷۰
۱۲۱۹	ایلتزر	۱۸۰۴
۱۲۲۱	محمد رحیم	۱۸۰۶

۱۸۲۵	اله‌قلی	۱۲۴۱
۱۸۴۲	رحیم قلی	۱۲۵۸
۱۸۴۵	محمد امین	۱۲۶۱
۱۸۵۵	عبدالله	۱۲۷۱
۱۷۵۵	قتلغ محمد	۱۲۷۲
۱۸۵۶؟	سید محمد	۱۲۷۲؟
۱۸۷۲-۱۸۶۵	سید محمد رحیم	۱۲۸۹-۱۲۸۲

(قلمرو این سلسله ضمیمه روسیه شد)

۲-۱- خانان خوقند

از حدود ۱۱۱۲ تا ۱۲۹۳

[مطابق ۱۷۰۰، ۱۸۷۶ م.]

شاهرخ که مدعی رساندن نسب خود به چنگیز خان بود در حدود ۱۱۱۲ (م. ۱۷۰۰) خویشتن را در فرغانه مستقل خواند و ساسانه خانان خوقند را تأسیس کرد. در سال ۱۲۱۵ (م. ۱۸۰۰) تاشکند ضمیمه خوقند شد. خانان خوقند نیز در تاریخ ۱۲۹۳ (م. ۱۸۷۶) بتصرف روسیه درآمد.

سال میلادی	اسامی	سال هجری
حدود ۱۷۰۰	شاهرخ	حدود ۱۱۱۲
	رحیم	
	عبدالکریم	
	اردنی	
۱۷۷۰	سلیمان	۱۱۸۴
۱۷۷۰	شاهرخ ثانی	۱۱۸۴

۱۷۷۰؟	نربوته	۱۱۸۴؟
۱۸۰۰	علیم	۱۲۱۵
۱۸۰۹	محمد عمر	۱۲۲۴
۱۸۲۲	محمد علی	۱۲۳۷
۱۸۴۰	شیر علی	حدود ۱۲۵۶
۱۸۴۱	مراد	۱۲۶۱
۱۸۴۵	خدایار	حدود ۱۲۶۱
۱۸۵۷	ملا	۱۲۷۳
۱۸۵۹	شاه مراد	۱۲۷۵
۱۸۶۱	خدایار (مجدداً)	حدود ۱۲۷۷
۱۸۶۴	سید سلطان	حدود ۱۲۸۰
۱۸۷۱	خدایار (دفعه سوم)	۱۲۸۸
۱۸۷۶-۱۸۷۵	ناصر الدین	۱۲۹۲-۱۲۹۳

(متصرفات این سلسله هم ضمیمه روسیه شد)

قسمت چهاردهم

هندوستان و افغانستان

از قرن چهاردهم تا قرن سیزدهم
(مطابق قرن دهم تا دوازدهم میلادی)

- ۱۰۳ - غزنویان
- ۱۰۴ - غوریان
- ۱۰۵ - سلاطین دهلی
- ۱۰۶ - سلاطین بنگاله
- ۱۰۷ - سلاطین جاوینپور
- ۱۰۸ - سلاطین مالوه
- ۱۰۹ - سلاطین گجرات
- ۱۱۰ - سلاطین خاندیش
- ۱۱۱ - سلاطین بهمنی دکن
- ۱۱۲ - عماد شاهیان برار
- ۱۱۳ - نظامشاهیان احمد نگر
- ۱۱۴ - شاهان بریدی بیدار
- ۱۱۵ - عادل شاهیان بیجاپور
- ۱۱۶ - قطبشاهیان غلکنده
- ۱۱۷ - امپراطوران مغول هند
- ۱۱۸ - امرای افغانستان

قسمت چهاردهم

هندوستان و افغانستان

از قرن چهاردهم تا سیزدهم

﴿ مطابق قرن دهم تا نوزدهم میلادی ﴾

از سرزمین هندوستان هیچ قسمت مهمی بتصرف خلفا در نیامد
مسلمین اندکی بعد از تسخیر هرات در سال ۴۴ (۶۶۳ م) بطرف
کابل پیش راندند و بشهر مولتان نیز رسیدند ولی این سفر هیچوقت
صورت تصرف دائمی پیدا نکرد ولی سفری که ازطرف جنوب کردند
نتایج بیشتر دادچه در قرن اول هجری بحریمایان مسلمان از سمت دریا
مکرر تادهانه شط سند جاورفتند و در سال ۹۲ (۷۱۱ م) محمد قاسم
نواده حجاج بن یوسف حکمران مشهور بصره ولایت سند را ازطرف
ساحل تاحوالی مولتان مسخر نمود ولی در سدد توسعه پیشرفت خود
بر نیامد و این ولایت را حکام عرب تا قریب دو قرن تحت حکومت خود داشتند.
تسخیر هندوستان بتوسط مسلمین باوجود این مقدمات از راه سند صورت
نگرفت بلکه از طریق افغانستان انجام پذیرفت تسخیر اراضی کوهستانی جنوب
هندو کش ازطرف مسلمین موقتی و اسبی بود تا آنکه یعقوب بن لیث
صفاری (رجوع کنید بصفحه ۱۱۷) کابل را تسخیر نمود و او اولین
امیر مسلمانست که بکابل حاکمی مسلمان فرستاده ، بعد از سلسله صفاری
سامانیان باین قسمت حکام می فرستادند و یکی از این حکام محلی سامانی
البتگین نام در شهر غزنه سلسله غزنویان را که اولین سلسله مستقل
افغانستان است تأسیس نمود .

از این تاریخ بعد غزنه تا مدت دو قرن پای تخت سلسله مقتدر غزنوی بود و لشکر کشیهای سلاطین این سلسله و برقراری ایشان در لاهور ابتدای حکومت واقعی مسلمین در هندوستانست. سلطنت غزنویان لاهور راه را برای محمد بن سام غوری و جانشینان او که سلاطین دهلی باشند برای تصرف تمام شمال هندوستان و انتشار اسلام در آن ناحیه باز نمود. هجوم مغول بهند تحت سرداری بابر اختلافاتی را که بر اثر ضعف سلاطین دهلی در سنین آخری سلطنتشان پیش آورده بود رفع کرد و نواده بابر یعنی اکبر شاه دولت باشکوه مغولان کبیر هند را که تا قرن اخیر دوام داشت تحت انتظامی صحیح در آورد.

۱۰۳ - غزنویان

(در افغانستان و پنجاب)

از ۳۵۱ تا ۵۸۲

(مطابق ۹۶۲ - ۱۱۸۶ م.)

در میان غلامان ترکی که امرای سامانی بمقام مهم حکومت ولایات متصرفی خود سرافراز کردند یکی البتگین بود که عبدالمالک او را بفرماندهی لشکر مقیم خراسان فرستاد و او چون عبدالمالک مرد و از این سمت افتاد در سال ۳۵۱ (۹۶۲ م.) شهر غزنه در دامنه کوههای سایمان مقر سابق خود برگشت و البتگین در مواقع مستحکم کوهستانی افغانستان بخوبی میتوانست در مقابل قدرت متزلزل مخدومین خود مقاومت بخرج دهد ولی چون بزودی مرد نتوانست بر توسعه قلمرو خود بیفزاید و پسرش اسحاق و غلامش بلکانگین نیز هیچکدام از عهد انجام این مقصود بر نیامدند.

مؤسس واقعی سلسله غزنوی سبکتگین غلام دیگر البتگین است

که داماد او نیز بوده چه سبکتگین حوزه حکومتی خود را از دو طرف بسط داده: از يك طرف در سمت حدود هندوستان قبایل رَجِپُوت را مغلوب ساخته و شهر پيشاور را تحت فرمان خویش آورده و از طرفی دیگر در ایران خراسان را گرفته و بسال ۳۸۴ (۹۹۴ م) از جانب نوح سامانی بحکومت آن مملکت نامزد گردیده است و این انتصاب او در نتیجه کمکی بود. است که سبکتگین بامیر سامانی در خواباندن انقلابات ماوراءالنهر کرده.

سبکتگین نظر بحق شناسی یا از راه احتیاط نسبت بامرای سامانی اظهار تبعیت نمود ولی این اظهار اوفقط اسمی بلامسمی بود و قدرت او مقارن سال فوتش (۳۸۷ - ۹۹۷ م) بمراتب بر اقتدار امیر سامانی می چربید. محمود غزنوی پسر سبکتگین یکی از بزرگترین نمایندگان تاریخ اسلام است و او پس از عزل برادر جواترش اسماعیل که بخلاف او برخاسته بود از اطاعت از امیر ضعیف النفس سامانی سر پیچید و مستقیماً خلیفه بغداد فرمان حکومت خراسان و غزنه را گرفت و خلیفه که باو این اقتدار را بخشیده بود کمی بعد تحت الشعاع محمود واقع شد *

معمولاً میگویند که محمود از این تاریخ لقب سلطان را که تا این وقت هیچک از امرای مسلمان نیافته بودند اختیار کرده ولی از مسکوکات او چنین مطلبی بر نمی آید چه در روی آنها محمود خود را گاهی امیر و سید و یکی دوبار هم مالک خوانده و هیچوقت عنوان سلطان مذکور نیست. اولین کسی از سلسله غزنوی که لقب سلطان داشته ابراهیم است که از سلاجقه تقلید نموده و سلاجقه بشهادت مسکوکات ایشان اولین کسانی هستند که بلقب سلطان معروف شده اند و سلطان ابراهیم اولین سلطان هندوستان است که مثل یکی از زهاد عملی عمر خود را باستنساخ قرآن می گذرانده و فرزندان داشته (مؤلف)

این بیان گویا صحیح نیست چه محمود بشهادت مورخین اسلامی اولین کسی است که لقب سلطان یافته و او را خلف بن احمد صفاری در سال ۳۹۳ پس از دست یافتن محمود بر او باین عنوان خوانده و این قصه مشهور است. (مترجم)

محمود پس از صاحب باخوانین مقتدر ایلک خانیه که سلسله سامانی را برانداخته بودند بیک سلسله جهاد بامشرکین هندوستان شروع کرد و در دوازده فر مابین سنوات ۳۹۲ و ۴۱۵ (۱۰۰۱-۱۰۲۴ م.) از مرتفعات ایران شرقی بجایگاههای هندوستان سرازیر گردید و دامنه لشکر کشیهای خود را تا حدود کشمیر و پنجاب توسعه داد و بلاد قنوج و مترا را در سال ۴۰۸ (۱۰۱۷ م.) گرفت و سومنات و انهلواره پای تخت گجرات را در ۴۱۵ (۱۰۲۴ م.) غارت کرد.

محمود بیشتر بقصد غارت و اقناع حس تعصب یک تر مسلمان واقعی در راه جهاد با کفار باین سفرها اقدام می نمود و بهمین جهت هم لقب « بت شکن » یافت و باغنایم بسیار که از غارت بتکده های سومنات و مترا نصیب او شده و مبالغی عظیم ثروت بود بغزنه برگشت. این نواحی از این تاریخ ضمیمه ممالک غزنوی شد و راجه گجرات نیز دست نشانده محمود گردید.

محمود غیر از فتوحاتی که در سمت هندوستان کرد پس از اطمینان خاطر از جانب ایلک خان در ۴۰۱ (۱۰۱۰ م.) بلاد غور را مسخر ساخت و دو سال بعد نواحی مرغاب علیا را ضمیمه قلمرو خود نمود و در ۴۰۷ (۱۰۱۶ م.) ماوراء النهر را بادو پای تخت آن بخارا و سمرقند مالک گردید.

محمود در آخر ایام سلطنت گرفتار خطر بزرگی از جانب ترکمانان ساجوقی شد ولی ترکمانان که ابتدا محمود بی اعتنائی با ایشان معامله نموده بود بریاست طغرل بیک و جری بیک قدرتی کامل بهم رساندند و با اینکه محمود در سال ۴۱۸ (۱۰۲۷ م.) ایشان را بظاهر مطیع خود کرد ولی موفق بجای گیری از پیشرفت قطعی آن طایفه نگردید.

پس از مراجعت از سفری که بداخله ممالك قديمه خلفا کرده و در نتیجه آن اصفهان را از دیالمه منتزع نموده بود محمود در بهار سال ۴۲۱ (۱۰۳۰ م) در غزنه مرد و او با اینکه بتشویق از عام و ادب و معارف شهرت یافته بیشتر مقام بزرگیش نتیجه هنر لشکر کشی و مملکتداری است . در عهد او غزنه حکم دارالعام را داشت و جلال دربار او جالب بزرگترین نمایندگان ادبیات آن عصر بود و با بودن شاعری مثل فردوسی در دربار غزنه شاید بتوان گفت که هیچیک از پای تخت های آسیا تا آن تاریخ مظهر چنان جلالی نشده بود * بعلاوه این شهر عمارات و مساجد و سدها و ابنیه خیریه بسیار داشت و این جمله را محمود از هند آموخته بود و او گذشته از تحصیل غارت اموال از هندوستان از معاملات مردم آن نیز نصیبی بر گرفت .

دولت محمود از لاهور تا اصفهان و سمرقند بسط داشت ولی قسمت غربی آن بزودی مجزاشد چه سلاجقه چنانکه دیدیم در ظرف چند سال پس از منهزم کردن مسعود پسر او در نزدیکی مرو تمام ولایات ایران و ماوراءالنهر را از تصرف غزنویان بیرون بردند و از بلخ و خوارزم تا اصفهان وری رادر فاصله سنوات ۴۲۹ و ۴۳۷ (۱۰۳۷ و ۱۰۴۵ م) مسخر خود نمودند و سلاطین غزنوی از این تاریخ ببعد دیگر از ممالك غزنی چشم پوشیده بهمان ولایات غربی قناعت کردند و پای تخت ایشان غزنه نیز در سال ۵۵۶ (۱۱۶۱ م) بدست غوریان افتاد .

از دست رفتن ولایات غربی موجب برقراری غزنویای در هندوستان

* رجوع کنید بکتاب تاریخ هندوستان تألیف الفین ستن Elphinstone صفحات

(۳۴۱ - ۳۴۵) (طبع پنجم سال ۱۸۶۶)

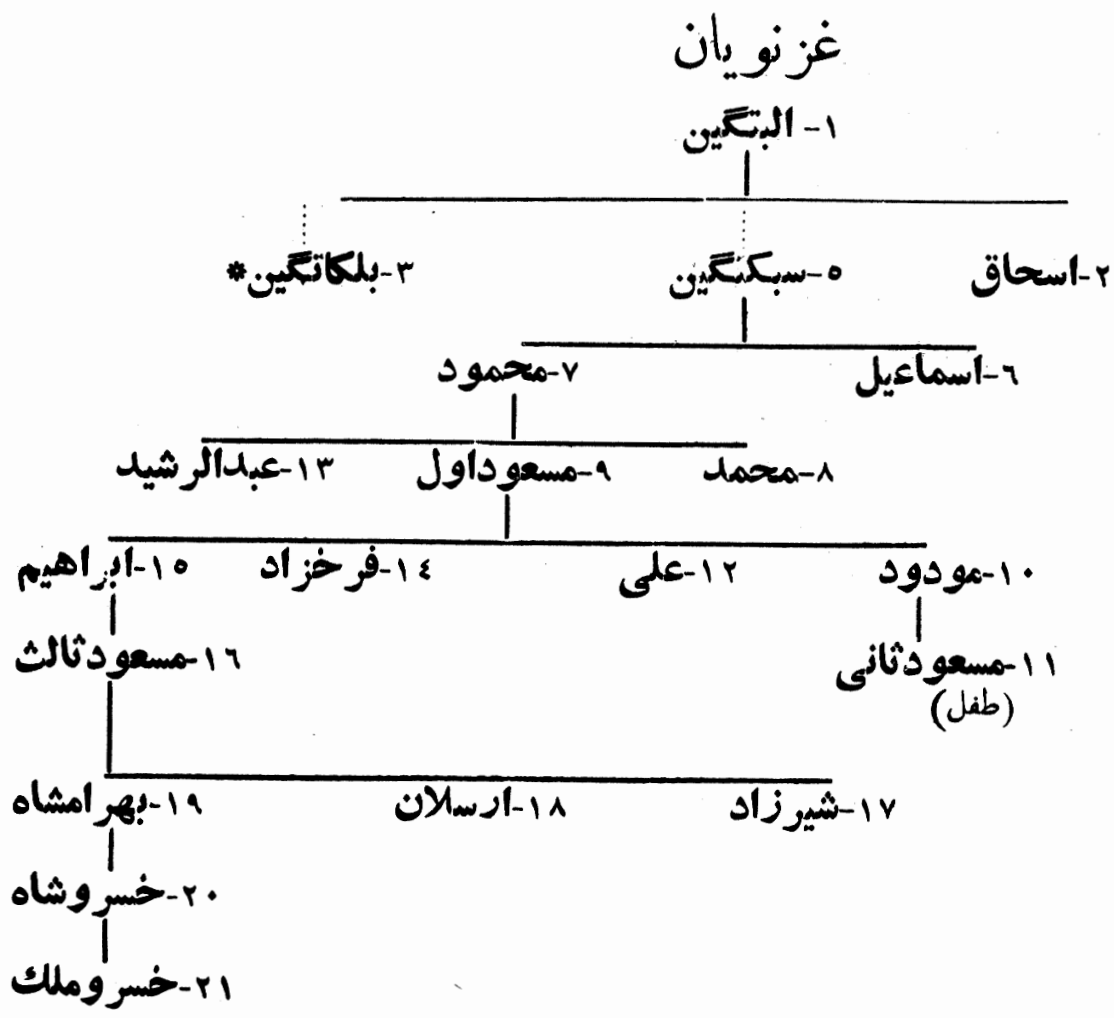
گردید تا آنکه در تاریخ ۵۸۲ (۱۱۸۶ م) جانشینان محمود غزنوی که دیگر لیاقت اظهار جاه طلبیهای سابق را نداشته در مقابل، افغانان صلب غوری از میان رفتند و متصرفات ایشان در هند از دست رفت و دوره سلطنت سلسلههای مستقل مسلمان در این سرزمین شروع شد .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۳۵۱	البتگین	۹۶۲
۳۵۲	اسحاق	۹۶۳
۳۵۵	بلکاتگین *	۹۶۶
۳۶۲	پیری	۹۷۲
۳۶۶	سبکتگین	۹۷۶
۳۸۷	اسماعیل	۹۹۷
۳۸۸	محمود ، یمین الدوله	۹۹۸
۴۲۱	محمد ، جلال الدوله	۱۰۳۰
۴۳۲	مسعود اول ، الناصر لدین الله	۱۰۳۰
۴۴۰	مودود ، شهاب الدوله	۱۰۴۰
۴۴۰	مسعود ثانی	۱۰۴۸
۴۴۰	علی ابوالحسن ، بهاء الدوله	۱۰۴۸
۴۴۰	عبدالرشید ، عز الدوله	۱۰۴۹
۴۴۴	طغرل عاصب	۱۰۵۲
۴۴۴	فرخزاد ، جمال الدوله	۱۰۵۲
۴۵۱	ابراهیم ، ظهیر الدوله	۱۰۵۹

* برای تاریخ غزنویان اولیه رجوع کنید بمقاله اولیور Oliver در مجله آسیائی
بنگاله تحت عنوان تنزل سامانیان در جاد پنجم قسمت اول سال ۱۸۸۶

۱۰۹۹	مسعود ثالث ، علاء الدوله	۴۹۲
۱۱۱۴	شيرزاد ، کمال الدوله	۵۰۸
۱۱۱۵	ارسلان ، سلطان الدوله	۵۰۹
۱۱۱۸	بهرامشاه ، يمين الدوله	۵۱۲
۱۱۵۲	خسرو شاه ، معز الدوله	۵۴۷
۱۱۸۶-۱۱۶۰	خسرو ملك ، تاج الدوله	۵۸۲-۵۵۵

(اين سلسله را غوريان برانداختند)



۱۰۴- غوریان

(در افغانستان و هندوستان)

از ۵۴۳ تا ۶۱۲

﴿ مطابق ۱۱۴۸ ۱۲۱۵ میلادی ﴾

ولایت غور مابین هرات و غزنه از خیلی قدیم مرکز سلسله کوچکی بود که در حقیقت استقلال داشت و قلعه فیروز کوه قرارگاه افراد آن محسوب میشد

محمود غزنوی در سال ۴۰۱ (۱۰۱۰ م) این ولایت را تحت اطاعت خود آورد و این در موقعی بود که افغانان غوری بریاست محمد بن سوری سر می کردند. فرزندان این شخص از طرف غزنویان مدتها بود حکومت فیروز کوه و بامیان را در دست داشتند و بعضی از ایشان با غزنویان وصات نیز کردند و از این راه با ملوک غزنه متحد گردیدند.

بهرامشاه غزنوی پدر زن غوری خود قطب الدین محمد را کشت و برادر قطب الدین یعنی سیف الدین سوری در سال ۵۴۳ (۱۱۴۸ م) با انتقام این حرکت غزنه را گرفت ولی سال بعد بهرامشاه بغزنه داخل شد و سوری را گرفته کشت، این حرکت ثانوی بهرامشاه برادر دیگر قطب الدین یعنی علاء الدین حسین ملقب به جهانسوز را بر آن داشت که غزنه پایتخت زیبای محمود غزنوی بت شکن را طعمه حریق و قتل و غارت کند و پس از سوختن آن شهر بغور برگردد. علاء الدین جهانسوز پس از مختصر اسیری در دست سلطان سنجر پادشاه سلجوقی خراسان در سال ۵۵۶ (۱۱۶۱ م) فوت کرد و مرگ او مقارن بود با هرج مرج کلی اوضاع خراسان و افغانستان و استیلای ترکمانان غزو تحت الشعاع ماندن سلاجقه و غوریان هر دو.

تر کمانان غز بسرعت درایران منتشر شدند و پس از برگشتن ایشان دو برادر از بردارزادگان علاءالدین جهانسوز بر غوریان ریاست یافتند. ارشدشان که غیاث‌الدین بن‌سام بود غزنه را در سال ۵۶۹ (۱۱۷۳ م) از چنگ طایفه غز بیرون آورد و دو سال بعد هرات را نیز مسلم خود کرد و تا سال مرگ خویش یعنی ۵۹۹ (۱۲۰۲ م) بر تمام ممالک وسیعۀ اجدادی حکومت و تسلط داشت.

برادر جوان تر او شهاب‌الدین که بعد ها معزالدین لقب یافت و غالباً به محمد غوری معروفست حکمران حقیقی و توسعه دهنده واقعی ممالک غوری است چه اوقسمتی از خراسان را از سلاجقه گرفته و در طی یک رشته لشکر کشی به هندوستان سند و مولتان را بسال ۵۷۱ از دست خاندان مسلمان حکام عرب بیرون آورده و آخرین بازماندگان غزنویان را که بلاهور پناهنده شده بودند در تاریخ ۵۸۲ (۱۱۸۶ م) مطیع خویش کرده و بزرگ طایفه رجپوت‌های چوهان یعنی پریتوی راجه آحمیر حمله برده است.

سلطان محمد غوری در حماه اول (سال ۵۸۷) شکست سخت خورده و تلفات بسیار داده ولی در سال بعد در میدان جنگ قانیسوار رجپوت‌ها را بشدت مغلوب ساخته و این شکست بقتل راجه پریتوی و یکعده دیگر از یکصد و پنجاه امیری که برای دفاع هندوستان جمع آمده بودند منتهی شده و تمام شمال هندوستان تقریباً تحت امر محمد غوری درآمد، قنوج در ۵۹۰ گوالیور و بندلخند و بهار و بنگاله یکی از بعد از دیگری بدست سرداران سلطان محمد مسخر مسلمین گردیده است و این اولین باری بود که تمام هندوستان کم و بیش قبول اسلام می کردند.

محمد غوری مادام که برادرش حیات داشت با وفاداری تمام از او اطاعت می کرد و چون برادرش در ۵۹۹ (۱۲۰۲ م) مرد بمقام سلطنت جانشین او شد و در اولین قدم با خوارزمشاهیان که سراسر ایران را بطبع فرمان خود کرده و با افغانستان دست انداخته بودند بمعارضه پرداخت در اثنای این گرفتاری محمد غوری يك دسته از طایفه غنجر بسال ۶۰۲ (۱۲۰۶ م) بقتل رساندند و سلسله غوریان دیگر بعد از او دوامی نکرد. برادر زاده اش محمود اگر چه بجای عم بساطانی نامزد شد ولی اتحاد مملکت بهم خورد و غلامان ترك که در عهد محمد غوری بسرداری لشکر ها رسیده بودند باستقلال خواهی برخاستند و اولین ایشان قطب الدین آيک است که نخستین سلسله مماليك را در دهای تشکیل داده بهمین ترتیب ناصر الدین قباچه در سند و یلدر در غزنه بامارت پرداختند.

سلطان غور دیگر فقط بريك قسمت که کوچکتر ر تمام افغانستان غربی بود یعنی ولایات غور و هرات و قسمتی از خراسان حکومت داشت و این نواحی را هم لشکریان سلطان محمد خوارزمشاه در سال ۶۱۲ (۱۲۱۵ م) از تصرف غوریان خارج نمودند. با وجود این باز بعضی از احفاد غوریان مدتها بعد پاره ای قسمتها از ولایات اجدادی را مسخر کردند و ملوک کُرت یعنی امرای هرات خود را از نژاد سلطان محمد غوری میدانستند.

در جدول مقابل این صفحه نسب و مراکز فرمانروائی افراد عمده خاندان غوری مشخص شده است*

* برای اطلاعات مبسوط تر رجوع کنید بکتاب: اطلاعات بیشتر در باب سلسله مسکوکات ملوک غزنه تألیف توماس E. Thomas (سال ۱۸۵۹).

۱۰۵ - سلاطین دهلی

(در هندوستان)

از ۶۰۲ تا ۹۶۲

(مطابق ۱۲۰۶ - ۱۵۵۴ میلادی)

سلطان محمد غوری بعد از آنکه هندوستان شمالی را با بدست خود و با بدست سرداران خویش تازید یکی دهانه شط گنگ تسخیر کرد قطب الدین آیبک یکی از غلامان خود را بنیابت در دهلی گذاشت و چون محمد غوری در ۶۰۲ (۱۲۰۶ م) کشته شد قطب الدین خویشتر را پادشاه هندوستان اعلان نمود و اولین سلسله مسلمان را که منحصرأ در هندوستان فرماندهی داشته اند تشکیل داد چه قبلا قسمت مسلمان نشین هند حکم یکی از مستعمرات خارجی غزنویان را داشت. این سلسله را که اولین سلاله از پنج سلسله است که قبل از دوره سلطنت مغول بر هندوستان حکومت کرده اند سلاطین مملوک می گویند و بزرگترین سلطان آن الشمسی است که حکمران سند یعنی ناصر الدین قباچه را مغلوب ساخته و حا که بنگاله را بشناختن سیادت سلاطین دهلی واداشته و در خواست یلدز را در احیای دولتی که خوارزمشاه آنرا در غزنه از میان برده بود در هندوستان رد کرده و با تقاضای سلطان جلال الدین منکبرنی پسر خوارزمشاه که از جاوی مغول بهند گریخته و خیال حکومت بر هند داشته موافقت ننموده است.

مغول از خوشبختی مردم هندوستان چندان مدتی در کنار سند نماندند فقط چند سالی بوسیله تعرضاتی موجب وحشت سکنه آن حدود بودند، التمه با کمال قدرت ناحیه واقع در شمال جبال وینضیا را تحت فرمان خود نگاه داشت و خلیفه عباسی بغداد فرمان رسمی سلطنت را بنام الشمس که اولین دولت مستقل مسلمان را در هند تشکیل داده بود

صادر نمود. رضیه دختر التمش تنها زنی است که بر کرسی سلطنت دهلی جلوس کرده و بعدها ملکه ویکتوریا بسال ۱۸۵۸ م. من غیر مستقیم همین مقام را یافته است.

در ایام سلطنت آخرین سلطان این سلسله هندوها بغیرت آمده مصمم بدست آوردن قدرتی که لشکریان سلطان محمد غوری و التمش از کف ایشان بدر برده برآمدند و بلبین چند فقره از انقلابات داخلی را که نتیجه سیاست او در شوراندن حکام سلاطین مملوک بود خواباند و وی او از این سیاست زیاد فایده ای برنداشت چه سلسله خود او نیز گرفتار همین بلیه شد.

ترکان خَلجی دومین سلسله مسلمان را در هندوستان تشکیل داده اند و ایشان حوزه اقتدار مسامین را بماوراء جبل وینضیا کشانده و بر ولایت دکن نیز دست یافته اند.

علاء الدین محمد در سال ۶۹۷ (۱۲۹۷ م.) گجرات را مجدداً مسخر کرده و چیتور را گرفته و راجپوتها را با آسانی در سال ۷۰۳ (۱۲۰۳) مطیع خود ساخته است و مملک کافور از سرداران و خواجه سرایان او بر دیوگیری و ورنگل دست یافته و دکن را یکی از ولایات تابع سلطنت دهلی نموده است.

بسط فوق العاده دوات دهلی موجب تجزیه آن شد چه بعد از آن که قدرت در دست یکی از غلامان ترك قرار گرفت محمد بن تغلق مؤسس سلسله تغلقیه که مردی فوق العاده بود ولی فکری عجیب داشت چون دید نمیتواند دکن را از دهلی اداره کند ناچار دربار و پای تخت خود را بشهر دیوگیری انتقال داد و آنجا را دولت آباد نامید ولی با این تدبیر هم بر رفع انقلاباتی که در کار پیش آمدن بود

توفیق نیافت و چون جمیع ولایات شوریدند اوقات او بتمامی مصروف بدویدن از این حد مملکت بآن حد آن بود تا مگر شورشها را که بروز کرده بخواباند و در عهد جانشینان او عموم ولایات یکی پس از دیگری از ولایت مرکزی جدا شدند و دولت سلاطین دهلی بولایت کوچکی منحصر شد که در اطراف پایتخت ایشان بود.

هجوم امیر تیمور بهند در سال ۸۰۱ (۱۳۹۸-۱۳۹۹ م.) شمال هندوستان را بقتلگاه مبدل ساخت و این پیش آمد بیشتر بتجزیه دولت اسلامی هند کمک کرد و دو خاندان سادات و لودی بعد از سلسله تغلقیه روی کار آمدند ولی دولتهای ایشان هیچکدام شامل ولایاتی که سابقاً مسالمین در دست داشتند نبود. بنگاله و جونپور و مالوه و گجرات را سلسلههای مستقل اسلامی در تصرف داشتند و رجبوتها و هندو دکن نیز ولایات از دست رفته را مجدداً مسخر خود کرده بودند.

استیلای مغول تحت سرداری بابر تمام شمال هندوستان را باستانی بنگاله در فاصله سنوات ۹۳۲ و ۹۳۷ (۱۵۲۶-۱۵۳۰ م.) تحت یک حکومت آورد و بابر موفق شد که اجزاء متفرق دولت علاءالدین خلجی را بار دیگر بیکدیگر منضم نماید. بعد از مرگ بابر شیر شاه و افغانه بنگاله در سنوات ۹۴۶ و ۹۴۷ (۱۵۳۹-۱۵۴۰ م.) مغولان اردوی بابر را منهزم کردند و شیر شاه که افغانی رشید و مدبر بود بار دیگر قدرت از دست رفته مسالمین را احیا کرد ولی مردم ولایات زیر بار فرمان او نرفتند و راه برای مراجعت پسر بابر همایون باز شد و همایون در سال ۹۶۲ (۱۵۵۴ م.) سلطنت از دست رفته را بدست آورد و اکبر شاه که مشهورترین امپراطوران سلسله مغول هند است دولت اجدادی را بر اساسی مستحکم بنا نهاد و سلسله ایشان تا قرن گذشته باقی بود.

الف - سلاطين مملوك

١٢٠٦	قطب الدين آيبك	٦٠٢
١٢١٠	آرامشاه	٦٠٧
١٢١٠	التمش، شمس الدين	٦٠٧
١٢٣٥	فيروزشاه اول، ركن الدين	٦٣٣
١٢٣٦	رضيه	٦٣٤
١٢٣٩	بهرامشاه، معز الدين	٦٣٧
١٢٤١	مسعودشاه، علاء الدين	٦٣٩
١٢٤٦	محمودشاه اول، ناصر الدين	٦٤٤
١٢٦٥	بلبن، غياث الدين	٦٦٤
١٢٨٧	كيقباد، معز الدين	٦٨٦

ب - سلاطين خلجي

١٢٩٠	فيروزشاه ثاني، جلال الدين	٦٨٩
١٢٩٥	ابراهيمشاه اول، ركن الدين	٦٩٥
١٢٩٥	محمدشاه اول، علاء الدين	٦٩٥
١٣١٥	عمرشاه، شهاب الدين	٧١٥
١٣١٦	مباركشاه اول، قطب الدين	٧١٦
١٣٢٠	خسروشاه، ناصر الدين	٧٢٠

ج - تغلقيه

١٣٢٠	تغلقشاه اول، غياث الدين	٧٢٠
١٣٢٤	محمدثاني، ابن تغلق	٧٢٥
١٣٥١	فيروزشاه ثالث	٧٥٢
١٣٨٨	تغلقشاه ثاني	٧٩٠
١٣٨٨	ابوبكرشاه	٧٩١

۱۳۸۹	محمدشاه ثالث	۷۹۲
۱۳۹۲	سکندر شاه اول	۷۹۵
۱۳۹۲	محمود شاه ثانی	۷۹۵
۱۳۹۴	نصرت شاه (در دوره فترت)	۷۹۷
۱۳۹۹	محمود شاه (مجدداً)	۸۰۲
۱۴۱۲	دولت خان لودی	۸۱۵

د - سادات

۱۴۱۴	خضر خان	۸۱۷
۱۴۲۱	مبارکشاه ثانی ، معزالدين	۸۲۴
۱۴۳۳	محمدشاه رابع	۸۳۷
۱۴۴۳	عالم شاه	۸۴۷

ه - لودیان

۱۴۵۱	بهاول لودی	۸۵۵
۱۴۸۸	سکندر ثانی ، ابن بهاول	۸۹۴
۱۵۱۷-۱۵۲۶	ابراهیم ثانی ، ابن سکندر	۹۲۳-۹۳۰

(این سلسله با هجوم بابر از میان رفتند)

و - افغانه

۱۵۳۹	شیرشاه	۹۴۶
۱۵۴۵	اسلامشاه	۹۵۲
۱۵۵۲	محمد خامس ، عادلشاه	۹۶۰
۱۵۵۳	ابراهیم ثالث ، سور	۹۶۱
۱۵۵۴	سکندر شاه ثالث	۹۶۲

(این سلسله را امپراطوران مغول از میان برداشتند)

الف - سلاطین مملوک

۱ - قطب الدین آیبک
(مملوک سلطان محمد غوری)

۲- آرام = دختر ۳- التمش

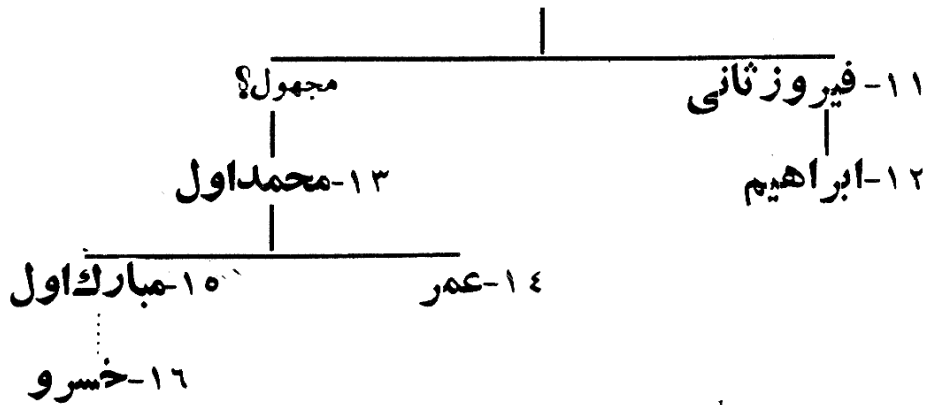
۴- فیروز اول ۵- رضیہ محمود ۶- بهرام ۸- محمود اول ۹- بلبن = دختر
۷- مسعود (در بنگالہ)

بغراخان
(در بنگالہ)

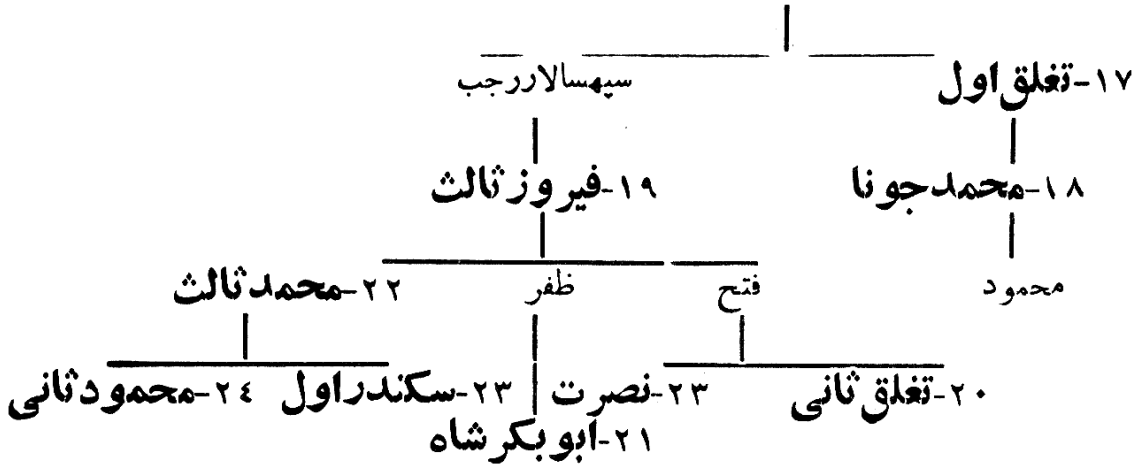
۱۰- کیتباد
کیکاوس (در بنگالہ) فیروز (در بنگالہ)

بغراشاہ (در بنگالہ غربی) بهادر (در بنگالہ شرقی) ناصرالدین (در لکنوی) قتلواخان حاتم خان (در بهار)

ب۔ سلاطینِ خلجی

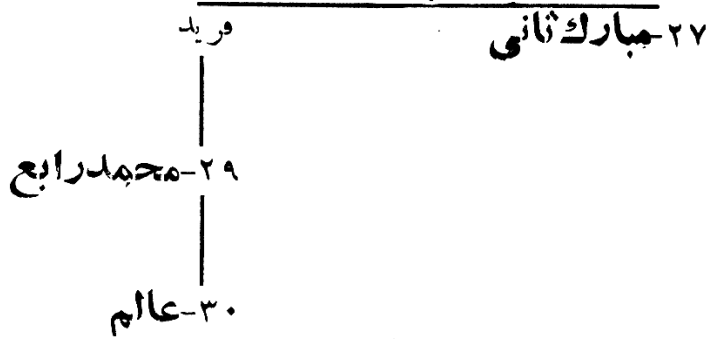


ج۔ تغلقیہ

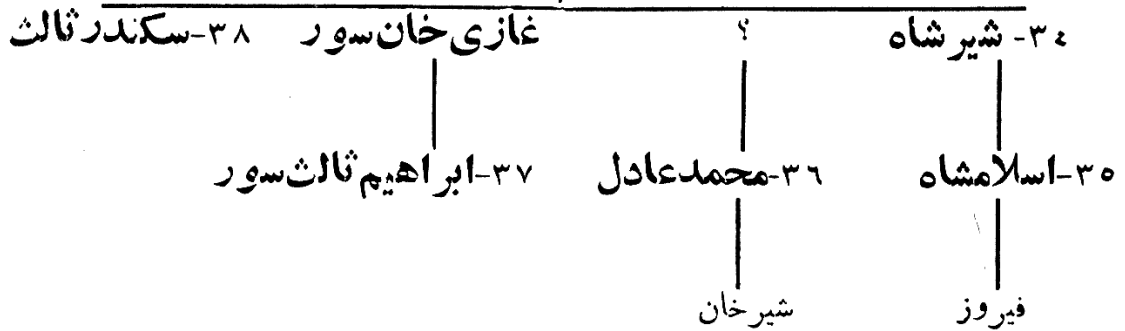


د سادات

۲۷- خضر



و - افاغنه



سلسله های ولایتی هند

ممالك محمد بن تغلق تمام هندوستان را بضمیمه تلنگانه و بعضی دیگر از ولایات دکن را شامل بود و از این ممالك آنها که دوردست تر بودند اندکی قبل از وفات او علم استقلال برافراشتند و مقارن شروع قرن ششم هجری قسمت عمده ممالك مزبور بدست سلسله های مستقل مسلمان و راجه های هندو افتاد بقرار ذیل :

سال میلادی	اسامی سلسله ها	سال هجری
۱۵۷۶-۱۲۰۲	۱- حکام و سلاطین بنگاله	۹۸۴-۵۹۹
۱۵۰۰-۱۳۹۴	۲- سلاطین شرقی جونپور	۹۰۵-۷۹۶
۱۵۳۰-۱۴۰۱	۳- سلاطین مالوه	۹۳۷-۸۰۴
۱۵۷۲-۱۳۹۶	۴- سلاطین گجرات	۹۸۰-۷۹۹
۱۵۸۷-۱۳۳۴	۵- پادشاهان کشمیر	۹۹۵-۷۳۵
۱۵۹۹-۱۳۹۹	۶- سلاطین خاندیش یعنی فاروقیان	۱۰۰۸-۸۰۱
۱۵۲۶-۱۳۴۷	۷- سلاطین بهمنی در کلبرگه	۹۳۳-۷۴۸

پس از برافتادن سلاطین بهمنی پنج سلسله ذیل متصرفات ایشان

را بین خود تقسیم نمودند :

۱۵۷۲-۱۴۸۴	۸- عمادشاهیان در ولایت برابری	۹۸۰-۸۹۰
۱۵۹۵-۱۴۹۰	۹- نظامشاهیان در ولایت احمدنگر	۱۰۰۴-۸۹۶
۱۶۰۹-۱۴۹۲	۱۰- بریدشاهیان در ولایت برید	۱۰۱۸-۸۹۷
۱۶۸۶-۱۴۸۹	۱۱- عادلشاهیان در ولایت بیچاپور	۱۰۹۷-۸۹۵
۱۶۸۷-۱۵۱۲	۱۲- قطب شاهیان در غاکنده	۱۰۹۸-۹۱۸

سلسله های هندوستان را اکبر ضمیمه دولت مغول کرد و سلسله

های دکن را اورنگ زیب .

۱۰۶- حکام و سلاطین بنگاله

از ۵۹۹ تا ۹۸۴

(مطابق ۱۲۰۲ ۱۵۷۶ میلادی)

محمد بختیار فاتح و اولین حاکم بنگاله فقط موفق شد که يك قسمت كوچك از ولایت حالیه بنگاله را که بیشتر شامل قسمتهای مجاور پای تخت آن لکنوتی بود مسخر کند.

در نیمه اول قرن هفتم هجری بلاد سونارگائون پای تخت حکام مسلمان بنگاله گردید و اسم بنگاله در آن تاریخ بر این بلاد و لکنوتی اطلاق میشد. پای تخت این سه قسمت شهر فیروز آباد یا پندوه بود تا آنکه در سال ۸۵۰ (۱۴۴۶ م) مجدداً لکنوتی پای تخت شد و لکنوتی که در ابتدا آنرا گور می گفتند تا سال ۹۷۲ (۱۵۶۴ م) بهمین حال باقی ماند و بعد از آن تانده مرکز حکومت بنگاله گردید.

حکام بنگاله بعضی اوقات بر ولایت بهار نیز ساطه داشتند و چیتا گنگ و اریسا هم اندک مدتی تحت حکومت ایشان بود. موقعیکه قدرت سلاطین دهلی رو بضعف گذاشت حکام بنگاله مصمم تحصیل استقلال گردیدند و بعضی ساساهای مستقل از میان ایشان بیرون آمد. همایون در فاصله سنوات ۹۴۴ و ۹۴۶ بنگاله را گرفت ولی چون شیر شاه در ۹۴۶ (۱۵۳۹ م) مغولان را شکستی سخت داد مجدداً برای بنگاله تعیین حکام شد و این حکام در سال ۹۶۰ دو باره تشکیل ساساهای مستقل دادند.

در سال ۹۸۲ ولایت بهار بچنگ قشون اکبر شاه افتاد و دو سال بعد بنگاله یکسره مطیع امپراطوران مغول هند گردید.

الف - حکام بنگالہ

۱۲۰۲	محمد بختیار خلجی	۵۹۹
۱۲۰۵	عز الدین محمد شیران	۶۰۲
۱۲۰۸	علاء الدین مردان	۶۰۵
۱۲۱۱	غیاث الدین عوض	۶۰۸
۱۲۲۶	ناصر الدین محمود	۶۲۴
۱۲۲۹	علاء الدین جانی	۶۲۷
۱۲۲۹	سیف الدین آیبک	۶۲۷
۱۲۳۳	عز الدین طغرل طغانخان	۶۳۱
۱۲۴۴	قمر الدین تمر خان قیران	۶۴۲
۱۲۴۶	اختیار الدین (مغیث الدین) یوزبک	۶۴۴
۱۲۵۸	لال الدین مسعود مالک جانی	۶۵۶
۱۲۵۸	عز الدین بلبن	۶۵۷
۱۲۶۰؟	محمد ارسلان تمارخان	۶۵۹؟
	شیر جان	
	امین خان	
۱۶۷۸	مغیث الدین طغرل	۶۷۷
۱۲۸۲	ناصر الدین بغراخان*	۶۸۱
۱۲۹۱	رکن الدین کیکاوس	۶۹۱
۱۳۰۲	شمس الدین فیروز شاہ	۷۰۲
۱۳۱۸	شہاب الدین بغراشاہ (بنگالہ غربی)	۷۱۸
۱۳۱۰	غیاث الدین بہادر شاہ (بنگالہ شرقی)	۷۱۰
۱۳۱۹	» (تمام بنگالہ)	۷۱۹

۱۳۲۵-۱۳۲۳	ناصرالدين (لكنوتى)	۷۲۶-۷۲۳
۱۳۳۰-۱۳۲۴	بهادرشاه مجدد آبا بهرام (بنگاله شرقى)	۷۳۱-۷۲۵
۱۳۳۸-۱۳۳۰	بهرامشاه (بتهائى)	۷۱۹-۷۳۱
۱۳۳۹-۱۳۲۵	قدرخان	۷۴۰-۷۲۶
۱۳۳۹-۱۳۲۳	عزالدين اعظم الملك (است گائون) ب - سلاطين بنگاله از ۷۳۹ تا ۹۸۴ (مطابق ۱۲۲۸ - ۱۵۷۶ ميلادى)	۷۴۰-۷۲۴
۱۳۴۹-۱۳۳۸	فخرالدين مبارکشاه (بنگاله شرقى)	۷۵۰-۷۳۹
۱۳۵۲-۱۳۴۹	اختيارالدين غازى شاه »	۷۵۳-۷۵۰
۱۳۴۵-۱۳۳۹	علاءالدين عايشاه (بنگاله غربى)	۷۴۶-۷۴۰
خاندان الياس		
۱۳۴۵-۱۳۳۹	شمس الدين الياس شاه (بنگاله غربى) قناعت كرد	۸۴۶-۷۴۰
۱۳۴۵	شمس الدين الياس شاه (بنگاله غربى)	۷۴۶
۱۳۵۸-۱۳۵۲	» (تمام بنگاله)	۷۵۹-۷۵۳
۱۳۸۹-۱۳۵۸	سكندر شاه اول، ابن الياس	۷۹۲-۷۵۹
غياث الدين اعظم شاه بن سكندر (در ۷۷۲ شوريد)		
۱۳۸۹	» ساطنتش	۷۹۲
۱۳۹۶	سيف الدين حمزه شاه بن اعظم شاه	۷۹۹
۱۴۰۶	شمس الدين بن حمزه شاه	۸۰۹
خاندان راجه كانس		
۱۴۰۹	شهاب الدين بايزيد شاه (باراجه كانس)	۸۱۲
۱۴۱۴	جلال الدين محمد شاه بن راجه كانس	۸۱۷

۱۴۳۱	شمس الدین احمد شاه بن محمد خاندان الیاس (مجدداً)	۸۳۵
۱۴۴۲	ناصر الدین محمود شاه اول	۸۴۶
۱۴۵۹	رکن الدین بارک شاه بن محمود	۸۶۴
۱۴۷۴	شمس الدین یوسف شاه بن بارک	۸۷۹
۱۴۸۱	سکندر شاه ثانی، ابن یوسف	۸۸۶
۱۴۸۱	جلال الدین فتح شاه بن محمود اول سلاطین حبشی	۸۸۶
۱۴۸۶	سلطان شاهزاده بارک	۸۹۲
۱۴۸۶	سیف الدین فیروز شاه اول	۸۹۲
۱۴۸۹	ناصر الدین محمود شاه ثانی، ابن فتح شاه (از خاندان الیاس)	۸۹۵
۱۴۹۰	شمس الدین ابوالنصر مظفر شاه خاندان حسین شاه	۸۹۶
۱۴۹۳	علاء الدین حسین شاه	۸۹۹
۱۵۱۸	ناصر الدین نصرت شاه بن حسین	۹۲۵
۱۵۳۲-۱۵۳۷	غیاث الدین محمود شاه ثالث، ابن حسین (حاکم جزء در ۹۳۳) (این خاندان را همایون بر انداخت) خاندان محمد سور	۹۳۹-۹۴۴
۱۵۵۲	شمس الدین محمد سور غازی شاه	۹۶۰
۱۵۵۴	بهادر شاه خضر بن محمد سور	۹۶۲
۱۵۶۰	غیاث الدین جلال شاه بن محمد سور	۹۶۸
۱۵۶۳	پسر غیاث الدین	۹۷۱

خاندان سلیمان قرارانی

۹۷۱	سلیمان خان قرارانی (بهار و بنگاله)	۱۵۶۳
۹۸۰	بایزید شاه بن سلیمان	۱۵۷۲
۹۸۰-۹۸۴	داود شاه بن سلیمان	۱۵۷۲-۱۵۷۶

(این خاندان را امپراطوران مغول از میان برداشتند)

۱۰۷ - سلاطین شرقی جونپور

از ۷۹۶ تا ۹۰۵

﴿ مطابق ۱۳۹۴ - ۱۵۰۰ میلادی ﴾

خواجه جهان وزیر محمود از خاندان تغلقی خدمت مخدوم جوان خویش را ترك گفته در **جونپور** بتأسیس دولتی مستقل قیام نمود و او و فرزندانش نیز بهار و اود و قنوج و برانچ را تحت امر خود داشتند و با کفایتی که آثار ایشان شاهد آنست در آن نقاط سلطنت میکردند سلاطین شرقی جونپور چند جنگ نیز با مخدومین اولی خود یعنی سلاطین دهلی کردند و دوبار نیز فتح نمودند و بهمین شکل با سلاطین مالوه هم دست و پنجه نرم کردند .

در سال ۸۸۱ (یا بقول بعضی از مورخین در ۸۷۹) جونپور را سکندر شاه بن بهلول گرفت و آنرا ضمیمه دهلی نمود ولی طرفداران خاندان مطرود حسین شاه زیر بار نرفتند و مدتی برای احیای این سلسله از دست رفته کوشیدند .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۷۹۶	خواجه جهان	۱۳۹۴
۸۰۲	مبار کشاه	۱۳۹۹
۸۰۳	شمس الدین ابراهیم شاه شرقی بن مبار کشاه	۱۴۰۰

۸۴۴	• محمود شاه بن ابراهیم	۱۴۴۰
۸۶۱	• محمد شاه باشرکت پدرش • محمود	۱۴۵۶
۸۶۳-۹۰۵	حسین شاه بن محمود (در ۸۸۱ بینگاله ۱۴۵۸-۱۵۰۰ گریخت و در ۹۰۵ مرد)	

(این سلسله را سلاطین دهلی منقرض کردند)

۱۰۸- پادشاهان مالوه

از ۸۰۴ تا ۹۳۷

✽ مطابق ۱۴۰۱-۱۵۳۰ میلادی ✽

مالوَه یکی از قدیمترین دولتهای طایفه رچپوت است که مدت ها در مقابل تعرض مسلمین از خود مقاومت بخرج داده و سلسله های سلاطین هندوی آن پای تخت خود **او جین** را یکی از مراکز معتبر عام و ادب کرده و بهمین جهت در تاریخ ذکری بخیر دارند. مالوه مدت سه قرن مقاومت نمود تا در عهد سلطان بلبن از سلاطین دهلی • مطیع شد. سرحد طبیعی آن عبارت بود از طرف جنوب نهر فریدا، از شمال چمبل، از مغرب گجرات و از مشرق بند لخند ولی در عهد سلاطین خلجی هوشنگ آباد و اجمیر و رن تمبور والیچ پور را شامل بود و چیتور نیز گاهی بسلاطین آن خراج میداد.

پای تخت اسلامی مالوه در شهر هندو قرار داشت که آنرا هوشنگ غوری در جاگه وسیعی در میان دره های عمیق ساخته بود و مساجد آن اشتهار بسیار داشت.

از ملوک مسلمانان دو سلسله یکی بعد از دیگری در مالوه سلطنت کرده اند: اول سلسله ای که آنرا **دلاور خان غوری** از حکام سلاطین دهلی تشکیل داد و شامل او و پسر و نواده اش بیش نیست، دوم

سلسله ای که محمود خلجی وزیر تُرادهٔ دلاور خان پیا کرده و آن در ۹۳۷ (۱۵۳۰ م) از میان رفته و آن موقعی بوده است که مالوه را پادشاه مهاکت مجاور یعنی گجرات که دائماً باحکام مالوه در زد و خورد میزیسته مسخر ساخته است ،

طایفه خلجی مردمانی جنگی بودند و در عهد ایشان اشکوریان مالوه از شمال تا پشت دروازه های دهلی و از جنوب تا فیدر تاختند و بار چپوت های چیتور و چندری رشته جنگ های ایشان قطع نمیشد *

۱- غوریان

۸۰۴	دلاور خان غوری	۱۴۰۱
۸۰۸	هوشنگ الب خان بن دلاور	۱۴۰۵
۸۳۸	محمد غزنی خان بن هوشنگ	۱۴۳۴
۲- خلجیان		
۸۳۹	محمود شاه اول خلجی	۱۴۳۵
۸۸۰	غیاث شاه بن محمود	۱۴۷۵
۹۰۶	ناصر شاه بن غیاث شاه	۱۵۰۰
۹۱۶-۹۳۷	محمود ثانی، ابن ناصر شاه	۱۵۱۰-۱۵۳۰

۱۰۹- سلاطین گجرات

از ۷۹۹ تا ۹۸۰

﴿ مطابق ۱۳۹۶-۱۵۷۲ م ﴾

گجرات بعثت وضع طبیعی مخصوص مدتها از دستبرد مسلمین محفوظ مانده چه این مملکت پشت صحرائی عظیم و تپه های متصل

* فهرست سلاطین کشمیر نیز علی القاعده باید در اینجا ذکر شود ولی چون نواریخ ایشان درست در دست نیست نمیتوان جدول دقیقی بدست داد رجوع کنید بکتاب مؤلف در باب فهرست مسکوکات ممالك اسلامی هند .

رشته جبال و ینضیا و کوههای آراوالی واقع شده و بهمین علت دست یافتن بآن جز از طریق دریا بسهولت ممکن نیست .

گجرات در عهد علاءالدین سلطان دهلی یعنی در آخر قرن هشتم هجری از ولایات اسلامی گردیده در آخر قرن نهم استقلال خود را بدست آورد اما این بار دیگر فرمانروایان آن بجای هندو مسالم بودند . **ظفرخان** پسریکی از افراد طایفه رچپوت که اسلام آورده بود در سال ۷۹۴ بحکومت گجرات نامزد گردید و او در سال ۷۹۹ (۱۳۹۶) مستقل شد ولی راجه های رچپوت و قبیله وشی پیل او را دور کردند و متصرفات او محدود گردید بباریکه ای خشکی ما بین مرتفعات و دریا و با این احوال باز يك قسمت مهم از ساحل غربی هند را تا شبه جزیره سورت در تصرف داشت. **ظفر خان** بزودی بوسیله تسخیر ایدر و دیو مملکت خود را وسعت بخشید ، **جالور** را غارت کرد و يك بار هم در سال ۸۱۰ (۱۴۰۷ م) مالوه را متصرف شد . **احمد شاه اول** جانشین او شهر **احمد آباد** را ساخت و این شهر بعدها پایتخت سلسله او و مرکز ولایات **احمد آباد** در عهد مغول گردید و حالیه نیز از بلاد معتبر است .

محمود شاه اول نه فقط دنباله منازعات خانوادگی را با مالوه و خاندیش گرفت بلکه محل مستحکم **جونگره** را در **کاتیاوار** و **چمپنیر** را بممالک خود افزود و با جزیره معتبری دزدان بحری جزایر را مغلوب ساخت و با پرتغالیها که بهادر شاه بایشان حق تأسیس دارالتجاره ای در دیو داده بود جنگ کرد و در این جنگ بقتل رسید . سالهای آخری این سلسله بواسطه دسیسه های اعیان مدعی دوره نکبت است و سلاطین در این ایام بیشتر آلت دست بوده اند . اکبر شاه در سال ۹۸۰ (۱۵۷۲ م)

این ولایات را که بر اثر انقلابات پی در پی فرموده فرسوده شده بود
بار دیگر رونق بخشید .

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۷۹۹	مظفر شاه اول ظفر خان	۱۳۹۶
۸۱۴	احمد شاه اول	۱۴۱۱
۸۴۶	محمد کریم شاه	۱۴۴۳
۸۵۵	قطب الدین	۱۴۵۱
۸۶۳	داود شاه	۱۴۵۸
۸۳۶	محمود شاه اول بایقرا	۱۴۵۸
۹۱۷	مظفر شاه ثانی	۱۵۱۱
۹۳۲	سکندر شاه	۱۵۲۵
۹۳۲	ناصر خان محمود ثانی	۱۵۲۵
۹۳۲	بهادر شاه	۱۵۲۶
۹۴۳	میران محمد شاه فاروقی (از خاندان خاندیش)	۱۵۳۶
۹۴۴	محمود شاه ثالث	۱۵۳۷
۹۶۱	احمد شاه ثانی	۱۵۵۳
۹۶۹-۹۸۰	مظفر شاه ثالث، حبیب	۱۵۶۱-۱۵۷۲

(این سلسله را امپراطوران مغول منقرض کردند)

سلاطین گجرات

۱- مظفر اول

تاتار خان

۲- احمد

۵- داود

۳- محمد اول

۶- محمود اول

۴- قطب الدین

۷- مظفر ثانی

۸- سکندر ۸- محمود ثانی ۱۰- بهادر لطیف خان دختر = عادل خاندیشی

۱۲- محمود ثالث ۱۱- میران محمد

۱۴- مظفر ثالث

۱۱۰- سلاطین خاندیش

از ۸۰۱ تا ۱۰۰۸

﴿ مطابق ۱۲۹۹ - ۱۵۹۹ م. ﴾

ناصر خان نخستین فرمانروای مسلم خاندیش که خود را از زیر بار اطاعت سلاطین دهلی بیرون آورد مدعی رساندن نسب خویش بخلیفهٔ ثانی عمر بود.

این شخص از راه مواسلت با پادشاهان گجرات نسبت داشت و ممالك او که شامل درهٔ سفلی نهر قپتی نیز بود با خاک گجرات فقط بواسطهٔ بیشه ای مجزا میشد و پای تخت او شهر برهان پور در نزدیکی قلعهٔ اسیر گره بود.

اکبر شاه برهان پور را گرفت و در ۹۷۰ (۱۵۶۲ م.) پادشاه آنرا دست نشاندهٔ خود کرد ولی خاندیش تا سال ۱۰۰۸ ضمیمهٔ ممالك مغول نشده بود. در این تاریخ قلعهٔ اسیر گره پس از شش ماه محاصره مسخر گردید و سلسلهٔ سلاطین خاندیش بر افتاد.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۷۷۲	ملک راجه	۱۳۷۰
۸۰۱	ناصر خان	۱۳۹۹
۸۴۱	میرزا عادل خان اول	۱۴۳۷
۸۴۴	میران مبارک اول	۱۴۴۱
۸۶۱	عادل خان ثانی	۱۴۵۷
۹۰۹	داود خان	۱۵۰۳

۱۵۱۰	عادلخان ثالث	۹۱۶
۱۵۲۰	میران محمدشاه اول	۹۲۶
۱۵۳۵	میران مبارک ثانی	۹۴۲
۱۵۶۶	علیخان	۹۸۴
۱۵۹۹-۱۵۷۶	بهادر شاه	۱۰۰۸-۱۰۰۵

(این سلسله نیز بدست امپراطوران مغول برافتادند)

دکن

۱۱۱ — سلاطین بهمنی

(شاهان کلبرگه و غیره)

از ۷۴۸ تا ۹۳۳

(مطابق ۱۳۴۷ - ۱۵۲۶ میلادی)

قسمتی از دکن را مسامین اول دفعه درعهد علاءالدین سلطان دهلی تسخیر کردند چه آن سلطان چنانکه دیدیم در سال (۱۲۹۴ م) دیوگیری والیج پور را گرفت و از آنها ولایتی جدید در جنوب کوههای سات پوره تشکیل داد .

محمد بن تغلق در سال (۱۳۲۲ م) به تالین گانه حمله برد و با تسخیر آن ولایت اسلامی مزبور را توسعه داد و چند مدتی نیز دیوگیری را که بعدها دولت آباد شد پای تخت خود کرد . در اثناء انقلابات عدیده ای که در عهد سلطنت او اتفاق افتاد ولایت جدید التأسیس دکن اولین محلی بود که استقلال یافت .

از سال ۷۴۸ (۱۴۳۷ م) تا قریب دو قرن بعد پادشاهان بهمنی کلبرگه و درنگال و بیدار دکن شمالی را تا حدود نهر کیسشنه تحت حکومت خود نگاه داشتند .

مؤسس سلسله ایشان **حسن گانگو** از افغانه ایست که در خدمت یکی از براهمه دهلی سر می کرده و در عهد سلاطین تغلقی بمقامات عالیه رسیده و **ظفر خان** لقب یافته بوده است .

موقعیکه مردم درد دکن بر محمد بن تغلق شوریدند حسن ریاست

شورشیان را دارا گردید و لشکریان سلطانی را از آن ولایت راند و با لقب **علاء الدین حسن گانگو بهمنی** بر تخت کبیر گه نشست *

حدود ممالك علاء الدین از طرف شمال بولایت برار میرسید از مشرق بتلینگانه، و نهر کیستنه و دریا حدود جنوبی و غربی آن محسوب میشدند و این ممالك قسمت عمده ولایت حالیه بمبئی را در جنوب سورت و جزء اعظم نظام دکن را شامل بود بعلاوه اغاب اوقات راجه های تلینگانه و **وی جای نگر** بشرب شمشیر پرداخت خراج و اظهار تبعیت نسبت به علاء الدین مجبور میشدند.

در عهد علاء الدین احمد ثانی ولایت **کُنکن** مغلوب گردید و سلاطین مجاور خاندیش و گجرات نیز شکست یافتند. در سال ۸۷۵ (۱۴۷۱ م.) محمد شاه ثانی لشکریان خود را بولایت اریسا برد و شهر **کُنچورام** را گرفت و در سمت جنوب نیز باراجه **بلگائون** جنگ کرد و باین ترتیب ممالك سلاطین بهمنی از یک دریا تا دریای دیگر توسعه یافت و تمام دکن و میسور را شامل گردید.

توسعه ممالك بهمنی منجر بتقسیم آنها بولایات جدید شد و این تقسیم راه را برای تجزیه باز کرد. **یوسف عادل شاه** یکی از سرداران فیروزمند محمد شاه ثانی ولایت جدید التأسیس **بیجاپور** را مستقل نمود **نظام الملک** ولایت **جنیر** را مهیای استقلال کرد، **عماد الملک** در برار خود را شاه خواند و متعاقب از دست رفتن این ولایات بقیه ممالك هم رایت عصیان برافراشتند و سلسله بهمنی بر افتاد.

* رجوع کنید بمقانه جیمز گیب James Gibb در مجله مسکوکات جلد سوم جزء اول صفحات ۹۱-۱۱۵ و کتاب مؤلف در فهرست مسکوکات ممالك اسلامی هند در موزه بریتانیا صفحات ۶۲-۶۳.

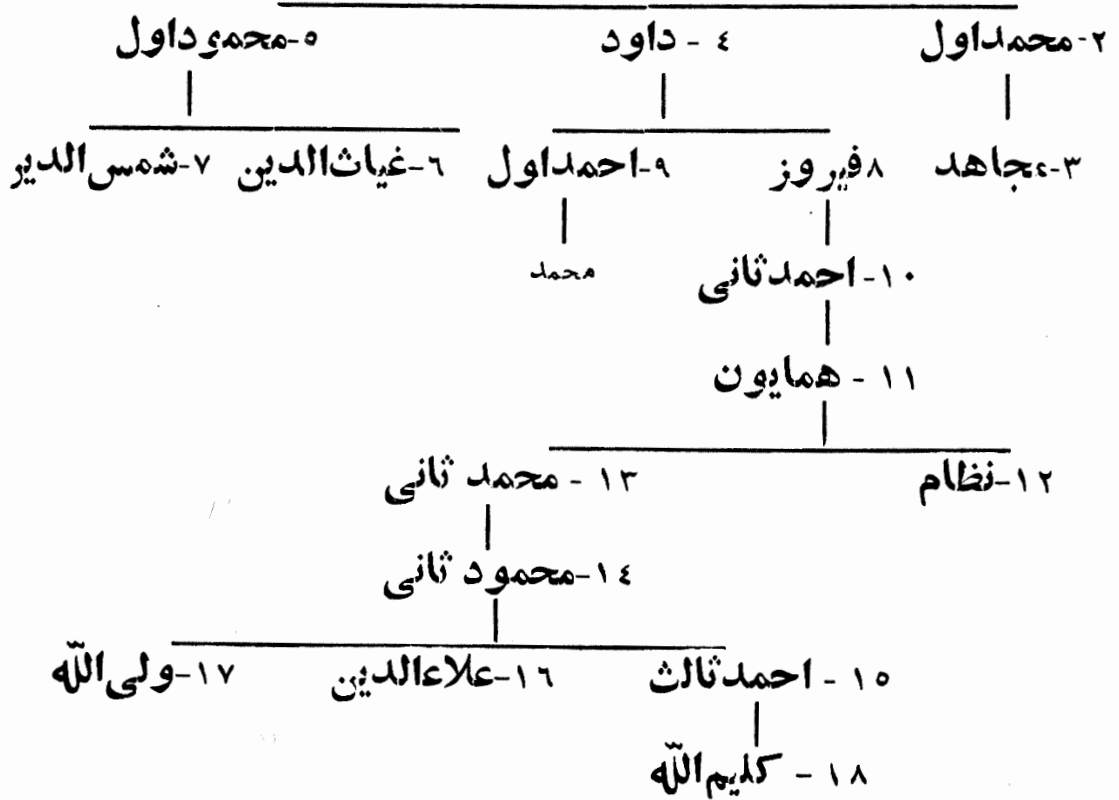
عماد شاهیان ولایت برار و نظامشاهیان ولایت احمدنگر و
بریدشاهیان ولایت بیدار و عادلشاهیان ولایت بیجاپور و قطبشاهیان
ولایت غاکنده را زاین تجزیه پیدا شده و ممالک بهمینی را میان خود تقسیم
نموده اند.

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۷۴۸	حسن گانگو علاءالدین ظفرخان	۱۳۴۷
۷۵۹	محمد شاه اول	۱۳۵۸
۷۷۶	مجاهد شاه	۱۳۷۵
۷۸۰	داود شاه	۱۳۷۸
۷۸۰	محمود شاه اول	۱۳۷۸
۷۹۹	غیاثالدین	۱۳۹۷
۷۹۹	شمسالدین	۱۳۹۷
۸۰۰	تاجالدین فیروز شاه	۱۳۹۷
۸۲۵	احمد شاه اول	۱۴۲۱
۸۳۸	علاءالدین احمد شاه ثانی	۱۴۳۵
۸۶۲	علاءالدین همایون شاه	۱۴۵۷
۸۶۵	نظامشاه	۱۴۶۱
۸۶۷	محمد شاه ثانی	۱۴۶۳
۸۸۷	محمود شاه ثانی	۱۴۸۲
۹۲۴	احمد شاه ثالث	۱۵۱۸
۹۲۷	علاءالدین شاه	۱۵۲۰
۹۲۹	ولی الله شاه	۱۵۲۲
۹۳۲-۹۳۳	کلیم الله شاه	۱۵۲۶-۱۵۲۵

(ممالک این سلسله بین پنج سلسله دکن تقسیم شد)

سلاطین بهمنی

۱ - حسن گانگو



۱۱۲ — عمادشاهیان

(در برار)

از ۸۹۰ تا ۹۸۰

﴿ مطابق ۱۴۸۴ - ۱۵۷۲ میلادی ﴾

۸۹۰	فتح الله	۱۴۸۴
۹۱۰	علاءالدین	۱۵۰۴
حدود ۹۳۶	دریا	حدود ۱۵۲۹
حدود ۹۶۸	برهان	حدود ۱۵۶۰
۹۷۰-۹۷۶	توفان (غاصب)	۱۵۶۸-۱۵۷۲

۱۱۳. نظامشاهیان

(در احمدنگر)

از ۸۹۶ تا ۱۰۰۴

﴿ مطابق ۱۴۹۰ - ۱۵۹۵ ﴾

۸۹۶	احمد اول، ابن نظامشاه	۱۴۹۰
۹۱۴	برهان اول	۱۵۰۸
۹۶۱	حسین	۱۵۵۳
۹۷۲	مرتضی	۱۵۶۵
۹۹۶	میران حسین	۱۵۸۸
۹۹۷	اسماعیل	۱۵۸۹
۹۹۹	برهان ثانی	۱۵۹۰
۱۰۰۳	ابراهیم	۱۵۹۴
۱۰۰۴	احمد ثانی	۱۵۹۴
۱۰۰۴	بهادر *	۱۵۹۵

(ممالك این سلسله را امپراطوران مغول تصرف کردند)

* مرتضی ثانی اسماء از ۱۰۰۷ تا ۱۰۱۶ سلطنت کرد و احمدنگر بعد بتصرف ملك عنبر درآمد

۱۱۴ - بریدشاهیان

(درپیدار)

از ۸۶۸ تا ۱۰۱۸

(مطابق ۱۴۹۲ - ۱۶۰۹ میلادی)

۱۴۹۲	قاسم اول	۸۹۷
۱۵۰۴	امیر اول	۹۱۰
۱۵۴۹	علی	۹۴۵
۱۵۶۲	ابراهیم	۹۹۰
۱۵۶۹	قاسم ثانی	۹۹۷
۱۵۷۲	مترزا علی	۱۰۰۰
حدود ۱۶۰۹	امیر پانی	حدود ۱۰۱۸

۱۱۵ - عادلشاهیان

(دریجاپور)

۱۴۸۹	یوسف عادلشاه	۸۹۵
۱۵۱۱	اسماعیل	۹۱۶
۱۵۳۴	ماو	۹۴۱
۱۵۳۵	ابراهیم اول	۹۴۱
۱۵۵۷	علی اول	۹۶۵
۱۵۷۹	ابراهیم ثانی	۹۸۷
۱۶۲۶	محمد	۱۰۳۵
۱۶۶۰-۱۶۸۶	علی ثانی	۱۰۷۰-۱۰۹۷

(این سلسله را هم امپراطوران مغول برانداختند)

۱۱۶- قطب شاهیان

(در غلکنده)

۱۵۱۲	سلطان قلی	۹۱۸
۱۵۴۳	جمشید	۹۴۰
۱۵۵۰	سبحان قلی	۹۵۷
۱۵۵۰	ابراهیم	۹۵۷
۱۵۸۱	محمد قلی	۹۸۹
۱۶۱۱	عبدالله	۱۰۲۰
۱۶۸۷-۱۶۷۲	ابوالحسن	۱۰۹۸-۱۰۸۳

(انقراض این سلسله بدست امپراطوران مغول انجام گرفت)

۱۱۷- امپراطوران مغول هند

از ۷۳۲ تا ۱۲۷۵

﴿ مطابق ۱۵۲۵ - ۱۸۵۷ میلادی ﴾

بابر فاتح مغولی هندوستان در پشت پنجم بیا میر تیمور نسبت
میرساند (رجوع کنید بنسب نامه مندرج در مقابل صفحه ۲۳۸) و در سال ۸۸۸
(۱۴۸۲ م) در فرغانه که پدرش بر آنجا حکومت داشت تولد یافته بود
چون از بکان شیبانی در حدود ۹۱۰ (۱۵۰۴ م) او را از ولایت
اجدادی بیرون رانند بابر بافغانستان آمده آن ناحیه را تحت امر خود
در آورد بدخشان را در ۹۰۹ (۱۵۰۲ م) کابل را در سال بعد و قندهار
را در ۹۱۳ (۱۵۰۷ م) مسخر کرد و عازم فتح هندوستان گردید
و چند سال در تهیه آن کوشید تا آنکه در تاریخ ۹۳۲ (۱۵۲۵ م)
موقعی که خود را بانجام خیال قادر یانت بریاست لشکریان ترك كه خود

ایشان را مغول می خواند بجلگه پنجاب حمله برد و شهر لاهور را متصرف شد. در تاریخ ۷ رجب ۹۳۲ (۲۰ اپریل ۱۵۲۶ م.) بابر قشون سلطان ابراهیم لودی پادشاه دهلی را در جلگه تاریخی پانی پت مغلوب ساخت و بر اثر این فتح دهلی و آگره را گرفت و بر تمام شمال هندوستان از شط سند تا سواحل بنگاله دست یافت. بابر در سال ۹۳۷ (۱۵۳۰ م.) قبل از آنکه ممالك بنگاله و گجرات و مالوه را نیز مسخر کند و محدود دکن تجاوز نماید مرد.

پسرش همایون با اینکه نوزده سال بیش نداشت مصمم تکمیل فتوحات پدر شد ولی اقدام او در تسخیر ممالك متجده گجرات و مالوه عقیم ماند و افغانه بنگاله تحت سرداری مرد باتدیری مثل شیر شاه که سلطنت برار را بغصب یافته بود باز حمت قدم قدم لشکریان همایون را بطرف مغرب عقب زدند و بر اثر حمایه خائنه ای که باردوی همایون در **چونسا** بتاريخ ۹۴۶ (۱۵۳۹ م.) وارد آمد لشکریان او را مجبور بترك بنگاله کردند و شیر شاه بعد از فتح قطعی که در محل قنوج نصیب او شد بر تمام هندوستان باستثنای گجرات استیلا پیدا کرد و همایون اضطراراً ابتدا بسند و بعد بایران پناهنده گردید.

همایون بعد از پانزده سال بعزم تحصیل ممالك از دست رفته بهند برگشت و شیر شاه در این مدت با اداره ممالك مفتوحه پرداخت و این کاری بود که اکبر شاه آنرا بانجام رساند. بعد از مرگ شیر شاه تفاهت در کارها پیش آمد و راه برای پیشرفت همایون صاف شد. همایون در سال ۹۶۲ (۱۵۵۵ م.) دهلی را مجدداً تسخیر نمود ولی سال بعد مرد و پسر چهارده ساله اش **اکبر شاه** دنباله فتوحات پدر را گرفت. اتابك اکبر شاه که **بیرام حان** نام داشت و از فراوان تر کمان بود قوای هندی را که بسر کردگی

هیمو بودند در تاریخ ۲ محرم ۹۶۴ (۵ نوامبر ۱۵۵۶ م) در همان جلگه بانی پت که بابر را در آنجا فتحی بزرگ نصیب شده بود منهزم ساخت واکبر بر اثر همین ضربت بر بهترین قسمتهای هند مسلط شد و باینکه جوان بود خود زمام کارها را بدست گرفت . دهلی و اگروه در نتیجه همین فتح مسخر گردید و گوالیور در ۹۶۶ (۱۵۵۷ م) و جونپور در ۹۶۷ (۱۵۵۹ م) و مالوه و خاندیش موقتاً در فاصله ۹۶۹ - ۹۷۰ (۱۵۶۱ - ۱۵۶۲ م) بتصرف او در آمدند . اکبر شا . ولایت رچیوتانه را هم پس از هجوم به چیتور در ۹۷۵ (۱۵۶۷ م) و گجرات را نیز در ۹۸۰ (۱۵۷۲ م) گرفت و بنگاله را که اسماً از امپراطوران مغول قبول تبعیت کرده و سر بشورش برداشته بود در فاصله ۹۸۲ - ۹۸۴ (۱۵۷۵ - ۱۵۷۷ م) مطیع ساخت و کشمیر را در ۹۹۴ (۱۵۸۷ م) و قندهار را شش سال بعد از آن ضمیمه ممالک خود نمود *

اکبر شاه بخوبی فهمید که مداخله جدی در امور داخلی دکن صلاح او نیست بهمین جهت تمام هم خود را مصروف بدفاع ممالک خویش از جانب جنوب کرد و برای اجرای این خیال ساحل خاندیش را که مورد اطمینان او نبود مسخر ساخت و پای تخت آن برهانپور و قاعه کوهستانی اسیر گره را که در ۱۰۰۸ (۱۶۰۱ م) مدت ششماه باتفگیچیان انگلیسی آن مقامت بخرج داده بود برای دفاع سرحد جنوبی ممالک خوش پناهگاه قرار داد و بلا و ولایت برار را با قاعه احمد نگر در ۱۰۰۷ (۱۶۰۰ م) * گرفت و پادشاهان بیجاپور و غلامکنده را خراجگزار خود ساخت و لی هیچگاه قبل از تأمین حدود جنوبی در صد ضمیمه کردن دکن به تصرفات خود

* رجوع کنید بتاریخ امپراطوران مغول هند از روی مسکوکات ایشان تألیف

مؤلف کتاب.

بر نیامد و صوبه یعنی ولایت دکن حتی بمعنی محدود این کلمه نیز تا زمان فوت او (۱۰۱۴ = ۱۶۰۵ م.) مثل سایر ممالک امپراطوران مغول تحت نظم و اراده در نیامده بود.

جانشین حقیقی محمد بن تغلق در اجرای نقشه فتح دکن اورنگ زیب ششمین امپراطوران مغول هند است و او که در عهد شاه جهان (از ۱۰۴۵ تا ۱۰۵۲ مطابق ۱۶۳۶ - ۱۶۴۳ م.) حاکم قسمت مسخر شده دکن بود آن ناحیه را به چهار قسمت تقسیم نمود: دولت آباد بضمیمه احمد نگر، خاندیش، تاینگانه و برار، و پادشاه غاکنده را هم در ۱۰۶۶ (۱۶۵۶ م.) با جگزار خود نمود.

نظر اورنگ زیب بواسطه منازعه بین برادران که قبل از جاوس اودر سال ۱۰۶۹ (۱۶۵۹ م.) بر کرسی سلطنت دهلی پیش آمد و توجه باداره ممالک چند سالی متوجه جانب دکن نبود تا آنکه در تاریخ ۱۰۹۱ (۱۶۸۱ م.) دست بکار یک سلسله طویل لشکر کشی بسمت جنوب زد که تالیست و دو سال بعد یعنی تاموقع مرگ او ادامه داشت. اورنگ زیب یجاپور را در سال ۱۰۹۶ (۱۶۸۶ م.) و غاکنده را در ۱۰۹۷ (۱۶۸۷ م.) گرفت و سلسله های عادلشاهی و قطبشاهی را بر انداخت ولی در مقابل قدرت تازه طایفه هراته که مقارن نیمه قرن هفدهم میلادی دردکن اقتدار بهم رسانده بودند کاری از پیش نبرد و باینکه لشکریان او در تمام جهات شبه جزیره دکن را پیمودند و یک عده از استیقامات آنرا گرفتند ناحیه مزبور و کوهستانهای جنب آن هیچگاه مسخر اورنگ زیب نشد.

ممالک اورنگ زیب موقعیکه او بسال ۱۱۱۸ (۱۷۰۷ م.) مرد از کابل تادهانه نهر هوگنی و از سورت از طریق حیدرآباد تا واسوای پتن و مدرس بسط داشت و تمام هندوستان جز رأس شبه جزیره دکن تحت

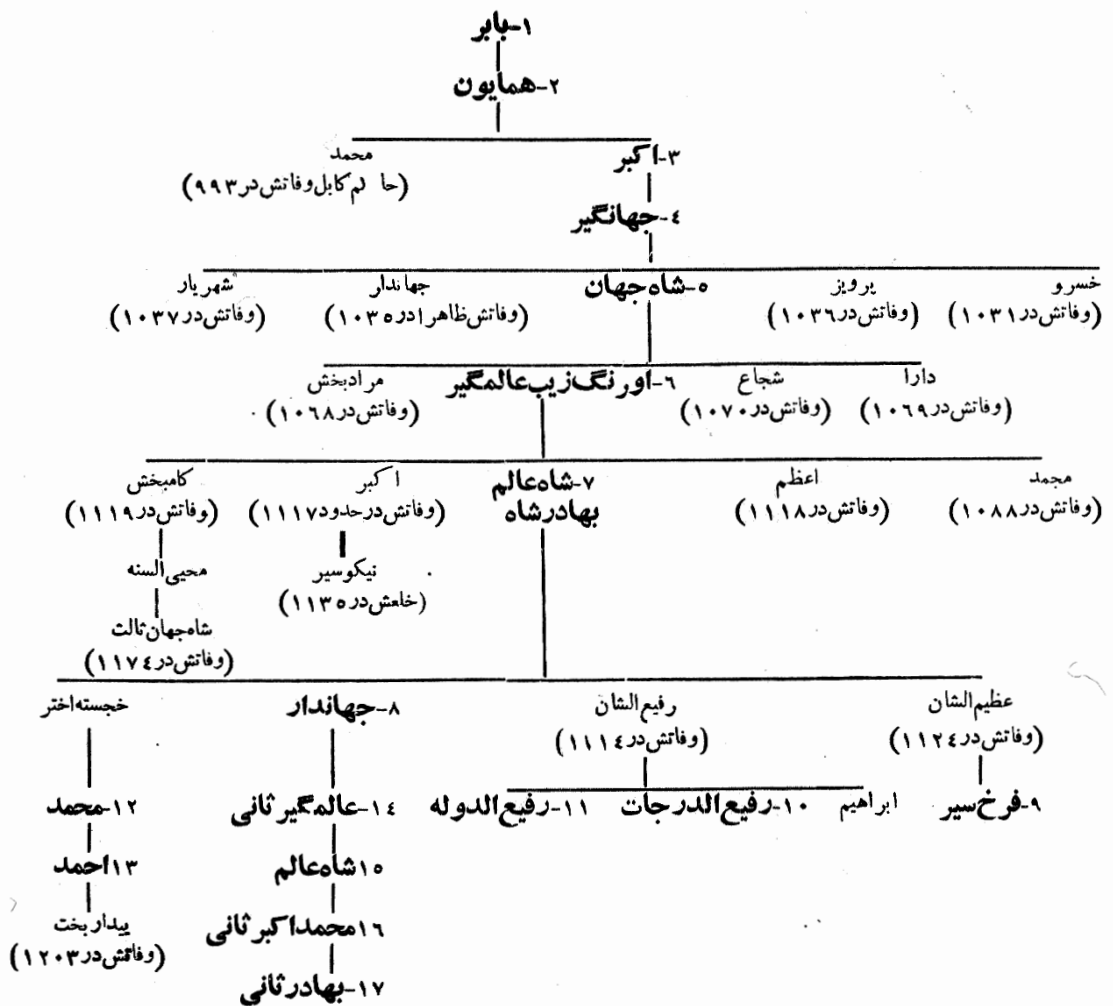
اطاعت و فرمان او بود ولی در قسمت جنوب بغیر از شهرها و قلاع بهمان اسم قبول اطاعت قناعت میشد و اورنگ زیب چندان تساطی بر آن ناحیه نداشت.

بعد از مرگ اورنگ زیب قوام دولت مغول در همه شکست چه جانشینان او غالباً ضعیف النفس و عیاش و فاسد بودند و در مقابل اقوام تازه نفس سیخ و جات همراه مقاومت نمیتوانستند. استیلای نادرشاه بر هند در سال ۱۱۵۱ (۱۷۳۸ م) و احمدخان درانی در ۱۱۶۲ (۱۷۴۸ م) و ۱۱۷۱ (۱۷۵۷ م) علامت ضعف این دولت بود و پنجاه سال بعد از مرگ اورنگ زیب طایفه مراته در جنوب اقتدار کمالی بهم رساندند و لشکریان ایشان از طریق گجرات تا نزدیکی دهلی پیش آمدند فقط سلسله جدید التأسیس نظام توانست مدتی در مقابل ایشان پایداری کند، راجپوتها نیز از تحت اطاعت امپراطور مغول بیرون آمدند، سیخها پنجاب را از افغانه گرفتند، جاتها در آگره مستقل شدند. اود و بنگاله هر یک بصورت ممالکتی عاییده درآمد و در کاکته و مدرس و بمبئی قسمتهای کوچکی از اراضی را کمپانی هند شرقی مالک گردید. در اینجا غرض ذکر پیشرفتهای کمپانی نیست همینقدر باید دانست که بعد از جنگ پلاسی در ۱۱۷۰ (۱۷۵۷ م) و بوکسار ۲ در ۱۱۷۸ (۱۷۶۴ م) دولت امپراطوران مغول در حقیقت از میان رفت اگرچه عنوان اسمی ایشان تا ۱۲۷۵ (۱۸۵۷ م) باقی بود. سه نفر امپراطور آخری این سلسله از دولت انگلیس مستعمری می گرفتند و بهادرشاه ثانی بعد از آنکه از سلطنت دست کشید و در شورش هندیان مداخله کرد برانگون تبعید شد و در آنجا بسال ۱۴۷۰ (۱۷۸۲ م) مرد.

سال ہجری	اسامی	سال میلادی
۹۳۲	بابر ، ظہیر الدین	۱۵۲۶ ۹۳۲
۹۳۷	ہمایون ، ناصر الدین	۱۵۳۰ ۹۳۷
۹۶۳	اکبر ، جلال الدین	۱۵۵۶ ۹۶۳
۱۰۱۴	جہانگیر ، نور الدین	۱۶۰۵ ۱۰۱۴
۱۰۳۷	داور بخش	۱۶۲۷ - ۱۶۲۸
۱۰۳۷	شاہ جہان ، شہاب الدین	۱۶۲۸ ۱۰۳۷
۱۰۶۸	مراد بخش ﴿در کجرات﴾	۱۶۵۸
۱۰۶۸ - ۱۰۷۰	شمار ﴿در نکالہ﴾	۱۶۵۸ - ۱۶۶۰
۱۰۶۹	اورنگ زیب عالمگیر ، محبی الدین	۱۶۵۹ ۱۰۶۹
۱۱۱۸	اعظم شاہ	۱۷۰۷
۱۱۱۹ - ۱۱۲۰	کامبخش	۱۷۰۸
۱۱۱۹	شاہ عالم بہادر شاہ اول قطب الدین	۱۷۰۷ ۱۱۱۹
۱۱۲۴	جہاندار ، معز الدین	۱۷۱۲ ۱۱۲۴
۱۱۲۴	فرخ سیر	۱۷۱۳ ۱۱۲۴
۱۱۳۱	رفیع الدرجات ، شمس الدین	۱۷۱۹ ۱۱۳۱
۱۱۳۱	رفیع الدولہ ، شاہ جہان ثانی	۱۷۱۹ ۱۱۳۱
۱۱۳۱	نیکو سیر	۱۷۱۹ (۱۱۴۲ ۱۱۴۱)
۱۱۳۲	ابراہیم	۱۷۲۰ ۱۱۴۲
۱۱۳۱	محمد ، ناصر الدین (۱۷۱۹)	۱۷۱۹ ۱۱۴۱
۱۱۶۱	احمد	۱۷۴۸ ۱۱۶۱

۱۱۶۷	عالمگیر ثانی ، عزیزالدین	۱۷۵۴	۱۱۶۷
۱۱۷۳ - ۱۱۷۴	شاه جهان ثالث	۱۷۵۹ - ۱۷۶۰	
۱۱۷۳	شاه عالم ، جلالالدین	۱۷۵۹	۱۱۷۳
۱۲۰۳ - ۱۲۰۲	بیدار بخت	۱۷۸۸	
۱۲۲۱	محمد اکبر شاه ثانی	۱۸۰۶	۱۲۲۱
۱۲۵۳ - ۱۲۷۵	بہادر شاه ثانی *	۱۸۳۷ - ۱۸۵۷	۱۲۵۳
(این سلسله را دولت بریتانیای کبیر بر انداخت)			

* بابر وغالب جانشینان او اسم محمد را بضمیمه اسم فارسی خود داشته اند در این
فہرست اسامی غاصبین با مدعیان بحروف ریز نموده شدہ .



۱۱۸ - امرای افغانستان

از ۱۱۶۰ تا ۱۳۱۱

﴿ مطابق ۱۷۴۷ - ۱۸۹۳ ﴾

تاریخ مملکت مستقل جدید افغانستان از سال ۱۱۶۰ (۱۸۴۷ م) شروع میشود چه بعد از اقراض غوریان افغانستان دیگر بخود سلسله مستقل ندید * وغالباً ضمیمه یکی از ممالک معظمه محسوب میشد چنانکه ابتدا جزء دولت ایلخانان ایران وبعد از آن ضمیمه مملکت تیموری بود و پس از برقرار شدن فرزندان بابر درهند و تشکیل دولت مغول در آن سرزمین افغانستان گاهی تعلق بهند داشت و گاهی یا ایران ولی اکثر اوقات بین این دو دولت منقسم بود چنانکه کابل و قندهار را تا بعد از مرگ اورنگ زیب امپراطوران مغول در دست داشتند و هرات را پادشاهان ایران در سال ۱۱۵۰ (۱۷۳۷ م) نادر شاه افشار پادشاه ایران کابل و قندهار را گرفت و از آن راه سفر جنگی مشهور خود را بطرف هند انجام داد .

بعد از قتل نادر در ۱۱۶۰ (۱۷۴۷ م) افغانه خود را از زیر بار ایران بیرون آوردند و احمد خان را که رئیس قبیله ابدالی یا درانی بود پادشاهی بر خود اختیار کردند و احمد خان مقام وزارت را به جمال خان وارث ریاست قبیله بارکزائی که با قبیله درانی رقابت داشتند وا گذاشت و از این تاریخ تا یک قرن بعد این ترتیب محفوظ بود یعنی شاه از قبیله درانی و وزیر از قبیله بارکزائی اختیار میشد .

احمد شاه درانی تمام افغانستان را مطیع خود کرد و بر هرات و خراسان دست یافت و چند بار بهند حمله برده دهلی را نیز مدتی تصرف خود

* شعبه ملوک کرت را که بر هرات فرمانروائی داشتند باید از این حکم مستثنی دانست .

گرفت و کشمیر و سند و قسمتی از پنجاب را با افغانستان ملحق ساخت ولی متصرفات او را در هندوستان بتدریج طایفه سیخ که از قبل از اوایل قرن دوازدهم هجری در پنجاب صاحب اقتدار شده بودند مسخر خود کردند .

زمان شاه نواده احمد شاه بقتل عام قبیله بارکزائی پرداخت و این حرکت او بجای آنکه نفوذ این قبیله را از میان ببرد موجب مزید قدرت ایشان شد و وزیرای بارکزائی در عهد سلطنت اسمی محمود شاه و ابتدای ایام حکمرداری شاه شجاع زمام امور را بتمامی در دست خود گرفتند و باینکه چند بار بسبب قدرت ایشان اقدام شد نتیجه نداد بلکه مبادرت بکود کردن و قتل فتح خان بارکزائی در سال ۱۲۳۴ (۱۸۱۸ م. مقدمه بر افتادن سلسله درانی شد و بعد از چند سال هرج و مرج یعنی در سال ۱۲۴۲ (۱۸۲۶ م.) دوست محمد خان برادر وزیر مقتول بر تاج و تخت افغانستان دست یافت و او اولین امیر بارکزائی افغانستان است .

در ایام امرای آخری سلسله درانی دولت ایران بادعای تصرف هرات برخاست و بقوة قشون خود بر آن شهر حمله برد و هرات از زمان تصرف آن بتوسط احمد شاه در دست امرای افغانی چند گشته بود و ایشان نسبت بحکومت مرکزی چندان اطاعتی نداشتند .

در سال ۱۲۳۲ (۱۸۱۶ م.) قشون ایران بر هرات حمله برد ولی فتح خان بارکزائی این حمله را دفع کرد . پادشاه ایران بار دیگر در سال ۱۲۵۳ (۱۸۳۷ م.) بتحریر روسیه هرات را که کلید افغانستان بود تحت محاصره گرفت ولی این دفعه هم بعد از ده ماه محاصره بواسطه دفاع سخت آن شهر بدست الدرد پوتین جز (۱) تسخیر هرات ممکن نگردید .

دولت انگلیس چون دید دوست محمد خان با انجام مقاصد روسیه مساعدت

دارد و موقع هرات بعثت رفتار خصمانهٔ امیر در خطر است با و اعلان جنگ داد و جنگهای سنوات ۱۲۵۵-۱۲۵۸ (۱۸۳۹-۱۸۴۲ م.) که بعواقبی وخیم منتهی شد شروع گردید. شاه شجاع که بازماندهٔ خاندان مخلوع درانی بود در این ایام تیرهٔ سمت امارت برقرار شد و سرویلایم مکنّاگتن^۱ بعنوان نمایندهٔ انگلیس در کابل مقیم گردید. دوست محمد خان محصور گردید و از حرکت بازماند ولی برادرش اکبر خان در مقابل قبیلهٔ بارکزائی مقاومت بخرج داد، در ماه شوال ۱۲۵۷ (نوامبر ۱۸۴۱ م.) مکنّاگتن و بوفرنز^۲ خائنانه بقتل رسیدند و از ۱۶۰۰۰ نفر قشون انگلیس و همراهیان ایشان که امان یافته از کابل حرکت کرده بودند فقط یک نفر جان بدر برد تا خبر این فاجعه را بهندبرد.

قشون پولک^۳ در سال ۱۲۵۸ (۱۸۴۲ م.) انتقام این قتل عام را کشیدند و افغانه از این سال تا چهل سال دیگر گرفتار اوضاع داخلی خود شدند. دوست محمد خان در سال ۱۲۸۰ (۱۸۶۳ م.) مرد در حالیکه حیرهٔ خوار انگلیس بود و پس از او دورهٔ نزاع بین پسران و نوادگان او بر سر تاج و تخت پیش آمد.

دولت انگلیس برای ختمی کردن اقدام روسیه در برقراری نماینده‌ای از جانب خود در کابل بار دیگر در صدد فرستادن عاملی پیاپی تخت امیر برآمد و این اقدام انگلیس منجر بخلع شیرعلی و قتل کاواگناری^۴ و لشکر کشیهای استوارت^۵ و رابرتس^۶ در فاصلهٔ سنوات ۱۲۹۶-۱۲۹۸ (۱۸۷۹-۱۸۸۳ م.) گردید و دولت انگلیس موفق شد که امیر عبدالرحمن را بر تخت امارت بنشاند و او را در مطیع ساختن رعایای سرکش خویش یاری دهد.

خاندان درانی *

سال هجری	اسامی	سال میلادی
۱۱۶۰	احمد شاه	۱۷۴۷
۱۱۸۷	تیمور شاه	۱۷۷۳
۱۲۰۷	زمان شاه	۱۷۹۳
۱۲۱۶	شجاع المالك (شاه شجاع)	۱۸۰۱
۱۲۱۶	محمود شاه	۱۸۰۱
۱۲۱۸	شاه شجاع (باردیگر)	۱۸۰۳
۱۲۲۴	محمود شاه (باردیگر آخر کار در هرات تا سال ۱۲۴۵)	۱۸۰۹
۱۲۳۳	علی شاه (در کابل)	۱۸۱۷
۱۲۳۳	ایوب شاه (در پشاور و کشمیر)	۱۸۱۷
۱۲۴۵	کامران (در هرات تا ۱۲۵۸)	۱۷۲۹
۱۲۵۵	شاه شجاع (دفعه سوم)	۱۸۳۹
۱۲۵۷	فتح جنگ (در همین سال گریخت)	۱۷۴۲

خاندان بارکزائی

۱۲۴۲	دوست محمد خان	۱۸۲۶
۱۲۵۵ - ۱۲۵۸	برگشت شاه شجاع به سلطنت	۱۸۳۹ - ۱۸۴۲
۱۲۸۰	شیرعلی خان	۱۸۶۳

* فهرست ونسب درانیا از مقاله لنگوورت دیمز Longworth Dames مندرج در مجله مسکوکات جاد سوم جزء هشتم صفحات ۳۲۵ - ۳۶۳ (سال ۱۸۸۸) اقتباس شد .

(افضل واعظم دربارخ و کابل ۱۲۸۲ - ۱۲۸۴)

۱۸۷۹	يعقوبخان	۱۲۹۶
۱۸۷۹	عبدالرحمن خان امير حاليه *	۱۲۹۶

درآنيان

۱- احمد

۲- تيمور

۵- محمود	فيروز	ايوب	سلطان علي	۴- شجاع	۳- زمان
کامران				فتح جنگ	قيصر
				(در کشمير ۱۲۲۱-۲۲۳)	

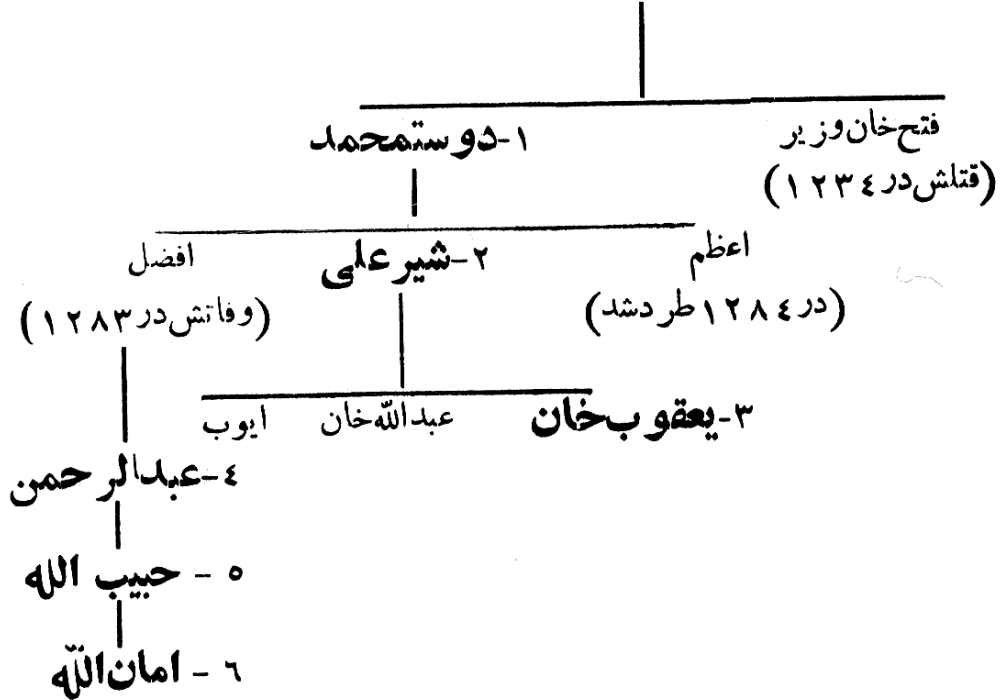
* از بعد از تاريخ تاليف اصل کتاب امراي افغانستان بقرار ذيل بود ه اند :

۱۹۰۱	حبيب الله خان	۱۳۱۹
۱۹۳۰-۱۹۱۹	امان الله خان	۱۳۴۸-۱۳۳۷

(مترجم)

بار کزائی

پایندہ خان (وزیر)



الف

ابراهيم شاه شرقی ، شمس الدين از
 ۲۷۹ سلاطين جونپور ،
 ۷۶ ابراهيم خديو مصر ،
 ۵۰ ابراهيم ، ابوسالم مریني ،
 ۲۹۷ ابراهيم ، اميراطور مغول هند ،
 ۱۰۶ ابراهيم عقيلي ،
 ۳۷ ابراهيم مرابطی ،
 ۱۵۳ ابراهيم ، ظهير الدين از شاهان ارمنيه .
 ۱۳۹ ابراهيم دانشمندی ،
 ۱۴۳ ابق از اتابكان بوری ،
 ۲ ابوبكر خليفه اول ،
 ۳۷ ابوبكر مرابطی ،
 ۲۲ ابوبكر عامری ،
 ۱۵۴ ابوبكر اتابك آذربايجان ،
 ۶۷ ابوبكر ايوبی ،
 ۴۹ ابوبكر ، ابويحيى المریني ،
 ۱۵۵ ابوبكر از اتابكان ساعوري ،
 ۲۶۸ ابوبكر شاه از سلاطين تفاقية دهلي ،
 ۴۴ ابوبكر الاول الشدید ، از امرای حفصی ،
 ابوبكر ثانی ، ابويحيى المتوكل
 ۴۴ از امرای حفصی ،
 ۷۱ ابوبكر از مماليك بحری ،
 ۲۵ ابوالحسن علی ، از امرای بنی نصر ،
 ۴۱ ابوالعلاء موحدی ،
اتابكان
 ۱۶۴ - ۱۳۸ اتسر خوارزم شاه ،
 ۱۵۹ احمد ، نام دونفر از شرفای حسنی ، ۵۴۰

آذربايجان (اتابكان) ۱۵۳، ۱۴۲
 آرام شاه، از سلاطين دهلي ، ۲۶۸
 آق اردو ، ۲۰۵، ۲۰۱
 آق سنقر ، بدر الدين ، از شاهان ارمنيه ، ۱۵۲
 آق قويونلو ۲۲۷
 آبيك ، سيف الدين ، از سلاطين بنگاله ۲۷۵
 آبيك ، قطب الدين ، از سلاطين دهلي ۲۶۸
 آبيك ، عز الدين ، از مماليك ۷۱
 آيدين (امرای) ۱۶۷
 آی تیمور سربلاری ۲۲۴
 اباقا ، ايلخان ايران ۱۹۵
 ابدالی ، درد رانی بيايد
 ابراهيم ، نام دونفر از امرای اغلبي ۳۱
 ابراهيم از امرای بخارا ۳۴۴
 ابراهيم تیموزی ، ۱۵۸
 ابراهيم يعقوری ، ۸۱
 ابراهيم زيادی ، ۸۰
 ابراهيم از خلفای بنی اميه ، ۸
 ابراهيم ارتقی ، ۱۵۰
 ابراهيم از سلاطين عثمانی ، ۱۷۶
 ابراهيم (ابو-) سامانی ، ۱۲۰
 ابراهيم شاه ، نام سه نفر از سلاطين دهلي ۲۶۸
 ابراهيم (سلطان) غزنوی ، ۲۵۹
 ابراهيم اول ، ابواسحاق ، از امرای حفصی ، ۴۴
 ابراهيم ثانی المستنصر ، » » ۴۴
 ابراهيم ، ابوطاهر حمدانی ، ۱۰۱
 ابراهيم بن حمدان ، ۱۰۰
 ابراهيم طغناج ، خان ايلکی ، ۱۲۲

احمد طولونی ، ۵۸	احمد ، نصرۃ الدین اتابک هزاراسپی ۱۵۸
احمد وتعی ، ۵۱	احمد المقتدرهودی ، ۲۳
احمد از شاهان ارمنیه ، ۱۵۲	احمد المستعین هودی ، ۲۳
احمد شاه ، نام سه نفر از سلاطین	احمد ابوالفوارس اخشیدی ، ۵۹
بهمنی ، ۲۸۸	احمدخان ، نام دونفر از ایلک خانیه ، ۱۲۲
احمد شاه بنگالی ، ۲۲۷	احمد از سلاطین مغول هند ، ۲۹۷
احمد (سید) از خانان سیراردو ،	احمد (سلطان) جلایر ، ۲۲۰
جدول مقابل صفحه ۲۰۶	احمد ، از ممالیک بحری ، ۷۱
احمد (شیخ) از خانان سیر اردو ،	احمد ، از ممالیک برجی ، ۷۴
جدول مقابل صفحه ۲۰۶	احمد المستنصر مرینی ، ۵۰
احمد شاه نام دو نفر از سلاطین	احمد ، ایلخان ایران ، ۱۹۵
کجرات ، ۲۸۲	احمد (سلطان) مظفری ، ۲۲۲
احمدالاول الفضل ، از امرای حفصی ،	احمد منصور ارتقی ، ۱۵۱
۴۴	احمد ، نام سه نفر از سلاطین عثمانی ، ۱۷۶
احمدالثانی المستنصر ، از امرای	احمد ، نام سه نفر از ائمه رسولی ، ۹۲ - ۹۳
حفصی ، ۴۴	احمد معز الدوله دیلمی ، ۱۲۶ - ۱۲۷
اختیارالدین غازی از سلاطین بنگاله ، ۲۷۶	احمد دلفی ، ۱۱۲
اختیارالدین یوزبک ، از حکام بنگاله ، ۲۷۵	احمد فاطمی ، ۶۱
اخرس ، از سلاجقه شام ، ۱۳۶	احمد الذهبی ، از شرفای فلالی ، ۵۲
أخشید (آل) ، ۵۸ - ۵۹	احمد از خانان سیراردو ، جدول
ادارسه ، ۲۹	مقابل صفحه ۲۰۶
ادریس المامون ، از امرای موحدی ، ۴۱	احمد شاه افغان ، ۳۰۳ - ۲۹۹
ادریس ، نام سه نفر از امرای موحدی ، ۱۸	احمد شاه قاجار ، ۲۳۲
ادریس ، نام دونفر از امرای ادریسی ، ۲۹	احمد اغلبی ، ۳۱
ادسای مغول ، ۱۹۱	احمد آق قویونلو ، ۲۲۷
اریا ، ایلخان ایران ، ۱۹۶	احمد سامانی ، ۱۱۸
ارتق ، ۱۴۸	احمد تیموری ، ۲۳۹
ارتق (ارسلان) ، ۱۵۰	

۲۴۲	اسکندر شیبانی ،	۱۵۱ - ۱۴۸	ارتقیه
۲۶۹	اسلام شاه ، از سلاطین دهلی ،	۱۷۵	ارخان از سلاطین عثمانی ، ۱۶۹ ،
	اسلام گرای نام سه نفر از خانان	۲۰۱	اردا ، از خانان سیر اردو ،
۲۱۰ ، ۲۰۹	قرم ،	۲۵۱	اردانی ، از خانان خوقند ،
۶۹	اسماعیل ایوبی ،	۲۱۱	ارسلان گرای خان قرم ،
۱۴۳	اسماعیل بوری ،		ارسلانشاه نام دو نفر از اتابکان
	اسماعیل الظافر ، از خلفای فاطمی ،	۱۴۴	موصل ،
۶۱	اسماعیل نام دو نفر از خلفای فاطمی ،	۱۳۶	ارسلانشاه ، از سلاجقه کرمان ،
۱۴۵	اسماعیل الصالح از اتابکان شام ،	۱۳۷	ارسلانشاه سلجوقی ،
	اسماعیل ، قطب الدین ، حکمران	۲۷۵	ارسلان قمر خان حاکم بنگاله ،
۱۵۲	سلجوقی مرند ،	۲۶۰	ارسلان غزنوی ،
۱۴۵	اسماعیل بن لؤلؤ از اتابکان موصل ،	۱۲۲	ارسلانخان ایلکی ،
۲۵ ، ۲۴	اسماعیل نام دو نفر از امرای بنی نصر	۲۱۵	ارغنه خاتون ، از اولوس جغتای ،
۸۹ ، ۸۸	اسماعیل ، نام سه نفر از ائمه رسولی ،	۱۹۵	ارغون ، ایلخان ایران ،
	اسماعیل ، نام دو نفر از	۱۵۳ - ۱۵۲	ارمنیه (شاهان)
۲۳۱	سلاطین صفوی ،	۲۵۰	ارنک ، از خانان خیوه ،
۱۱۹	اسماعیل سامانی ،	۲۵۰	ارنک محمد ، »
۵۲۰	اسماعیل السمین از شرفای فلالی	۱۸۸ ، ۱۸۷	ارباق بوکا مغول ،
۲۵۶	اسماعیل غزنوی ،	۸۰	اسحق ، ابوالجیش زبادی ،
۷۶	اسماعیل خدیو مصر ،	۲۱۸	اسحق (ابو) اینجو ،
۷۱	اسماعیل الصالح از ممالیک بحری ،	۳۷	اسحاق مرابطی ،
۶۷	اسماعیل الصالح ، از ایوبیان دمشق ،	۲۵۵	اسحاق غزنوی ،
۹۶	اشرف چوبانی ،	۲۵۰	اسحاق آقا نیاز از خانان خیوه ،
۲۳۱	اشرف افغان ،	۸۱	اسعد یعفوری ،
۶۷	الاشرف (المک) مسی ایوبی ،	۲۵۰	اسفندیار از خانان خیوه .
		۲۲۴	اسفندیار سرداری ،
		۲۲۶	اسکندر قره قویونلو ،

۲۶۹	افاغنه دهلی ،	الاشرف (الملك) مظفر الدين موسى
۲۳۱	افاغنه ايران ،	ايوبی ،
۲۳	اقبال الدوله ، از امرای دانيه ،	۶۸
۲۵۰	اكتاي ، از خانان خيوه ،	الاشرف (الملك) ، سيف الدين اينال
	اكبر شاه، جلال الدين از امپراطوران	۷۴
۲۹۷	مغول هند ،	از ممالك برجي ،
	اكبر شاه ثانی ، از امپراطوران	الاشرف (الملك) ، جنبلات از
۲۹۸	مغول هند ،	۷۵
۱۹۱	اكبارجي ، مغول ،	ممالك برجي ،
۱۹۱	البك مغول ،	الاشرف (الملك) ، سيف الدين قائم بيك
۱۹۱	اككتو مغول ،	۷۵
	الپ ارسلان ، عضد الدين ، سلجوقي ،	از ممالك بحري ،
۱۳۵		الاشرف (الملك) سيف الدين برس
	الپ ارسلان اخرس ، از سلاجقه	بيك از ممالك برجي ،
۱۳۶	شام ،	۷۵
	الپ ارغو ، شمس الدين ، انابك	اشرف ، قانسوه الغوري از ممالك
۱۵۷	لرستان ،	برجي ،
۲۵۹ ، ۲۵۵	الپ تگين غزنوی ،	۷۵
۱۵۰	البي ارتقي ،	اشرف ، صلاح الدين خليل از ممالك
	التمش ، مؤسس سلسله شمسيه	بحري ،
۲۶۸ ، ۲۶۵		۷۱
۲۳۷	الغ بيك تيموري ،	اشرف ، علاء الدين قجوق از ممالك بحري ،
۲۰۷	الغ محمد ، از خانان غازان ،	۷۱
۲۱۵	الغو ، از اولوس جغتای ،	اشرف ناصر الدين شعبان از ممالك بحري ،
۴۷	الوج عالی ،	اشرف تومان بيك از ممالك برجي ،
۲۵۱	الله قلی ، از خانان خيوه ،	۷۵
۲۷۶	الياس شاه ، از سلاطين بنگاله ،	الاشرف اسماعيل نام دو نفر از ائمه رسولي
		۹۰ ، ۸۸
		الاشرف عمر از ائمه رسولي
		۹۰ ، ۸۸
		اعظم شاه از سلاطين بنگاله ،
		۲۷۶
		اعظم شاه ، مغول ،
		۲۹۷
		اعظم الملك ، از حكام بنگاله ،
		۲۷۶
		الاغلب ، ابو العقال الاغلبی ،
		۳۲
		افر اسيا ، نام دو نفر از امرای هزاراسپی
		۱۵۸
		افشاريه ،
		۲۳۰ ، ۲۳۱
		الافضل ، المعتمد از امرای بني عباد ،
		۲۰
		افغانستان (امرای)
		۲۹۹ - ۳۰۴

۱۹۰	اولجای تومغول ،	۲۲۷	الوند، آق قویونلو ،
۱۹۱	اولجای تیمورمغول ،	۲۴۵	امامقلی جانی ،
۱۹۵	اولجایتو ایلخان ایران،	۱۵۳، ۱۲۶	امیرالامراء ،
۲۴۹	اونک ، ازخانان خیوه ،	۲۵۱	امین محمدخان، ازخانان خیوه ،
۲۲۱	اویس جلایر ،	۱۱	امین خلیفه عباسی،
۲۵۸	ای بیسان ازخانان سیراردو ،	۲۷۵	امین خان، ازحکام بنگاله ،
۲۰۳	ایدیتو ،	۲	امیه ،
۲۳۲-۲۲۸	ایران (شاهان)،	۸۴، ۸-۲	امویان ،
۱۳۵	ایران شاه ازسلاجقه کرمان،	۱۷-۱۴، ۱	امویان قرطبه ،
۱۶۱	ایل ارسلان خوارزمشاه	۱۴۳	انزبوری ،
۲۰۵	ایلبان ، ازخانان سیراردو،	۱۹۱	انگه سوریغتمغول،
	ایلبرس نام دونفر	۱۶۰، ۱۵۹	انوشتگین ، خوارزمشاه
۲۵۰، ۲۴۹	از خانان خیوه	۲۵۰	انوشه ، ازخانان خیوه
۲۵۰	ایلتزر ، ازخانان خیوه ،	۱۹۶	انوشیروان ، ایلخان ایران ،
۲۱۵	ایلچیکدای ، ازخانان اولوس جغتای،	۱۲۴	انوشیروان زیاری ،
	ایلدگز ، شمس الدین،	۶۸	الاوحد، نجم الدین ایوب ایوبی ،
۱۵۳	ازاتابکان آذربایجان،	۲۰۷	اورنگ تیمور ازخانان قرم،
۱۹۶-۱۹۳	ایلخانان ایران		اورنگ زیب عالمگیر از
۱۵۰	ایلغازی ارتقی ،	۲۹۷-۲۹۵	امیراطوران مغول هند ،
۶۲	ائمه اثنی عشریه و سبعة ،	۴۷	اوروج باربروسه
۹۲	ائمه صعه و صنعا		اوروس ازخانان
۷۴	اینال مملوک ،	۲۰۶، ۲۰۳-۲۰۲	سیرادو .
۲۱۸	اینجو ،		اوزبك، مظفر الدین
۳۰۲	ایوب شاه افغان ،	۱۵۴	ازاتابکان آذربایجان
۶۸	ایوب ایوبی ،	۲۰۵	اورنگ ازخانان سیراردو ،
۶۹-۶۴	ایوبیان،	۲۲۷	اوزون حسن آق قویونلو ،
۸۷	ایوبیان یمن،	۱۹۱	اوسوخال مغول ،
۱۲۳-۱۲۱	ایلك خانیه ترکستان،	۱۸۵-۱۸۴	اوگتای قاآن مغول ،

ب

بابر، ظهیرالدین، ۲۹۷-۲۹۲، ۲۳۸
 باتو، ازخانان سیراردو، ۱۹۸، ۱۸۵-
 ۲۱۲، ۲۰۷، ۲۰۴، ۲۰۱
 باد، حکمران حصن کیفا، ۱۰۶
 بادیس حمادی، ۳۴
 بادیس زیری، ۳۳
 باربروسه، خیرالدین، ۱۷۲، ۴۷
 باربروسه، اوروج، ۴۷
 بارک، ازسلاطین بنگاله، ۲۷۷
بارکزائی (امرای) ۳۰۲
 باقی محمد جانی، ۲۴۵
 بایان، ازخانان آق اردو، ۲۰۶
 بایدو ایلخان ایران، ۱۹۵
 بایسنقر آق قویونلو، ۲۲۷
 بایزید اول از
 سلاطین عثمانی ۲۳۷، ۱۷۵، ۱۷۰
 بایزید ثانی، ازسلاطین عثمانی، ۱۷۵
 بایزید شاه بنگالی، ۲۷۶
 بایزید شاه قرارانی، ۲۷۸
 بایزید جلایر، ۲۲۰
بحری (ممالیک) ۷۳-۷۱
 بختیار، محمدخلجی، ۲۷۵، ۲۷۴
 بختیار، عزالدوله دیلمی، ۱۲۷
 بدر، ناصرالدین ازامرای حسنویه، ۱۲۵
 بدرالدین آق سنقر ازشاهان ارمنیه، ۱۵۲
 بدرالدین لؤلؤ زنگی، ۱۴۵-۱۴۴
 براقخان، ازخانان
 اولوس جغتای، ۲۱۵

براق، ازخانان سیراردو،
 مقابل صفحه ۲۰۶
 براق حاجب، ازقتلغ خانیه ۱۶۴، ۱۶۳
 بربر (قبایل)، ۶۰، ۳۵، ۳۳، ۲۸
برجی (ممالیک) ۷۵-۷۴
 بردی بیگ، ازخانان سیراردو ۲۰۵، ۲۰۰
 برس بیگ، ازممالیک برجی، ۷۴
 برقو، ازممالیک برجی ۷۴، ۷۲
 برکه، ازخانان سیراردو ۲۰۴
 برکه خان، ازممالیک بحری، ۷۱
 برکیارق، رکن الدین
 ازسلاجقه بزرگ ۱۳۵
 برهان سلطان شیبانی
 ازامرای بخارا ۲۴۳
بریدشاهیان، ۲۹۱، ۲۷۳
 بغراخان بنگالی، ۲۷۵
 بغراخان محمود ایلک خانی، ۱۲۲
 بغراخان هارون ایلک خانی، ۱۲۲
 بغراشاه بنگالی، ۲۷۵
 بک پولاد، ازخانان
 سیراردو مقابل صفحه ۲۰۶
بکتگینی (امرای) ۱۴۸-۱۴۷
 بگتمر، سیف الدین
 ازشاهان ارمنیه، ۱۵۲
 بلبلان، عزالدین ازشاهان ارمنیه، ۱۵۲
 بلبن، ازسلاطین بنگاله، ۲۷۵
 بلبن، ازسلاطین دهلی، ۲۶۸
 بلکاتگین غزنوی، ۲۵۹، ۲۵۵
 بلکین ازامرای حمادی ۳۴

بهمنی (سلاطین) ۲۸۹-۲۸۶
بیرس ، از مماليك بحری رجوع کنید
ببندقداری

بیداربخت ، از امیراطوران ۲۹۸
مغول هند،

بیستون زیاری ، ۱۲۴

بیکهای تونس ، ۴۸

بیل بیک از مماليك برجی ، ۷۴

بیلیکتو مغول ، ۱۹۱

ت

تائی سونگ مغول، ۱۹۱

تاج الدوله خسرو ملک غزنوی، ۲۴۰

تاج الملوک بوری ، ۱۴۲

تاشفین، ابوعمر ، ۵۰

تاشفین (ابو)، زیانی ۴۵

تاشفین مرابطی ۳۸،۳۷

تالی کو، از اولوس جغتای ۲۱۵

تتارخا از سلاطین بنگاله، ۲۷۵

تتش ، از سلاطین سلجوقی شام ۱۴۰، ۱۳۶

۱۴۸، ۱۴۳

تجر، حا کم خیوه، ۲۵۰

تجیبی (اهرای)، ۲۲

ترجمان الدین رسی، قاسم بن طباطبا ، ۹۲

ترغای ، ۱۹۷

ترغود، ۴۷

ترکان، ۱۳۲، ۴۳، ۶

ترکانشاه از سلاجقه کرمان، ۱۳۶

ترکستان (خانان)، ۱۲۳-۱۲۱

۳۳ بلکین یوسف، از امرای زیری،
بند قداری ، بیرس ،

۷۱ از مماليك بحری،

۲۷۵ بنگاله (حکام)،

۲۷۶ بنگاله (سلاطین)،

۲۴۹ بوجوه از خانان خیوه ،

۱۹۲ بودی مغول ،

۱۴۳-۱۴۲ بوری (اتابکان)،

۲۱۶ بوزون ، لزاووس جغتای

۲۵، ۲۴ بو عبدالله امیر غرناطه ،

۱۹۰ بویان تو مغول،

۲۱۶ بویان قلی ، از اولوس جغتای،

۱۲۹-۱۲۵ بویه (آل)،

۱۲۷ بهاء الدوله فیروز دیلمی،

۲۵۹ بهاء الدوله غزنوی،

۱۰۸ بهاء الدوله مزیدی،

۲۷۶، ۲۷۵ بهادرشاه بنگالی ،

۲۷۷ بهادرشاه خضر بنگالی،

۲۸۲ بهادرشاه گجراتی ،

۲۸۵ بهادرشاه از سلاطین خاندیش،

بهادرشاه نام دونفر از

۲۹۸، ۲۹۷، ۲۹۶ امیراطوران مغول هند،

۲۶۰ بهادر گرای از خانان قرم

۲۷۶ بهرامشاه بنگالی .

۲۶۸ بهرامشاه از سلاطین دهلی

۲۶۰ بهرامشاه غزنوی ،

۱۳۶ بهرامشاه از سلاجقه کرمان،

۲۶۹ بهلول لودی ، از سلاطین دهلی،

۲۰۲	توقتکایا پسر اوروس،	۲۲۷-۲۲۶، ۲۱۸	تر کمانان،
	توقتمش، غیاث الدین ازخانان سیر اردو	۲۱۵	ترمشیرین ازاولوس جغتای،
۲۳۶، ۲۰۶-۲۰۱		۹۹	تغلب (بنی)،
۲۰۴	توقتو، ازخانان سیر اردو،	۱۰۰	تغلب (ابو)، حمدانی،
۲۰۴	تولا بوقا ازخانان سیر اردو،	۲۷۱، ۲۶۹-۲۶۸	تغلقیه،
۲۰۵	تولون بیک ازخانان سیر اردو		تغلق شاه، نام دونفر ازسلاطین تغلقیه،
۱۸۷-۱۸۶، ۱۸۳	تولی یا تولوی،	۲۶۹-۲۶۸	
۷۴	تومان بیک، از ممالیک برجی،	۶۹	تقی الدین، محمود مظفر ثانی ایوبی،
-۲۰۳-۲۰۲، ۱۶۸	تیمورلنگ (امیر)،	۶۸	تقی الدین عمر ایوبی،
۲۳۹-۲۳۶، ۲۲۶، ۲۲۲، ۲۲۰، ۲۱۶		۱۶۱-۱۶۰	تکش خوارزمشاه،
۲۹۳، ۲۶۷		۱۷۶	تکه (امرای)،
۷۴	تیمور بغا، از ممالیک برجی،	۱۵۷	تکله، از اتابکان لرستان،
۲۰۵	تیمور، ازخانان سیر اردو،	۱۵۵	تکله، از اتابکان فارس،
۲۳۹-۲۳۶	تیموریان،	۱۰۳	تمال مرداسی،
۲۰۵	تیمورخواجه، ازخانان سیر اردو،	۲۷۵	تمرخان قیران ازسلاطین بنگاله،
۲۰۶	تیمور قتلغ، » مقابل صفحه ۲۰۶	۲۱	تمیم بن بلکین زیری،
۲۰۶	تیمور ملک، »	۳۳	تمیم بن معز زیری
۳۰۳	تیمور شاه افغان،	۱۸۰	تموجین یعنی چنگیز خان،
۱۵۰	تیمورتاش ارتقی،	۲۲۱-۲۲۰	تندو از جلابریه،
۲۰۴	تی نی بیک ازخانان سیر اردو،	۱۹۸	توال مغول،
۲۱۳	تیو من (امرای)،	۲۰۴	تودامنکو، ازخانان سیر اردو،
	ث	۱۸۵	تورا کینه خاتون،
۱۱۵	الثائر، از علویان طبرستان،	۶۷	توران شاه ایوبی،
۴۹	ثابت (ابو)، مرینی،	۱۳۵	توران شاه ازسلاجقه کرمان،
۴۵	ثابت (ابو)، از امرای زیانی،	۷۳	توفیق خدیو مصر،

پ

- پریت وی راجه اجمیر ، ۲۶۳
 یولاداز خانان سیراردو، مقابل صفحه ۲۰۶
 یولاد خواجه از خانان سیراردو ، ۲۰۵
 بیرعلی کرت ، ۲۲۵
 بیرمحمد، نام دونفر از امرای شیبانی، ۲۴۲
 بیرری غزنوی ، ۲۵۹

ج و چ

- جان (سن) ، امرای ، ۴۷
 جان بلات ، از ممالیک برجی ، ۷۵
 جانی (خاندان) ، ۲۴۵-۲۴۶
 جانی بیک محمود از خانان سیراردو، ۲۰۰، ۲۰۵
 جانی از سلاطین بنگاله ، ۲۷۵
 جانی بیک گرای ، نام دو نفر
 از خانان قوم ، ۲۰۹-۲۱۰
 جبر بردی از خانان سیراردو ،
 مقابل صفحه ۲۰۶
 جعفرخان زند ، ۲۳۲
 جغتای (اولوس) ، ۱۸۳-۱۸۶
 ۲۱۴-۲۱۶
 جغراتگین ایلك خانى ، ۱۲۲
 جغری بیک ، ۱۳۳
 جقمق ، از ممالیک برجی ، ۷۴
 جلال الدین فیروز شاه ثانی،
 از سلاطین دهلی ، ۲۶۸
 جلال الدین از خانان سیراردو،
 مقابل صفحه ۲۰۶

- جلال الدین ایلك خانى ، ۱۲۲
 جلال الدین محمد شاه قتلخ خانى ، ۱۶۳
 جلال الدین سیور غتمش قتلخ خانى ، ۲۶۳
 جلال الدین منکبرنی ، ۱۶۱، ۱۸۴-۲۶۶
 جلال الدین اکبر شاه همان اکبر شاه
 جلال الدوله دیلمی ، ۱۲۷
 جلال الدوله غزنوی ، ۲۵۹
 جلال الدوله نصرمرداسی ، ۱۰۳، ۱۰۴
 جلال الدین فتحشاه بنگالی ، ۲۷۷
 جلال الدین مسعود ملک جانی بنگالی ، ۲۷۵
 جلال الدین محمد شاه بنگالی ، ۲۷۶
 جلال الدین شاه شجاع مظفری ، ۲۲۲
 ۱۳۴، ۱۳۵
 جلال الدین ملکشاه سلجوقی ، ۱۴۲-۱۴۳
 ۱۵۹
 جلایر (آل) ، ۲۱۸-۲۱۹-۲۲۱
 جمال الدوله فرخزاد غزنوی ۲۵۹
 جمال الدین محمد بوری ، ۱۴۳
 جوانمرد علی ، از شیبانیان ۲۴۳
 جوجی ، از مغول ، ۱۸۳-۱۹۸ بعد
 جوشنگیر ، از ممالیک بحری ، ۷۱
 جون پور (سلاطین) ، ۲۷۸
 جوهر سردار فاطمی ، ۶۰
 جهان بهلوان از اتابکان
 آذربایجان ، ۱۵۳-۱۵۴
 جهان تیمور ایلخان ایران ، ۱۹۶
 جهاندار از امپراطوران مغول هند ، ۲۹۷
 جهانسوز علاء الدین غوری ، ۲۶۲

۲۱۱	حاکم کرای ، از خانان قرم ،	۲۲۶	جهانشلو آق قویونلو
۲۷۷	حبشی (سلاطین) ،	۲۲۷	جهانگیر آق قویونلو ،
۲۱	حبوس زیری ،	۲۹۷	جهانگیر نورالدین از امیر اطردان مغول ،
۱۶۴	حجاج قتلخ خانی ،	۲۱	جهور (بنی) ،
۲۱	الحزم (ابو) - جهوری ،	۲۱	جهور ، ابوالحزم ،
۱۰۶	حسام الدوله ، المقادعقلی ،	۵۸	جیش ابوالعسا کر طولونی ،
۱۵۰	حسام الدوله تیمورتاش ارتقی ،	۸۰	الجیش (ابو) از بنی زیاد ،
۱۵۰	حسامالدین یولق ارسلان ارتقی ،	۸۲	جیش ، از بنی نجاح
۱۱۵	حسن نام سه نفر از علویان ،	۱۹۱	جیغتو ، از سلاطین مغول ،
۲۲۷	حسن (اوزون) ، آق قویونلو ،	۲۱۵	چینگشای (جهانگشای) ،
۲۸۸ ، ۲۸۶	حسن کانگو ، از سلاطین		از اولوس جغتای ،
	بهمنی ،		
۱۲۸ ، ۱۲۵	حسن رکن الدوله دیلمی ،		چ
۱۹۶ ، ۱۹۴	حسن کوچک چویانی ،	۲۰۶	چغرا ، از خانان سیراردو ، مقابل صفحه ۲۰۶
۲۰۵	حسن ، از خانان سیراردو ،	۲۰۶	چیمتای ، از خانان سیراردو ،
	حسن بزرگ جالیر ،	۱۹۰ ، ۱۷۲ - ۱۷۹ ، ۱۶۰	چنگیز خان ،
۲۲۱ - ۲۱۹ ، ۱۹۶ ، ۱۹۴		۱۹۴	چویان ،
۴۴	حسن حفصی ،	۱۹۴	چوپانیان (امرای)
۲۹	حسن ادریسی ،		ح
۱۲۲	حسن تگین ابانک خانی ،		حاتم نام سه نفر از حمدانیان یمن ، ۸۴
۱۰۷	حسن مروانی ،	۲۰۹	حاجی کرای ، از خانان قرم ،
۲۴۹	حسن قلی ، از خانان خیوه ،	۲۵۰	حاجی محمد ، نام دو نفر از خانان خیوه ،
۲۲۶	حسن علی ، قراقویونلو ،	۷۲	حاجی (صلاح المظفر) از ممالیک بحری ،
۹۲	الحسن ، از ائمه رسی ،	۱۱۳	حارث ، ابولیلی ، دلفی ،
۵۳	حسن ، از شرفای فلالی ،		الحافظ ، ابوالمیمون عبدالحمید
۱۰۱	حسن ، سیف الدوله حمدانی ،	۶۳ ، ۶۱	فاطمی ،
۷۲	حسن ناصر ، از ممالیک بحری ،	۲۲۵	حافظ (ملک) کرت ،
۱۸	حسن ، المستنصر حمودی ،	۶۳ ، ۶۱	الحاکم ، ابوعالی منصور فاطمی ،
۲۲۴	حسن دامغانی سربداری ،		

۱۶۸ حمیدی (امری) ،
 ۴۵ حمو (ابو) ، زیانی ،
 ۲۰-۱۷ حمودی (امرای) ،
 ۸۳ حمید (ابوسبا) از بنو صالح ؛
 ۲۲۴ حیدر قصاب سربداری ،
 ۲۴۸ حیدر تورا از امرای منگیت ،
 ۲۲۸ حیدر صفوی ،

خ

۲۰۵ خاقان از خانان سیراردو،
 ۴۴ خالد، ابوالبقاء نام دو نفر از امرای حفصی ،
 ۲۸۴ خاندیش (سلاطین) ،
 ۲۳۱ خدا بنده (محمد) صفوی ،
 ۲۵۲ خدا بار ، از خانان خوقند ،
 ۷۷-۷۵ خدیوان مصر ،
 ۱۲۹ خسرو دیلمی ،
 ۱۲۹-۱۲۷ خسرو فیروز ابونصر
 ملک رحیم دیلمی ،
 ۲۶۱-۲۶۰ خسرو ملک غزنوی ،
 ۲۶۸ خسرو شاه از سلاطین دهلی ،
 ۲۶۱-۲۶۰ خسرو شاه غزنوی ،
 ۲۷۲-۲۶۹ خضر خان ، از سلاطین دهلی ،
 ۲۰۵ خضر خان ، از خانان سیراردو ،
 ۱۲۲ خضر خان نام دو نفر از ایاکخانه ،
 ۲۸۰ خلجی (سلاطین مالوه) ،
 ۲۶۰ خلجی (سلاطین دهلی) ،
 ۲۷۵-۲۷۴ خلجی ، محمد بختیار از
 سلاطین بنگاله ،

۳۴ حسن زیری ،
 ۶۲ الحسن بن علی العسکری ،
 ۵۹ الحسن (ابو) ، علی ، اخشیدی ،
 ۵۴۵۳-۵۱ حسینی (شرفای) ،
 ۱۲۵-۱۲۴ حسویه (امرای) ،
 ۲۷۷ حسین شاه بنگانی ،
 ۲۶۲ حسین جهانسوز غوری ،
 ۱۰۱ حسین حمدانی ،
 ۱۸۵ حسین هزار اسبی ،
 ۲۲۱ ، ۲۲۰ حسین جالیر ،
 ۹۲ حسین از ائمه رسی ،
 ۸۹ حسین از مدعیان ائمه رسونی ،
 ۲۴۸ حسین منگیت ،
 ۲۷۹ حسین شاه، از سلاطین جونپور ،
 ۲۳۱، ۲۳۰ حسین (شاه سلطان) صفوی ،
 ۱۳۵ حسین، از سلاجقه کرمان ،
 ۸۱ حسین ، از وزرای بنی زیاد ،
 ۶۱ حسین بن امیر المؤمنین علی ،
 ۴۳ - ۴۴ حفص (بنی) ،
 ۴۲ - ۴۱ حفص (ابو) ، موحدی ،
 ۴۴ حفص (ابو-) ، حفصی ؛
 ۵۳ حفیظ ، از شرفای فلالی ،
 ۱۶ الحکم، نام دو نفر از امویان قرطبه ،
 ۳۴ حماد (بنی) ،
 ۳۴ حماد حمادی ،
 ۸۴ حماس ، از حمدانیان یمن ،
 ۱۰۱-۹۹ حمدانیان ،
 ۸۴ حمدانیان یمن ،
 ۲۲۷ حمزه آق قویونلو

۴۷	در غود،	۱۳-۲	خلفا،
۲۰۶	درویش، از خانان سیر اردو، مقابل صفحه ۲۰۶	۲۲۷	خلیل آق قویونلو،
۱۳۶	دقاق، از سلاجقه شام،	۷۱	خلیل از مماليك بحری،
۲۸۰-۲۷۹	دلاور خان غوری،	۲۳۹	خلیل تیموری،
	از سلاطین مالوه،		خمارویه طولونی،
۱۱۳-۱۱۲	دلف (بنی)،	۲۷۸	خواجۀ جهان، از سلاطین جونیور،
۱۱۲	دلف عجلی،	۱۶۱-۲۵۹	خوارزمشاهیان،
۱۱۳-۱۱۲	دلف (ابو)، القاسم العجلی،	۷۴	خوشقدم، از مماليك برجی،
۲۱۵	دوخان، از اولوس چغتای	۲۵۲	خوئنه (خانان)،
۲۱۵	دوتیمور، »	۱۷۲، ۴۷	خیرالدین بار بروسه،
۲۵۰	دولت، از خانان خیره،	۲۵۰-۲۴۹	خیوه (خانان)،
	دولت بردی، از خانان سیر اردو		د
۲۰۶	مقابل صفحه ۲۰۶		دارا، از آل زیار،
۲۱۱-۲۱۰	دولت گرای، نام سه نفر از	۱۲۴	دانشمندچه، از اولوس چغتای،
	خانان قرم،	۲۱۶	دانشمندی (امرای)،
۲۶۹	دولتخان لودی از سلاطین دهلی،	۱۳۹-۱۳۸	دانیه (امرای)،
۲۷۲-۱۶۵	دهلی (سلاطین)،	۲۳	داودالناصر ایوبی،
	دیالمه، همان آل بویه،	۶۷	داود شاه بهمنی،
۱۹۱	دین مغول،	۲۸۹-۲۸۸	داود شاه بنگالی،
	ذ	۲۷۸	داود شاه کجراتی،
۵۲	ذهبی، از شرفای فلالی،	۲۸۳-۲۸۲	داود خان از ملوک خاندیش،
۱۳۹	ذوالنون، از امرای دانشمندی،	۲۸۴	داود ازرقی،
۲۲-۲۱	ذوالنون (بنی)،	۱۵۱	داود، جفری بیک سلجوقی،
۱۱۶، ۱۱۵	ذوالیمینین طاهری،	۱۳۳	داود عنایت الدین از سلاجقه عراق،
	ر	۱۳۶	داور بخش، از امپراطوران مغول هند،
۲۷۶	راجه کانس، از سلاطین بنگاله،	۲۹۷	دایهای الجزایر،
۱۲	الراشد خلیفه عباسی،	۴۸	درانی (امرای)،
		۳۰۲	

۱۲۲ رکن الدین ایلک خانی ،
 ۲۲۵ رکن الدین از ملوک کورت ،
 ۱۶۳ رکن الدین مجدالحق قتاغ خانی ،
 ۷۳-۷۱ رکن الدین بیبرس ، از ممالیک بحری ،
 ۱۵۰ رکن الدین مودود ارتقی ،
 ۱۳۵ رکن الدین برکیارق سلجوقی ،
 ۱۳۵-۱۳۳ رکن الدین طغرل بیک سلجوقی ،
 ۱۳۵ رکن الدینی سلطان شاه از سلاجقه کرمان ،
 ۱۳۸-۱۳۷ رکن الدین ، لقب دونفر از
 سلاجقه روم ،
 ۱۹۱ رین تشن یال مغول ،

ز

۲۰ زاوی زیری ،
 ۴۵ الزایم (ابوالثابت) زیانی ،
 ۸۶-۸۵ زریع (بنی) ،
 ۱۰۶ زعیم الدوله ابوکامل برکه عقیلی ،
 ۲۶،۲۵ زغل ، از ملوک بنی نصر ،
 ۴۴ زکریا (ابویحیی) حفصی ،
 ۴۴-۴۳ زکریا (ابو) ، نام سه نفر
 از بنی حفص ،
 ۳۰۳،۳۰۰ زمان شاه افغان ،
 ۲۳۲،۲۳۰ **زندیه**
 ۱۵۵ زنگی ، اتابک سلفوری ،
 ۱۴۵،۱۴۳ زنگی ، نام دونفر از اتابکان
 زنگی ، ۱۴۷-
 ۱۴۷-۱۴۳ **زنگی (اتابکان)** ،
 ۸۰ زیادین ابراهیم زیادی ،

۷،۳-۲ **الراشدون (الخلفاء)** ،
 ۱۱ الراضی خلیفه عباسی ،
 ۴۹ الربیع (ابو) ، مربی ،
 ۳۴ رجار پادشاه صقلیه ،
 ۱۹۱ رجبی یکه مغول ،
 ۱۲۷ رحیم (ملک) دیلمی ،
 ۲۵۱ رحیم از خانان خوقند ،
 ۲۵۱ رحیم قلی ، از خانان خیوه ،
 ۱۷۱-۴۷ ردس (امرای)
 ۲۲۷ رستم ، آق قویونلو ،
 ۱۲۸ رستم ، مجدالدوله دیلمی ،
 ۸۱ رشد ، از وزرای بنی زیاد ،
 ۹۰-۸۸ **رسولی (ائمه)** ،
 ۹۳-۹۲ **رسی (ائمه)** ،
 ۱۱ الرشید (هارون) ، عباسی ،
 ۴۱ الرشید موحدی ،
 ۵۴-۵۲ الرشید از شرفای قلایی ،
 ۱۰۴-۱۰۳ رشیدالدوله محمود مرداسی ،
 ۱۳۶ رضوان از سلاجقه شام ،
 ۲۶۸-۲۶۶ رضیه از ملوک دهلی ،
 ۲۹۷ رفیع الدرجات ، از سلاطین مغول هند ،
 ۲۹۷ رفیع الدوله شاه جهان ثانی ، «
 ۱۲۸،۱۲۵ رکن الدوله ابوعلی حسن دیلمی ،
 ۱۵۰ رکن الدوله داود ارتقی ،
 ۲۷۵ رکن الدین کاوس از سلاطین بنگاله ،
 ۲۷۷ رکن الدین باریک از سلاطین دهلی ،
 ۲۶۸ رکن الدین ابراهیم از سلاطین دهلی ،

۲۰۴	سرتاق مغول ،	۸۱-۸۰	زیاد (بنی) ،
۱۹۲	سق تو مغول ،	۳۱	زیاده الله، لقب سه نفر از امرای اغلیبی ،
	سعادت گرای نام سه نفر	۱۲۴-۱۲۳	زیار (آل) ،
۲۱۲-۲۰۹	از خانان فرم ،	۵۰	زیان (ابو) ، مرینی ،
۲۵	سعد ، از امرای بنی نصر ،	۴۶-۴۵	زیان (بنی) ،
۱۵۶-۱۵۵	سعد از اتابکان سلغوری ،	۵۴-۵۲	زیدان ، از شرفای حسینی ،
۱۰۱	سعدالدوله ابوالمعالی حمدانی ،	۱۱۴-۹۲	زیده ،
۸۶-۸۵	سعود (ابو) و نام دو نفر از بنی زیری	۲۱-۲۰	زیری (بنی) در اسپانیا ،
۴۱	السعيد موحدي ،	۳۴-۳۳	زوی ، (بنی) در تونس ،
۷۱	السعيد بر كهخان از ممالك بحری ،	۲۲۲	زین العابدین مظفری ،
۵۰	السعيد، نام دو نفر از امرای مرینی ،	۱۴۷	زین الدین علی کوچک، بکتگینی ،
۱۵۰	السعيدالغازی ارتقی ،	۱۴۷	زین الدین یوسف بکتگینی ،
۵۱	السعيد، الشيخ و تعس و تعسی ،		س
۱۰۰	سعيد حمدانی ،		سابق ، ابوالفضل برداسی ، ۱۰۴، ۱۰۳،
۷۷-۷۶	سعيد از خدیوان مصر ،		ساتی بك ایلخان ایران ، ۱۹۶-۱۹۴
۸۲	سعيد الاحوال نجاحی ،		الساج (ابو) ، دیودان ساجی ؛ ۱۱۴-۱۱۳
۲۴۳	سعيد سلطان شیبانی ،		ساسانیان ، ۴، ۳
۱۰۱	سعيدالدولة حمدانی ،		ساسی بوقا ، از خانان سیراردو . ۲۰۶
۲۵	سعيد (ابو) محمد السادس از امرای بنی نصر ،		سامان جد سامانیان ، ۱۱۸
۱۹۶-۱۹۴	سعيد (ابو) ، ایلخان ایران ،		سامانیان ، ۱۲۰-۱۱۸
۱۵۸	سعيد (ابو) ، هزاراسبی ،		سباء صلیحی ، ۸۴-۸۳
۵۰	سعيد (ابو) ، نام دو نفر از امرای مرینی ،		سباء زربعی ، ۸۶
۲۴۲	سعيد (ابو) ، شیبانی ،		سبحان قلی از امرای جانی ، ۲۴۷-۲۴۶
۲۳۹	سعيد (ابو) ، تیموری ،		سبکتگین غزنوی ، ۲۵۹-۲۵۷-۲۵۵
۴۵	سعيد (ابو) زیانی ،		ستسن مغول ، ۱۹۲
۱۵۰-۱۴۸	سقمان ، نام دو نفر از ارتقیه ،		ستق ، عبدالکریم ایلک خانی ، ۱۲۱
۱۵۳-۱۵۲	سکمان ناصر الدین ، از شاهان ارمنیه ،		سربداران ، ۲۲۴-۲۲۳
۱۵۳-۱۵۲	سکمان قطبی ، از شاهان ارمنیه ،		

۱۹۶، ۱۹۵	سلیمان ، ایباخان ایران ،	۲۷۷-۲۷۶	سکندر شاه نام سه نفر از سلاطین بنگاله ،
۲۵۱	سلیمان از خانان خوقند ،	۲۶۹	سکندر شاه نام سه نفر از سلاطین دهلی ،
۴۹	سلیمان ، ابوالریبع مرینی ،	۲۸۳-۲۸۲	سکندر شاه از سلاطین گجرات ،
۸	سلیمان اموی ،	۲۱۱-۲۱۰	سلامت کرای دو نفر از خانان قرم ،
۱۶	سلیمان المستعین از خلفای اموی اندلس ،	۷۱	سلامش از ممالیک بحری ،
۲۳۳-۲۳۱	سلیمان صفوی ،	۱۳۸-۱۳۲	سلاجقه ،
۱۳۷	سایه‌ان از سلاجقه عراق ،	۱۳۳	سلاجوق ،
۱۳۷	سلیمان ، نام دو نفر از سلاجقه روم ،	۱۵۶-۱۵۵	سلاجوقشاه سلغوری ،
۶۹	سلیمان مظفر ایوبی ،	۱۲۷	سلطان الدوله دیلمی ،
۱۲۸	سماءالدوله ابوالحسن دیلمی ،	۲۶۰	سلطان الدوله غزنوی ،
۵۲	السمین ، از شرفای فلالی ،	۲۴۹	سلطان حاجی از خانان خیوه ،
۲۱۵	سنجر ، از اولوس جغتای ،	۲۴۳	سلطان سعید شیبانی ،
	سنجر ، سلطان معز الدین ،	۱۳۵	سلطان‌شاه از سلاجقه کرمان ،
۱۳۵، ۱۳۴	از سلاجقه بزرگ ،	۱۳۶	سلطان‌شاه از سلاجقه شام ،
۱۴۵	سنجر شاه زنگی ،	۱۶۱	سلطان‌شاه خوارزمشاهی ،
۱۰۹، ۱۰۸	سعدالدوله مزیدی ،	سلافر ،	
۱۵۶-۱۵۵	سنقر سلغوری ،	۱۵۵، ۱۴۲	سلغوری، (انابکان)
۲۶۲	سوری ، سیف‌الدین غوری ،	۱۵۶-۱۵۵	سایم اول سلطان عثمانی ، ۳، ۷۵، ۱۷۱-۱۷۵
۱۸۴	سونک ، (ساسله) ،	۱۷۶	سایم ثانی وثالث از سلاطین عثمانی ،
	سید احمد ، از خانان سیراردو	۲۱۲-۲۱۰	سایم کرای سه نفر از خانان قرم ،
۲۰۶	جدول مقابل صفحه	۸۷-۶۹	سلیمان ایوبی ،
۲۵۱	سید محمد ، از خانان خیوه ،		سلیمان ، نام دو نفر از سلاطین عثمانی ،
۲۵۲	سید سلطان از خانان خوقند ،	۱۷۶-۱۷۱	سلیمان قرارانی ، از پادشاهان بنگاله ،
۲۵۱	سید محمد رحیم از خانان خیوه	۵۵، ۵۳	سلیمان از شرفای فلالی ،
۲۰۴-۱۹۸	سیراردو (خانان)	۲۳	سلیمان المستعین هودی ،
۸۷-۶۹	سیف الاسلام طفتکین ایوبی ،		
۱۴۳، ۱۴۲	سیف الاسلام طفتکین بوری		
۲۳	سیف الدوله هودی ،		
۱۰۱-۱۰۰	سیف الدوله حمدانی ،		

شاه عالم بهادرشاه، نام دونفر ۲۹۸-۲۹۷
از امپراطوران هند ،
شاه عالم جلال الدين ، » » ۲۹۸
شاه جهان قتلغ خانی ، ۱۶۴-۱۶۳
شاه جهان ، از امپراطوران ۲۹۷
مغول هند ،
شاه شجاع افغان ، ۳۰۲، ۳۰۰
شاه شجاع مظفری ، ۲۲۲
شاه مراد از خانان خوقند ، ۲۵۲
شاهان ارمنیه ، ۱۵۳-۱۵۲
شاهان ایران ، ۲۳۴-۲۲۸
شاهرخ افشاری ، ۲۳۱، ۲۳۰
شاهرخ نام دونفر از خانان خوقند ، ۲۵۱
شاهرخ تیموری ، ۲۳۹-۲۳۸
شاهین کرای ، از خانان قُرم ، ۲۱۲
شجاع الملك افغان ، ۳۰۲
شجاع مغول ، جدول مقابل صفحه ۲۰۶
شجرة الدر ، از ممالیک بحری ، ۷۱
السید حفصی ، ۴۴
شرفای مراکش ، ۵۵-۵۱
شرف الدولة شیرذیل دیلمی ، ۱۲۷-۱۲۶
شرف الدولة ایلك خانی ، ۱۲۲
شرف الدولة ابوالمکارم عقیلی ، ۱۰۶
شرف الدين عیسی ایوبی ، ۶۷
شرف الدين ایلك خانی ، ۱۲۲
شرقی (سلاطین) ، ۲۷۹-۲۷۸
جونپور ، ۲۷۸
شریف ابوالمعالی کجراتی ، ۱۰۱
شعبان ، از ممالیک بحری ، ۷۲

سیف الدين ایوبی ، ۶۷، ۶۵
سیف الدين بگتمر از شاهان ارمنیه ، ۱۵۲
سیف الدين آيک بنگالی ، ۲۷۵
سیف الدين فیروز بنگالی ، ۲۷۷
سیف الدين حمزه بنگالی ، ۲۷۶
سیف الدين سوری غری ، ۲۶۲
سیف الدين غازی ، نام دونفر ، ۱۴۴
از انابکان زنگی ،
سیف الدين قدوز ، از ممالیک بحری ، ۷۱
سیف الدين قلاون ، » ۷۱
سیف الدين ابوبکر » ۷۱
سیف الدين شعبان » ۷۱
سیف الدين حاجی » ۷۲
سیف الدين برقوق ، از ممالیک برجی ۷۴
سیف الدين ططار ، « ۷۴
سیف الدين برس بیك ، » ۷۴
سیف الدين ابنال » ۷۴
سیف الدين بل بیك ، » ۷۴
سیف الدين قایت بیك ، » ۷۴
سیف الدين جقمق ، » ۷۴
سیف الدين خوشقدم ، » ۷۴
سیورغتمش قتلغ خانی ، ۱۶۴، ۱۶۳
سیورغتمش مغول ، ۲۳۹-۲۳۶-۱۸۶

ش

شادی بیك ، از خانان سیراردو ، جدول
مقابل صفحه ۲۰۶

شهاب الدین احمد، از مماليك برجی، ۴۷	شمس الدولة دیلمی، ۱۲۸
شیبان مغول، ۲۱۴-۲۱۲، ۱۹۸	شمس الدین ایلدگز، ۱۵۴، ۱۵۳
شیبان طولونی، ۵۸	اتابك آذربایجان،
شیبانیان، ۲۴۳ - ۲۴۱	شمس الدین بهمنی، ۲۸۸
شیخ، از شرفای حسنی، ۵۴، ۵۲	شمس الدین، از پادشاهان بنگاله، ۲۷۶
شیخ، از مماليك برجی، ۷۴	شمس الدین احمد، از پادشاهان بنگاله، ۲۷۷
شیران از پادشاهان بنگاله، ۲۷۵	شمس الدین فیروز، » » ۲۷۵
شیرخان از پادشاهان بنگاله، ۲۷۵	شمس الدین الیاس، » » ۲۷۶
شیر ذیل دیلمی، ۱۲۶	شمس الدین محمد سورغازی شاه از پادشاهان بنگاله، ۲۷۷
شیرزاد غزنوی، ۲۶۰	شمس الدین هزار اسپی، ۱۵۸
شیرشاه از پادشاهان دهلی، ۲۶۹	شمس الدین، از پادشاهان بنگاله، ۲۷۷
شیرعلی افغان، ۳۰۴ - ۳۰۱	شمس الدین یوسف، » ۲۷۷
شیرعلی از تھانان خوقند، ۲۵۲	شمس الدین التمش، از پادشاهان دهلی، ۲۶۸، ۲۶۵
شیرعلی، از خانان خیوه، ۲۵۰	شمس الدین، نام دو نفر از امرای کرت، ۲۲۵
شیعه، ۳۱، ۶۰، ۱۰۰، ۱۱۲، ۱۲۶، ۱۳۲	شمس الدین ارتقی، ۱۵۰
ص	
صاحب گرای نام دو، ۲۱۲، ۲۰۹	شمس الدین از ائمه رسی، ۹۳
نفر از خانان قرم،	شمس الدین علی سربداری، ۲۲۴
صادقخان زند، ۲۳۲	شمس المعالی قابوس زیاری، ۱۲۴
الصالح، نجم الدین ایوب ایوبی، ۶۸، ۶۷	شمس الملوک ایلك خانی، ۱۲۲
الصالح، اسماعیل ایوبی، ۶۸	شمس الملوک اسمعیل بوری، ۱۴۳
الصالح، حاجی، از مماليك بحری، ۷۲	شهاب الدولة، ابو کامل نصر مرداسی، ۱۰۴، ۱۰۳
الصالح، اسماعیل، » » ۷۱	شهاب الدولة ایلك خانی، ۱۲۲
الصالح، صلاح الدین، » » ۷۲	شهاب الدولة مودود غزنوی، ۲۵۹
الصالح، محمد، از مماليك برجی، ۷۴	شهاب الدین بایزید بنگالی، ۲۷۶
الصالح، اسماعیل، از انا بکان ایوبی، ۱۴۵	شهاب الدین بغرا بنگالی، ۲۷۵
صالح مرداسی، ۱۰۴، ۱۰۳	شهاب الدین محمود بوری، ۱۴۳
صدقه، سیف الدولة مزیدی، ۱۰۹، ۱۰۷	شهاب الدین محمد غوری، ۲۶۳

۱۲۸	طاهر (ابو)، دیلمی،	۱۶۷	صروخانی (امرای)،
۱۰۱	طاهر (ابو)، حمدانی،	۹۳ - ۹۲	صعده (ائمه)،
۱۲	الطابع خلیفه عباسی،	۲۵	الصغیر، محمد، از امرای بنی نصر،
۲۱۵	طرماشیر بن ازاولوس جغتای،	۲۱۰	صفا گرای از خاندان قرم،
۷۵	ططار از مماليك برجی،	۱۶۳	صفوة الدین قتلغ خانی،
۱۲۲	طفجاج خان نام دونفر از ایلک خانیه،	۲۳۱ - ۲۲۸	صفویه،
۱۹۶	طفا تیمور ایلخان ایران،	۲۳۱	صفی (شاه) صفوی،
۲۱۵	طفا تیمور از اولوس جغتای،	۷۱	صلاح الدین خلیل از مماليك بحری،
۲۰۵، ۱۹۸	طغاتیمور مغول،	۷۲	صلاح الدین صالح،
۲۵۷	طغان خان بنگالی،	۷۲	صلاح الدین محمد،
۱۲۲	طغان، شرف الدین، از ایلک خانیه،	۷۲	صلاح الدین حاجی،
۱۹۱، ۱۸۸	طغان تیمور مغول،	۶۷	صلاح الدین داود ایوبی،
۱۴۳ - ۱۴۲	طفتکین بوری،	۶۷ - ۶۴، ۶۰	صلاح الدین، یوسف الناصر ایوبی
۲۵۹	طغرل غزنوی،	۶۸	صلاح الدین یوسف از ایوبیان حلب،
۱۲۲	طغرل خان ایلک خانی،	۸۴ - ۸۳	صلیح (بنی)،
۲۷۵	طغرل بنگالی،	۱۲۶	صمصام الدوله ابوالکالیجار مرزبان دیلمی،
۱۳۵ - ۱۳۳	طغرل نام دو نفر از سلاجقه بزرگ،	۹۵ - ۹۴	صنعا (ائمه)،
۱۳۶	طغرل شاه از سلاجقه کرمان،	۲۴۹	صوفیان، از خاندان خیوه،
۱۲۳	طغرل تگین، ایلک خانی،	ط	
۱۱۶	طلحه طاهری،		
۲۳۱	طهماسب، شاه، نام دو نفر از سلاطین صفویه،	۱۲۸	طالب (ابو)، دیلمی،
۲۶ - ۱۸	الطوائف (ملوک)،	۱۱۶ - ۱۰۱	طاهریان،
	طولون بیک، از خاندان سیر اردو،	۹۱	طاهر، جد طاهریان یمن،
۲۰۶	جدول مقابل صفحه	۱۱۶، ۱۱۵	طاهر ذوالیمینین،
۵۹ - ۵۸	طولون (بنی)،	۱۱۶	طاهر بن عبدالله طاهری،
		۱۱۷	طاهر صفاری،
		۹۱	طاهریان یمن،

ظ

عباس عم پیغمبر ، ۲
عباس نام دونفر از خدیوان مصر ، ۷۶-۷۷
عباس (شاه) ، نام دونفر از ۲۳۱-۲۲۹
پادشاهان صفوی ،
عباس از امرای بنی زریع ، ۸۶
عباسی (خلفای) ، ۱۱-۱۲-۲-۵-۶
۷-۱۴-۲۸-۳۰-۳۵-۵۷-۵۸-۶۴-۷۹-
۹۹-۱۰۰-۱۱۰-۱۲۶-۱۳۲-۱۴۷-
۱۷۱-۱۹۳-۲۵۸-۲۶۵
عباسی (خلفای مصر) ، ۲-۱۷۱
عبدالحق ، از امرای مرینی ۴۹
عبد الحلیم ، از امرای مرینی ، ۵۰
عبد الحمید نام دونفر از
۱۷۶-۱۷۷ سلاطین عثمانی ،
عبدالعزیز المنصور ، از امرای بنی عامر ، ۲۲
عبد الرحمن ، امیر افغانستان ، ۳۰۱ ، ۳۰۴
عبد الرحمن ، از شرفای فلالی ، ۵۳
عبد الرحمن ، از امرای مرینی ، ۵۰
عبد العزیز ، از امرای بنی دلف ، ۱۱۲-۱۱۳
عبدالعزیز ، نام دونفر از
۱۷۷ سلاطین عثمانی ،
عبد العزیز ، از امرای بنی حفص ، ۴۴
« از امرای شیبانی ، ۲۴۳
« از امرای جانی ، ۲۴۶
« از ممالیک برجی ، ۷۴
« از امرای مرینی ، ۵۰
عبد القادر ، از امرای بنی یعفور ، ۸۱
عبد الکرم ستق ، از خاندان ایلکیه ، ۱۲۱

الظاهر ، صلاح الدین نام
دونفر از بنی طاهر ، ۹۱
الظاهر ، ابوالمنصور اسماعیل فاطمی ، ۶۱
الظاهر ، خلیفه عباسی ، ۱۲
الظاهر ، غیاث الدین الغازی ایوبی ، ۶۸
الظاهر ، ابوالحسن علی ، فاطمی ، ۶۱
ظاهر ، از بنی حسنویه ، ۱۲۵
ظاهر برقوق ، از ممالیک برجی ، ۷۴
ظاهر بیلک ، » » ۷۴
الظاهر (الملك) ، بیهرس
بند قداری ، از ممالیک برجی ، ۷۱
ظاهر جقمق ، از ممالیک برجی ، ۷۴
ظاهر قانسوه ، » » ۹۵ ، ۷۵
ظاهر خوشقدم ، » » ۷۴
ظاهر ططار ، » » ۷۴
ظاهر تیمور بغا ، » » ۷۴
ظاهر ارتقی ، ۱۵۱
الظاهر ، یحیی ، از ائمه رسولی ، ۸۸ ، ۹۰
ظفر خان بهمنی ، ۲۸۶ ، ۲۸۸
ظفر خان کجراتی ، ۲۸۱ - ۲۸۲
ظہیر الدوله غزنوی ، ۲۵۹
ظہیر الدوله قزیری ، ۱۲۴
ظہیر الدین ابراهیم ، از شاهان ارمنیه ، ۱۵۲
ظہیر الدین ، از دیالمه کا کویه ، ۱۳۰
ظہیر الدین لقب بابر
ظہیر الدین سر بداری ۲۲۴

ع

بنی عباد ،

عبدالمك، عمادالدوله، از امرای هودی، ۲۳	عبدالكريم، از خوانین خوقند، ۲۵۱
عبدالمك، از بنی جهور، ۲۱	عبدالله، از امرای اغلبی، ۳۱-۳۲
عبدالمك، نام دونفر از امرای سامانی، ۱۱۹	عبدالله بن تاشقین، از امرای موابطی، ۳۵
عبدالمؤمن، از امرای موحدی ۳۹-۴۱	عبدالله العادل، از امرای موحدی، ۴۱
عبدالمؤمن، از خانان جانی - ۲۴۷	عبدالله المهدی، از خلفای فاطمی، ۶۱
عبدالمؤمن، از خانان شیبانی، ۲۴۲	عبدالله، از شرفای فلالی، ۵۳-۵۵
عبدالنبی، از امرای بنی مهدی، ۸۵	عبدالله، از خانان سیراردو، ۲۰۵
عبدالله جانی، ۲۴۶-۲۴۷	عبدالله، از حمدانیان یمن، ۸۴
عبدالله شیبانی، ۲۵۲	عبدالله، ابوالهیجاء، از حمدانیان موصل، ۱۰۰
عبیدیه، خاقای فاطمی	عبدالله، از شرفای حسنی، ۵۲
عثمان از ممالیک برجی، ۷۴	عبدالله، از خانان خیوه، ۲۵۱
عثمان نام دونفر از بنی مرین، ۴۹-۵۰	عبدالله، از امرای مرینی، ۵۰
عثمان سلطان عثمانی، ۱۶۹-۱۷۵	عبدالله، از خلفای اموی اندلس، ۱۶
عثمان، نام دونفر از امرای زیانی، ۴۵	عبدالله، از ائمه رسولی، ۸۸-۸۹
عثمان از انابکان آذربایجان، ۱۵۴	عبدالله، از امرای شیبانی، ۲۴۲
عثمان العزیز ایوبی، ۶۷	عبدالله، از امرای طاهری ایران، ۱۱۶
عثمان؛ ابو عمر حفصی، ۴۴	عبدالله، از تیموریان، ۲۳۹
عثمان خلیفه ثالث، ۲-۱	عبدالله، از امرای زیری اندلس، ۲۱
عثمای القاضی، از بنی عامر، ۲۲	عبدالله، از امرای یعفوری، ۸۱
عثمانی (سلاطین) ۱۶۹-۱۷۷	عبدالله، از بنی زیاد، ۸۰
عده الدوله، ابوتغاب الغضنفر ۱۰۱	عبد اللطیف، از امرای شیبانی، ۲۴۲
از امرای حمدانی،	عبد اللطیف، از تیموریان، ۲۳۹
عز الدوله بختیار دیامی، ۱۲۷	عبدالمجید، از خلفای فاطمی، ۶۱
عز الدوله عبدالرشید غزنوی، ۲۵۹	عبدالمجید، نام دونفر از سلاطین عثمانی، ۱۷۷
عزالدین طغرل طغانشان، ۲۷۵	عبدالمك، نام دونفر از خلفای اموی، ۸
از سلاطین بنگاله،	عبدالمك، از امرای بنی عامر، ۲۲
عزالدین بامین، از سلاطین بنگاله، ۲۷۵	عبدالمك، از شرفای حسنی، ۵۲
عزالدین شیران از سلاطین بنگاله، ۲۷۵	

- عیسی ایوبی، ۶۷
 عیسی فاطمی، ۶۱
 عیسی ارتقی، ۱۵۱
 عینان (ابو)، مرینی، ۵۰

غ

- غازان خان، ایلخان ایران، ۱۹۵
 غازان، اولوس چغتای، ۲۱۶
 غازی، نام دو نفر از ایوبیان، ۶۸
 غازی شاه بنگالی، ۲۷۷
 غازی دانشمندی، ۱۳۹
 غازی گرای نام سه نفر از خانان قرم، ۲۱۱-۲۰۹
 غازی، نام دو نفر از اتابکان زنگی، ۱۴۴
 الغازی (ابو)، جانی، ۲۴۶
 الغازی (ابو)، نام سه نفر از خانان خیوه، ۲۵۰
 الغالب نصری، ۲۴
 الغرات (ابو) زریعی، ۷۶، ۸۵
 غز، ۲۶۳، ۱۳۶

غزنویان

- غزنمفر حمدانی، ۱۰۱
 الغنی، از بنی نصر، ۲۵

غوریان

- غوریان مالویه، ۲۸۰
 غیاث الدین غازی ایوبی، ۶۸
 » محمد ایوبی، ۶۸
 » بهمنی، ۲۸۹، ۲۸۸
 » عوض بنگالی، ۲۷۵
 » اعظم شاه بنگالی، ۲۷۶

- عزالدین اعظم الملك، از سلاطین بنگاله ۲۷۶
 عزالدین مسعود نام دو نفر از اتابکان زنگی، ۱۴۶-۱۴۴

- عزالدین، لقب سه نفر از سلاجقه روم، ۱۳۸-۱۳۷

- عزالدین آبیك از مماليك بحری، ۷۱
 عزالدین بلبلان از شاهان ارمنیه، ۱۵۲
 عماد الملك از سلاطین برار، ۲۸۷
 عماد الدولة هودی، ۲۳
 عماد الدولة ابوالکالیجار مرزبان دیلمی، ۱۲۷
 عماد الدولة ایلکی، ۱۲۲

- عماد الدین عثمان ایوبی، ۶۷
 عماد الدین علی الیبی ارتقی، ۱۵۱
 عماد الدین قاورد از سلاجقه کرمانی، ۱۳۵
 عماد الدین شاهنشاه زنگی، ۱۴۴-۱۴۳

عماد شاهیان

- عمر، تقی الدین ایوبی، ۶۸
 عمر دلفی، ۱۱۲، ۱۱۳
 عمر (ابو حفص) نام سه نفر از امرای حفصی، ۴
 عمر از ائمه رسولی، ۸۸، ۹۰
 عمر از اتابکان زنگی، ۱۴۵۰، ۱۴۶
 عمر (ابو)، مرینی، ۵۰

- عمر شاه از سلاطین دهلی، ۲۶۸
 عمر از امرای منگیت، ۲۴۸
 عمر از خلفای اموی، ۸، ۱۰
 عمر بن الخطاب خلیفه ثانی، ۷، ۲
 عمر المرتضی، ابو حفص موحدی، ۴۱

- عمران زریعی، ۸۶
 عنایت گرای از خانان قرم، ۲۱۰
 عنگور، ابوالقاسم اخشیدی، ۵۹
 عوض، از سلاطین بنگاله، ۲۷۵
 عقیل (بنی)، ۱۰۶-۱۰۴

۲۳۲	فتحعلی شاه قاجار،	۲۷۵	غیاث الدین بهادر شاه بنگالی،
۲۹۱، ۲۱۰، ۲۹۱	فتح گرای نام دونفر از خانان قرم،	۲۷۷	» جلالشاه بنگالی،
۲۳۳	الفتح (ابو)، زند،	۲۶۸	» تغلق از سلاطین دهلی،
۱۲۸	فخر الدوله ابو الحسن علی دیلمی،	۲۶۳	» بن سام غوری،
۲۷۶	فخر الدین مبارکشاه بنگالی،	۲۰۶	» توقتمش از خانان سیراردو،
۲۲۵	فخر الدین کرت،	۱۵۸	» هز از اسپ،
۱۵۰	فخر الدین قرارسلان ارتقی،	۲۲۵	» کرت
۶۹	القداد (ابو)، ایوبی،	۲۲۵	» پیرعلی کرت،
فرامر ز، ظهیر الدین، از دیالمة کا کویه ۱۳۰		۲۸۰	غیاث شاه از سلاطین مالوه،
۷۴	فرج، از مالیک برجی	۱۳۵	غیاث الدین محمد سلجوقی،
۲۹۷	فرخ سیر، از امیر اطوران مغول هند،	۱۳۶-۱۳۷	غیاث الدین، فام دو نفر از سلاجقه عراقی
۲۵۹	فرخزاد غزنوی،	۱۳۷-۱۳۸	غیاث الدین، لقب چهار نفر از سلاجقه روم،
۱۰۴	الفضایل (ابو)، مرداسی،	۲۷۷	غیاث الدین محمود بنگالی،
۴۴	الفضل حفصی،	ف	
۲۲۴	فضل الله سر بداری،		
۲۴	القیقه، محمد، از امرای بنی نصر،	۱۲	الفاتک، نام سه نفر از بنی نجاح،
۵۵، ۵۳-۵۲	فلالی (شرفای)	۵۴	فارس (ابو)، از شرفای حسنی، ۵۲،
۵۹	الفوارس (ابو)، اخشیدی،	۴۴	الفارس (ابو)، حفصی،
۱۲۷	فولادستون دیلمی،	۵۰	الفارس (ابو)، مرینی،
۲۸۸	فیروز، تاج الدین بهمنی،	۵۰	فارس المتوکل مرینی،
۱۲۷	فیروز، نام دو نفر از دیالمة،	فاروقی (سلاطین)	
۲۷۷	فیروز شاه، از سلاطین بنگاله	خاندیش، ۲۸۵-۲۸۴	
۲۴۶	القیض (ابو)، جانی،	۲۸۲	فاروقی شاه، از سلاطین کجرات
ق		۵۹، ۵۱	فاطمه دختر پیغمبر،
		۶۳-۵۹	فاطمیون
۱۲۴، ۱۲۳	قابوس، شمس المعالی زیاری،	۶۱	الفائز، ابو القاسم عیسی فاطمی،
۲۳۲	قاجاریه،	۳۰۴، ۳۰۰	فتح خان بارکزائی وزیر
۱۲	القادر، خلیفه عباسی،	۲۷۷	فتح شاه، از سلاطین بنگاله،
۲۲	القادر عامری،		

۲۷۶	قدرخان بنگالی،	۲۲	القادر ذوالنونى،
۷۱	قدوز، سيف الدين، از مماليك بحرى،	۱۱۲	قاسم دلفى،
۱۵۰	قرا ارسلان ارتقى،	۱۹، ۱۸، ۱۶	القاسم المأمون، ودى
۱۳۵	قرا ارسلان قاورد، از سلاجقه كرمان،	۲۰	القاسم الوائق، حمودى
۲۱۱	قرا دولت گراى، از خانان قرم،	۲۰۴	قاسم نواده كوچك محمد،
۲۷۸	قرازانى (سايمان) از سلاطين بنكاله،	۲۰۸	قاسم، از خانان قاسموف،
۲۲۶	قرا قويون لو (امراى)،	۹۴	ابو القاسم (ابو) المنصور، از ائمه صنعا،
۲۲۶	قرا محمد آق قويونلو،	۹۵	القاسم المتوكل » »
۲۱۵	قرا هوللاگو، از اولوس جغتاي،	۹۲	القاسم المنصور، از ائمه رسى،
۲۲۷	قرا بلق آق قويونلو،	۹۲	القاسم المختار »
۲۲۶	قرا يوسف قره قويونلو،	۹۰	القاسم الرسى، ترجمان الدين
۱۶۷	قرمانى (امراى)،	۵۹	القاسم (ابو)؛ اخشىدى،
۲۰۷-۲۱۲	قرم (خانان)	۲۰۸	قاسموف (خانان)،
۸۱، ۸۰	قرمطى، على بن فضل،	۲۲	القاضى عامرى؛
۱۱۴	قرمطيان،	۲۱۰-۲۰۹	قاضى گراى دونفر از خانان قرم،
۱۰۵	قرواش عقيلى،	۷۵	قانسوه، الظاهر، از مماليك برجى،
۱۰۶	قريش عتملى،	۷۵	قانسوه الفورى، از مماليك برجى،
۲۱۱	قرىم گراى، از خانان قرم،	۱۳۵	قاورد، از سلاجقه كرمان
۱۶۷	قزل احمدلى (امراى)،	۱۱	القاهر، خليفه عباسى،
۱۵۴	قزل ارسلان عثمان اتابك آذربايجان،	۷۴	قايت بيك، از مماليك برجى
۲۲۴	قصاب، حيدر سر بدارى،	۳۴	القايده حمادى،
۱۲۲	قطب الدوله احمد ايلكى،	۱۲	القائم خليفه عباسى،
۲۶۸، ۲۶۵، ۲۶۴	قطب الدين آبيك از سلاطين دهلى،	۶۱	القائم، ابو القاسم محمد فاطمى،
۲۶۸	قطب الدين مبارز از سلاطين دهلى،	۱۴۷	قايماز،
۲۸۲	قطب الدين از سلاطين گجرات،	۲۶۴	قباچه (ناصر الدين)،
۱۶۲، ۱۶۱	قطب الدين محمد خوارزمشاهى،	۱۶۴-۱۶۳	قتلغ خانیه (امراى)،
۱۶۳	قطب الدين محمد قتلغ خانى،	۱۶۳	قتلغ خاتون، قتلغ خانى،
۱۶۳	» شاه جهان قتلغ خانى،	۲۰۵	قتلغ خواجه، از خانان سبر اردو،
۱۵۰	» ايلغازى ارتقى،	۲۵۱	قتلغ محمد از خانان خيوه،

۱۳۵	کرمانشاه، ازسلاجقه کرمان،	۱۵۰-۱۴۸	طب الدین سقمان ارتقی،
۱۶۷	کراسی (امرای)،	۱۳۷	» ازسلاجقه روم،
۱۰۵	کربوغا، قوام الدوله،	۱۴۴	» مودود زنگی،
۲۲۵-۲۲۴	کرت (ملوک)،	۱۴۵	» محمد زنگی،
۱۶۷	کرمیان (امرای)،	۱۵۲	» اسماعیل،
۲۸۰۰-۲۷۳	کشمیر (سلاطین)،	۲۹۲	قطب شاهیان،
۲۴۹	کل ازخانان خیوه،	۷۱	قلاوون الفی، از مماليك بحری،
۱۹۰	کلوک مغول،	۱۳۸-۱۳۷	قلیج ارسلان، نام چهار نفر از سلاجقه روم،
۲۸۸	کلیم الله (شاه)، از سلاطین بهمنی،	۱۲۲	قلیج طغاج خان ایلگی،
۲۶۰	کمال الدوله شیرزاد عزنوی،	۲۷۵	قمر الدین تمر خان بنگالی،
۱۹۱	کوشا لامغول،	۱۲۷	قوام الدوله دیلمی،
۲۱۵	کونجوک خان از اولوس جغتای،	۱۰۵	قوام الدوله کربوغا،
کوبر جانک ازخانان سیر اردو مقابل صفحه ۲۰۶		۱۹۰	قوییلای قاآن مغول،
۲۵۰	کیپ، ازخانان خیوه،	۲۰۴	قولنا، ازخانان سیر اردو،
۱۳۸	کیخسرو، غیاث الدین، نام دو نفر ازسلاجقه روم،	۱۸۶	قیدومغول،
۲۷۰، ۲۶۸	کیقباد، از سلاطین دهلی،		ک
۱۳۸	کیقباد، علاء الدین، نام دو نفر ازسلاجقه روم،	۵۹	کافور، ابوالمسک اخشیدی،
۱۳۸	کیکاوس، عز الدین، نام دو نفر ازسلاجقه روم،	۱۳۰	کاکویه (دیالمه)،
۲۷۰	کیکاوس، از سلاطین بنگاله،	۱۲۶	کالیجار (ابو)، دیلمی،
	کوچک محمد، ازخانان	۲۹۷	کامبخش، از امیر اطوران مغول هند،
۲۰۶	سیر اردو، مقابل صفحه	۳۰۲	کامران افغان،
۲۴۲	کوچکونجی شیبانی،		الکامل (الملك)، شعبان از مماليك بحری،
۲۰۵	کوچی ازخانان سیر اردو،	۱۰۶	کامل (ابو) عقیلی،
۱۹۲	کودانگ مغول،	۱۰۸	کامل (ابو)، مزیدی،
۱۴۷	کوکبوری، مظفر الدین از امرای بکنگینی	۱۰۴	کامل (ابو) مرداسی،
		۲۱۵	کیک خان از اولوس جغتای،
		۲۱۲-۲۱۱	کیلان گرای نام سه نفر از خانان قرم
		۷۱	کتبغا، از مماليك بحری،

مبارك خواجه از خانان سیراردو ، ۲۰۶	گی	
مبارك . میران دو نفر از سلاطین	گزانگو، حسن، بهمنی،	۲۸۸-۲۸۹
خاندیش ۲۸۵-۲۸۴	گجرات (سلاطین).	۲۸۳-۲۸۰
مبار کشاه، از اولوس جغتای ، ۲۱۵	گرای، لقب خانان قرم،	
مبار کشاه بنگالی . ۲۷۶	گگن مغول،	۱۹۱
مبار کشاه لقب دو نفر از سلاطین ۲۶۹-۲۶۸	گلدی بیک، از خانان سیراردو.	۲۰۵
دهلی،	گمشتگین دانشمندی،	
مبار کشاه، از سلاطین جونپور ، ۲۷۸	گورگان، علی ایلك خانی،	۱۲۲
المتأبد همودی ، ۱۸	گورکانیان	۲۳۷-۲۳۶
المتقی خلیفه عباسی ، ۱۲	گون تیمور مغول،	۱۹۱
التمسك از بنی نصر ، ۲۵	گیخاتو ایلك خان ایران،	۱۹۵
المتوكل از خانای عباسی، ۱۱	گیوك مغول،	۱۹۰
المتوكل مرینی ،	ل	
المتوكل، لقب دو نفر از ائمه صنعا ، ۹۵-۹۴	لاچین، از ممالك بحری.	۷۱
المتوكل، لقب دو نفر از ائمه رسی، ۹۳	لطف الله سر بداری،	۲۲۵
مجاهد شاه بهمنی، ۲۸۸	لطفعلیخان زند،	۲۳۲
المجاهد از امرای دانیه ، ۲۳	لمتونه (برابرة)،	۳۵
المجاهد ، عالی ، از ائمه رسولی ، ۸۹	لودی (امرای)،	۲۶۹
المجاهد ، شمس الدین علی طاهری ، ۹۱	لؤلؤ، بدر الدین زنگی،	۱۴۵
مجاهد الدین علی زین العابدین مظفری، ۲۲۲	لیث صفاری،	۱۱۶
مجدالدوله. ابوطالب رستم دیلمی ، ۱۲۸	لینگ دان مغول	۱۹۲
مجدالدین عیسی الظاهر ارتقی ، ۱۵۱	م	
مجیدالدوله مروانی ، ۱۰۷	مالوه (سلاطین)،	
مجیدالدین عیسی الظاهر ارتقی، ۱۵۱	المأمون ، خلیفه عباسی،	۱۱
المجید، محمد، از ائمه صنعا ، ۹۴	المأمون موحدی،	۴۱
مجیدالدین ابق بوری ، ۱۴۳	المأمون ذوالنونی،	۲۱
محسن بن القائد حمادی ، ۳۴	المأمون هودی ،	۱۸
محمد ، رسول الله ، ۲	مبارز الدین مظفری،	۲۲۳-۲۲۱
محمد، نام دو نفر از بنی عباد ، ۲۰		
» ، نام دو نفر از بنی الاغلب، ۳۱		

» ، نام چهار نفر از بنی نصر ، ۲۵-۲۴	» ، نام دونفر از بنی وتبس ، ۵۱
» ، آق قوبونلو ، ۲۲۷	» ، نام دونفر از بنی یعفور ، ۶۱
» ، علوی ، ۱۱۵	» ، علی زند ، ۲۳۲
» ، بن تومرت موحدی ، ۳۹	» ، زنگی ، ۱۴۵
» ، الناصر موحدی ، ۴۱	» ، عقیلی ، ۱۰۶-۱۰۵
» ، منصور از شاهان ارمنیه ، ۱۵۲	» ، از امویان قرطبه ، ۱۶
» ، جهان پهلوان اتابک آذربایجان ، ۱۵۴	» ، شیران از حکام بنگاله ، ۲۷۵
» ، نام پنج نفر از بنی حفص ، ۴۴-۳۳	» ، ارتقی ، ۱۵۰
» ، نام چهار نفر از ایوبیان ، ۶۹-۶۷	» ، نام شش نفر از سلاطین عثمانی ، ۱۷۷-۱۷۵
» ، زیادی ، ۸۰-۷۹	» ، از رقبای ائمه رسولی ، ۸۹
» ، سور از سلاطین بنگاله ، ۲۷۷	» ، نام دونفر از اتابکان سلغوری ، ۱۵۶
» ، از بنوالمهدی ، ۸۶	» ، خدا بنده ، اولجایتوایاخان ایران ، ۱۹۵
» ، بوری ، ۱۴۳	» ، خدا بنده صفوی ، ۲۳۱
» ، بختیار خلجی ، از سلاطین بنگاله ۲۷۵	» ، غیاث الدین سلجوقی ، ۱۳۵-۱۳۴
» ، از اولوس جغتای ، ۲۱۶	» ، حسینخان قاجار ، ۲۳۰
» ، بن غازي دانشمندی ، ۱۳۹	» ، علاءالدوله ابوجعفر از دیالمة کابویه ، ۱۳۰
» ، محمد شاه نام پنج نفر از سلاطین دهلی ، ۲۶۹-۲۶۸	» ، امین از خانان غازان ، ۲۰۸
» ، قاجار ، ۲۳۲	» ، امین از خانان خیوه ، ۲۵۱
» ، از سلاطین جونپور ، ۲۷۹	» ، (اولغ) ، از خانان غازان ، ۲۰۷
» ، نام دونفر از سلاطین بهمنی ، ۲۸۸	» ، خوارزمشاه (علاءالدین) ۱۶۱-۱۶۰
» ، مغیث الدین ، نام دونفر از سلاجقه لرمان ، ۱۳۶	» ، رحیم ، از خانان خیوه ، ۲۵۱
» ، سلجوقی ، ۱۳۵، ۱۳۴	» ، علی یاشا خدیومصر ، ۷۷-۷۵
» ، شیبانی ، ۲۴۲-۲۴۱	» ، علی شاه قاجار ، ۲۳۲
» ، قاسم ، فاتح سند ، ۲۵۴	» ، علی ، از خانان خوقند ، ۲۵۲
» ، طاهری ، ۱۱۶	» ، عمر ، از خانان خوقند ، ۲۵۲
	» ، قطب الدین ، خوارزمشاه ، ۱۶۱
	» ، حمدانی ، ۱۰۰

محمد ، نام سه نفر از بنی زریع ، ۸۶	» المهدی ، نام دو نفر از بنی حمود ، ۲۰، ۱۸
» (ابو) از خانان حیوه ، ۲۵۰	» المستعلی حمودی ، ۱۸
» سلطان مراکش ، ۵۳	» نام سه نفر از شرفای حسنی ، ۵۲
محمود افغان ، ۲۳۱-۲۳۰	» ادرسی ، ۲۹
محمود شاه از امرای افغانستان ، ۳۰۳-۳۰۰	» اخشیدی ، ۵۹
محمود شاه نام دو نفر از سلاطین بهمنی ، ۲۸۸	» ایلخان ایران ، ۱۹۶
محمود شاه نام دو نفر از سلاطین دهلی ، ۲۶۹-۲۶۸	» ابوالولید جهوری ، ۲۱
محمود بنگالی . ۲۷۵	» (آقا) ، خان ، قاجار ، ۲۳۳-۲۳۲
محمود شهاب الدین بوری ، ۱۴۳	محمود بن تغلق ، از سلاطین دهلی ، ۲۶۸
محمود شاه ، نام سه نفر از پادشاهان بنگاله ، ۲۷۷	» فاطمی ، ۶۱
محمود غزنوی ، یمین الدوله ۲۵۹-۲۵۶	» نام سه نفر از شرفای فلالی ، ۵۳
محمود غوری ، ۲۱۴	» غزنوی ، ۲۵۹
محمود از خانان سیراردو ، ۲۰۵	» بن سام غوری ، ۲۶۲
محمود شاه نام دو نفر از سلاطین گجرات ، ۲۸۲-۲۸۱	» بولاق از خانان سیراردو ، ۲۰۵
محمود ایلک خانی ، ۱۲۲	» قریم از سلاطین گجرات ، ۲۸۳
محمود غازانخان ایلخان ایران ، ۱۹۵	» (کوچک) از خانان سیراردو ، ۲۰۴
محمود شاه از سلاطین جونپور ، ۲۷۹	» گرای ، نام سه نفر از خانان قرم ، ۲۱۰-۲۰۹
محمود ایوبی ، ۶۹	» دو نفر از قتلغ خانیه ، ۱۶۳
محمود خوارزمشاه ، ۱۶۱	» غزنی ، از سلاطین مالو ، ۲۸۰
محمود شاه خلجی دو نفر از سلاطین مالو ، ۲۸۰	» نام چهار نفر از بنی مرین ، ۵۰، ۴۹
محمود مداسی ، ۱۰۴	» مزیدی ، ۱۰۹، ۱۰۸
محمود مغول ، ۲۳۶-۱۸۶	» اکبرتانی از امیر اطوران مغول هند ، ۲۹۸
محمود ایلکانی ، ۲۲۱	» ناصرالدین ، ۲۹۷
محمود مظفری ، ۲۲۳	از امیر اطوران مغول هند ، ۲۲۳، ۲۲۱
محمود الصالح ارتقی ، ۱۵۱	» مظفری ، ۲۲۳، ۲۲۱

مروان (بنی) ، ۱۰۷-۱۰۶

مرید خواجه ، زخانان سیراودو ، ۲۰۵

مزید (بنی) ، ۱۰۸-۱۰۷

المسترشد ، خلیفه عباسی ، ۱۲

المستضیی ، « ۱۲

المستظهر ، « ۱۲

المستظهر ، از امویان اندلس ، ۱۶

المستعلی حمودی ، ۱۸

المستعلی ابوالقاسم احمد فاطمی ، ۶۱

المستعین از خلفای عباسی ، ۱۱

المستعین ، از خلفای عباسی مصر ، ۷۴

المستعین ، لقب دونفر از بنی هود ، ۲۳

المستعین ، از خلفای اموی اندلس ، ۱۶

المستکفی خلیفه عباسی ، ۱۲

المستکفی ، از امویان اندلس ، ۱۶

المستنجد ، خلیفه عباسی ، ۱۲

المستنصر ، خلیفه عباسی ، ۱۲

المستنصر موحدی ، ۴۱

المستنصر ، ابوتیمم معد فاطمی ، ۶۱

المستنصر ، لقب پنج نفر از بنی حفص ، ۴۴-۴۳

المستنصر حمودی ، ۱۸

المستنصر مرینی ، ۵۰

المستنصر از امویان اندلس ، ۱۶

المسعود بن الکرم ، ۸۵

المسعود یوسف ایوبی ، ۶۹

مسعود از سلاطین بنگاله ، ۲۷۵

مسعود شاه از سلاطین دهلی ، ۲۶۸

مسعود نام دونفر از سلاطین غزنوی ، ۲۵۹

محمود ، نام دونفر از سلاطین عثمانی ، ۱۷۶

محمود ، معیت الدین از سلاجقه عراق ، ۱۳۶

محمود ، ناصر الدین سلجوقی ، ۱۳۵

محمود ، نام دونفر از تیموریان ، ۲۳۹

محمود ، نام دونفر از اتابکان زنکی ، ۴۵

محمودك از خانان غازان ، ۲۰۸

محبی الدین از سلاجقه کرمان ، ۱۳۶

مخاوع موحدی ، ۴۱

المرباطین ، ۳۸-۳۴

مراد ، آق قویونلو ، ۲۲۷

مراد ، از خانان خوقند ، ۲۵۳

مراد نام چهار نفر از سلاطین عثمانی ، ۱۷۶-۱۷۵

مراد بخش از امیراطوران مغول هند ، ۲۹۷

مراد گرای از خانان قرم ، ۲۱۰

مراد شاه معصوم از امرای منگیت ، ۲۴۸

مرتضی از خانان سیراردو ،

جدول مقابل صفحه ۲۰۶

المرتضی . از امویان اندلس ، ۱۶

المرتضی ، محمد از ائمه رسی ، ۹۲

مرجان از وزیرای بنی زیاد ، ۸۱

مرداس (بنی) ، ۱۰۴-۱۰۳

مردان ، از سلاطین بنگاله ، ۲۷۵

مرداوید زیاری ، ۱۲۴-۱۲۳

مردود از خانان سیراردو ، ۲۰۵

مرزبان ، نام دونفر از دیالمه ، ۱۲۷-۱۲۶

مروان ، نام دونفر از خلفای اموی ، ۸

مروان (ابو) از شرفای حسنی ۵۵-۵۲

مروان مروانی ، ۱۰۷

۲۲	المظفر تجیمی ،	۸۹	المسعود از رقبای ائمه رسولی ،
۱۵۴	مظفرالدین اوزبك از اتابكان آذربايجان ،	۲۲۴	مسعود وجیه الدین سربداری ،
۶۸	مظفرالدین موسی ایوبی ،	۱۳۵	مسعود غیاث الدین از سلاجقه عراق ،
۱۴۸-۱۴۷	مظفرالدین کوکبوری بگتگینی ،	۱۳۸-۱۳۷	مسعود دونفر از سلاجقه روم ،
۲۴۸	مظفرالدین از امرای منگیت ،	۱۴۴	مسعود نام دونفر از اتابكان زنکی ،
۲۳۲	مظفرالدین شاه قاجار ،	۸۶-۸۵	مسعود (بنی) ،
۲۲۲-۲۲۱	مظفر (آل) ،	۵۹	المسك (ابو) کافور اخشیدی ،
۸	معاویه نام دونفر از خلفای اموی ،	۱۰۶-۱۰۵	مسلم بن قریش ؛
۱۶	المعتد از امویان اندلس ،	۳۵	مسموده (برابره) ؛
۱۲	المعتز خلیفه عباسی ،	۱۷۶-۱۷۵	مصطفی نام چهار نفر از سلاطین عثمانی ،
۱۱	المعتصم خلیفه عباسی ،	۱۲	المطیع از خلفای عباسی ،
۴۱	المعتصم موحدی ،	۲۲	المظفر عامری ،
۱۱	المعتضد خلیفه عباسی ،	۶۹	المظفر تقی الدین محمود ایوبی ،
۲۰	المعتضد عبادی ،	۶۸	المظفر الغازی ، ایوبی ،
۱۸	المعتلی حمودی ،	۶۹	المظفر محمود ایوبی ،
۱۱	المعتمد ، خلیفه عباسی ،	۶۸	المظفر عمر ایوبی ،
۲۰	المعتمد عبادی ،	۶۹	المظفر سلیمان ایوبی ،
۱۰۶	معتمدالدوله قرواش عقیلی ،	۲۷۷	مظفر شاه بنگالی ،
۶۱	معد فاطمی ،	۲۸۲	مظفر شاه نام دونفر از سلاطین گجراتی ،
۷۱	معز آيبك از ممالیک بحری ،	۷۴	المظفر احمد از ممالیک برجی ،
۶۱	معز فاطمی ،	۷۱	المظفر ، رکن الدین بیبرس جوشنگیر ، از ممالیک بحری ،
۳۳	معز زیری ،	۷۲	المظفر سیف الدین حاجی از ممالیک بحری ،
۲۶۰	معز الدوله خسرو شاه غزنوی ،	۷۱	المظفر سیف الدین قدوز از ممالیک بحری ،
۱۰۴	» ابوالعوان تمال مرداسی ،	۱۵۱	المظفر داود ارتقی ،
۱۲۷	» ابوالحسین احمد دیلمی ،	۸۹	المظفر یوسف از ائمه رسولی ،
۸۷-۶۹	» اسماعیل ایوبی ،		
۲۶۸	» بهرام از سلاطین دهلی ،		

المکتفی از خلفای عباسی ، ۱۲	» کیتباد از سلاطین دهلی ، ۲۶۸
المکرم ، احمد صلیحی ، ۸۴-۸۳	» بن سام غوری ، ۲۶۳
ملا ، از خانان خوقند ، ۲۵۲	» کرت ، ۲۲۵
ملک راجه از سلاطین خاندیش ، ۲۸۴	» جهاندار از امیر اطوران مغول هند ، ۲۹۷
ملکشاه نام دونفر از سلاجقه عراق ، ۱۳۵	» سنجر سلجوقی ، ۱۳۵-۱۲۴
ملکشاه ، جلال الدین ابوالفتح ۱۳۵ ، ۱۳۳ سلجوقی ،	» محمود زنگی ، ۱۴۵
ملکشاه نام دونفر از سلاجقه روم ، ۱۳۷	معصوم شاهمراد از امرای منگیت ، ۲۸۴
المکرم صلیحی ، ۸۴ ، ۸۳	المعظم ، شرف الدین عیسی ایوبی ۹۷
مکناسه (برابره) ۳۳	المعظم ، تورانشاه ایوبی ، ۶۷
مماليك (سلاطین) ، ۷۵ ، ۷۰	معن از حمدانیان یمن ، ۸۴
ممای ،	معین الدوله سکمان ارتقی ، ۱۴۹
مهملدولله ابو منصور مروانی ، ۱۰۷	مغاربة (مغروه) ۳۳
المنذر لقب دونفر از امرای تجیبی ، ۲۲	مغول (امیر اطوران) هند ، ۲۹۸-۲۹۲
المستنصر حفصی ، ۴۴	مغول (طوائف) ، ۶۲-۲۱۶-۱۷۹
المستنصر خلیفه عباسی ، ۱۱	۶۶ ، ۱۳۸ ، ۱۵۵ ، ۱۵۷ ، ۱۶۰ ، ۱۶۳
المستنصر مرینی ، ۵۰	۲۶۵ ، ۱۶۶
المنتصر داود ، از ائمه رسی ، ۹۳	مغیث الدین لقب محمد از سلاجقه عراق ، ۱۳۵
منتفك (بنی) ، ۱۰۵	» لقب محمد از سلاجقه کرمان ، ۱۳۶
منداغول مغول ، ۱۹۱	» طغرل از سلاطین بنگاله ، ۲۷۵
المنذر از امویان اندلس ، ۱۶	المفضل محمد از رقبای ائمه رسولی ، ۸۹
المنصور خلیفه عباسی ، ۱۱	مصلح ، ۱۱۴
» عبدالعزیز عامری ، ۲۲	المقتدر از خلفای عباسی ، ۱۱
» از شاهان ارمنیه ، ۱۵۲	المقتدر هودی ، ۲۳
» محمد نام دونفر از ملوک ایوبی ، ۶۹ ، ۶۸	المقتدی از خلفای عباسی ، ۱۲
» اسماعیل فاطمی ، ۶۱	مقصود گرای دونفر از خانان قرم ، ۲۱۲-۲۱۱
» لقب دونفر از فاطمیون ، ۶۱	المقلد عقیلی ، ۱۰۶

۷۱	« سيف الدين قلاوون ازمهاليك بحرى ،	۳۴	« حمادى ،
۷۱	« حسام الدين لاجين از ممالك بحرى ،	۹۵۹	« لقب دونفر ازائمه صنعاء ،
۷۲	« صلاح الدين محمد از ممالك بحرى ،	۸۸	« عمر ازائمه رسولی ،
۷۴	« فخر الدين عثمان از ممالك برجی ،	۱۲۰، ۱۱۹	« نام دونفر از سامانيان ،
۱۰۷	منصور مروانى ،	۸۴-۱۳	« سبا ، از بنی صلیح ،
۲۶۶، ۱۶۱، ۱۶۰	منکبرنى جلال الدين خوارزمشاه ،	۹۱	« تاج الدين عبدالوهاب از طاهريان يمن ،
۲۱۱-۲۰۹	منگلی گرای نام دونفر از خانان قرم ،	۲۲	« تجیسی ،
۱۹۰-۱۸۶	منگو قاآن مغول ،	۳۳	« زیری ،
۲۰۴	منگو تیمور از خانان سیراردو ،	۸۶	« زیرعی ،
۲۴۸	منگیت (امرای) ،	۱۰۸	« المنصور بهاءالدوله ابو کامل مزیدی ،
۱۲۴-۱۲۳	منوچهر زیاری ،	۲۲۲	« منصور (شاه) مظفری ،
۲۳	المؤمن هودی ،	۸۲	« المنصور نجاحی ،
۴۱-۳۹	الموحدین ،	۱۵	« وزیر ،
۲۵۹	مودود غزنوی ،	۱۵۰	« نجم الدين ارتقى ،
۱۵۰	مودود ارتقى ،	۱۵۱	« احمد ارتقى ،
۱۴۴	مودود زنگی ،	۱۵۰	« ارتق ارسلان ارتقى ،
۶۷	موسی ، نام دونفر از ایوبیان ،	۹۲	« القاسم ازائمه رسی ،
۱۲۱	« ایلکی ،	۹۳	« عبدالله ازائمه رسی ،
۱۹۵	« ایلخان ایران ،	۸۹، ۸۸	« عبدالله ازائمه رسولی ،
۵۰	« مرینی ،	۷۴	« عز الدين عبدالعزيز از ممالك برجی ؛
۴۵	« ابو حمو ، نام دونفر از بنی زیان ،	۷۱	« سيف الدين ابوبکر از ممالك بحرى ،
۱۹۱	مولون مغول ،	۷۱	« علاء الدين على از ممالك بحرى ،
۱۸	الموفق حمودی ،	۷۱	« نور الدين على از ممالك بحرى ،
۱۱۷	الموفق برادر معتمد خلیفه عباسی ،		

۵۱	الناصر موحدی ،	۹۴	الموکل ازائمه صنعاء ،
۸۷ ، ۶۹	الناصر ، ایوب ایوبی ،	۷۴	المؤید شهاب الدین احمد از
۶۷	الناصر، صلاح الدین داود ایوبی ،		ممالیک برجی ،
۶۷-۶۴	الناصر، صلاح الدین	۷۴	« الشیخ از ممالیک برجی ،
	یوسف ایوبی ،	۸۲	« نجاح از بنی نجاح ،
۳۴	الناصر حمادی ،	۱۶	« هشام از امویان قرطبه ،
۱۸	الناصر حمودی ،	۱۸	« داود ازائمه رسولی ،
۲۱	الناصر زیری ،	۸۹	« الحسنین ازائمه رسولی ،
۱۶	الناصر، از امویان اندلس ،	۹۴	« محمد ازائمه صنعاء ،
۷۱	الناصر، احمد از ممالیک بحری ،	۲۲۴	مؤید علی سربداری ،
۷۲	الناصر، حسن از ممالیک بحری ،	۱۲۸	مؤید الدوله دیلمی ،
	الناصر، محمد، نام دونفر از ممالیک برجی ،	۱۱	المهدی ، از خلفای عباسی ،
۷۵ ، ۷۴		۳۹	« محمد بن تومرت موحدی ،
۲۵	الناصر، از بنی نصر ،	۶۲-۶۰	« ابو محمد عبیدالله فاطمی ،
۹۲	الناصر، احمد، ازائمه رسی ،	۲۰	« حمودی ،
۹۲	الناصر الدیلمی ، »	۹۵	« لقب دونفر ازائمه صنعاء ،
۹۳	الناصر ، محمد ، »	۹۳-۹۲	« لقب دونفر ازائمه رسی ،
۸۹	الناصر، عبدالله، ازائمه رسولی ،	۸۵	« از بنی مهدی ؛
۹۰ ، ۸۸ ،	الناصر، احمد ، »	۱۶	« از امویان قرطبه ؛
۹۵	الناصر، محمد ازائمه صنعاء ،	۸۵	مهدی (بنی) ،
۱۰۱-۱۰۰	ناصر الدوله، ابو الحسن حمدانی ،	۲۸۴	میران ، محمد شاه فاروقی ،
۱۵۲	ناصر الدین لقب دونفر	۱۸۹	مینک (سلسله)
	از شاهان ارمنستان ،		ن
۲۷۶	ناصر الدین لکنوتی از یادشاهان بنگاله ،		نادرشاه
۲۳۴ ، ۲۳۲	ناصر الدین شاه قاجار ،	۲۹۶ ، ۲۵۰ ، ۲۳۳ ، ۲۳۱	افشار ،
۷۱	ناصر الدین بر که خان از ممالیک بحری ،	۲۴۶	نادر محمدجانی ،
۷۲ ،	ناصر الدین شعبان »	۱۲	الناصر خلیفه عباسی ،
۱۳۵	ناصر الدین محمود سلجوقی ،	۱۱۵	الناصر ، حسن علوی ،

ناصرالدین فرج از مماليك برجی،	۷۴	نصیر ایلك خانى،	۱۲۲
ناصرالدین محمود زنگی،	۱۴۵	نصر مروانى،	۱۰۷
ناصرالدین محمد،	۲۹۷	نصر، نام دو نفر از بنی مرداس، ۱۰۳-۱۰۴	
از امیر اطوران مغول هند،		نصر، ابوالجیوش از بنی نصر،	۲۴
ناصرالدین نصر از سلاطین بنگاله،	۲۷۷	نصر، نام دو نفر از سامانیان،	۱۱۹-۱۲۰
الناصر لدین الله مسعود غز نوى،	۲۵۹	نصر الدوله، ابونصر احمد مروانى،	۱۰۷
ناصر خان محمود گجراتی،	۲۸۲	نصر الله از امرای منگیت،	۲۴۸
ناصر خان از سلاطین خاندیش،	۲۸۲	نصرة الدین لقب دو نفر از امرای هزاراسپی	
ناصر الدوله بدر از امرای حسنویه،	۱۲۵	۱۵۷-۱۵۸	
ناصرالدین بغراء از سلاطین بنگاله،	۲۷۵	نصرت شاه، از سلاطین بنگاله،	۲۷۷
ناصرالدین همایون از		نصرت شاه، از سلاطین دهلی،	۲۶۹
امیر اطوران مغول هند،	۲۹۳، ۲۹۷	نصر (بنی)،	۲۴-۲۵
ناصرالدین خسرو، از سلاطین دهلی،	۲۶۸	نصیرالدین ارتق از سلاطین ارتقی،	۱۵۰
ناصرالدین قباچ از ملوک سند،	۲۶۴	نظام الدوله نصر مروانى،	۱۰۷
ناصرالدین محمود، از سلاطین بنگاله،	۲۷۵	نظام الملك،	۲۸۷
ناصرالدین محمود شاه،	۲۷۷	نظامشاه بهمنی،	۲۸۸
ناصرالدین محمود شاه،	۲۶۸	نظامشاهیان،	۲۹۰
از سلاطین دهلی،		نفیس، از وزای بنی زیاد،	۸۱
ناصرالدین محمود ارتقی،	۱۵۰	نوح، نام دو	
ناصرشاه از سلاطین مالوه،	۲۸۰	نفر از سامانیان،	۱۱۹-۱۲۰
نجاح (بنی)،	۸۲	نورالدوله ایلك خانى،	۱۲۲
نجاح،	۸۲	نورالدوله دبیس مزیدی،	۱۰۸
نجمالدین، لقب دو نفر از ابویان، ۶۷-۶۸		نورالدوله از خانان قرم،	۲۰۹
نجمالدین البی ارتقی،	۱۵۰	نورالدین علی ایوبی،	۶۷
نجمالدین الغازی السعید ارتقی،	۱۵۰	نورالدین علی از مماليك،	۷۱
نجمالدین ایاغازی ارتقی،	۱۵۰	نورالدین ارسلانشاه، نام دو نفر از اتابکان	
النجم (ابو)، بدر حسنویه،	۱۲۵	زنگی،	۱۴۴
ربوته از خانان خوقند،	۲۵۲	نورالدین محمود زنگی،	۱۴۴-۱۴۵
نزار فاطمی،	۶۱	نورالدین محمد ارتقی،	۱۵۰

۱۲۲	هارون ايلك خانى ،	۱۵۸	نورالورد هزار اسپی ،
۵۸	هارون طولونی ،	۲۴۲	نوروز ، احمد شیبانی ،
۲۵۸-۲۵۷	هزار اسپى (امرای) ،		نوروز بيك از خاندان سير
۵۳	هشام ، از شرفای فلالي ،	۲۰۶	ازدو ، مقابل صفحه ،
۸۴	هشام ، از حمدانيان يمن ،	۱۹۳	نوشیروان ايلخان ايران ،
۹۰۸	هشام اموى ،	۲۱۵	نيك پای ، از اولوس جغتای ،
	هشام ، نام سه نفر	۲۹۷	نيكو سير ، از امير اطوران
۱۷۰۱۶	از امويان قرطبه ،		مغول هند ،

و

۱۹۵، ۱۹۳	هلاكو، ايلخان ايران ،	۱۱	وائق ، خليفة عباسی ،
۲۸۹، ۲۷۸	همايون ، علاء الدين بهمنی ،	۴۱	وائق ، ابو العلاء موحدی ،
	همايون ، ناصر الدين از	۲۰	وائق حمودى ،
۲۹۷، ۲۹۳	امير اطوران مغول هند ،	۵۰	وائق مرینى ،
۲۲	هودى (امرای) ،	۲۴۵	والی محمد جانی ،
۱۵۸	هوشنگ هزار اسپی ،		
۲۸۰	هوشنگ الپ خان از سلاطين مالوه ،		

ی

		۵۱	وتعس (بنی) ،
۲۵۰	یادگار از خاندان حيوه ،	۲۲۴	وجيه الدين مسعود سربدارى ،
۲۴۳	يار محمد شیبانی ،	۱۲۴، ۱۲۳	وشمگیر ظهير الدوله زیاری ،
۲۲۲	یحیی (شاه) مظفری ،	۲۲۱	ولد شاه (جلایر) ،
۹۰ ، ۸۸	یحیی رسولی ،	۹، ۸	ولید ، نام دو نفر از خلفای اموى ،
		۵۲	ولید از شرفای حسنی ،

ه

۲۲۴	یحیی سربدارى ،	۱۱	الهادی ، خليفة عباسی ،
۲۲	یحیی ، المظفر تجیبی ،	۹۴	الهادی ، محمد ، از ائمه صنعا ،
۳۳	یحیی زیری ،	۹۵ ،	الهادی المجید ،
۴۴	یحیی (ابو) حفصی ،		
۴۱	یحیی المعتصم موحدی ،	۹۲	الهادی ، نجم الدين یحیی ، از ائمه رسی ،
۲۲	یحیی القادر ذوالنونى ،	۹۲ ،	الهادی ، یحیی ،
۲۱	یحیی الهمون ذوالنونى ،	۱۱	هارون الرشید عباسی ،
۴۴ - ۴۳	یحیی ابوزکریا نام سه نفر از امرای حفصی ،		

۲۹۱	یوسف عادلشاهی ،	۳۴	یحیی حمادی ،
۴۱	یوسف ، ابو یعقوب نام دو نفر از امرای موحدی ،	۱۸ ، ۱۶	یحیی المعتنی حمودی ،
	یوسف بن تاشقین مرابطی ، ۳۶ ، ۳۷	۲۹	یحیی ، نام چهار نفر از ادارسه ،
	یوسف ، نام سه نفر از ایوبیان ۸۷ ، ۶۸ ، ۶۷	۴۹	یحیی (ابو) مرینی ،
۱۴۷	یوسف ، زین الدین بکتگینی ،	۵۳	یزید ، از شرفای فلالی ،
۲۷۷	یوسفشاه بنگالی ،	۹۰ ، ۸	یزید ، نام سه نفر از خلفای اموی ،
	یوسف شاه ، نام دو نفر از امرای هزار اسپی ،	۳۰ ، ۲۸	یزید بن حاتم ،
۱۵۸		۸۱	یعفور بن عبد الرحمن یعفوری ،
۲۳	یوسف المؤمن هودی ،	۸۱	یعفور (بنی) ،
۵۳	یوسف سلطان مراکش ،	۱۱۷ ، ۱۱۶	یعقوب بن لیث صفاری ،
۱۲۲	یوسف ایلک خانی ،	۳۰۴ ، ۳۰۳	یعقوب افغان ،
۷۴	یوسف ؛ از ممالیک برجی ،	۲۲۷	یعقوب آق قویونلو ،
۴۹	یوسف ؛ ابو یعقوب مرینی ؛	۴۱	یعقوب ، ابو یوسف المنصور موحدی ،
۲۵	یوسف ؛ نام چهار نفر از بنی نصر ،	۴۹	یعقوب ابو یوسف مرینی ،
	یوسف المظفر دو نفر ازائمه رسولی ؛ ۹۰ ، ۱۹ ، ۸۸	۵۰	یعقوب مرینی ،
۳۳	یوسف بلکین زبری ،	۴۱	یعقوب (ابو) موحدی ،
۴۱	یوسف (ابو) موحدی ،	۴۶ ، ۴۵	یغمرسن زیانی ،
۴۹	یوسف (ابو) مرینی ،	۱۳۹	یغی (یا یعقوب) ، ارسلان از امرای دانشمندی ،
۱۵۰	یولق ارسلان ارتقی ،	۲۶۴	یلدز ،
۱۸۰	ییسو کای بهادر پدر چنگیز ،		یمین الدوله لقب سلطان محمود و بهرامشاه غزنوی ، ۲۶۰ ، ۲۵۹
۲۱۵	ییسون بوغا ، از اولوس جغتای ،	۱۹۱ - ۱۸۸	یونن (سلسله) ،
۲۱۶	ییسون تیمور از اولوس جغتای	۲۷۵	یوز بک ، از سلاطین بنگاله ،
۱۹۱	ییسون تیمور ، مغول ،	۱۱۴ ، ۱۱۳	یوسف ساجی ،
۲۱۵	ییسون منگو ، از اولوس جغتای ،		



بی بی